

تصویر ابو عبد الرحمن الكردي
مجموعه خودآموز گرامر انگلیسی از پایه تا پیشرفته
قابل استفاده در زندگی روزمره
گرامر نوین
ا. طلوع
MP3 CD

بسم الله الرحمن الرحیم

گرامر نوین

مجموعه خودآموز گرامر انگلیسی از پایه تا پیشرفته

ا. طلوع

سرشناسه	:طلوع، ابوالقاسم، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	:گرامر نوین: مجموعه خودآموز گرامر انگلیسی از پایه تا پیشرفته/ مولف: ابوالقاسم طلوع
مشخصات نشر	: تهران: جنگل، جاودانه ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	:۳۵۲ص.
شابک	: ۹-۲۴۸-۹۸۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: مجموعه خودآموز گرامر انگلیسی از پایه تا پیشرفته.
موضوع	: زبان انگلیسی- - دستور.
موضوع	: زبان انگلیسی- - دستور- - آزمون‌ها و تمرین‌ها.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۴گ۸ط/PE۱۱۳۰
رده‌بندی دیویی	: ۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۷۴۶۲۳

جنگل

عنوان کتاب: گرامر نوین مجموعه خودآموز گرامر انگلیسی از پایه تا پیشرفته

مؤلف: ابوالقاسم طلوع

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظرفنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: ششم،۱۳۹۰

قطع و تیراژ: وزیری،۵۰۰۰ نسخه

قیمت:۷۰۰۰۰ ریال با CD رایگان

شابک: ۹-۲٤۸-۹۸۱-۹٦٤-۹۷۸

تلفن:۶۶۴۹۰۴۸۸- ۶۶۴۹۰۴۶۵- ۰۲۱ ***email://Info@junglepub.org***

۹-۳۲۰۳۸۰۰- ۳۲۰۵۰۶۷- ۰۳۱۱ ***http:// www.junglepub.org***

دوست گرامی

خوب است بدانیم که زبان فرایند تکامل یافته اصواتی است که به تدریج به وسیله مردمان در هر ناحیه و سرزمین ایجاد گردیده و توسط همان افراد معنی دار شده است. زبان ها در طول زمان تغییر می یابند. کلمات می میرند و باز متولد می شوند. قواعد ایجاد می شوند و با مرور زمان دستخوش دگرگونی می گردند. در واقع همه این قواعد و قوانین زبان به طور ناخودآگاه توسط مردمانی که به آن زبان سخن می گویند ایجاد شده و تداوم می یابند.

اما گرامر چیست؟

گرامر سیستم تشکیل دهنده زبان است. سیستمی که کسی آن را خلق نکرد و یا قوانینی را برای آن نیافرید. به عبارتی گرامر آئینه تمام نمای زبان مردمان نواحی مختلف در زمان خودشان است.

حالا این پرسش پیش می آید آیا دانستن گرامر ضرورت دارد؟

در پاسخ باید بگوئیم (بله). زیرا هنگام یادگیری یک زبان خارجی، گرامر می تواند کمک کند تا ما زبان را بهتر بشنویم، صحبت کنیم، بخوانیم و بنویسیم.

بهتر است گرامر را یک دوست خوب بدانیم. دوستی که به ما اعتماد به نفس داده و کمک می کند تا در یادگیری فقط به خود متکی باشیم.

در واقع گرامر راهنمای ما در کلیه مراحل یادگیری مان در زبان است.

مخاطب محترم، کتابی که در دست شماست سعی کرده نقش همین دوست را بازی کند. دوستی که خیلی سختگیر نیست. دوستی که با روی گشاده گرامر زبان انگلیسی را بدون پرداختن به نکات زائد و پیچیده به شما می آموزد.

هر درس با شرح مختصری از گرامر آن درس شروع می شود. پس از آن واژگان مهم تمرینات با معنی و تلفظ فارسی و تلفظ فونتیک آمده است. از آنجا که افراد از زبان بیشتر برای مقاصد مکالمه و محاوره شان استفاده می کنند، در این کتاب به تلفظ، اهمیت زیادی داده شده است . خواننده با مطالعه نکات گرامری هر درس می تواند به راحتی تمرینات را حل نموده و با مراجعه به ترجمه جملات در پائین تمرینات، به رفع مشکل خوددر زمینه معنی آنها بپردازد.به این ترتیب، شما در هر پایه و سطحی که باشید با یاری گرفتن از کتاب **گرامر نوین،** به راحتی می توانید مشکلات گرامری خود را حل نموده و در عین حال درک عمیق و دیرپائی از زبان انگلیسی داشته باشید.

با آرزوی توفیق همه شما

طلوع

فهرست مطالب و مندرجات

شماره بخش	عنوان مطلب	شماره صفحه

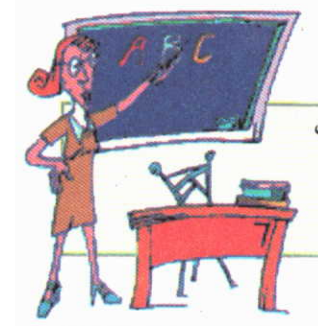
اره بخش	عنوان مطلب	شماره صفحه

شماره بخش	عنوان مطلب	شماره صفحه
۷۰	کاربرد when, until, before و غیره با زمان حال	۲۸۲
۷۱	کاربرد wish	۲۸٤
۷۲	کاربرد too و so	۲۸٦
۷۳	کاربرد either و neither	۲۸۸
۷٤	کاربرد but بعلاوه افعال کمکی	۲۹۰
۷۵	جملات منفی سوالی	۲۹۲
۷٦	کلمات پرسشی در مقام فاعل	۲۹٤
۷۷	کاربرد ...may have و ...must have	۲۹٦
۷۸	شکل سببی	۲۹۹
۷۹	شکل تعجبی	۳۰۱
۸۰	شکل تاکیدی	۳۰۳
۸۱	جای حروف اضافه در جملات	۳۰۵
۸۲	نکات کاربردی ویژه	۳۰۹
۸۳	سه قسمت مهم ترین افعال بی قاعده	۳۱۷
۸٤	نمونه صرف افعال (در زمان های مختلف)	۳۲۱
۸۵	پاسخ نامه تمرینات	۳۲۷



The English Alphabet & It's Sounds

الفباء انگلیسی و صداهای آن



الفباء انگلیسی دارای ۲۶ حرف است که این حروف به دو صورت حروف بزرگ و حروف کوچک نوشته می شوند. حروف بزرگ در اول جمله و حرف اول اسم های خاص به کار برده می شوند.

الف: حروف بزرگ

A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M
اِی	بی	سی	دی	ئی	اِف	جی	اِیچ	آی	جِی	کِی	اِل	اِم

N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z
اِن	اُ	پی	کیو	آر	اِس	تی	یو	وی	دابلیو	اِکس	وای	زی

ب: حروف کوچک



a b c d e f g h i j k l m
n o p q r s t u v w x y z

نکته بسیار مهم در یادگیری زبان انگلیسی نحوه تلفظ صحیح کلمات می باشد. زیرا اکثر آنها آنگونه که نوشته می شوند خوانده نمی گردند.

برای تسلط بر تلفظ کلمات انگلیسی سه راه وجود دارد:

۱. شنیدن کلمات و جملات از طریق گوینده زبان، سی دی و نوار صوتی

۲. یادگیری علائم فونتیک

۳. استفاده از تلفظ فارسی کلمات



حروف الفباء و صداها

حرف	اسم	صدا	مثال	تلفظ فارسی	معنی
a	اِی	آ - اَ - اِی - اِ	ball	بال	توپ
			sad	سَد	غمگین
			Asia	اِیش	آسیا
			America	اِمریکِ	آمریکا
b	بی	ب	boy	بُی	پسر
c	سی	س - ک	city	سیتی	شهر
			come	کام	آمدن
d	دی	د	day	دِی	روز
e	ئی	اِ - ئی	let	لِت	اجازه دادن
			evening	ئیونینگ	غروب - شب
f	اِف	ف	face	فِیس	صورت
g	جی	ج - گ	Germany	جِ(ر)مِنی	آلمان
			good	گُد	خوب
h	اِیچ	ه	home	هُوم	خانه
i	آی	آی - یِ کوتاه	like	لایک	دوست داشتن
			live	لیوْ	زندگی کردن
j	جِی	ج	Japan	جپَن	ژاپن
k	کِی	ک	kind	کایند	مهربان
l	اِل	ل	lend	لِند	قرض دادن
m	اِم	م	man	مَن	مرد
n	اِن	ن	name	نِیم	نام
o	اُو	اُو - اُ - اِ - آ	open	اُوپن	باز کردن
			order	اُ(ر)دِ(ر)	دستور دادن
			sailor	سِیلِ(ر)	ملوان
			top	تاپ	بالا

حرف	اسم	صدا	مثال	تلفظ فارسی	معنی
p	پی	پ	pay	پِی	پرداخت کردن
q	کیو	ک	queen	کوئین	ملکه
r	آر	ر	red	رِد	قرمز
s	اِس	س- ز	six	سیکس	(عدد) شش
			boys	بُیز	پسران
t	تی	ت	tea	تی	چای
u	یو	آ- اِ- اُ- او- یو	sun	سان	خورشید
			hurt	هِ(ر)ت	صدمه زدن
			put	پُت	گذاشتن
			rule	رول	حکومت کردن
			use	یوز	استفاده کردن
v	وی	و	very	وِری	خیلی
w	دابلیو	صدای (و) عربی لبها گرد می شوند	wall	وال	دیوار
x	اِکس	کْ سْ	box	باکس	جعبه
		ز	xerox	زیراکس	فتوکپی کردن
y	وای	آی- ی	type	تایپ	تایپ کردن
			yes	یِس	بله
z	زی (زِد)	ز	zero	زیرُو	صِفر

صداهای ترکیبی

حرف	توضیح	مثال	تلفظ فارسی	معنی
th	نوک زبان بین دو دندان مانند (ذ) عربی تلفظ می شود. (تلفظ این صدا در گلو لرزش ایجاد می کند.)	they	ذِی	آنها (اینها)
		there	ذِ(ر)	آنجا
		that	ذَت	آن
		these	ذیز	اینها
th	نوک زبان بین دو دندان مانند (ث) عربی تلفظ می شود.	three	ثْری	سه
		thirty	ثِ(ر)تی	سی

صداهای ترکیبی				
ch	چ	cheese	چیز	پنیر
sh	ش	shirt	شِ(ر)ت	پیراهن

در این کتاب برای تلفظ کلمات، هم از علائم فونتیک استفاده شده است و هم از الفباء فارسی.
باید به این نکته توجه داشت که بهترین راه یادگیری تلفظ لغات گوش دادن به آنهاست.
اما در صورتی که به سی دی یا نوار صوتی دسترسی نباشد، یادگیری تلفظ با استفاده از علائم فونتیک میسر می باشد. البته در این کتاب برای یادگیری بهتر، تلفظ فارسی لغات هم آمده است.
توصیه می شود قبل از مطالعه کتاب راهنمای علائم فونتیک را بیاموزید.

راهنمای علائم فونتیک

۱. صامت ها (بی صداها)

علامت	مفهوم علامت	مثال	تلفظ فارسی	فونتیک
b	ب	bag	بَگ	bæg
d	د	door	دُ(ر)	dɔ:
g	گ	glad	گلَد	glæd
v	و	van	وَن	væn
ð	نوک زبان بین دو دندان مانند (ذ) عربی تلفظ می شود. (تلفظ این صدا در گلو لرزش ایجاد می کند.)	mother	ماذِ(ر)	ˈmʌðə
z	ز	zoo	زو	zu:
ʒ	ژ	television	تِلِویژِن	ˈtelɪvɪʒən
dʒ	ج	jet	جِت	dʒet

فونتیک	تلفظ فارسی	مثال	مفهوم علامت	علامت
pen	پِن	pen	پ	p
teɪbl	تِیبُل	table	ت	t
fæn	فَن	fan	ف	f
θri:	ثُری	three	نوک زبان بین دو دندان مانند (ث) عربی تلفظ می شود.	θ
ʹsevən	سِوِن	seven	س	s
ʃi:p	شیپ	sheep	ش	ʃ
tʃeə	چِ(ر)	chair	چ	tʃ
ʹlaɪən	لایِن	lion	ل	l
ʹreɪdɪəʊ	رِیدیو	radio	ر	r
jes	یِس	yes	ی	j
ʹwindow	ویندُو	window	صدای (و) عربی (لبها گرد می شوند)	w
mæp	مَپ	map	م	m
ne:s	نِ(ر)س	nurse	ن	n
sɪŋ	سینگ	sing	اینگ	ŋ
hæt	هَت	hat	ه	h
kæt	کَت	cat	ک	k

۲. مصوت ها (صدادار ها)

فونتیک	تلفظ فارسی	مثال	مفهوم علامت	علامت
i:t	ایت	eat	ئی کشیده	i:
′ru:lə	رولِ(ر)	ruler	او	u:
kɑ:	کا(ر)	car	آ کشیده	ɑ:
dɔ:	دُ(ر)	door	آ یا اُ کشیده	ɔ:
gə:l	گِ(ر)ل	girl	اِ کشیده	ə:
bʌs	باس	bus	آ کشیده	ʌ
ʃɪp	شِپ	ship	ئی کوتاه	ɪ
kʊk	کُک	cook	اُ کوتاه	ʊ
fæt	فَت	fat	اَ	æ
klɒk	کْلاک	clock	آ کشیده	ɒ
′hæpi	هَپی	happy	ی	i
bə′lu:n	بِلون	balloon	اِ کوتاه	ə

۳. صداهای ترکیبی

علامت	مفهوم علامت	مثال	تلفظ فارسی	فونتیک
eɪ	اِی	plane	پْلِین	pleɪn
aɪ	آی	kite	کایت	kaɪt
ɔɪ	اُی	toy	تُی	tɔɪ
əʊ	اِو / اُو	open	اُوپِن	ˈəʊpən
aʊ	اَو	house	هَوْس	haʊs
ɪə	ئی یِ	fear	فی یِ(ر)	ˈfɪə
eə	اِ کشیده	hair	هِ(ر)	heə
aɪə	آیِ	fire	فایِ(ر)	ˈfaɪə

۴. علامت استرس (فشار صوتی)

علامت (ˈ) به این مفهوم است که صدای بعد از آن با قدرت و شدت بیشتری اداء می شود.

نکته مهم:

صدای (ر) در داخل پرانتز به این معنی است که (ر) را ضعیف تلفظ می کنیم و مانند (ر) فارسی خیلی قوی اداء نمی کنیم.

واژه نامه هائی که تلفظ انگلیسی بریتانیائی (British English) دارند، صدای (r) در بسیاری از کلمات تلفظ نمی شود. اما در فرهنگ لغت های آمریکائی این صدا تلفظ می گردد. در هر صورت به فراگیران فارسی زبان توصیه می شود این صدا را به صورت ضعیف تلفظ کنند.



To Be
Present Tense

زمان حال ساده فعل بودن to be

	شکل کامل			شکل کوتاه شده		
اول شخص مفرد	I am	آی اَم	I'm	آیم	من هستم
دوم شخص مفرد	you are	یو آ(ر)	you're	یُ(ر)	تو هستی
سوم شخص مفرد	he is	هی ایز	he's	هیز	او هست (مذکر)
	she is	شی ایز	she's	شیز	او هست (مونث)
	it is	ایت ایز	it's	ایتس	این(آن) هست
اول شخص جمع	we are	وی آ(ر)	we're	وی اِ(ر)	ما هستیم
دوم شخص جمع	you are	یو آ(ر)	you're	یُ(ر)	شما هستید
سوم شخص جمع	they are	ذِی آ(ر)	they're	ذِ(ر)	آنها هستند

Vocabulary

good	gʊd	گُد	خوب
student	'stu:dənt	سْتودنت	دانش آموز
friend	frend	فْرِند	دوست
old	əuld	اُولد	قدیمی، پیر
absent	'æbsənt	اَبسِنت	غایب
from	frʌm	فْرام	از
class	klæs	کْلَس	کلاس
today	tə'dei	تِدِی	امروز
both	bəʊθ	بُوث	هردو
weather	'weðe(r)	وِذِ(ر)	هوا
sky	skaɪ	سْکای	آسمان
clear	'klɪe(r)	کْلیِ(ر)	صاف، روشن
brother	'brʌðə(r)	بْراذِ(ر)	برادر
cousin	'kʌzɪn	کازِن	بچه های عمو، دائی، عمه و خاله
sick	sɪk	سِک	بیمار
nurse	nə:s	نِ(ر)س	پرستار
lawyer	'lɔ:jə	لایِ(ر)	وکیل

policeman	ˈpəlɪsmən	پِلیس مِن	پلیس
corner	ˈkɔ:nə(r)	کُ(ر)نِ(ر)	گوشه
busy	ˈbɪzi	بِزی	مشغول
traffic	ˈtræfɪk	تْرَفِک	ترافیک



ractice

Supply the correct form of the present tense of *to be* as in the example.

شکل درست زمان حال فعل بودن را مانند مثال درجای خالی بنویسید.

1. She .... a good student.
   (She is a good student.)
2. They .... old friends.
3. I .... a student.
4. John .... absent from class today.
5. We .... both students.
6. The weather today .... good.
7. The sky .... clear.
8. Henry and John .... brothers.
9. She and I .... cousins.
10. I .... sick today.
11. She .... a businesswoman.
12. You .... a lawyer.
13. Today .... Wednesday.
14. She and John .... both good students.
15. The policeman on the corner .... busy with the traffic.
16. You .... old friends.

The policeman on the corner is busy with the traffic.

۱.او دانشجو(دانش آموز) خوبی است. ۲.آنها دوستان قدیمی هستند. ۳.من یک دانشجو (دانش آموز) هستم. ۴.جان امروز از کلاس غایب است. ۵. ما هردو دانش آموز هستیم. ۶.هوا امروز خوب است. ۷.آسمان صاف است. ۸.هنری و جان برادر هستند. ۹. من و او پسر عمو دختر عمو هستیم. ۱۰.من امروز بیمار هستم. ۱۱.او یک تاجر(زن) است. ۱۲.شما یک وکیل هستید. ۱۳.امروز چهارشنبه است. ۱۴.او و جان هر دو شاگردان خوبی هستند. ۱۵.پلیس سر نبش درگیر ترافیک است. ۱۶.شما دوستان قدیمی هستید.

توجه(۱) اینها ضمائر فاعلی هستند:

I	آی	من
you	یو	تو
he	هی	او(مذکر)
she	شی	او(مونث)
it	ایت	این(آن) غیر شخص
we	وی	ما
you	یو	شما (جمع)
they	ذِی	آنها

توجه(۲) اینها مشتقات فعل بودن هستند:

am	اَم	هستم
are	آ(ر)	هستی، هستیم هستید، هستند
is	ایز	هست (است)



To Be
Negatives & Questions

شکل منفی و سوالی فعل بودن to be

برای ساختن شکل منفی فعل بودن از not بعد از فعل استفاده می کنیم.

I am a student. — من دانش آموز هستم.
I am not a student. — من دانش آموز نیستم.

برای ساختن شکل سوالی فعل بودن فعل را قبل از فاعل قرار می دهیم.

They are absent from class today. — آنها امروز از کلاس غایب هستند.
Are they absent from class today? — آیا آنها امروز از کلاس غایب هستند؟
Why are they absent from class today? — چرا آنها امروز از کلاس غایب هستند؟

شکل سوالی		شکل منفی		
Am I?	آیا من هستم؟	I am not	آی اَم نات	من نیستم
Are you?	آیا تو هستی؟	you are not	یو آ(ر) نات	تو نیستی
Is he?	آیا او هست؟	he is not	هی ایز نات	او نیست (مذکر)
Is she?	آیا او هست؟	she is not	شی ایز نات	او نیست (مونث)
Is it?	آیا این (آن) هست؟	it is not	ایت ایز نات	این(آن) نیست
Are we?	آیا ما هستیم؟	we are not	وی آ(ر) نات	ما نیستیم
Are you?	آیا شما هستید؟	you are not	یو آ(ر) نات	شما نیستید
Are they?	آیا آنها هستند؟	they are not	ذِی آ(ر) نات	آنها نیستند

شکل کوتاه شده منفی

I'm not	آیم نات	من نیستم
you aren't	یو آنت	تو نیستی
he isn't	هی ایزنت	او نیست (مذکر)
she isn't	شی ایزنت	او نیست (مونث)
it isn't	ایت ایزنت	این(آن) نیست
we aren't	وی آنت	ما نیستیم
you aren't	یو آنت	شما نیستید
they aren't	ذِی آنت	آنها نیستند



Vocabulary

negative	ˈnegətɪv	نِگ تیو	منفی
Europe	ˈjʊərəp	یورِپ	اروپا
now	naʊ	نَو	حالا
angry	ˈæŋgri	اَنگری	عصبانی
serious	ˈsi:riəs	سیریِس	جدی
sister	ˈsɪstə	سِیستِ(ر)	خواهر
tall	tɔ:l	تال	بلند قد
clever	ˈklevə	کْلِوِ(ر)	باهوش
girl	gə:l	گِ(ر)ل	دختر
member	ˈmembər	مِمبِ(ر)	عضو
library	ˈlaɪbrəri	لایبرِری	کتابخانه
tennis	ˈtenɪs	تِنِس	تنیس
player	ˈpleɪə	پْلِیِ(ر)	بازیکن
pilot	ˈpaɪlət	پایلِت	خلبان
American	əˈmerɪkən	اِمریکِن	آمریکایی
airline	ˈeəlaɪn	اِ(ر)لاین	خط هوایی
cloudy	ˈklaʊdi	کْلَودی	ابری
office	ˈɒfɪs	آفِس	دفتر کار
principal	ˈprɪnsɪpl	پْرِنسِپِل	مدیر مدرسه
first	fə:st	فِ(ر)ست	اول
floor	flɔ:	فْلُ(ر)	طبقه
cold	kəʊld	کُولد	سرد
stamp	stæmp	سْتَمپ	تمبر
smart	smɑ:t	سْما(ر)ت	زرنگ
movie	ˈmu:vi	مووی	فیلم



Practice (1)

Change the following sentences from affirmative to negative as in the example.

جملات زیر را مانند مثال از خبری به منفی تغییر دهید.

1. She is in Europe now.
   (She isn't in Europe now.)
2. You are angry.
3. He and she are cousins.
4. He is very serious.
5. Both sisters are tall.

6. She is a clever girl.
7. They are members of the library.
8. He is a good tennis player.
9. Eliot is a pilot with American Airlines.
10. The sky is very cloudy today.
11. The office of the principal is on the first floor.
12. It is cold today.
13. She is in her office.
14. It is a good movie.
15. The stamps are in my desk.
16. He is a smart boy.



Eliot is a pilot with American Airlines.



He is a smart boy.

۱.او حالا در اروپا است. ۲.تو عصبانی هستی. ۳.او و او(مونث) پسر عمو دختر عمو هستند. ۴.او خیلی جدی است. ۵.هر دو خواهر بلند قد هستند. ۶.او دختر باهوشی است. ۷.آنها عضو کتابخانه هستند. ۸.او تنیس باز خوبی است. ۹.الیوت خلبان امریکن ارلاین است. ۱۰.آسمان امروز خیلی ابری است. ۱۱.دفتر مدیر مدرسه در طبقه اول است. ۱۲.امروز هوا سرد است. ۱۳.او در دفتر کارش است. ۱۴.این فیلم خوبی است. ۱۵.تمبرها درون میز تحریرم هستند. ۱۶.او پسر زیرکی است.

Practice (2)

Change the sentences in Exercise (1) to questions as in the example.

جملات تمرین (۱) را مانند مثال به سوالی تغییر دهید.

She is very serious.
(Is she very serious?)

او خیلی جدی است.
(آیا او خیلی جدی است؟)



She is very serious.



Plural Nouns (1)

جمع اسامی (۱)

۱. بیشتر اسامی با اضافه کردن s به آخر آنها جمع بسته می شوند.

door - doors	دُ(ر) - دُو(ر)ز	درب- درب ها
teacher - teachers	تی چِ(ر) - تی چِ(ر)ز	معلم- معلمین
pen - pens	پِن - پِنز	خودکار- خودکارها

۲. کلماتی که به x, ch, sh, s و z ختم شوند، در جمع es می گیرند.

church - churches	چِ(ر)چ - چِ(ر)چیز	کلیسا- کلیسا ها
box - boxes	باکس - باکسیز	جعبه- جعبه ها
class - classes	کْلَس - کْلَسیز	کلاس- کلاس ها

۳.برخی از اسامی دارای جمع بی قاعده هستند.

man - men	مَن - مِن	مرد- مردان
woman - women	وُمِن - وِمِن	زن- زنان
foot - feet	فُت - فیت	پا-پاها
tooth - teeth	توث - تیث	دندان- دندان ها
child - children	چایلد - چِلدرِن	بچه- بچه ها
mouse - mice	مَوس - مایس	موش- موش ها

Vocabulary

give	gɪv	گیوْ	دادن
plural	ˈplu:rəl	پلورَل	جمع
noun	naʊn	نَون	اسم
salesman	ˈseɪlzmən	سِیلزمِن	فروشنده (مرد)
buzz	bʌz	باز	صدای وزوز
orange	ˈɒrɪndʒ	آرینج	پرتقال
dish	dɪʃ	دش	غذا، ظرف غذا
glass	glæs	گْلَس	لیوان، شیشه
foot	fʊt	فُت	پا
singular	ˈsɪŋgjʊlə	سِنگیولِ(ر)	مفرد
pencil	ˈpensəl	پِن سُل	مداد

on	ɒn	آن	روی
kitchen	'kɪtʃən	کِچِن	آشپزخانه
new	nu:/ nju:	نو، نیو	جدید
bus	bʌs	باس	اتوبوس
garden	'gɑ:dən	گا(ر)دِن	باغ
clock	klɒk	کْلاک	ساعت دیواری
wall	wɔ:l	وال	دیوار



Practice (1)

Give the plural forms of these nouns.

شکل جمع این اسامی را بنویسید.

friend	......*friends*........	dish	....
salesman	....	glass	....
buzz	....	player	....
orange	....	foot	....



Practice (2)

Change the following sentences from singular to plural as in the example.

جملات زیر را مانند مثال از مفرد به جمع تبدیل کنید.

۱.مداد روی میز تحریر است.
(مداد ها روی میز تحریر هستند.)

1. The pencil is on the desk.
   (The pencils are on the desk.)
2. The glass is in the kitchen.
3. It is a new dish.
4. The bus is at the corner.
5. The child is in the garden.
6. The clock is on the wall.

۲.لیوان در آشپزخانه است. ۳.این یک غذای جدید است. ۴.اتوبوس سر نبش است. ۵.بچه در باغ است. ۶. ساعت روی دیوار است.





Indefinite Article a or an

حروف تعریف نامعین a یا an

۱. حرف تعریف نامعین a قبل از اسامی مفرد که با حروف بی صدا شروع شوند به کار می رود.

a computer	اِکمپیوت(ر)	یک کامپیوتر

نکته(۱): حرف u اگر صدای (یو) بدهد، در حکم بی صداست، و بنابراین قبل از آن a به کار می رود.

a university	اِ یونی وِ (ر)سِتی	یک دانشگاه
a uniform	اِ یونی فُ(ر)م	یک یونیفرم
a European	اِ یورِپی ین	یک اروپائی

نکته (۲): قبل از one هم از حرف تعریف نامعینِ a استفاده می شود. زیرا با صدای (و) شروع می شود.

a one way road	اِ وان وِی رُود	یک راه یکطرفه
a one story building	اِ وان سْتوری بِلدینگ	یک ساختمان یک طبقه

۲. حرف تعریف نامعین an قبل از اسامی مفردی که با یکی از حروف a, e, o, i و u شروع شوند، به کار می رود.

an egg	اَن اگ	یک تخم مرغ
an umbrella	اَن آمبرِلا	یک چتر
an angry man	اَن اَنگری مَن	یک مرد عصبانی
an honest man	اَن آنیست مَن	یک مرد منصف
an hour	اَن اَوِ	یک ساعت

نکته: در مثال های بالا از آنجا که h در کلمات hour و honest غیر ملفوظ می باشد،یعنی اینکه خوانده نمی شود، قبل از این کلمات an به کار می رود.



ocabulary

lovely	ˈlʌvli	لاولی	قشنگ
day	deɪ	دِی	روز
university	juːnɪˈvəːsɪti	یو نی وِ(ر)سِتی	دانشگاه
unusual	ʌnˈjuːʒuəl	آن یوژُال	غیر عادی
exception	ɪkˈsepʃn	ایکسِ پشِن	استثنا
rule	ruːl	رول	قاعده، قانون
long	lɒŋ	لانگ	طولانی، دراز
trip	trɪp	تْرِپ	سفر
easy	ˈiːzi	ایزی	آسان
large	lɑːdʒ	لا(ر)ج	بزرگ
library	ˈlaɪbrəri	لایب رِری	کتابخانه
ugly	ˈʌgli	آگلی	زشت
hotel	həʊˈtəl	هُوتِل	هتل
pear	peə	پِ(ر)	گلابی
honest	ˈɒnɪst	آنِست	درستکار
happy	ˈhæpi	هَپی	خوشحال
child	tʃaɪld	چایلد	بچه
used	juːzd	یوزد	دست دوم
tall	tɔːl	تال	بلند، بلند قد
tree	triː	تْری	درخت
egg	eg	اگ	تخم مرغ
apple	ˈæpl	اَپِل	سیب
empty	ˈemti	اِمتی	خالی
bottle	bɒtl	باتُل	بطری
hour	ˈaʊə	آوِ(ر)	ساعت
till	tɪl	تیل	تا
lunch	lʌntʃ	لانچ	ناهار
windy	ˈwɪndi	ویندی	طوفانی
gift	gɪft	گیفت	هدیه
story/ storey	ˈstɔːri	سْتُوری	طبقه
building	ˈbɪldɪŋ	بِلدینگ	ساختمان

Practice

Complete the following sentences with *a* or *an*.

جملات را با a یا an کامل کنید.

1. It is .... lovely day.
   (It is a lovely day.)
2. It is .... old university.
3. He is .... unusual man.
4. It is .... exception to the rule.
5. It is .... long trip, but it is .... easy trip.
6. It is .... large library.
7. It is .... ugly hotel.
8. It is .... pear.
9. He is .... honest man.
10. She is .... happy child.
11. The car is .... used car.
12. It is .... tall tree.
13. It is .... egg.
14. It is .... apple.
15. It is .... old bus.
16. It is .... empty bottle.
17. It is .... hour till lunch.
18. It is .... windy day.
19. The gift is .... new book.
20. It is .... one-story building.

It is a one-story building.

۱.روز قشنگیه. ۲.این یک دانشگاه قدیمی است. ۳.او مردی غیر عادی است. ۴.این استثناء بر قاعده است. ۵.این سفری طولانی، اما راحت است. ۶.این یک کتابخانه بزرگ است. ۷.این یک هتل زشت است. ۸.این یک گلابی است. ۹.او مردی درستکار است. ۱۰.او کودکی شاد است. ۱۱.ماشین دست دوم است. ۱۲.این درختی بلند است. ۱۳.این یک تخم مرغ است. ۱۴.این یک سیب است. ۱۵.این یک اتوبوس فرسوده است. ۱۶.این یک بطری خالی است. ۱۷.تا ناهار یک ساعت مانده . ۱۸.امروز یک روز طوفانی است. ۱۹.هدیه یک کتاب جدید است. ۲۰.این یک ساختمان یک طبقه است.



To Have
Present Tense
فعل داشتن (زمان حال)

I	have	آی هَوْ	I've	got	آیوْ گات	من دارم
you	have	یو هَوْ	you've	got	یوو گات	تو داری
he	has	هی هَز	he's	got	هیز گات	او دارد (مذکر)
she	has	شی هَز	she's	got	شیز گات	او دارد(مونث)
it	has	ایت هَز	it's	got	ایتس گات	این (آن) دارد
we	have	وی هَو	we've	got	ویو گات	ما داریم
you	have	یو هَو	you've	got	یووگات	شما دارید
they	have	ذِی هَو	they've	got	ذِیوْ گات	آنها دارند



Vocabulary

complete	kəmp'li:t	کِم پلیت	کامل کنید
correct	kə'rekt	کِرِکت	درست
many	'meni	مِنی	زیاد
common	'kɒmən	کامِن	مشترک
in common	'ɪn 'kɒmən	این کامِن	به طور مشترک
wristwatch	'rɪstwɒtʃ	رِست واچ	ساعت مچی
thing	θɪŋ	ثینگ	چیز
headache	'hədeɪk	هِد ایک	سردرد
date	deɪt	دیت	تاریخ، قرار ملاقات
with	wiθ/ wɪð	ویذ	با
tonight	tə'naɪt	تِنایت	امشب
strong	strɒŋ	سْترانگ	قوی
accent	'æksənt	اَکسِنت	لهجه
red	red	رِد	قرمز
hair	heə	هِ(ر)	مو
tail	teɪl	تِیل	دم
both	bəʊθ	بُوث	هر دو
long	lɒŋ	لانگ	دراز

office	'ɒfɪs	آفِس	دفتر
three	θri	ثْری	سه
job	dʒɒb	جاب	کار
department	dɪ'pɑ:tmənt	دیپا(ر)تمِنت	اداره
store	stɔ:	سْتُ(ر)	فروشگاه
department store	dɪ'pɑ:tmənt stɔ:	دیپا(ر)تمِنت سْتُ(ر)	فروشگاه بزرگ
cold	kəʊld	کُولد	سرد، سرما
Dr.= doctor	'dɒktə	داکتِ(ر)	دکتر
lawyer	'lɔ:ɪə	لایِ(ر)	وکیل
client	'klaɪənt	کْلایِنت	مشتری، مراجع
patient	'peɪʃənt	پی شِنت	بیمار



Complete the following sentences with the correct form of *to have*.

جملات را با شکل درست to have کامل کنید.

1. You .... a new car.
   (You have a new car.)
2. She .... one sister and two brothers.
3. You and I .... many things in common.
4. John .... a new wristwatch.
5. We .... many friends in New York.
6. Helen .... a headache.
7. Grace .... a date with George tonight.
8. They .... strong accents.
9. Both brothers .... red hair.
10. The dog .... a long tail.
11. The office .... three large windows.
12. I .... a good job at the department store.
13. Both children .... bad colds.
14. Dr. Smith .... many patients.
15. Ms. Jacobson, the lawyer, ... many clients.

Helen has a headache.

۱.شما یک ماشین جدید دارید. ۲.او یک خواهر و دو برادر دارد. ۳.تو و من چیزهای مشترک زیادی داریم. ۴.جان یک ساعت مچی جدید دارد. ۵.ما دوستان زیادی در نیویورک داریم. ۶.هلن سردرد دارد. ۷.گریس امشب با جورج قرار ملاقات دارد. ۸.آنها لهجه غلیظی دارند. ۹.هر دو برادر موی قرمز دارند. ۱۰.سگ دم دراز دارد. ۱۱.دفتر کار سه پنجره بزرگ دارد. ۱۲.من کار خوبی در فروشگاه بزرگ دارم. ۱۳.هر دو بچه سرمای بدی دارند. ۱۴.دکتر اسمیث بیماران زیادی دارد. ۱۵.خانم جاکوبسون وکیل، مراجعین زیادی دارد.



Simple Present Tense
زمان حال ساده

الف. طریقه ساختن

شکل ساده فعل + فاعل		
I work	آی وِ(ر)ک	من کار می کنم
you work	یو وِ(ر)ک	تو کار می کنی
he works	هی وِ(ر)کس	او کار می کند
she works	شی وِ(ر)کس	او کار می کند
it works	ایت وِ(ر)کس	این/ آن کار می کند
we work	وی وِ(ر)ک	ما کار می کنیم
you work	یو وِ(ر)ک	شما کار می کنید
they work	دِی وِ(ر)ک	آنها کار می کنند

توجه: در سوم شخص مفرد (he, she, it) به آخر فعل s یا es اضافه می شود.

ب. کاربرد

۱. زمان حال ساده در مواردی که انجام کار به طور عادت و تکرار صورت می گیرد به کار برده می شود.

I **cook** dinner every night. آی کُک دینِ(ر) اِوری نایت. من هر شب شام درست می کنم.

۲. زمان حال ساده برای بیان موضوعاتی که همیشه اتفاق می افتند و همچنین بیان حقائق علمی به کار برده می شود.

The sun **rises** in the east. دِ سان رای زیز این دی ایست. خورشید از مشرق طلوع می کند.



Vocabulary

read	ri:d	رید	خواندن
newspaper	ˈnu:zpeɪpə	نوزپی پِ(ر)/نیوزپی پِ(ر)	روزنامه
every	ˈevri	اِوری	هر
by	baɪ	بای	با
always	ɔ:lweɪz	آل وِیز	همیشه
walk	wɔ:k	واک	قدم زدن
afternoon	æftəˈnu:n	آفتِ(ر)نون	بعد از ظهر
cafeteria	kæfiˈtɪəriə	کَفی تیرِی	کافه تریا
hard	ha:d	ها(ر)د	سخت، به سختی

like	laɪk	لایک	دوست داشتن
in	ɪn	این	در
sun	sʌn	سان	خورشید، آفتاب
chase	tʃeɪs	چیس	تعقیب کردن
all	ɔ:l	آل	همه
around	ə'raʊnd	اَرَوند	اطراف
all around	ɔ:l ə'raʊnd	آل اَرَوند	سراسر
house	hæʊs	هَوس	خانه
eastern	'i:stən	ایستِ(ر)ن	شرقی
generally	'dʒenərəli	جِ نِ رِلی	معمولا
Saturday	'sætədeɪ	سَتِدِی	شنبه
travel	'trævəl	تْرَوِل	سفر کردن
ride	raɪd	راید	سوار شدن
cook	kʊk	کُک	پختن
dinner	'dɪnə	دینِ(ر)	شام
together	tə'geðə	تِگ ذِ(ر)	باهم
take	teɪk	تیک	بردن
a lot of	ə lɒt əv	اِ لات اِو	مقدار زیادی
take a trip	teɪk ə trɪp	تیک اِ ترِپ	سفر کردن
attend	ə'tend	اِتند	حاضر شدن
church	tʃə:tʃ	چِ(ر)چ	کلیسا
Sunday	'sʌndeɪ	ساندِی	یکشنبه
speak	spi:k	سْپیک	صحبت کردن
several	'sevrəl	سِوْرِل	چند
foreign	'fɒrɪn	فارِن	خارجی
language	'læŋgwɪdʒ	لَن گواج	زبان


Practice

Give the correct form of the present tense for the verb in parentheses.

شکل درست زمان حال افعال داخل پرانتز را بنویسید.

1. She (read) the newspaper every day.
   (She reads the newspaper every day.)
2. We (come) to school by bus.
3. I always (walk) to school.
4. You and I (play) in the park every afternoon.
5. I (eat) lunch in the cafeteria every day.
6. Helen (work) very hard.
7. I (like) to sit in the sun.



I like to sit in the sun.

8. The dog (chase) the cat all around the house.
9. Mr. Smith (work) for Eastern Airlines.
10. Gene generally (sit) at this desk.
11. We always (play) tennis on Saturdays.
12. He always (cook) dinner at home.
13. They (eat) lunch together every day.
14. Some girls (ride) the bus to school.
15. They (take) a lot of trips together.
16. We always (travel) by car.
17. You (attend) church every Sunday.
18. He (speak) several foreign languages.



The dog chases the cat all around the house.

۱.او هر روز روزنامه می خواند. ۲.ما با اتوبوس به مدرسه می آئیم. ۳.من همیشه پیاده به مدرسه می روم. ۴.تو و من هر روز بعد از ظهر در پارک بازی می کنیم. ۵.من هر روز در کافه تریا ناهار می خورم. ۶.هلن خیلی سخت کار می کند. ۷.من دوست دارم در آفتاب بنشینم. ۸.سگ همه جای خانه گربه را تعقیب می کند. ۹.آقای اسمیث برای ایسترن ارلاینز کار می کند. ۱۰.جن معمولا کنار این میز می نشیند. ۱۱.ما همیشه روزهای شنبه تنیس بازی می کنیم. ۱۲.او همیشه در خانه شام درستَ می کند. ۱۳.آنها هر روز باهم ناهار می خورند. ۱۴.بعضی از دخترها با اتوبوس به مدرسه می روند. ۱۵.آنها باهم خیلی سفر می کنند. ۱۶.ما همیشه با اتومبیل سفر می کنیم. ۱۷.تو هر یکشنبه به کلیسا می روی. ۱۸.او به چندین زبان خارجی صحبت می کند.



Simple Present Tense (Third Person Singular)

زمان حال ساده (سوم شخص مفرد)

در سوم شخص مفرد زمان حال ساده در موارد زیر به جای s از es استفاده می کنیم.

۱. زمانی که فعل به o ختم شود.

She goes to school by bus.	شی گُز تو سکول بای باس.	او با اتوبوس به مدرسه می رود.
He does the work on time.	هی داز ذِ وِ(ر)ک آن تایم.	او کار را به موقع انجام می دهد.

۲. زمانی که فعل به ch, sh, s, x و z ختم شود.

She teaches English.	شی تیچیز اِنگلِش.	او انگلیسی درس می دهد.
He washes the dishes after lunch.	هی واشیز ذِ دیشیز آفتِ(ر) لانچ.	او ظرفها را بعد از ناهار می شوید.
The man fixes the fridge.	ذِ مَن فیکسیز ذِ فْرِج.	مرد یخچال را تعمیر می کند.

۳. زمانی که فعل به y ختم شود اگر حرف قبل از y صامت باشد، y به i تبدیل شده و es اضافه می شود.

The girls cry.	ذِ گِ(ر)لز کْرای.	دختران گریه می کنند.
The girl cries.	ذِ گِ(ر)ل کْرایز.	دختر گریه می کند.
I marry Mary.	آی مَری مِری.	من با مری ازدواج می کنم.
She marries John.	شی مَریز جان.	او با جان ازدواج می کند.
You study Chemistry.	یو سْتادی کِمِستری.	تو شیمی می خوانی.
My sister studies physics.	مای سِیستِ(ر) سْتادیز فِزِکس.	خواهرم فیزیک می خواند.



ocabulary

there	ðeə	ذِ(ر)	آنجا
twice	twaɪs	توآیس	دوبار
week	wi:k	ویک	هفته
people	ˈpi:pl	پی پُل	مردم؛ نفر
arrive	əˈraɪv	اِرایو	وارد شدن
everywhere	ˈevriweə	اِوری وِ(ر)	همه جا
on time	ɒn taɪm	آن تایم	سر وقت
same	seɪm	سِیم	همان، یکسان
thing	θɪŋ	ثینگ	چیز، کار
wish	wɪʃ	ویش	خواستن، آرزو کردن
with	wɪθ/ wɪð	ویذ	با
Mr.	ˈmɪstə	میستِ(ر)	آقای
teach	ti:tʃ	تیچ	درس دادن
mathematics	mæθəˈmætɪks	مَثِ مَتیکس	ریاضیات
movies	ˈmu:viz	موویز	سینما
watch	wɒtʃ	واچ	تماشا کردن
night	naɪt	نایت	شب
play	pleɪ	پلِی	نواختن
the piano	ðə ˈpjænəʊ	ذِ پیَ نُو	پیانو
as	æz	اَز	مانند، مثل
class	klæs	کْلَس	کلاس درس
father	ˈfɑ:ðə	فاذ(ر)	پدر
mother	ˈmʌðə	ماذِ(ر)	مادر
kiss	kɪs	کیس	بوسیدن
both	bəʊθ	بُوث	هر دو
morning	ˈmɔ:nɪŋ	مُ(ر)نینگ	صبح
often	ˈɒfən	آفِن	اغلب
catch	kætʃ	کَچ	گرفتن
cold	kəʊld	کُولد	سرما
catch cold	kætʃ kəʊld	کَچ کُولد	سرما خوردن
very often	verɪ ɒfən	وِری آفِن	بیشتر اوقات
carry	ˈkæri	کَری	حمل کردن
briefcase	ˈbri:fkeɪs	بْریف کِیس	چمدان

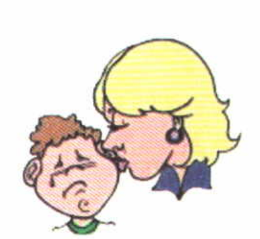


Practice (1)

Give the correct form of the present tense for the verb in parentheses.

شکل درست زمان حال ساده افعال داخل پرانتز را به کار ببرید.

1. Pat (go) there twice a week.
   (Pat goes there twice a week.)
2. Herb (do) the work of two people.
3. I always (try) to arrive everywhere on time.
4. George always (try) to do the same thing.
5. The teacher (wish) to speak with you.
6. Mr. Walker (teach) English and mathematics.
7. They (go) to the movies twice a week.
8. We (watch) television every night.
9. Mary (play) the piano very well.
10. He (study) in the same class as I.
11. The father (watch) the children in the park.
12. The mother (kiss) both boys good-bye every morning.
13. I often (catch) cold.
14. Helen also (catch) cold very often.
15. She (do) all the work.
16. She (carry) the books in a briefcase.



The mother kisses the boy good-bye.

۱.پت هفته ای دوبار به آنجا می رود. ۲.هرب کار دو نفر را انجام می دهد. ۳.من همیشه سعی می کنم همه جا به موقع برسم. ۴.جورج همیشه سعی می کند همان کار را انجام دهد. ۵.معلم مایل است با تو صحبت کند. ۶.آقای واکر انگلیسی و ریاضی درس می دهد. ۷.آنها هفته ای دو بار به سینما می روند. ۸.ما هر شب تلویزیون تماشا می کنیم. ۹.مری پیانو را خیلی خوب می نوازد. ۱۰.او مثل من در همان کلاس درس می خواند. ۱۱.پدر بچه ها را در پارک تماشا می کند. ۱۲.مادر هر روز صبح هنگام خداحافظی هر دو پسر را می بوسد. ۱۳.من اغلب سرما می خورم. ۱۴.هلن هم بیشتر اوقات سرما می خورد. ۱۵.او همه کارها را انجام می دهد. ۱۶.او کتاب ها را در چمدانی حمل می کند.

Vocabulary

like	laɪk	لایک	دوست داشتن
own	əun	اُون	داشتن
American	əˈmerɪkən	اِمریکِن	آمریکائی
enjoy	ɪnˈdʒɔɪ	اینجُی	لذت بردن
each	iːtʃ	ایچ	هر
want	wɒnt	وانت	خواستن
learn	ləːn	لِ(ر)ن	یادگرفتن
French	frentʃ	فْرِنچ	فرانسوی
wristwatch	ˈrɪstwɒtʃ	رِست واچ	ساعت مچی

Spanish	'spænɪʃ	سْپَ نِش	اسپانیائی
pass	pæs	پَس	رد شدن
street	stri:t	سْتریت	خیابان
word	wə:d	وِ(ر)د	کلمه
favor	'feɪvə	فِی وِ(ر)	لطف
do favor	du: 'feɪvə	دو فِی وِ(ر)	لطف کردن
a lot of	ə lɒt əv	اِ لات اِو	مقدار یا تعداد زیاد
the violin	θə vaɪə'lɪn	ذِ وایِلِن	ویلن
at	æt/ ət	اَت/ اِت	در، کنار، پشت
assignment	ə'saɪnmənt	اِساین مِنت	تکلیف
evening	i:vnɪŋ	ایوْ نینگ	غروب، شب
three times	θri: taɪmz	ثری تایمز	سه بار



Change the subject in each of the following sentences from *I* to *He*. Use the correct form of the verb.

فاعل هر جمله را از I به He تبدیل کنید. از شکل درست فعل استفاده کنید.

1. I like to study.
   (He likes to study.)
2. I work hard.
3. I'm a good student.
4. I own a car.
5. I'm an American.
6. I enjoy each English class.
7. I want to learn French.
8. I have a new wristwatch.
9. I speak Spanish.
10. I wish to learn English.
11. I watch television every night.
12. I pass Mr. Smith on the street every day.
13. I always go to school by bus.
14. I try to learn ten new words every day.
15. I do a lot of favors for Pauline.
16. I play the violin very well.
17. I have two brothers and two sisters.
18. I always sit at this desk.
19. I do my assignments in the evening.
20. I study English three times a week.



I play the violin very well.



I watch television every night.

۱.من دوست دارم درس بخوانم. ۲.من سخت کار می کنم. ۳.من شاگرد خوبی هستم. ۴.من یک ماشین دارم. ۵.من یک آمریکائی هستم. ۶.من از هر کلاس انگلیسی لذت می برم. ۷.من می خواهم زبان فرانسه یاد بگیرم. ۸.من یک ساعت مچی جدید دارم. ۹.من اسپانیائی صحبت می کنم. ۱۰.من می خواهم انگلیسی یاد بگیرم. ۱۱.من هر شب تلویزیون تماشا می کنم. ۱۲.من هر روز در خیابان از کنار آقای اسمیث عبور می کنم. ۱۳.من همیشه با اتوبوس به مدرسه می روم. ۱۴.من سعی می کنم هر روز ده لغت جدید یاد بگیرم. ۱۵.من لطف زیادی نسبت به پولین دارم. ۱۶.من خیلی خوب ویولن می نوازم. ۱۷.من دو برادر و دو خواهر دارم. ۱۸.من همیشه کنار این میز می نشینم. ۱۹.من شب تکالیفم را انجام می دهم. ۲۰.من هفته ای سه بار انگلیسی می خوانم.



Practice (3)

Change the subject of each sentence in Exercise 2 to *They*.
Use the correct form of the verb.

فاعل هر جمله در تمرین ۲ را به They تبدیل کنید. از شکل درست فعل استفاده کنید.

1. I like to study.
   (They like to study.)

۱.من دوست دارم درس بخوانم.
(آنها دوست دارند درس بخوانند.)



Practice (4)

Change the subject of each sentence in Exercise 2 to *She*.
Use the correct form of the verb.

فاعل هر جمله در تمرین ۲ را به She تبدیل کنید. از شکل درست فعل استفاده کنید.

1. I like to study.
   (She likes to study.)

۱.من دوست دارم درس بخوانم.
(او دوست دارد درس بخواند.)



Plural Nouns

جمع اسامی (استثنائات)

۱.اسامی که به y ختم می شوند، اگر حرف قبل از y مصوت باشد، برای جمع بستن از s استفاده می کنیم.

key - keys	کی - کیز	کلید- کلید ها
toy - toys	تُی - تُیز	اسباب بازی- اسباب بازی ها
tray - trays	تری - تریز	سینی- سینی ها

۲.اسامی که به y ختم می شوند، اگر حرف قبل از y صامت باشد، برای جمع بستن y را به i تبدیل و es اضافه می کنیم.

city - cities	سیتی - سیتیز	شهر- شهر ها
lady - ladies	لِیدی - لِیدیز	خانم- خانم ها
country - countries	کانتری- کانتریز	کشور- کشورها

۳.اسامی که به f یا fe ختم می شوند، f یا fe را به v تبدیل و es اضافه می کنیم.

wife - wives	وایف - وایوْز	همسر- همسران
leaf - leaves	لیف - لیْوز	برگ- برگ ها
half - halves	هَف - هَوْز	نیم- نیمه ها
thief - thieves	ثیف - ثیوْز	دزد- دزدان

۴.اسامی که به o ختم می شوند اگر حرف قبل از o صامت باشد، در جمع es می گیرند.

potato - potatoes	پ تِی تُو - پ تِی تُوز	سیب زمینی- سیب زمینی ها
hero - heroes	هیرو - هیروز	قهرمان- قهرمانان

Vocabulary

subject	'sʌbdʒɪkt	سابجِکت	فاعل
singular	'sɪŋgjʊlə	سینگیولِ(ر)	مفرد
plural	'plu:rəl	پْلورِل	جمع
any	eni	اِنی	هر
necessary	'nesesri	نِسِسِری	لازم
change	tʃeɪndʒ	چینج	تغییر
child	tʃaɪld	چایلد	بچه

children	'tʃɪldrən	چلدرِن	بچه ها
knife	naɪf	نایف	چاقو
next to	'nekst tu:	نِکست تو	کنار
plate	pleɪt	پِلیت	بشقاب
dish	dɪʃ	دِش	ظرف
leave	li:v	لیو	حرکت کردن
airport	'eəpɔ:t	اِ(ر)پُ(ر)ت	فرودگاه
stop	stɒp	ستاپ	توقف کردن
corner	'kɔ:nə	کُ(ر)نِ(ر)	گوشه
here	hɪə	هی یِ(ر)	اینجا
near	nɪə	نی یِ(ر)	نزدیک
begin	bɪ'gɪn	بیگین	شروع کردن، شروع شدن
o'clock	ə'klɒk	اکلاک	ساعت
know	nəʊ	نُو	دانستن، بلد بودن
lesson	'lesən	لِسِن	درس
enjoy	ɪn'dʒɔɪ	اینجُی	لذت بردن
work	wə:k	وِ(ر)ک	کار
afraid of	ə'freɪd əv	اِفرِید اِو	ترسیدن از
do	du:	دو	انجام دادن
ill	ɪl	ایل	بیمار
broken	'brəʊkən	بُروکِن	شکسته
glass	glæs	گَلَس	لیوان
watch	wɒtʃ	واچ	ساعت مچی
run	rʌn	ران	دویدن، کار کردن(ساعت)
clerk	klə:k	کلِ(ر)ک	کارمند
polite	pə'laɪt	پِلایت	مودب
key	ki:	کی	کلید



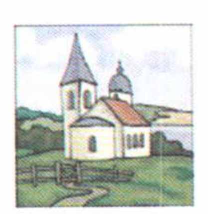
Change the subjects of the following sentences from singular to plural. Make any necessary changes in the verb form.

فاعل جملات را از مفرد به جمع تبدیل کنید. تغییرات لازم را در شکل فعل ایجاد نمایید.

1. The child plays in the park every morning.
   (The children play in the park every morning.)

۱.بچه هر روز صبح در پارک بازی می کند.
(بچه ها هر روز صبح در پارک بازی می کنند.)

2. The knife is next to the plate.
3. The dish is on the table.
4. I have a new pen.
5. The plane leaves from the airport.
6. The bus stops at the corner.
7. The box is empty.
8. The church is near here.
9. The class begins at nine o'clock.
10. The man knows the lessons well.
11. I enjoy the work.
12. She is not afraid of dogs.
13. The boy does the work well.
14. The woman is ill.
15. The glass is broken.
16. The watch runs well.
17. The clerk is very polite.
18. The key is on the table.



The church is near here.



The clerk is very polite.

۲.چاقو کنار بشقاب است. ۳.ظرف روی میز است. ۴.من یک خودکار نو دارم. ۵.هواپیما از فرودگاه حرکت می کند. ۶.اتوبوس سر نبش توقف می کند. ۷.جعبه خالی است. ۸.کلیسا نزدیک اینجا است. ۹.کلاس ساعت نه شروع می شود. ۱۰.مرد درس ها را خوب بلد است. ۱۱.من از کار لذت می برم. ۱۲.او از سگ ها نمی ترسد. ۱۳.پسر کار را به خوبی انجام می دهد. ۱۴.زن بیمار است. ۱۵.لیوان شکسته است. ۱۶.ساعت خوب کار می کند. ۱۷.فروشنده خیلی مودب است. ۱۸.کلید روی میز است.



Possessive Adjectives

صفات ملکی

صفات ملکی کلماتی هستند که به تنهائی به کار نمی روند، به تنهائی معنی ندارند و قبل از اسم استفاده می شوند.

We eat **our** dinner at six o'clock.
ما شاممان را در ساعت ۶ می خوریم. وی ایت آوِ(ر) دِن(ر) اَت سِکس اکلاک.

They are in **their** classroom.
آنها در کلاسشان هستند. ذی آ(ر) این ذِ(ر) کلَس روم.

I like **my** teacher.
من معلمم را دوست دارم. آی لایک مای تیچِ(ر).

She washes **her** car.
او ماشینش را می شوید. شی واشیز هِ(ر) کا(ر).

ضمائر فاعلی	صفات ملکی			مثال	
I	my	مای	م	my book	کتابم
you	your	یُ(ر)	ت	your house	خانه ات
he	his	هیز	ش(مذکر)	his car	ماشینش
she	her	هِ(ر)	ش(مونث)	her briefcase	کیفش
it	its	ایتس	ش(غیر شخص)	its tail	دمش
we	our	آوِ(ر)	مان	our dog	سگ مان
you	your	یُ(ر)	تان	your classes	کلاس های تان
they	their	ذِ(ر)	شان	their teachers	معلمین شان

Vocabulary

possessive	pə'zesɪv	پِزِسیو	ملکی
adjective	'ædʒektɪv	اَجِکتیو	صفت
sentence	'sentəns	سِنتِنس	جمله
which	wɪtʃ	وِچ	که
refer	rɪ'fə:	ری فِ(ر)	اشاره کردن
also	'ɔ:lsəʊ	آلسُو	همچنین
much	mʌtʃ	ماچ	زیاد

homework	'həʊmwə:k	هُم وِ(ر)ک	تکلیف
get	get	گِت	گرفتن
mark	mɑ:k	ما(ر)ک	نمره
examination	ɪgzæmɪ'neɪʃn	ایگزَمی نیشِن	امتحان
both	bəʊθ	بُوث	هر دو
prepare	prɪ'peə	پری پ(ر)	آماده کردن
drive	draɪv	دْرایو	رانندگی کردن
write	raɪt	رایت	نوشتن
letter	'letə	لِتِ(ر)	نامه
aunt	ænt	اَنت	عمه، خاله
wag	wæg	وَگ	تکان دادن
tail	teɪl	تِیل	دم
see	si:	سی	دیدن
take	teɪk	تِیک	بردن
toy	tɔɪ	تُی	اسباب بازی
notebook	'nəʊtbʊk	نُوت بُک	دفتر
own	əun	اُون	خود
water	'wɔ:tə	واتِ(ر)	آب
spend	spend	سْپِند	گذراندن



Complete the following sentences with the possessive adjective, which refers to the subject of the sentence.

جملات را با صفات ملکی که اشاره به فاعل جمله دارند کامل کنید.

1. She knows .... lesson well.
   (She knows her lesson well.)
2. I also know .... lesson well.
3. Gail likes .... English class very much.
4. I do .... homework on the bus every day.
5. You always get good marks on .... examinations.
6. Both girls prepare .... lessons well.
7. Mr. Bach drives to work in .... car.
8. Mary and I do .... homework together.
9. Grace writes a letter to .... aunt every week.
10. The dog wags .... tail when it sees .... dinner dish.
11. The children take .... toys to the park.
12. I write the new words in .... notebook.
13. Each cat has .... own dish for food and water.

14. Both boys ride .... bicycle to school.
15. You and Henry spend a lot of time on .... homework.
16. We enjoy .... English class.
17. She always does well on all .... examinations.

۱.او درسش را خوب بلد است. ۲.من هم درسم را خوب بلدم. ۳.گیل کلاس انگلیسی اش را خیلی دوست دارد. ۴.من تکلیفم را هر روز در اتوبوس انجام می دهم. ۵.تو همیشه در امتحاناتت نمرات خوبی می گیری. ۶.هر دو دختر درس هایشان را به خوبی آماده می کنند. ۷.آقای باخ با اتومبیلش به محل کار می رود. ۸.مری و من تکلیفمان را باهم انجام می دهیم. ۹.گریس هر هفته نامه ای به عمه اش می نویسد. ۱۰.سگ زمانی که ظرف شامش را می بیند دمش را تکان می دهد. ۱۱.بچه ها اسباب بازی هایشان را به پارک می برند. ۱۲.من لغات جدید را در دفترم می نویسم. ۱۳.هر گربه ظرف متعلق به خودش را برای غذا و آب دارد. ۱۴.هر دو پسر با دوچرخه شان به مدرسه می روند. ۱۵.تو و هنری وقت زیادی را روی تکلیف تان صرف می کنید. ۱۶.ما از کلاس انگلیسی مان لذت می بریم. ۱۷.او همیشه همه امتحاناتش را خوب می دهد.





There is
There are

وجود دارد، وجود دارند (هست، هستند)

زمانی که بخواهیم موجودیت افراد یا اشیاء را بیان کنیم یا اینکه گزارش یا رویدادی را اعلام کنیم، از ساختار **there is** (برای جملات مفرد)، و **there are** (برای جملات جمع) استفاده می کنیم.

بنابراین به جای اینکه بگوئیم، A man is at the door.

طبیعی است که بگوئیم: **There is** a man at the door.

There is a book on the table.	ذِ(ر) ایز ا بُک آن ذِ تِی بُل.	کتابی روی میز است.
There are ten books on the table.	ذِ(ر) آ(ر) تِن بُکس آن ذِ تِی بُل.	ده کتاب روی میز است.
There is one man at the door.	ذِ(ر) ایز وان مَن اَت ذِ دُ(ر).	یک مرد کنار در است.
There are several men in the room.	ذِ(ر) آ(ر) سِوِرل مِن این ذِ روم.	چند مرد در اطاق هستند.



Vocabulary

Australia	ɒs'treɪliə	آستریلِی	استرالیا
Australian	ɒs'treɪliən	آستریلِین	استرالیائی
this	ðɪs	ذِس	این
someone	'sʌmwɒn	سام وان	کسی، شخصی
nobody	'nəʊbɒdi	نُو بادی	هیچکس
now	naʊ	نَو	حالا
beautiful	'bju:tɪfʊl	بی یو تِ فُل	زیبا
city	'sɪti	سیتی	شهر
twelve	twelv	توالو	دوازده
month	mʌnθ	مانث	ماه
sky	skaɪ	سْکای	آسمان
no one	'nəʊwʌn	نُو وان	هیچکس
silverware	'sɪlvəweə	سیلوِ(ر) وِ(ر)	ظرف نقره
store	stɔ:	سْتُ(ر)	فروشگاه
section	'sekʃn	سِکشِن	بخش
town	taʊn	تَون	شهرک

ractice (1)

Complete the following sentences with *There is* or *There are*.

جملات را با There is یا There are کامل کنید.

1. .... no Australians in this class.
   (There are no Australians in this class.)
2. .... someone at the door.
3. .... a lot of students absent today.
4. .... a mailbox on the corner.
5. .... three lamps in the room.
6. .... two large windows in the room.
7. .... only one door.
8. .... a lot of English classes in our school.
9. .... nobody in the room now.
10. .... a letter on the table for you.
11. .... several beautiful parks in this city.
12. .... twelve months in a year.
13. .... only one cloud in the sky.
14. .... no one at home.
15. .... dishes but no silverware on the table.
16. .... no stores in this section of town.

There is a mailbox on the corner.

There's someone at the door.

۱.هیچ استرالیائی در این کلاس نیست. ۲.یک نفر کنار در است. ۳.امروز شاگردان زیادی غایب هستند. ۴.یک صندوق پست در کنج است. ۵.سه لامپ در اطاق است. ۶.دو پنجره بزرگ در اطاق هست. ۷.فقط یک درب هست. ۸.کلاس های انگلیسی زیادی در مدرسه ما هست. ۹.حالا در اطاق کسی نیست. ۱۰.نامه ای برای شما روی میز است. ۱۱.چندین پارک زیبا در این شهر است. ۱۲.دوازده ماه در یک سال است. ۱۳.فقط یک ابر درآسمان است. ۱۴.کسی در خانه نیست. ۱۵.ظرف ها هستند اما هیچ ظرف نقره روی میز نیست. ۱۶.در این قسمت شهر هیچ فروشگاهی نیست.

There is, There are

Negatives & Questions منفی و سوالی

مثبت	منفی	منفی کوتاه شده	سوالی
there is there are	there is not there are not	there isn't there aren't	Is there...? Are there...?
وجود دارد.	وجود ندارد.	وجود ندارد.	آیا... وجود دارد؟



Vocabulary

parade	pə'reɪd	پرِید	رژه
area	'eəriə	اِری	منطقه
message	'mesɪdʒ	مِسیج	پیام
enough	ɪ'nʌf	ایناف	کافی
available	ə'veɪləbl	اِویلِ بُل	آماده، در دسترس



Practice (2)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. There is a flag at the top of the building.
   (There isn't a flag at the top of the building.)
2. There are two lamps in the room.
3. There is a pillow on each bed.
4. There are two police officers on each corner.
5. There is a big parade today.
6. There are several doctors in this area.
7. There are ten new words in this lesson.
8. There is a message for you on the hall table.
9. There are enough chairs for everyone.
10. There are plenty of good seats available.
11. There is a comfortable chair in each room.
12. There is a good restaurant near here.
13. There are telephones in every room.
14. There are four seasons in a year.



There is a big parade today.

۱.یک پرچم بر فراز ساختمان است. ۲.دو لامپ در اطاق است. ۳.روی هر تخت یک بالش است. ۴.در هر کنج دو افسر پلیس است. ۵. امروز رژه بزرگی هست. ۶.چند دکتر در این منطقه هستند. ۷.در این درس ده لغت جدید است. ۸.پیامی برای شما روی میز هال هست. ۹.برای هر کسی صندلی کافی هست. ۱۰.تعداد زیادی جایگاه مناسب آماده است. ۱۱.در هر اطاق یک صندلی راحت است. ۱۲.یک رستوران خوب در این نزدیکی هست. ۱۳.در هر اطاق تلفن هست. ۱۴.چهار فصل در سال است.



Practice (3)

Change the sentences in Exercise 2 to questions.

جملات تمرین ۲ را به سوالی تبدیل کنید.

1. There is a flag at the top of the building.
   (Is there a flag at the top of the building?)

۱.یک پرچم بر فراز ساختمان هست.
(آیا یک پرچم بر فراز ساختمان هست؟)



Possessive Form of Nouns
شکل مالکیت اسامی

۱.با اضافه کردن آپاستروفی اس ('s) به اسامی مفرد و جمع بی قاعده می توانیم مالکیت بسازیم.

اسم مفرد	شکل مالکیت	اسم جمع بی قاعده	شکل مالکیت
the boy the girl	the boy's hat the girl's bag	the children the men	the children's toys the men's cars
پسر دختر	کلاهِ پسر کیفِ دختر	بچه ها مردها	اسباب بازی های بچه ها ماشین های مردها

اسم مفرد		شکل مالکیت	
the boss	رئیس	the boss's chair	صندلی رئیس
Charles	چارلز	Charles's book	کتاب چارلز

۲.اگراسم ما به s جمع ختم شده باشد، کافی است که فقط یک آپاستروفی(') بعد از اسم اضافه کنیم.

اسم جمع با قاعده		شکل مالکیت	
the boys	پسرها	the boys' hats	کلاه های پسران
the ladies	بانوان	the ladies' handbags	کیف های بانوان

۳.توجه کنید که گاهی اوقات اسم مورد توصیف را به کار نمی بریم و فقط آپاستروفی کافی است.

She went to John's. (John's home)
شی ونت تو جانز. (جانز هُوم)
او به خانه جان رفت.

I have an appointment at the doctor's. (the doctor's office)
آی هَو اَن اِپُینت مِنت اَت ذِ داکتِز. (ذِ داکتِز آفِس)
من وقت دکتر دارم.



Vocabulary

appointment	ə'pɔɪntmənt	اِپُینت مِنت	قرار ملاقات
apostrophe	ə'pɒstrəfi	اِپاست رِفی	آپاستروفی
place	pleɪs	پْلِیس	جا
Mrs.	'mɪsɪz	می سیز	خانمِ
shopping	'ʃɒpɪŋ	شاپینگ	خرید



Vocabulary

broken	ˈbrəʊkən	بْرُوکِن	شکسته
competition	kɒmpəˈtɪʃn	کام پِت شِن	رقابت
between	bɪˈtwi:n	بیت وین	بین
secretary	ˈsekrətri	سِکرِتْری	منشی
birthday	ˈbə:θdeɪ	بِ(ر)ث دی	روز تولد
February	ˈfebrʊəri	فِبرواری	ماه فوریه
daughter	ˈdɔ:tə	داتِ(ر)	دختر
St.=Saint	seɪnt	سِینت	مقدس
baroque	bəˈrɒk	بِراک	سبکی در معماری
architecture	ˈɑ:kɪtektʃə	آ(ر)کی تِک چِ(ر)	معماری



Practice

Insert the apostrophe in the correct places in the following sentences.

در جای مناسب جملات زیر آپاستروفی قرار دهید.

1. Mrs. Regeans car is outside.
   (Mrs. Reagan's car is outside.)
2. I do all my shopping at Macys Department Store.
3. She buys her clothes in New Yorks best shops.
4. The mens room is just down the hall.
5. They sell ladies dresses on this floor.
6. The childs toys are all broken.
7. They sell childrens toys in this store.
8. There is a lot of competition between Bobs two sisters.
9. He goes to the doctors once a week.
10. Dr. Smiths secretary is Mexican.
11. Lincolns Birthday is Februarys 12.
12. Henry and Sallys father is in Europe.
13. Mrs. Jacksons daughter is eight years old.
14. St. Peters in Rome and St. Pauls in London are both good examples of Baroque architecture.

The child's toys are all broken.

۱.ماشین خانم ریگن بیرون است. ۲.من همه خریدم را در فروشگاه بزرگ مِیسی انجام می دم. ۳.او لباس هایش را از بهترین مغازه هایِ نیویورک می خرد. ۴.اطاق آقایان درست پائین راهرو است. ۵.آنها لباس های زنانه را در این طبقه می فروشند. ۶. همه اسباب بازی های بچه شکسته اند. ۷.آنها اسباب بازی های کودکان را در این فروشگاه می فروشند. ۸.رقابت زیادی بین دو خواهر باب وجود دارد. ۹.او هفته ای یکبار به دکتر می رود. ۱۰.منشی دکتر اسمیث مکزیکی است. ۱۱.تولد لینکلن در روز ۱۲ فوریه است. ۱۲.پدر هنری و سلی در اروپا است. ۱۳.دختر خانم جکسون ۸ ساله است. ۱۴.(کلیسای) سِینت پیتر در رم و (کلیسای) سِینت پال در لندن دو نمونه زیبای معماری باروک هستند.



This, That These, Those

ضمائر و صفات اشاره

۱. به عنوان ضمیر:

مفرد			جمع		
this is	ذس ایز	این است	these are	ذیز آ(ر)	اینها هستند
that is	ذَت ایز	آن است	those are	ذُوز آ(ر)	آنها هستند

۲. به عنوان صفت:

مفرد

This book is in my hand.	ذس بُک ایز این مای هَند.	این کتاب در دست من است.
That book is on the table.	ذَت بُک ایز آن ذِ تِیبُل.	آن کتاب روی میز است.

جمع

These books are in my hand.	ذیز بُکس آ(ر) این مای هَند.	این کتاب ها در دست من هستند.
Those books are on the table.	ذُوز بُکس آ(ر) آن ذِ تِیبُل.	آن کتاب ها روی میز هستند.



Vocabulary

exercise	'eksəsaɪz	اِکسِ سایز	تمرین
easy	'i:zi	ایزی	آسان
too	tu:	تو	خیلی
small	smɔ:l	سْمال	کوچک
pack	pæk	پَک	بسته
cigarette	sɪgə'ret	سیگرِت	سیگار
belong	bɪ'lɒŋ	بیلانگ	تعلق داشتن
other	'ʌðə	آذ(ر)	دیگر
side	saɪd	سَاید	طرف
date	deɪt	دِیت	تاریخ
out of date	aʊt ʌv deɪt	اَوت آو دِیت	قدیمی
purse	pə:s	پِ(ر)س	کیف زنانه

message	'mesɪdʒ	مِسیج	پیام
Ms.	mɪz	میز	خانمِ
mountain	'mauntən	مَون تِن	کوه
distance	'dɪstəns	دیس تِنس	فاصله
in the distance	ɪn ðə 'dɪstəns	این ذِ دیس تِنس	از دور
form	fɔ:m	فُ(ر)م	تشکیل دادن
part	pɑ:t	پا(ر)ت	قسمتی



Change the following sentences from singular to plural.

جملات را از مفرد به جمع تبدیل کنید.

1. This exercise is easy.
   (These exercises are easy.)

   ۱.این تمرین آسان است.
   (این تمرینات آسان هستند.)

2. This room is too small for our class.
3. That pen on the floor is Sarah's.
4. This pack of cigarettes belongs to William.
5. That boy on the other side of the street is George's brother.
6. That book is out of date.
7. That purse on the table is Elizabeth's.
8. This is my English book.
9. That is Henry's pen.
10. This message is for you.
11. That letter on the table is for Ms. Thaler.
12. This is my pen, not Sandy's.
13. That mountain in the distance forms part of the Rocky Mountains.
14. This car belongs to my father.

That mountain in the distance forms part of the Rocky Mountains.

۲.این اطاق برای اینکه کلاس ما باشد خیلی کوچک است. ۳.آن خودکار در کف اطاق مال سارا است. ۴.این بسته سیگار به ویلیام تعلق دارد. ۵.آن پسر در آن طرف خیابان برادر جورج است. ۶.آن کتاب از رده خارج شده است. ۷.آن کیف روی میز مال الیزابت است. ۸.این کتاب انگلیسی من است. ۹. آن خودکار هنری است. ۱۰.این پیغام برای شماست. ۱۱.آن نامه روی میز برای خانم ثالر است. ۱۲.این خودکار من است، نه مال سندی. ۱۳.آن کوه در دوردست قسمتی از کوههای راکی را تشکیل می دهد. ۱۴.این ماشین به پدرم تعلق دارد.



Object Pronouns

ضمائر مفعولی

ضمائر مفعولی کلماتی هستند که به جای مفعول قرار می گیرند. مفعول در زبان انگلیسی بعد از فعل می آید.

She knows **me** well.	شی نُوز می وِل.	او مرا خوب می شناسد.
We give **her** our homework.	وی گیوْ هِ(ر) آو(ر) هُوم وِ(ر)ک.	ما تکلیفمان را به او می دهیم.
They give **it** to us.	ذِی گیوْ ایت تو آس.	آنها این را به ما می دهند.

ضمائر مفعولی

مفرد			جمع		
me	می	مرا، به من	us	آس	ما را، به ما
you	یو	تو را، به تو	you	یو	شما را، به شما
him	هیم	او را، به او (مذکر)	them	ذِم	آنها را، به آنها
her	هِ(ر)	او را، به او (مونث)			
it	ایت	آن را، به آن (این) غیر شخص			

Vocabulary

object	'ɒbdʒekt	آبجکت	مفعول، چیز
pronoun	'prəʊnaʊn	پرونُون	ضمیر
live	lɪv	لیوْ	زندگی کردن
during	'durɪŋ/ 'djʊərɪŋ	دورینگ/ دیورینگ	در طول
speak	spi:k	سْپیک	صحبت کردن
matter	'mætə	مَتِ(ر)	موضوع، ماده
explain	ɪk'spleɪn	ایکس پلین	توضیح دادن
divide	dɪ'vaɪd	دی واید	تقسیم کردن
money	mʌni	مانی	پول
Venezuelan	venɪ'zweɪlən	وِنی زوایلِن	اهل ونزوئلا
studious	'stju:diəs	سْتیودیِس	درسخوان
seldom	'seldəm	سِلدِم	به ندرت
Spanish	'spænɪʃ	سْپَ نِش	اسپانیائی

Practice (1)

Choose the correct object pronoun form.

شکل درست ضمیر مفعولی را انتخاب کنید.

1. I often see (they, them) on the bus.
   (I often see them on the bus.)
2. She lives near (we, us).
3. (We, us) always walk to school together.
4. He teaches (we, us) English.
5. She sits near (I, me) during the lesson.
6. I know both of (they, them) well.
7. I always speak to (he, him) in English.
8. What is the matter with (he, him) today?
9. He explains the lesson to (we, us) each morning.
10. There are some letters here for you and (I, me).
11. We want to divide the money between (we, us).
12. (They, them) are both Venezuelans.
13. I know her sister and (she, her).
14. (He, him) is a very studious person.
15. He sends (she, her) a lot of presents.
16. She seldom speaks to (we, us) in Spanish.
17. He looks at (she, her) all during the lesson.
18. She always helps (I, me) with my homework.
19. He always sits between Amy and (I, me).
20. He wants to talk with (they, them).



He is a very studious person.

۱.من اغلب آنها را در اتوبوس می بینم. ۲.او نزدیک ما زندگی می کند. ۳.ما همیشه باهم به مدرسه می رویم. ۴.او به ما انگلیسی درس می دهد. ۵.او هنگام درس نزدیک من می نشیند. ۶.من هر دوی آنها را به خوبی می شناسم. ۷.من همیشه با او انگلیسی صحبت می کنم. ۸.او امروز چه ناراحتی دارد؟ ۹.او هر روز صبح درس را برای ما توضیح می دهد. ۱۰.اینجا چند نامه برای تو و من هست. ۱۱.ما می خواهیم پول را بین خودمان تقسیم کنیم. ۱۲.آنها هر دو ونزوئلائی هستند. ۱۳.من خواهرش و او را می شناسم. ۱۴.او فردی بسیار درسخوان است. ۱۵.او هدایای بسیاری برایش می فرستد. ۱۶.او به ندرت با ما اسپانیائی صحبت می کند. ۱۷.او در طول درس به او (مونث) نگاه می کند. ۱۸.او همیشه در تکلیف هایم به من کمک می کند. ۱۹.او همیشه بین ایمی و من می نشیند. ۲۰.او می خواهد با آنها صحبت کند.

Vocabulary

next to	nekst tu:	نِکست تو	پهلوی
directly	dɪ'rektli	دِرِکت لی	مستقیم
relative	'relətɪv	رِلِ تیو	فامیل
belong	bɪ'lɒŋ	بیلانگ	تعلق داشتن

driver	'draɪvə	درای وِ(ر)	راننده
rely on	rɪ'laɪ ɒn	ریلای آن	متکی بودن
assistant	ə'sɪstənt	اسِیس تِنت	معاون
understand	ʌndə'stænd	آندِس تَند	فهمیدن
except	ɪk'sept	ایک سپت	غیر از



Practice (2)

Substitute the correct object pronoun for the word or words in italics.

شکل درست ضمائر مفعولی را به جای کلمه یا کلماتی که به صورت ایتالیک آمده است قرار دهید.

1. I see *Mr. Park* on the bus every morning.
   (I see him on the bus every morning.)
2. I sit near *Grace and Frances* during the lesson.
3. All the boys like *Joy* very much.
4. I often see *you and your sister* in the school cafeteria.
5. He always goes to the movies with *his parents*.
6. I know *both boys* very well.
7. Frank always waits for *Al and me* after the lesson.
8. He drives *Sue and Cal* to school every morning.
9. I sit next to *Carlos*.
10. I also sit directly in front of *Marsha*.
11. He writes a lot of letters to *his relatives*.
12. This book belongs to William.
13. I know *the bus driver* very well.
14. The doctor relies on *her assistant*.
15. I understand *Miss McGrady*.
16. He always speaks to *his students* in English.
17. Everyone in our house watches television except *my brother*.
18. He sends *his parents* money every week.
19. I talked to *Mr. and Mrs. Nelson* yesterday.
20. She saw the *girls* after school.



I know the bus driver very well.

۱.من هر صبح آقای پارک را در اتوبوس می بینم. ۲.من هنگام درس نزدیک گریس و فرانسس می نشینم. ۳.همه پسر ها جوی را خیلی دوست دارند. ۴.من اغلب تو و خواهرت را در کافه تریای مدرسه می بینم. ۵.او همیشه با پدر و مادرش به سینما می رود. ۶.من هر دو پسر را خیلی خوب می شناسم. ۷.فرانک همیشه بعد از درس منتظر ال و من می ماند. ۸.او هر صبح سو و کال را با ماشین به مدرسه می برد. ۹.من کنار کارلوس می نشینم. ۱۰.من همچنین مستقیما مقابل مارشا می نشینم. ۱۱.او نامه های زیادی به اقوامش می نویسد. ۱۲.این کتاب به ویلیام تعلق دارد. ۱۳.من راننده اتوبوس را به خوبی می شناسم. ۱۴.دکتر به دستیارش متکی است. ۱۵.من خانم مک گریدی را درک می کنم. ۱۶.او همیشه با شاگردانش انگلیسی صحبت می کند. ۱۷.همه در خانه ما تلویزیون تماشا می کنند غیر از برادرم. ۱۸.او هر هفته برای پدر و مادرش پول می فرستد. ۱۹.من دیروز با آقا و خانم نلسون صحبت کردم. ۲۰.او دخترها را بعد از مدرسه دید.



Imperative Form شکل امر

۱.در جملات امری یا خواهشی فعل بدون فاعل در اول جمله قرار می گیرد.

Come back later.	کام بَک لِیتِ(ر).	بعدا بر گرد.
Wait outside.	وِیت آوت ساید.	بیرون منتظر بمان.

۲. شکل منفی یا نهی جملات امری را با اضافه کردن don't قبل از فعل می سازیم.

Don't come back later.	دُنت کام بَک لِیتِ(ر).	بعدا برنگرد.
Don't wait outside.	دُنت وِیت آوت ساید.	بیرون منتظر نمان.

نکته: اگر بخواهیم مودبانه برخورد کنیم، please را در اول یا آخر جمله می آوریم.

Please come back later.	پْلیز کام بَک لِیتِ(ر).	لطفا بعدا بر گرد.
Wait outside, please.	وِیت آوت ساید، پلیز.	بیرون منتظر بمان لطفا.



Vocabulary

imperative	ɪm'perətɪv	ایم پِرتیو	امری
open	'əʊpən	اُوپِن	باز کن
close	kləʊz	کلُوز	ببند
outer	'aʊtə	آوتِ(ر)	بیرونی
office	'ɒfis	آفِس	دفتر، اداره
call	kɔ:l	کال	زنگ بزن
tell	tel	تِل	بگو
about	ə'baʊt	اَبوت	درباره
let	let	لِت	اجازه بده
let's	lets	لِتس	بیا(برای پیشنهاد)
turn off	'tə:n 'ɒf	تِ(ر)ن آف	خاموش کن
light	laɪt	لایت	چراغ
feet	fi:t	فیت	پاها
drop	drɒp	دْراپ	بینداز
leave	li:v	لیوْ	بگذار

Practice (1)

Give the imperative form of the following sentences.

شکل امری جملات زیر را به کار برید.

1. (Sit) there.
   (Sit there.)
2. (Give) this to Sally.
3. (Open) the door.
4. (Close) the door.
5. (Wait) in the outer office.
6. (Call) him in the morning.
7. (Tell) her about it.
8. (Let) him talk with her.
9. (Turn) off the light.
10. (Put) your feet on the chair.
11. (Drop) this in the mailbox.
12. (Leave) your books there.
13. (Let) Alexandra know about this.
14. (Help) Jason with his homework.
15. (Send) money.



Wait in the outer office.

۱.آنجا بنشین. ۲.این را به سلی بده. ۳.درب را باز کن. ۴.درب را ببندید. ۵.در دفتر بیرونی منتظر بمانید. ۶.صبح به او زنگ بزن. ۷.این مورد را به او بگوئید. ۸.اجازه بدهید او با او صحبت کند. ۹.چراغ را خاموش کن. ۱۰.پاهایت را روی صندلی بگذار. ۱۱.این را در صندوق پست بینداز. ۱۲.کتاب هایت را آنجا بگذار. ۱۳.بگذار الکساندرا این موضوع را بداند. ۱۴.به جیسون در تکلیفش کمک کن. ۱۵.پول بفرست.



Practice (2)

Give the negative imperative form of the sentences in Exercise 1.

شکل منفی امری جملات تمرین ۱ را بنویسید.

1. (Sit) there. *(Don't sit there.)* ۱.(آنجا ننشین.)

Practice (3)

Make the sentences in Exercise 1 more polite by adding *please* at the beginning or end. **با افزودن please در اول یا آخر جملات تمرین ۱، آنها را مودبانه تر کنید.**

1. (Sit) there. *(Sit there, please.)* ۱. (لطفا آنجا بنشین.)



Simple Present Tense Negatives

زمان حال ساده (شکل منفی)

شکل ساده فعل + don't / doesn't + فاعل

برای منفی کردن جملات در زمان حال ساده از do not یا does not قبل از فعل استفاده می شود. به طور معمول شکل کوتاه شده آنها یعنی don't و doesn't به کار می رود.

I know.	آی نُو.	من می دانم
I don't know.	آی دُنت نُو.	من نمی دانم.
She knows.	شی نُوز.	او می داند.
She doesn't know.	شی دازنت نُو.	او نمی داند.

نکته: درشکل منفی برای سوم شخص مفرد از doesn't قبل از فعل استفاده می کنیم. در این حالت s یا es از آخر فعل حذف می گردد.

Vocabulary

full	fʊl	فُل	کامل
use	ju:z	یوز	استفاده کنید
tenth	tenθ	تِنث	دهم
floor	flɔ:	فلُ(ر)	طبقه
plane	pleɪn	پِلین	هواپیما
leave	li:v	لیوْ	ترک کردن، رفتن
everyone	'evriwʌn	اِوری وان	همه
feel	fi:l	فیل	احساس کردن
come	kʌm	کام	آمدن
late	leɪt	لِیت	دیر
need	ni:d	نید	احتیاج داشتن
fan	fæn	فَن	پنکه، هواکش
together	tə'geðə	تِگِذِ(ر)	باهم

says	sez	سِز	می گوید
visit	vɪzɪt	ویزیت	دیدن کردن
begin	bɪ'gɪn	بیگین	شروع کردن
job	dʒɒb	جاب	کار
mistake	mɪs'teɪk	میس تِیک	اشتباه
spelling	spelɪŋ	سْپِ لینگ	دیکته، هجی
rain	reɪn	رِین	باران باریدن
summer	sʌmə(r)	سامِ(ر)	تابستان
own	əun	اُون	داشتن
afternoon	æftə'noon	آفتِ(ر)نون	بعد از ظهر



Practice

Change the following sentences from affirmative to negative. Use both the full form and the contracted form.

جملات زیر را از مثبت به منفی تغییر دهید. از هر دو شکل کامل و فشرده استفاده کنید.

1. I work on the tenth floor.
   (I do not work on the tenth floor.
   I don't work on the tenth floor.)
2. Ella likes to study English.
3. You speak English well.
4. The plane leaves at ten o'clock.
5. He knows everyone in the school.
6. I feel good.
7. He eats lunch in the cafeteria every day.
8. She always comes to class late.
9. They live in Chicago.
10. We need a fan in this room.
11. Janet and I study together.
12. I understand everything he says.
13. She wants to visit Caracas.
14. He begins his new job this week.
15. The child plays in the park every afternoon.
16. Gina and James make mistakes in spelling.
17. It rains in the summer.
18. You own a watch.

۱.من در طبقه دهم کار می کنم.
(من در طبقه دهم کار نمی کنم.)









The Four Seasons of the Year

۲.الا دوست دارد انگلیسی بخواند. ۳.تو انگلیسی را به خوبی صحبت می کنی. ۴.هواپیما ساعت ده پرواز می کند. ۵.او همه را در مدرسه می شناسد. ۶.من حالم خوب است. ۷.او هر روز در کافه تریا ناهار می خورد. ۸.او همیشه دیر به کلاس می آید. ۹.آنها در شیکاگو زندگی می کنند. ۱۰.ما در این اطاق نیاز به یک پنکه داریم. ۱۱.جَنِت و من باهم درس می خوانیم. ۱۲.من هر چیزی را که او می گوید می فهمم. ۱۳.او می خواهد از کاراکاس دیدن کند. ۱۴.او این هفته کار جدیدش را شروع می کند. ۱۵.بچه هر روز بعد از ظهر در پارک بازی میکند. ۱۶.جینا و جِیمز در دیکته اشتباه می کنند. ۱۷.در تابستان باران می بارد. ۱۸.تو یک ساعت مچی داری.



Simple Present Tense Questions

الف: زمان حال ساده (شکل سوالی)

شکل ساده فعل + فاعل + do/ does

برای سوالی کردن جملات در زمان حال ساده از do یا does قبل از فاعل استفاده می شود.

They live in Paris.	ذِی لیوْ این پَرِس.	آنها در پاریس زندگی می کنند.
Do they live in Paris?	دو ذِی لیو این پَرِس؟	آیا آنها در پاریس زندگی می کنند؟
He lives in London.	هی لیوْز این لاندِن.	او در لندن زندگی می کند.
Does he live in London?	داز هی لیوْ این لاندِن؟	آیا او در لندن زندگی می کند؟

نکته: در شکل سوالی برای سوم شخص مفرد از does قبل از فاعل استفاده می کنیم. در این حالت s یا es از آخر فعل حذف می گردد.



Vocabulary

as	æz	اَز	مانند
example	ɪg'zæmpl	ایگزَم پُل	مثال
statement	'steɪtmənt	سْتِیت مِنت	جمله خبری
Patricia	pə'trɪʃɪə	پِتری شیِ	پاتریشیا
twice	twaɪs	توآیس	دوبار
enjoy	ɪn'dʒɔɪ	اینجُی	لذت بردن
that	ðat	ذَت	آن
company	'kʌmpni	کامپنی	شرکت
merchandise	'mə:tʃəndaɪs	مِچِندایس	کالا، محموله تجاری
look like	'lʊk 'laɪk	لُک لایک	شبیه بودن/ به نظر رسیدن
once	wʌns	وانس	یک بار
meet	mi:t	میت	برگزار شدن
third	θə:d	ثِ(ر)د	سوم

seem	si:m	سیم	بنظر رسیدن
busy	'bɪzɪ	بیزی	مشغول، شلوغ
take	teɪk	تِیک	سوار شدن
number	'nʌmbə	نامبِ(ر)	شماره
newspaper	'nu:zpeɪpə	نوزپیپِ(ر)	روزنامه
store	stɔ:	سْتُ(ر)	فروشگاه
thirty	'θə:ti	ثِ(ر)تی	عدد سی
smoke	sməʊk	سْمُک	سیگار کشیدن، دود
sing	sɪŋ	سینگ	آواز خواندن
too	tu:	تو	خیلی، زیادی
softly	'sɒfli	سافلی	به نرمی، با ملایمت
chess	tʃes	چِس	شطرنج



ractice (1)

Change the following statements to questions as in the example.

جملات خبری زیر را مانند مثال سوالی کنید.

1. Patricia goes to class twice a week. — ۱.پاتریشیا هفته ای دو بار به کلاس می رود.
   (Does Patricia go to class twice a week?) — (آیا پاتریشیا هفته ای دو بار به کلاس می رود؟)
2. They enjoy their English lessons.
3. That company buys a lot of merchandise from us.
4. It looks like rain.
5. He drives to Washington once a week.
6. The class meets on the third floor.
7. He seems to be very busy.
8. This book belongs to her.
9. You like New York.
10. You speak French well.
11. He often goes out of town.
12. I take the Number 65 bus to my new job.
13. They sell newspapers there.
14. The store opens at nine o'clock.
15. It closes at five-thirty.
16. He smokes a lot.
17. She lives in Los Angeles.
18. He and I sing too softly.
19. Tony and his mother play chess every day.



Does he seem to be very busy?

۲.آنها از درس های انگلیسی شان لذت می برند. ۳.آن شرکت کالاهای زیادی از ما می خرد. ۴.این شبیه باران است. ۵.او هفته ای یک بار با ماشین به واشینگتن می رود. ۶.کلاس در طبقه سوم برگزار می شود. ۷.به نظر می رسد او سرش خیلی شلوغ باشد. ۸.این کتاب به او تعلق دارد. ۹.تو از نیویورک خوشت می آید. ۱۰.تو فرانسوی را خوب صحبت می کنی. ۱۱.او اغلب به خارج از شهر می رود. ۱۲.من با اتوبوس شماره ۶۵ به محل کار جدیدم می روم. ۱۳.آنها در آنجا روزنامه می فروشند. ۱۴.فروشگاه ساعت ۹ باز می شود. ۱۵.آن در ساعت ۵:۳۰ تعطیل می شود. ۱۶.او زیاد سیگار می کشد. ۱۷.او در لس آنجلس زندگی می کند. ۱۸.او و من خیلی با ملایمت آواز می خوانیم. ۱۹.تونی و مادرش هر روز شطرنج بازی می کنند.

Simple Present Tense (Question Words)

ب: زمان حال ساده (سوالی با کلمات پرسشی)

شکل ساده فعل + فاعل + do/ does + کلمه پرسشی

در زمان حال ساده، برای سوالی کردن جملات با کلمات پرسشی اول کلمه پرسشی را می آوریم. بعد از آن فعل کمکی، پس از آن فاعل و سپس شکل ساده فعل اصلی می آید.

They live in Paris. (where)	ذِی لیوْ این پَرِس. (وِر)	آنها در پاریس زندگی می کنند.
Do they live in Paris?	دو ذِی لیو این پَرِس؟	آیا آنها در پاریس زندگی می کنند؟
Where do they live?	وِ(ر) دو ذِی لیوْ؟	آنها کجا زندگی می کنند؟



Vocabulary

supply	sə'plaɪ	سِپلای	قرار دهید
to complete	tu: kem'pli:t	تو کِمپلیت	برای کامل کردن
where	weə	وِ(ر)	کجا
how often	haʊ 'ɒfən	هاوْ آفِن	هر چند وقت
movies	'mu:viz	موویز	سینما
plane	pleɪn	پْلِین	هواپیما
language	'læŋgwɪdʒ	لَنگواج	زبان
besides	bɪ'saɪdz	بیسایدز	علاوه بر
get up	'get 'ʌp	گِت آپ	برخاستن
rest	rest	رِست	استراحت کردن، بقیه
family	'fæmɪli	فَمِلی	خانواده
what time	wɒt 'taɪm	وات تایم	چه وقت
what	wɒt	وات	چه، چه کاره
how well	haʊ wel	هاوْ وِل	تا چه اندازه
how much	haʊ mʌtʃ	هاوْ ماچ	چقدر
cost	kɒst	کاست	هزینه داشتن
fly	flaɪ	فلای	پرواز کردن
month	mʌnθ	مانث	ماه
April	'eɪprɪl	ایپرِل	ماه اِیپریل
country	'kʌntri	کانتری	کشور
generally	'dʒenərəli	جِنرِلی	به طور کلی
pay	peɪ	پی	پرداخت کردن
pair	peə	پِ(ر)	جفت

shoes	ʃu:z	شوز	کفش
how long	haʊ lɒŋ	هاوْ لانگ	چه مدتی
last	læst	لَست	طول کشیدن
end	end	اِند	تمام شدن
how	haʊ	هاو	چگونه، چطور
weekend	'wi:kend	ویکِند	تعطیلی آخر هفته
which	wɪtʃ	وِچ	کدام
star	stɑ:	سْتا(ر)	ستاره(فیلم)
best	best	بِست	بیشتر، بهتر
why	waɪ	وای	چرا
Russian	'rʌʃn	راشِن	روسی
walk	wɔ:k	واک	پیاده روی

Practice (2)

Supply *do* or *does* to complete these present tense questions.

برای کامل کردن این جملات سوالی زمان حال ساده از do یا does استفاده کنید.

1. Where .... Sam live ?
   (*Where does Sam live?*)
2. How often .... you go to the movies?
3. What time .... the plane leave?
4. What language besides English .... your teacher speak?
5. What time .... you get up every morning?
6. What time .... the rest of your family get up?
7. When .... they get up every morning?
8. How well .... Edna speak French?
9. Where .... you usually meet Lois after the lesson?
10. How much .... it cost to fly from Havana to Madrid?
11. How often .... it rain during the month of April in your country?
12. How much .... you generally pay for a pair of shoes?
13. How long .... your lesson last?
14. What time .... your lesson begin and what time .... it end?
15. Where .... you live?
16. How .... you feel today?
17. Where .... Ed go every day after the lesson?
18. Where .... you eat lunch every day?
19. What .... you generally do over the weekend?
20. Which movie star .... you like best ?
21. Why .... Jane want to study Russian?
22. How often .... you go for a walk in the park?

How often do you go for a walk in the park?

۱.سَم کجا زندگی می کند؟ ۲.هر چند وقت به سینما می روی؟ ۳.هواپیما چه ساعتی پرواز می کند؟ ۴.معلم شما علاوه بر انگلیسی به چه زبانی صحبت می کند؟ ۵.هر روز صبح چه ساعتی بیدار می شوی؟ ۶.بقیه اعضاء خانواده ات چه ساعتی بیدار می شوند؟ ۷.آنها هر روز صبح کی بیدار می شوند؟ ۸.ادنا فرانسه را چگونه صحبت می کند؟ ۹.معمولا بعد از درس لویس را کجا می بینی؟ ۱۰.پرواز از هاوانا به مادرید چقدر هزینه دارد؟ ۱۱.در طول ماه آوریل در کشور شما هر چند وقت باران می بارد؟ ۱۲.برای یک جفت کفش معمولا چقدر می پردازید؟ ۱۳.درس شما چه مدت طول می کشد؟ ۱۴.درس شما چه موقع شروع و چه موقع تمام می شود؟ ۱۵.شما کجا زندگی می کنید؟ ۱۶.امروز حالت چطور است؟ ۱۷.اد هر روز بعد از درس به کجا می رود؟ ۱۸.هر روز کجا ناهار می خوری؟ ۱۹.در تعطیلی آخر هفته معمولا چه کار می کنی؟ ۲۰.کدام ستاره سینما را بیشتر دوست داری؟ ۲۱.چرا جین می خواهد روسی بخواند؟ ۲۲.هر چند وقت برای پیاده روی به پارک می روی؟

Vocabulary

beginning	bɪˈgɪnɪŋ	بیگِ نینگ	شروع
get	get	گِت	رسیدن، رفتن
travel	ˈtrævəl	ترَوِل	سفر کردن
agent	ˈeɪdʒənt	ایجِنت	عامل، مامور
poorly	ˈpɔːly	پ‌ُ(ر)لی	خیلی بد
order	ˈɔːdə	اُ(ر)د(ر)	دستور، سفارش
in order to	ɪn ˈɔːdə tuː	این اُ(ر)د(ر) تو	به منظور
better	ˈbetə	بِتِ(ر)	بهتر
banker	ˈbæŋkə	بَنکِ(ر)	بانکدار
learn	ləːn	لِ(ر)ن	یاد گرفتن
belong	bɪˈlɒŋ	بیلانگ	تعلق داشتن، جا داشتن
shelf	ʃelf	شِلف	قفسه



Practice (3)

Change the following sentences to questions beginning with the question words in parentheses.

با استفاده از کلمات پرسشی داخل پرانتز جملات زیر را سوالی کنید.

1. They live in Boston. (Where)
   (Where do they live?)
   ۱.آنها در بوستون زندگی می کنند.
   (آنها کجا زندگی می کنند؟)
2. The lesson begins at eight o'clock. (What time)
3. They get home at six o'clock every night. (When)
4. The travel agent speaks French poorly. (How well)
5. Those books cost $8.95. (How much)
6. They travel by car. (How)
7. He comes here once a week. (How often)

8. She feels good. (How)
9. Francine wants to learn English in order to get a better job. (Why)
10. They meet on the corner every morning. (Where)
11. We go to the movies twice a week. (How often)
12. The banker goes to the park after the lesson. (Where)
13. We learn ten new words every day. (How many)
14. They eat lunch in the cafeteria. (Where)
15. He drives a Ford. (What kind of car)
16. This book belongs on the shelf. (Where)
17. The class meets in Room 10. (In which room)
18. She teaches us grammar. (What)
19. It rains in the spring. (When)
20. He gets up at seven o'clock every morning. (What time)
21. She goes to bed at ten o'clock. (When)



When does it rain?

۲.درس در ساعت هشت شروع می شود. ۳.آنها هر شب ساعت شش به خانه می رسند. ۴.مسئول آژانس مسافرتی فرانسه را بد صحبت می کند. ۵.آن کتاب ها ۸ دلار و ۹۵ سنت ارزش دارند. ۶.آنها با اتومبیل سفر می کنند. ۷.او هفته ای یک بار به اینجا می آید. ۸.او حالش خوب است. ۹.فرانسین می خواهد انگلیسی یاد بگیرد تا کار بهتری پیدا کند. ۱۰.آنها هر روز صبح همدیگر را در آن گوشه می بینند. ۱۱.ما هفته ای دو بار به سینما می رویم. ۱۲.بانکدار بعد از درس به پارک می رود. ۱۳.ما هر روز ده لغت جدید یاد می گیریم. ۱۴.آنها ناهار را در کافه تریا می خورند. ۱۵.او با یک ماشین فورد رانندگی می کند. ۱۶.جای این کتاب در قفسه است. ۱۷.کلاس در اطاق شماره ده بر گزار می شود. ۱۸.او به ما گرامر درس می دهد. ۱۹.در بهار باران می بارد. ۲۰.او هر روز صبح ساعت هفت از خواب بیدار می شود. ۲۱.او ساعت ده به رختخواب می رود.



To Be
Past Tense
زمان گذشته فعل بودن

زمان حال			زمان گذشته			
I	am	آی اَم	I	was	آی واز	من بودم
you	are	یو آ(ر)	you	were	یو وِ(ر)	تو بودی
he	is	هی ایز	he	was	هی واز	او بود
she	is	شی ایز	she	was	شی واز	او بود
it	is	ایت ایز	it	was	ایت واز	این(آن) بود
we	are	وی آ(ر)	we	were	وی وِ(ر)	ما بودیم
you	are	یو آ(ر)	you	were	یو وِ(ر)	شما بودید
they	are	ذِی آ(ر)	they	were	ذِی وِ(ر)	آنها بودند



Vocabulary

past	pæst	پَست	گذشته
tense	tens	تِنس	زمان
same as	'seɪm æz	سِیم اَز	همان، مشابه
last year	læst jə:	لَست یِ(ر)	پارسال
for	fɔ:	فُ(ر)	به مدت، برای
open	'əʊpən	اُوپِن	باز
sick	sɪk	سِک	مریض
tired	'taɪəd	تایِ(ر)د	خسته
long walk	lɒŋ wɔ:k	لانگ واک	پیاده روی طولانی
hungry	'hʌŋgri	هانگری	گرسنه
so much	səʊ mʌtʃ	سُو ماچ	خیلی زیاد
exercise	'eksəsaɪz	اِکس سایز	ورزش، تمرین
present	'prezənt	پرِزِنت	حاضر
absent	'æbsənt	اَبسِنت	غایب
weather	'weðə	وِذ(ر)	هوا
warm	wɔ:m	وا(ر)م	گرم
pleased	pli:zd	پلیزد	راضی، خوشحال
receive	rɪ'si:v	رِسیوْ	دریافت کردن

letter	ˈletə	لِت(ر)	نامه
satisfied	ˈsætɪsfaɪd	سَتِس فاید	راضی، خوشحال
composition	kɒmpəˈzɪʃn	کام پِز شِن	انشا
last	læst	لَست	آخر، آخرین
able	ˈeɪbl	اِی بُل	قادر
touch	tʌtʃ	تاچ	لمس کردن
get in touch with	get ɪn tʌtʃ wɪð	گِت این تاچ ویذ	تماس گرفتن با
wind	wɪnd	ویند	باد
last night	læst naɪt	لَست نایت	دیشب
strong	strɒŋ	سْترانگ	قوی، شدید

Practice (1)

Supply the correct form of the past tense of *to be* as in the example.

شکل درست گذشته فعل to be را مانند مثال در جای خالی به کار ببرید.

1. Teresa .... absent from school yesterday.
   (Teresa was absent from school yesterday.)
2. I .... in the same class as Wendy last year.
3. We .... good friends for many years.
4. The door of the office .... open.
5. But both windows .... closed.
6. Ned .... not in school yesterday.
7. He and his sister .... sick.
8. You .... busy all day yesterday.
9. He .... tired after a long walk.
10. I .... hungry after so much exercise.
11. There .... a lot of students absent from class yesterday.
12. Fred .... present, but I .... not.
13. The weather yesterday .... very warm.
14. We .... pleased, to receive your letter.
15. You .... not satisfied with my composition.
16. The exercises in the last lesson .... easy.
17. We .... not able to get in touch with Mr. Reese yesterday.
18. The wind last night .... very strong.

He was tired after a long walk.

۱.ترزا دیروز از مدرسه غایب بود. ۲.من در همان کلاسی بودم که وندی پارسال بود. ۳.ما سالیان سال دوستان خوبی بودیم. ۴.درب دفتر باز بود. ۵.اما هر دو پنجره بسته بودند. ۶.ند دیروز در مدرسه نبود. ۷.او و خواهرش بیمار بودند. ۸.شما تمام مدت دیروز مشغول بودید. ۹.او بعد از پیاده روی طولانی خسته شد. ۱۰.من بعد از ورزش کردن زیاد گرسنه شدم. ۱۱.دیروز دانش آموزان زیادی از کلاس غائب بودند. ۱۲.فرِد حاضر بود، اما من نبودم. ۱۳.دیروز هوا خیلی گرم بود. ۱۴.ما از دریافت نامه شما خوشحال شدیم. ۱۵.شما از انشاء من راضَی نبودید. ۱۶.تمرینات درس آخر آسان بودند. ۱۷.ما دیروز نتوانستیم با آقای ریز تماس بگیریم. ۱۸.باد دیشب خیلی شدید بود.

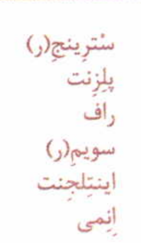
زمان گذشته فعل بودن (شکل منفی)

		شکل منفی	شکل منفی کوتاه شده		
I	was	I was not	I wasn't	آی وازنت	من نبودم
you	were	you were not	you weren't	یو وِ(ر)نت	تو نبودی
he	was	he was not	he wasn't	هی وازنت	او(مذکر) نبود
we	were	we were not	we weren't	وی وِ(ر)نت	ما نبودیم
you	were	you were not	you weren't	یو وِ(ر)نت	شما نبودید
they	were	they were not	they weren't	دِی وِ(ر)نت	آنها نبودند

زمان گذشته فعل بودن (شکل سوالی)

		شکل سوالی		
I	was	Was I?	واز آی؟	آیا من بودم؟
you	were	Were you?	وِ(ر) یو؟	آیا تو بودی؟
he	was	Was he?	واز هی؟	آیا او بود؟
we	were	Were we?	وِ(ر) وی؟	آیا ما بودیم؟
you	were	Were you?	وِ(ر) یو؟	آیا شما بودید؟
they	were	Were they?	وِ(ر) دِی؟	آیا آنها بودند؟

Vocabulary



stranger	'streɪndʒə	سترِینج(ر)	بیگانه
pleasant	'plezənt	پلِزنت	مطبوع
rough	rʌf	راف	طوفانی
swimmer	'swɪmə	سویم(ر)	شناگر
intelligent	ɪn'telɪdʒənt	اینتِلِجِنت	باهوش
enemy	'enəmi	اِنِمی	دشمن



Practice (2)

Change the following statements from affirmative to negative. Use both the full form and the contracted form.

جملات زیر را از مثبت به منفی تغییر دهید. از هر دو شکل کامل و فشرده استفاده کنید.

1. You were tired last night. ۱.تو دیشب خسته بودی.
   (You were not tired last night. (تو دیشب خسته نبودی.)
   You weren't tired last night.)
2. Both doors were closed.
3. The exercises were easy to do.

4. The man was a stranger to her.
5. It was a pleasant day.
6. The sea was very rough.
7. He was a tall man.
8. There were ten new words in the lesson.
9. Sarah was a good swimmer.
10. She was very intelligent.
11. They were both Americans.
12. She was a good tennis player.
13. You were a happy child.
14. He was always angry.
15. They were friendly enemies.
16. Bert was an old friend of the family.



The sea was very rough.



He was a tall man.

۲.هر دو در بسته بودند. ۳.انجام تمرینات آسان بود. ۴.مرد برای او بیگانه بود. ۵.روز دلچسبی بود. ۶.دریا خیلی طوفانی بود. ۷.او مرد ی بلند قد بود. ۸.ده لغت جدید در درس بود. ۹.سارا شناگر خوبی بود. ۱۰.او خیلی باهوش بود. ۱۱.آنها هر دو آمریکائی بودند. ۱۲.او تنیس باز خوبی بود. ۱۳.شما کودکی شاد بودید. ۱۴.او همیشه عصبانی بود. ۱۵.آنها دشمنانی صمیمی بودند. ۱۶.برت دوست قدیمی خانواده بود.



Practice (3)

Change the sentences in Exercise 2 to questions.

جملات تمرین ۲ را سوالی کنید.

1. You were tired last night.
   (Were you tired last night?)

۱.تو دیشب خسته بودی.
(آیا تو دیشب خسته بودی؟)



Past Tense (1)

زمان گذشته افعال با قاعده

الف. طریقه ساختن افعال در زمان گذشته به دو صورت تغییر می کنند:

۱. افعال با قاعده: با اضافه کردن ed یا d به آخر افعال، آنها را به گذشته تبدیل می کنیم.

۲. افعال بی قاعده: برای تبدیل این افعال به زمان گذشته قانون خاصی وجود ندارد بنابراین باید آنها را به تدریج فرا گیریم.

Mrs. Ditto enjoyed her class.	(فعل با قاعده)	خانم دیتو از کلاسش لذت برد.
I went by bus.	(فعل بی قاعده)	من با اتوبوس رفتم.

صرف فعل با قاعده to work (کار کردن) در زمان گذشته ساده

I worked	آی	وِ(ر)کت	من کار کردم
you worked	یو	وِ(ر)کت	تو کار کردی
he worked	هی	وِ(ر)کت	او(مذکر) کار کرد
she worked	شی	وِ(ر)کت	او(مونث) کار کرد
it worked	ایت	وِ(ر)کت	این/ آن(غیر شخص) کار کرد
we worked	وی	وِ(ر)کت	ما کار کردیم
you worked	یو	وِ(ر)کت	شما کار کردید
they worked	ذِی	وِ(ر)کت	آنها کار کردند

ب. کاربرد گذشته ساده برای عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام گرفت و به پایان رسید.

We helped them. — ما به آنها کمک کردیم.

تغییرات در افعال با قاعده در گذشته

نکته ۱: اگر فعلی به e ختم شود، فقط d به آخر فعل اضافه می شود.

We live in a big city. — ما در یک شهر بزرگ زندگی می کنیم.
We lived in a big city. — ما در یک شهر بزرگ زندگی کردیم.

نکته ۲: اگر فعلی به y ختم شود و قبل از y حرف بی صدا باشد، برای تبدیل به گذشته y به i تبدیل شده، ed اضافه می شود. اما اگر قبل از y حرف صدا دار باشد، y تغییری نکرده و ed اضافه می شود.

We study till late at night. — ما شب تا دیر وقت درس می خوانیم.
We studied till late at night. — ما شب تا دیر وقت درس خواندیم.

We enjoy the concert very much.	ما از کنسرت خیلی لذت می بریم.
We enjoy**ed** the concert very much.	ما از کنسرت خیلی لذت بردیم.

تذکر: قبل از انجام تمرین به تلفظ **ed** درگذشته افعال زیر توجه کنید.

صدای (د)		صدای (ت)		صدای (اید)	
learned	لِ(ر)ند	worked	وِ(ر)کت	expected	ایکسْ پکتید
arrived	اِرایوْد	talked	تاکْت	lasted	لَستید
married	مَرید	watched	واچْت	wanted	وانتید
changed	چینجد	washed	واشْت	waited	ویتید
studied	سْتادید	walked	واکْت	painted	پین تید
moved	مووْد	passed	پَسْت		
mailed	میلد	liked	لایکت		
listened	لِسِند				
planned	پْلَند				



almost	'ɒlməʊst	اُولمُوست	تقریبا
arrive	ə'raɪv	اِرایو	وارد شدن
late	leɪt	لیت	دیر
way	weɪ	وِی	راه
ago	ə'gəʊ	اِگو	قبل
marry	'mæri	مَری	ازدواج کردن



Supply the past tense form of the verbs in parentheses.

شکل گذشته افعال داخل پرانتز را به کار برید.

1. We (work) in our garden all day yesterday.
   (We worked in our garden all day yesterday.)
2. I (listen) to the radio until twelve o'clock last night.
3. Meg and I (talk) on the telephone yesterday.
4. He always (want) to learn English.
5. They (live) in France for many years.
6. We (expect) to go to Europe in June.
7. The meeting (last) about two hours.
8. We (change) planes in Seattle.

9. We both (like) the movies last night very much.
10. I (wait) almost two hours for Gertrude.
11. She (paint) her room blue.
12. She (arrive) late for class.
13. We (watch) television until eleven o'clock last night.
14. She (study) in our class last semester.
15. I (mail) your letter on my way to work.
16. We both (learn) how to swim many years ago.
17. Perry (marry) Barbara eight months ago.



She painted her room blue.

۱.ما تمام دیروز را در باغمان کار کردیم. ۲.من تا ساعت دوازده دیشب به رادیو گوش دادم. ۳.مِگ و من دیروز تلفنی صحبت کردیم. ۴.او همیشه می خواست انگلیسی یاد بگیرد. ۵.آنها سالهای زیادی در فرانسه زندگی کردند. ۶.ما انتظار داشتیم در ماه جون به اروپا برویم. ۷.جلسه حدود دو ساعت طول کشید. ۸.ما در سیاتل هواپیما عوض کردیم. ۹.ما هر دو دیشب از فیلم خیلی خوشمان آمد. ۱۰.من تقریبا دو ساعت منتظر گرترود شدم. ۱۱.او اطاقش را با رنگ آبی نقاشی کرد. ۱۲.او دیر وارد کلاس شد. ۱۳.ما تا ساعت ۱۱ دیشب تلویزیون تماشا کردیم. ۱۴.او ترم گذشته در کلاس ما درس خواند. ۱۵.من در مسیر رفتن به محل کارم نامه ات را پست کردم. ۱۶.ما هردو سال های خیلی قبل شنا کردن را یاد گرفتیم. ۱۷.پری هشت ماه قبل با باربارا ازدواج کرد.

Past Tense (2)

زمان گذشته افعال بی قاعده

افعال بی قاعده هم مانند افعال با قاعده با کلیه فاعلها یکسان صرف می شوند.

صرف فعل بی قاعده to eat (خوردن) در زمان گذشته ساده		
I ate	آی ایت	من خوردم
you ate	یو ایت	تو خوردی
he ate	هی ایت	اوخورد
she ate	شی ایت	او خورد
it ate	ابت ایت	این/ آن خورد
we ate	وی ایت	ما خوردیم
you ate	یو ایت	شما خوردید
they ate	ذی ایت	آنها خوردند

زمان حال و گذشته افعال بی قاعده در این بخش				
شکل ساده (زمان حال)			زمان گذشته	
come	کام	آمدن	came	کِیم
tell	تِل	گفتن	told	تُلد
sit	سیت	نشستن	sat	سَت
put	پُت	گذاشتن	put	پُت
begin	بیگین	شروع کردن	began	بیگَن
write	رایت	نوشتن	wrote	رُوت
see	سی	دیدن	saw	سا
cost	کاست	قیمت داشتن	cost	کاست
drink	درینک	نوشیدن	drank	دْرَنک
give	گیو	دادن	gave	گِیو
sell	سِل	فروختن	sold	سُلد
hear	هی(ر)	شنیدن	heard	هِ(ر)د
know	نُو	دانستن/ شناختن	knew	نیو/ نو
feel	فیل	احساس کردن	felt	فِلت
go	گُو	رفتن	went	وِنت
read	رید	خواندن	read	رِد
have	هَو	داشتن/ خوردن	had	هَد
speak	سْپیک	صحبت کردن	spoke	سْپُک
fly	فْلای	پرواز کردن	flew	فْلو
pay	پِی	پرداخت کردن	paid	پِید
get	گِت	رسیدن/ گرفتن	got	گات



plan	plæn	پِلَن	طرح، نقشه
porch	pɔ:tʃ	پ ُ(ر)چ	ایوان
closet	ˈklɒzɪt	کْلازیت	کمد ، گنجه
party	ˈpɑ:ti	پا(ر)تی	مهمانی
idea	aɪˈdɪə	آیدیِ	فکر
subject	ˈsʌbdʒɪkt	سابجیکت	موضوع
President	ˈprezɪdənt	پْرزیدِنت	رئیس جمهور
even	ˈi:vn	ایوِن	حتی
before	bɪˈfɔ:	بی ف ُ(ر)	قبل از
again	əˈgen	اِگِن	دوباره
got wet	gɒt wet	گات وِت	خیس شدیم
cold	kəʊld	کُولد	سرماخوردگی
senator	ˈsenətə	سِنیتِ(ر)	نماینده مجلس سنا

Practice (2)

Supply the past tense form of the verbs in parentheses.

شکل گذشته افعال داخل پرانتز را به کار برید.

1. Mr. and Mrs. Rockwell (come) to visit us last night.
   (Mr. and Mrs. Rockwell came to visit us last night.)
2. They (tell) us about their plans for their new home.
3. The weather was warm, so we (sit) on our front porch.
4. I (put) your coat in the closet.
5. I The meeting last night (begin) at eight and ended at ten.
6. I stayed home last night and (write) several letters.
7. I (see) you on the street yesterday.
8. This book (cost) $5.50.
9. I (eat) my lunch in the cafeteria yesterday.
10. The man (drink) a lot of wine at the party last night.
11. I (give) Joe your message and also (tell) him my ideas on the subject.
12. Ms. Reese finally (sell) her house.
13. I (hear) the President speak on television last night.
14. My father (know) Mr. Evans well even before he (come) to live in this town.
15. Kim (feel) well yesterday, but today she feels sick again.
16. We (go) to the park yesterday and (get) wet when it rained.
17. I (read) the novel several years ago.
18. You (have) a cold last week.
19. Senator Jordan (speak) to our club last month.

We sat on our front porch.



She fell sick again.

۱.آقا و خانم راکول دیشب به دیدن ما آمدند. ۲.آنها درباره نقشه هایشان برای خانه جدیدشان با ما گفتگو کردند. ۳.هوا گرم بود، بنابراین ما در ایوان جلوئی نشستیم. ۴.من کت تو را در کمد گذاشتم. ۵.جلسه دیشب در ساعت هشت شروع و در ساعت ده تمام شد. ۶.دیشب در خانه ماندم و چند نامه نوشتم. ۷.دیروز تو را در خیابان دیدم. ۸.این کتاب ۵ دلار و ۵۰ سنت قیمت داشت. ۹.من دیروز ناهارم را در کافه تریا خوردم. ۱۰.مرد دیشب در مهمانی شراب زیادی نوشید. ۱۱.من پیغام تو را به جو دادم و همچنین نظریات خودم را درباره موضوع به او گفتم. ۱۲.خانم ریز بالاخره خانه اش را فروخت. ۱۳.من شنیدم رئیس جمهور دیشب در تلویزیون صحبت کرد. ۱۴.پدرم آقای ایوانز را حتی قبل از اینکه او برای زندگی به این شهر بیاید به خوبی می شناخت. ۱۵.کیم دیروز حالش خوب بود، اما امروز دوباره او احساس می کند بیمار است. ۱۶.ما دیروز به پارک رفتیم و زمانی که باران بارید خیس شدیم. ۱۷.من داستان را سال ها قبل خواندم. ۱۸.تو هفته گذشته سرما خوردی. ۱۹.سناتور جردن ماه گذشته برای باشگاه ما سخنرانی کرد.

Past Tense (3)

Negatives

زمان گذشته (شکل منفی)

برای منفی کردن جملات در زمان گذشته ساده، از did not یا didn't قبل از فعل استفاده می کنیم. در این صورت فعل جمله از گذشته به شکل ساده آن بر می گردد.

You had a cold last week.

تو هفته گذشته سرما خوردی. یو هَد اِ کُلد لَست ویک.

You didn't have a cold last week.

تو هفته گذشته سرما نخوردی. یو دیدنت هَو اِ کُلد لَست ویک.

The meeting lasted a long time.

جلسه خیلی طول کشید. دِ میتینگ لَستید اِ لانگ تایم.

The meeting didn't last a long time.

جلسه خیلی طول نکشید. دِ میتینگ دیدنت لَست اِ لانگ تایم.



ractice (3)

Change the following sentences from affirmative to negative. Use both the full form and the contracted form.

جملات زیر را از مثبت به منفی تبدیل کنید. از هر دو شکل کامل و فشرده استفاده کنید.

1. They ate chicken for dinner.
   (They did not eat chicken for dinner.
   They didn't eat chicken for dinner.)

   ۱.آنها برای شام مرغ خوردند.
   (آنها برای شام مرغ نخوردند.)
2. You told me about it.
3. He put the books on the table.
4. They stayed in Mexico City.
5. Judy and I saw Eliot yesterday.
6. He planned his work well.
7. The meeting lasted a long time.
8. The book cost $3.95.
9. The woman and her husband worked together.
10. I knew him very well.
11. They sold their home.
12. I spoke with George about that matter.
13. She came to the meeting alone.
14. We sat together at the concert last night.
15. We went to Bermuda by boat.
16. You gave her your message.



We went to Bermuda by boat.

۲.تو این مورد را به من گفتی. ۳.او کتاب ها را روی میز گذاشت. ۴.آنها در مکزیکو سیتی ماندند. ۵.جودی ومن دیروز الیوت را دیدیم. ۶.او کارش را به خوبی برنامه ریزی کرد. ۷.جلسه مدت زمان زیادی طول کشید. ۸.کتاب سه دلار و نود و پنج سنت قیمت داشت. ۹.زن و همسرش باهم کار می کردند. ۱۰.من او را خیلی خوب می شناختم. ۱۱.آنها خانه شان را فروختند. ۱۲.من با جورج درباره آن موضوع صحبت کردم. ۱۳.او تنها به جلسه آمد. ۱۴.ما دیشب باهم در کنسرت نشستیم. ۱۵.ما با قایق به برمودا رفتیم. ۱۶.تو پیامت را به او دادی.

Past Tense (4)

Questions　　زمان گذشته (شکل سوالی)

برای سوالی کردن جملات در زمان گذشته ساده، از did قبل از فاعل جمله استفاده می شود. در این صورت فعل جمله از گذشته به شکل ساده آن تبدیل می شود.

You had a cold last week.　　یو هَد اِ کُلد لَست ویک.　　تو هفته گذشته سرما خوردی.

Did you have a cold last week?　　دید یو هَو اِ کُلد لَست ویک؟　　آیا تو هفته گذشته سرما خوردی؟



Vocabulary

present	prezənt	پِرزِنت	هدیه
as	æz	اَز	از هنگام
firm	fə:m	فِ(ر)م	شرکت
operation	ɒpər'eɪʃn	آپِریشِن	عمل جراحی
on time	ɒn 'taɪm	آن تایم	سر وقت
advanced	əd'vænst	ادوَنست	پیشرفته
crowd	kraʊd	کُروْد	جمعیت



Practice (4)

Change the following past tense statements to questions as in the example.
مانند مثال جملات زمان گذشته زیر را به سوالی تبدیل کنید.

1. She lived in Peru for two years.　　۱.او به مدت دو سال در پرو زندگی کرد.
   (Did she live in Peru for two years?)　　(آیا او به مدت دو سال در پرو زندگی کرد؟)
2. He gave her a lot of presents.
3. They stayed in Europe all summer.
4. She told them all about her trip.
5. You moved here in February.
6. Terry flew to Minneapolis.
7. We went home after you did last night.
8. They came to the party together.
9. Carla and Dave knew each other as children.

10. He worked in that firm for many years.
11. She felt much better after her operation.
12. The meeting began on time.
13. I passed all my examinations.
14. They put him in the advanced class.
15. I gave you my new telephone number.
16. The crowd waited a long time to see the president.



*The crowd **waited** a long time to see the president.*

۲.او هدایای زیادی به او داد. ۳.آنها تمام تابستان در اروپا ماندند. ۴.او همه چیز را درباره سفرش به آنها گفت. ۵.شما در ماه فوریه به اینجا نقل مکان کردید. ۶.تری به مینیا پلیس پرواز کرد. ۷.ما دیشب بعد از شما به خانه رفتیم. ۸.آنها باهم به مهمانی آمدند. ۹.کارلا و دیو از زمان کودکی همدیگر را می شناختند. ۱۰.او سال های زیاد در آن شرکت کار کرد. ۱۱.او بعد از عمل جراحی احساس کرد حالش خیلی بهتر شده است. ۱۲.جلسه سر وقت شروع شد. ۱۳.من در همه امتحاناتم قبول شدم. ۱۴.آنها او را در کلاس پیشرفته گذاشتند. ۱۵.من شماره تلفن جدیدم را به شما دادم. ۱۶.جمعیت برای دیدن رئیس جمهور مدت زمان طولانی منتظر ماندند.

Past Tense (5)

Question Words

زمان گذشته

(سوالی با کلمات پرسشی)



eight-thirty	eɪt-'θɜ:ti	ایت- ثِ(ر)تی	هشت و سی
ticket	'tɪkɪt	تیکت	بلیط
dollar	'dɒlə	دالِ(ر)	دلار
paid	peɪd	پید	گذشته پرداخت کردن
invest	ɪn'vest	اینوِست	سرمایه گذاری کردن
thousand	'θauzənd	ثوزِند	هزار
stock	stɒk	سْتاک	بورس
first	fɜ:st	فِ(ر)ست	اولین
row	rəʊ	رو	ردیف
time	taɪm	تایم	بار، دفعه
around	ə'raʊnd	اِرَوند	حدود
midnight	'mɪdnaɪt	میدنایت	نیمه شب
who	hu:	هو	چه کسی
how	haʊ	هاو	چگونه
which	wɪtʃ	ویچ	کدام
how many	haʊ 'meni	هاو مِنی	چند، چند تا

Practice (5)

Change the following past tense statements to questions beginning with the question word in parentheses.

جملات گذشته زیر را با استفاده از کلمات پرسشی داخل پرانتز سوالی کنید.

1. Marianne arrived at ten o'clock. (What time) — ۱.مِریان ساعت ده رسید.
   (What time did Marianne arrive?) — (مریان در چه ساعتی رسید؟)
2. They sold their home last week. (When)
3. The meeting began at eight-thirty. (What time)
4. The tickets cost three dollars. (How much)
5. He paid for the car by check. (How)
6. She invested ten thousand dollars in the stock market.(How much)
7. They sat in the first row. (In which row)
8. He spoke to them in French. (In what language)
9. The meeting lasted two hours. (How long)
10. It began at eight o'clock. (What time)
11. I telephoned her at two o'clock. (What time)
12. He went to Denver to see some friends. (Why)
13. You mentioned it to him three or four times. (How many times)
14. They ate lunch in the school cafeteria. (Where)
15. She worked there for five years. (How many years)
16. I put the mail on Mr. Agee's desk. (Where)
17. She waited for them for an hour. (How long)
18. We got home around midnight. (What time)
19. He walked to school with Peg. (Who)
20. You went to the park after the lesson. (Where)

۲.آنها هفته گذشته خانه شان را فروختند. ۳.جلسه در ساعت هشت و نیم شروع شد. ۴.بلیط ها سه دلار قیمت داشتند. ۵.او برای ماشین چک پرداخت کرد. ۶.او ده هزار دلار در بورس سهام سرمایه گذاری کرد. ۷.آنها در ردیف جلو نشستند. ۸.او به زبان فرانسوی با آنها صحبت کرد. ۹.جلسه دو ساعت طول کشید. ۱۰.این در ساعت هشت شروع شد. ۱۱.من در ساعت دو به او تلفن زدم. ۱۲.او به دنور رفت تا چند دوست را ببیند. ۱۳.شما این موضوع را سه یا چهار بار به او تذکر دادید. ۱۴.آنها در کافه تریای مدرسه ناهار خوردند. ۱۵.او در آنجا پنج سال کار کرد. ۱۶.من نامه را روی میز آقای آگی گذاشتم. ۱۷.او یک ساعت منتظر آنها ماند. ۱۸.ما حدود نیمه شب به خانه رسیدیم. ۱۹.او با پِگ به مدرسه رفت. ۲۰.شما بعد از درس به پارک رفتید.



*She **worked** there for five years.*



Adjectives & Adverbs (1)

صفات و قیدها

صفت کلمه ای است که اسم را توصیف می کند.

a *large* tree	اِ لا(ر)ج تْری	یک درخت تنومند

صفت قبل از اسم به کار می رود.

an *open* door	آن اُپِن دُ(ر)	یک درب باز

صفت با افعال ربطی مانند بودن ، شدن و غیره به تنهائی به کار می رود.

She is *careful*.	شی ایز کِ(ر) فُل.	او دقیق است.

قید کلمه ای است که فعل را توصیف می کند.

He speaks *slowly*.	هی سْپیکس سْلُولی.	او به آرامی سخن می گوید.
They work *rapidly*.	ذِی وِ(ر)ک رَپِدلی.	آنها تند کار می کنند.

قید حالت بیشتر با افعال حرکتی می آید.

She works *hard*.	شی وِ(ر)کس ها(ر)د.	او سخت کار می کند.

تبدیل صفت به قید

با اضافه کردن **ly** به آخر برخی از صفات می توانیم از آنها قید حالت بسازیم.

slow-slowly	سْلُو-سْلُولی	آرام-به آرامی
careful-carefully	کِ(ر)فُل-کِ(ر)فُلی	دقیق-با دقت
easy-easily	ایزی-ایزلی	آسان-به آسانی
soft-softly	سافت-سافت لی	نرم- به نرمی
quick-quickly	کواک-کواک لی	سریع-با سرعت
complete-completely	کِمپلیت-کِمپلیت لی	کامل-کاملا
careless-carelessly	کِ(ر)لِس-کِ(ر)لِس لی	بی دقت-با بی دقتی
beautiful-beautifully	بی یوتِفُل-بی یوتِفُ لی	زیبا-به زیبائی

استثنائات

این صفات در تبدیل به قید **ly** نمی گیرند: **hard, fast, late, low**

در حالت قید	در حالت صفت
He works **hard**. او سخت کار می کند.	He is a **hard** worker. او کارگر سخت کوشی است.
She runs **fast**. او تند می دود.	She is a **fast** runner. او دونده سریعی است.
She always comes **late**. او همیشه دیر می آید.	She is always **late**. او همیشه دیر می آید.
The plane flew very **low**. هواپیما درارتفاع خیلی کمی پرواز کرد.	The trees are very **low**. درختان خیلی کوتاه هستند.

Vocabulary

careful	ˈkeə(r)fʊl	کِ(ر)فُل	دقیق، مواظب
hit	hɪt	هیت	زدن- زد
quick	kwɪk	کواِک	سریع
should	ʃud	شُد	باید
along	əˈlɒŋ	اِلانگ	در امتداد
dangerous	ˈdeɪndʒərəs	دِین جِرِس	خطرناک
road	rəʊd	رُود	جاده
on the other hand	ɒn ðɪ ʌðe hænd	آن ذی آذِ(ر) هَند	به عبارت دیگر
rapid	ˈræpɪd	رَپِد	تند
permanent	ˈpə:mənənt	پِ(ر)مِنِنت	دائمی
visa	ˈvi:zə	ویزِ	ویزا
hope	həʊp	هُوپ	امیدوار بودن
remain	rɪˈmeɪn	ری مِین	ماندن
exercise	ˈeksəsaɪz	اِکسِ(ر)سایز	تمرین
serious	ˈsi:riəs	سیر یِس	جدی
agree	əˈgri:	اِگری	موافق بودن
kitten	ˈkɪtn	کِتِن	بچه گربه

Practice (1)

Supply the appropriate form of the adjective or adverb.

شکل درست صفت یا قید را به کار برید.

1. She is a .... (careful) student.
   She always does her homework .... (careful).
   (She is a careful student.
   She always does her homework carefully.)
2. The baseball player hit the ball .... (hard).
3. Come .... (quick). We need your help.
4. You should drive .... (slow) along this dangerous road.
5. The old man walks very .... (slow).
6. Pam is a very .... (slow) student.
7. Her brother, on the other hand, learns .... (rapid).
8. Mr. Gonzalez has a .... (permanent) visa.
9. He hopes to remain in this country .... (permanent).
10. This is an .... (easy) exercise.
11. I can do all of these exercises .... (easy).
12. Ada works very .... (hard) in her new job.
13. You walk very .... (fast).
14. We are both .... (serious) students.
15. We both study English very .... (serious).
16. I agree with you .... (complete) in that matter.
17. This apple is very .... (soft).
18. She always speaks .... (soft) to the child.
19. Pete is a .... (beautiful) kitten.
20. My sister plays the violin .... (beautiful).







*My sister plays the violin **beautifully.***

۱.او شاگرد دقیقی است. او همیشه تکلیفش را با دقت انجام می دهد. ۲.بازیکن بیس بال توپ را با شدت زد. ۳.زود بیا. ما به کمکت احتیاج داریم. ۴.شما در امتداد این جاده خطرناک باید به آرامی رانندگی کنید. ۵.پیر مرد خیلی آهسته راه می رود. ۶.پَم دانش آموز خیلی کندی است. ۷.از طرف دیگر، برادرش سریع یاد می گیرد. ۸.آقای گونزالز ویزای دائمی دارد. ۹.او امیدوار است به طور دائم در این کشور بماند. ۱۰.این یک تمرین آسان است. ۱۱.من می توانم همه این تمرینات را به راحتی انجام دهم. ۱۲.آدا در کار جدیدش خیلی سخت کار می کند. ۱۳.شما خیلی تند راه می روید. ۱۴.هر دوی ما شاگردان جدی هستیم. ۱۵.ما هر دو انگلیسی را خیلی با جدیت می خوانیم. ۱۶.من در مورد آن موضوع کاملا با شما موافقم. ۱۷.این سیب خیلی نرم است. ۱۸.او همیشه با ملایمت با بچه صحبت می کند. ۱۹.پیت یک بچه گربه زیبا است. ۲۰.خواهرم ویولن را زیبا می نوازد.

Adjectives & Adverbs(2)

Good & Well

good صفت است و معمولا قبل از اسم یا افعال ربطی به کار می رود.

She is a **good** student. شی ایز اِ گُد سْتودِنت. او دانش آموز خوبی است.

well قید است و برای توصیف فعل استفاده می شود.

She works **well**. شی وِ(ر)کس وِل. او خوب کار می کند.

البته به یاد داشته باشیم که برای بیان سلامتی از well در مقام صفت استفاده می شود.

John was **sick**, but now he is **well**.
جان بیمار بود، اما اکنون حالش خوب است. جان واز سِک، بات نَو هی ایز وِل.

Vocabulary

take a walk	teɪk ə wɔ:k	تیک اِ واک	قدم زدن
medicine	'medsɪn	مِدسِن	دارو
a few	ə fju:	اِ فیو	چند
congratulate	kən'grætʃəleɪt	کِن گرَچلیت	تبریک گفتن
everything	'evriθɪŋ	اِوری ثینگ	همه چیز
dance	dæns	دَنس	رقصیدن
so	səʊ	سُو	به قدری
weather	'weðə	وِذ(ر)	هوا



Supply *good* or *well* in the following sentences.

در جای خالی جملات زیر good یا well قرار دهید.

1. He does his work ....
   *(He does his work **well**.)*
2. She plays the piano very ....
3. He is a .... student.
4. This pen does not work ....
5. Our lesson today was very ....

6. These exercises are .... for us.
7. I was sick for a few days, but now I am .... again.
8. How do you feel? ...., thank you.
9. This new pen writes ....
10. It is really a very .... pen.
11. When you don't feel ...., take a long walk. It is often a .... medicine.
12. We congratulated him on his .... work.
13. He plays tennis ....
14. His brother is also a .... tennis player.
15. The movie last night was really ....
16. She speaks French ....
17. She is a .... student of language.
18. Everything that she does, she does................. .
19. Dave dances ....
20. His sister is also a .... dancer.
21. I don't understand him .... when he speaks so rapidly.
22. The weather today is very ....

۱.او کارش را خوب انجام می دهد. ۲.او پیانو را خیلی خوب می نوازد. ۳.او شاگرد خوبی است. ۴.این خودکار خوب کار نمی کند. ۵.درس ما امروز خیلی خوب بود. ۶.این تمرینات برای ما خوب هستند. ۷.من چند روزی مریض بودم، اما حالا دوباره حالم خوب است. ۸.حالت چطوره؟ خوبم، متشکرم. ۹.این خودکار جدید خوب می نویسد. ۱۰.این خودکار واقعا خوبی است. ۱۱.زمانی که حالت خوب نیست، راهپیمائی طولانی بکن. این اغلب درمان خوبی است. ۱۲.ما کار مناسبَش را به او تبریک گفتیم. ۱۳.او تنیس را به خوبی بازی می کند. ۱۴.برادرش هم تنیس باز خوبی است. ۱۵.فیلم دیشبی واقعا خوب بود. ۱۶.او فرانسه را خوب صحبت می کند. ۱۷.او شاگرد خوبی در زبان است. ۱۸.او هر کاری را که انجام می دهد، خوب انجام می دهد. ۱۹.دیو خوب می رقصد. ۲۰.خواهرش هم رقاص خوبی است. ۲۱.زمانی که او این طور تند صحبت می کند من منظورش را خوَب نمی فهمم. ۲۲.امروز هوا خیلی خوب است.





General Review

مرور کلی



Practice (1)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. They live in Texas.
   (They do not live in Texas.
   They don't live in Texas.)

۱.آنها در تگزاس زندگی می کنند.
(آنها در تگزاس زندگی نمی کنند.)

2. There are eleven months in a year.
3. The plane arrived at ten o'clock.
4. It is six o'clock now.
5. He went to Chicago by plane.
6. The two boys are in Ms. Collier's office.
7. The book cost five dollars.
8. They live in Mexico now.
9. They lived in France for ten years.
10. He got up at five o'clock this morning.
11. They sat in the park for two hours.
12. She speaks English.
13. The class begins at nine o'clock.
14. She drinks ten cups of coffee every day.
15. They began to work in June.
16. I am ten years old.
17. They plan to finish the work in July.
18. We got sick last week.
19. The stores were closed because of the holiday.
20. There were four students absent from class this morning.
21. You usually travel by plane.
22. Mary delivered the merchandise yesterday.
23. Scotty and Karen ate dinner at McDonald's.



You usually travel by plane.

۲.یک سال یازده ماه دارد. ۳.هواپیما در ساعت ده فرود آمد. ۴.اکنون ساعت شش است. ۵.او با هواپیما به شیکاگو رفت. ۶.دو پسر در دفتر خانم کالیر هستند. ۷.کتاب پنج دلار قیمت داشت. ۸.آنها حالا در مکزیکو زندگی می کنند. ۹.آنها به مدت ده سال در فرانسه زندگی کردند. ۱۰.او امروز صبح ساعت پنج بیدار شد. ۱۱.آنها دو ساعت در پارک نشستند. ۱۲.او انگلیسی صحبت می کند. ۱۳.کلاس ساعت نه شروع می شود. ۱۴.او هر روز ده فنجان قهوه می نوشد. ۱۵.آنها در ماه جون کارشان را شروع کردند. ۱۶.من ده ساله هستم. ۱۷.آنها قصد دارند کار را در جولای تمام کنند. ۱۸.ما هفته گذشته مریض شدیم. ۱۹.فروشگاه ها به خاطر تعطیلی بسته بودند. ۲۰.امروز صبح چهار دانشجو در کلاس حضور نداشتند. ۲۱.تو معمولا با هواپیما سفر می کنی. ۲۲.مری دیروز محموله را حمل کرد. ۲۳.اسکاتی و کارن شام را در مک دونالد خوردند.



Practice (2)

Change the sentences in Exercise 1 to questions.

جملات تمرین ۱ را سوالی کنید.

1. They live in Texas.
   (Do they live in Texas?)

۱.آنها در تگزاس زندگی می کنند.
(آیا آنها در تگزاس زندگی می کنند؟)



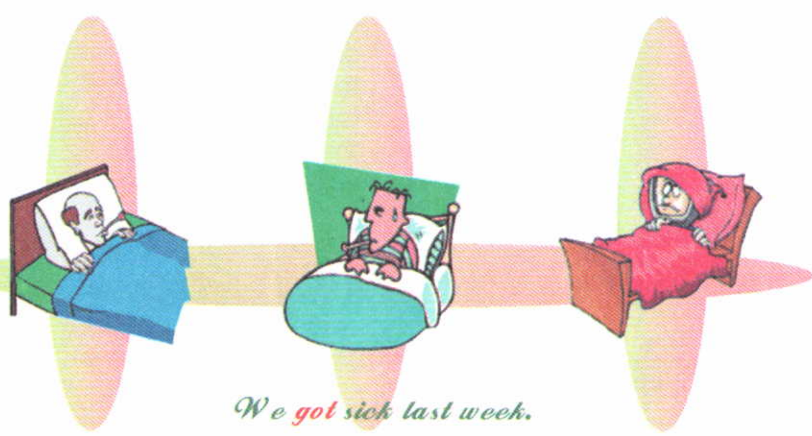
Practice (3)

Change the sentences in Exercise 1 to questions beginning with a question word.

جملات تمرین ۱ را با استفاده از کلمات پرسشی به سوالی تبدیل کنید. (قسمت مورد نظر در هر جمله با رنگ قرمز مشخص شده است.)

1. They live in Texas.
   (Where do they live?)

۱. آنها در تگزاس زندگی می کنند.
(آنها کجا زندگی می کنند؟)



We got sick last week.



Past Tense (1) Irregular Verbs

زمان گذشته (افعال بی قاعده)

حال و گذشته افعال بی قاعده این بخش				
شکل ساده (حال)			گذشته	
become	بیکام	شدن	became	بی کِیم
break	بْریک	شکستن	broke	بْرُک
bring	بْرینگ	آوردن	brought	برات
buy	بای	خریدن	bought	بات
catch	کَچ	گرفتن	caught	کات
do	دو	انجام دادن	did	دید
fight	فایت	جنگیدن	fought	فات
find	فایند	پیدا کردن	found	فَوند
forget	فِ(ر)گِت	فراموش کردن	forgot	فِ(ر)گات
keep	کیپ	نگهداشتن	kept	کِپت
understand	آندِستَند	فهمیدن	understood	آندِستُد
leave	لیو	ترک کردن	left	لِفت
lose	لوز	از دست دادن	lost	لاست
make	مِیک	درست کردن	made	مِید
ring	رینگ	زنگ زدن	rang	رَنگ
send	سِند	فرستادن	sent	سِنت
sing	سینگ	آواز خواندن	sang	سَنگ
stand	سْتَند	ایستادن	stood	سْتُد
take	تِیک	گرفتن	took	تُک
teach	تیچ	یاد دادن	taught	تات
think	ثینک	فکر کردن	thought	ثات
wear	وِ(ر)	پوشیدن	wore	وُ(ر)

Vocabulary

midnight	ˈmɪdnaɪt	میدنایت	نیمه شب
make good time	meɪk gʊd taɪm	مِیک گُد تایم	خوش گذراندن
bitter	ˈbɪtə	بیتِ(ر)	تلخ، تند و خشن
bitterly	ˈbɪtəli	بیتِ(لی)	با تندی و با خشونت

over	'əʊvə	اُوِ(ر)	بر سرِ
divide	dɪ'vaɪd	دی واید	تقسیم کردن
division	dɪ'vɪʒn	دی ویژن	تقسیم
the Kanes	ðə 'keɪnz	ذِ کِینز	خانواده کِین
trouble	trʌbl	ترابِل	زحمت
continuous	kən'tɪnjʊəs	کِن تی نیواس	همواره
property	'prɒpəti	پراپِ(ر)تی	مِلک
real	'rɪəl	ری اِل	واقعی
robber	'rɒbə	رابِ(ر)	دزد
consequently	'kɒnsɪkwəntli	کانسی کوانت لی	در نتیجه
none	nʌn	نان	هیچ
stereo	'steriəʊ	سْتیر یُ	ضبط
so	səʊ	سُو	بنابراین
take	teɪk	تِیک	بردن
repair	rɪ'peə	ری پِ(ر)	تعمیر کردن
repair shop	rɪ'peə ʃɒp	ری پِ(ر) شاپ	تعمیرگاه



Practice (1)

Supply the correct past tense form of the verbs in parentheses.

شکل درست زمان گذشته افعال داخل پرانتز را معین کنید.

1. The plane (leave) Buenos Aires last night at midnight.
   (The plane left Buenos Aires last night at midnight.)
2. Sue (bring) her cousin to the party last night.
3. I (forget) to bring my notebook to class this morning.
4. He (become) president of the company five years ago.
5. We (make) good time on our trip from Texas to Mexico City.
6. I (lose) my English book yesterday but (find) it later.
7. The two men (fight) bitterly over the division of the money.
8. The telephone (ring) twice, but no one answered it.
9. The Kanes (send) their three children to summer camp.
10. George (think) about his troubles continuously.
11. Last year Professor Levy (teach) us both English and mathematics.
12. They (buy) the property in 1970 and (sell) it in 1983.
13. Carl (keep) part of the money and (give) the rest to his two brothers.
14. The police (do) their best but never (catch) the real bank robbers.
15. The woman (sing) in French; consequently, we (understand) none of the words.
16. We (stand) on the corner and waited for Mel for two hours.
17. You (break) my stereo, so yesterday I (take) it to the repair shop.



You broke my stereo, so yesterday I took it to the repair shop.

۱.هواپیما نیمه شب گذشته بوئنوس آیرس راترک کرد. ۲.سو شب گذشته دختر عمویش را بـه مهمانی آورد. ۳.من امروز صبح فراموش کردم دفترم را به کلاس بیاورم. ۴.او ۵ سال قبل رئیس شرکت شد. ۵.در سفرمان از تگزاس به مکزیکو سیتی به ما خوش گذشت. ۶.من دیروز کتاب انگلیسی ام را گم کردم اما بعدا آن را پیدا کردم. ۷.دو مرد با خشونت برسر تقسیم پول به جدال پرداختند. ۸.تلفن دو بار زنگ زد، اما هیچکس به آن جواب نداد. ۹.خانواده کِین سه فرزندشان را به اردوگاه تابستانی فرستادند. ۱۰.جورج همواره درباره مشکلاتش فکر می کرد. ۱۱.پارسال پروفسور لِوی به ما انگلیسی و.ریاضیات درس داد. ۱۲.آنها در سال ۱۹۷۰ مِلک را خریدند و در سال ۱۹۸۳ آن را فروختند. ۱۳.کارل قسمتی از پول را نگهداشت و بقیه را به دو برادرش داد. ۱۴.پلیس ها منتهای کوشش خود را کردند اما هرگز سارقان واقعی بانک را دستگیر نکردند. ۱۵.زن به زبان فرانسه آواز خواند؛ در نتیجه، ما هیچ یک از کلمات را نفهمیدیم. ۱۶.ما در گوشه ای ایستادیم و برای دو ساعت منتظر مِل ماندیم. ۱۷.تو ضبط مرا شکستی، بنابراین من دیروز آن‌را به تعمیرگاه بردم.

Past Tense (2)

Verb Review　　زمان گذشته (مرور افعال)

الف. افعال با قاعده

برای تبدیل افعال با قاعده به گذشته ed به آخر آنها اضافه می کنیم.

play- played　　cry- cried　　study- studied　　work- worked

ب. افعال بی قاعده

برای تبدیل افعال بی قاعده به گذشته قانون خاصی وجود ندارد و باید آنها را از حفظ کنیم.

speak- spoke　　see- saw　　go- went　　tell- told

Vocabulary

catch	kætʃ	کَچ	گرفتن
caught	kɔ:t	کات	گرفتن (گذشته catch)
thief	θi:f	ثیف	دزد
bring	brɪŋ	برینگ	آوردن
hour	'auə	آوِ(ر)	ساعت
half	hæf	هَف	نیم
half an hour	hæf ən 'auə	هَف اِن آوِ(ر)	نیم ساعت
finally	'faɪnəli	فاینِلی	بالاخره
parents	'peərənts	پِ(ر)نتس	والدین
have to	'hæv tu:	هَوْ تو	باید (حال)
had to	'hæd tu:	هَد تو	باید (گذشته)



Complete the following sentences with the past tense form of the verbs in parentheses.

جملات را با شکل زمان گذشته افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. The police (catch) the thief after the robbery.
   (The police caught the thief after the robbery.)
2. The students .... (write) the sentences on the blackboard.
3. Edgar .... (forget) to bring his books to school.
4. The plane............. (arrive) an hour late.
5. Gwen .... (answer) all the teacher's questions.
6. The secretary .... (make) some mistakes in the letter.
7. The bell .... (ring) ten minutes ago.
8. I .... (wait) for Beth for half an hour.
9. The students .... (go) to this class when the bell............. (ring).
10. Our new car .... (cost) more than eight thousand dollars.
11. I .... (try) to get to school on time yesterday.
12. We .... (have) a very good time at the picnic.
13. They .... (plan) to take their vacation in June.
14. Al .... (take) his vacation in May last year.
15. Amos .... (send) a present to his mother.
16. Joyce .... (need) a new umbrella for months; she finally .... (buy) one last week.
17. The teacher .... (speak) to the students' parents.
18. He .... (tell) them that they .... (have) to study harder.
19. You .... (break) a lot of dishes last week.
20. I .... (think) about the problem all night.
21. Mamie Gallagher .... (be) the president of her company for five years.
22. She .... (know) the presidents of all the other companies.
23. We .... (understand) them even when they .... (speak) rapidly.

Al took his vacation in May last year.

۱.پلیس سارق را بعد از سرقت دستگیر کرد. ۲.دانش آموزان جملات را روی تخته سیاه نوشتند. ۳.ادگار فراموش کرد کتابهایش را به مدرسه بیاورد. ۴.هواپیما یک ساعت دیر رسید. ۵.گوئین به همه سوالات معلم پاسخ داد. ۶.منشی چند اشتباه در نامه داشت. ۷.زنگ ده دقیقه قبل زده شد. ۸.من نیم ساعت منتظر بث ماندم. ۹.شاگردان زمانی که زنگ به صدا در آمد به این کلاس رفتند. ۱۰.ماشین جدید ما بیشتر از هشت هزار دلار قیمت داشت. ۱۱.من دیروز سعی کردم به موقع به مدرسه برسم. ۱۲.در پیک نیک به ما خیلی خوش گذشت. ۱۳.آنها برنامه ریزی کردند تعطیلات خود را در ماه جون بگذرانند. ۱۴.اَل پارسال تعطیلی خود را در ماه مِی گذراند. ۱۵.آموس برای مادرش هدیه ای فرستاد. ۱۶.جویس ماه ها یک چتر جدید لازم داشت؛ او بالاخره هفته گذشته یکی خرید. ۱۷.معلم با والدین دانش آموزان صحبت کرد. ۱۸.او به آنها گفت که باید بیشتر درس بخوانند. ۱۹.تو هفته گذشته ظرف های زیادی را شکستی. ۲۰.من تمام شب درباره مسئله فکر کردم. ۲۱.مامی گالاگر برای پنج سال رئیس شرکتش بود. ۲۲.او روسای همهٔ شرکت های دیگر را می شناخت. ۲۳.آنها حتی زمانیکه تند صحبت می کردند ما منظور آنها را می فهمیدیم.



Indirect Object Position

جایگاه مفعول غیر مستقیم

به طور عادی اول مفعول غیر مستقیم و سپس مفعول مستقیم در جمله به کار می رود.

He gave *me the book*. — هی گِیو می دِ بُک. — او کتاب را به من داد.

که در جمله فوق me مفعول غیر مستقیم، و the book مفعول مستقیم است. و یا:

I bought *you a present*. — آی بات یو اِ پِرِزنت. — من برایت هدیه ای خریدم.

اما اگر مفعول غیر مستقیم بعد از مفعول مستقیم بیاید، از حروف اضافه to یا for استفاده می کنیم.

He gave the book to me.
I bought a present for you.

ضمائر مفعولی

me	می	مرا، به من	us	آس	ما را، به ما
you	یو	تو را، به تو	you	یو	شما را، به شما
him	هیم	او را، به او	them	دِم	آنها را، به آنها
her	هِ(ر)	او را، به او			
it	ایت	او را، به او			

Vocabulary

state	steɪt	سْتِیت	بیان کنید
restate	riː'steɪt	ری سْتِیت	دوباره بیان کنید
following	'fɒləʊwɪŋ	فالووینگ	زیر
direct	dɪ'rekt	دیرِکت	مستقیم
indirect	ɪndə'rekt	این دِرِکت	غیر مستقیم
object	'ɒbdʒekt	آبجِکت	مفعول
whole	həʊl	هُل	تمام
story	'stɔːri	سْتُری	داستان

property	ˈprɒpəti	پراپِ(ر)تی	ملک
piece	pi:s	پیس	تکه
candy	ˈkændi	کَندی	آب نبات
anyone	ˈeniwʌn	اِنی وان	هرکسی
south	saʊθ	سَوث	جنوب
America	əˈmerɪkə	اِمریکِ	آمریکا
South America	saʊθ əˈmerɪkə	سَوث اِمریکِ	آمریکای جنوبی



Practice (1)

Restate the following, putting the indirect object before the direct object. **با قرار دادن مفعول غیر مستقیم قبل از مفعول مستقیم، جملات زیر را دوباره بیان کنید.**

1. He sent several letters to her. ۱.او چندین نامه برای او فرستاد.
   (He sent *her several letters.)*
2. She brought the books *to me.*
3. She sent flowers *to them.*
4. He told the whole story *to us.*
5. I cooked dinner *for Victoria.*
6. We wrote several letters *to them.*
7. I took the presents *to her.*
8. He sold his property *to a friend.*
9. He gave a piece of the candy *to each child.*
10. Don't show these pictures *to anyone.*
11. He bought several new dresses *for his wife.*
12. They sent some postcards *to us* from South America.











۲.او کتاب ها را برای من آورد. ۳.او برای آنها گل فرستاد. ۴.او تمام داستان را به ما گفت. ۵.من برای ویکتوریا شام پختم. ۶.ما چندین نامه برای آنها نوشتیم. ۷.من هدایا را برای او بردم. ۸.او ملکش را به یک دوست فروخت. ۹.او یک تکه آب نبات به هر بچه داد. ۱۰.این عکس ها را به کسی نشان نده. ۱۱.او چندین پیراهن جدید برای همسرش خرید. ۱۲.آنها چند کارت پستال از آمریکای جنوبی برای ما فرستادند.

Vocabulary

putting	ˈpʊtɪŋ	پُتینگ	گذاشتن
gave	geɪv	گِیو	دادن (گذشته give)
many	ˈməni	مِنی	زیاد
hand	hænd	هَند	بده
magazine	mægəˈzi:n	مَگزین	مجله

tell	tel	تِل	گفتن
news	nu:z/nju:z	نوز/نیوز	اخبار
yet	jet	یِت	هنوز
made	meɪd	مِید	ساختن(گذشته make)
sweater	'swetə	سواتِ(ر)	سوئیتر
show	ʃəʊ	شُو	نشان دادن
these	ði:z	ذیز	اینها
thing	θɪŋ	ثینگ	چیز
Wednesday	'wenzdeɪ	وِنزدِی	چهارشنبه
too much	tu: mʌtʃ	تو ماچ	خیلی زیاد
homework	'həʊmwə:k	هُوم وِ(ر)ک	تکلیف
promise	'prɒmɪs	پرامیس	قول دادن
must	mʌst	ماست	باید
keep	ki:p	کیپ	نگهداشتن



Practice (2)

Restate the following, putting the indirect object after the direct object.

با قرار دادن مفعول غیر مستقیم بعد از مفعول مستقیم، جملات زیر را دوباره بیان کنید.

1. She gave me the money.
   (She gave the money to me.)
2. I sent *her* many presents.
3. Please hand *me* that magazine.
4. Don't tell *her* the news yet.
5. You made *your sister* a sweater.
6. Don't show *Flo* these things.
7. He wrote *me* a letter on Wednesday.
8. She told *us* the whole story.
9. The teacher gives *us* too much homework.
10. You made *me* a promise that you must keep it.

۱.او پول را به من داد.

۲.من هدایای زیادی برای او فرستادم. ۳.لطفا آن مجله را به من بده. ۴.فعلا خبرها را به او نگو. ۵.تو برای خواهرت یک گرمکن درست کردی. ۶.این چیزها را به فلو نشان نده. ۷.او چهارشنبه یک نامه به من نوشت. ۸.او تمام داستان را به ما گفت. ۹.معلم تکالیف خیلی زیادی به ما می دهد. ۱۰. تو به من قولی دادی که باید به آن وفادار باشی.



The teacher gives us too much





Relative Pronouns

ضمائر ربطی(موصولی)

who اشاره به اشخاص در حالت فاعلی دارد.

The man **who** called you is here.
ذِ مَن هو کالْد یو ایز هی یِ(ر).
مردی که به شما زنگ زد اینجاست.

whom اشاره به اشخاص در حالت مفعولی دارد.

The man **whom** you called is here.
ذِ مَن هوم یو کالْد ایز هی یِ(ر).
مردی که شما به او زنگ زدید، اینجاست.

which اشاره به حیوانات و اشیا دارد و هر دو حالت فاعلی و مفعولی را داراست.

Is this the book **which** you ordered?
ایز ذیس ذِ بُک ویچ یو اُ(ر)دِ(ر)د؟
آیا این کتابی است که شما سفارش دادید؟ (حالت مفعولی)

The magazine **which** is on the table is old.
ذِ مَگِزین ویچ ایز آن ذِ تِیبُل ایز اُولد.
مجله ای که روی میز است قدیمی است. (حالت فاعلی)

that اشاره به اشخاص، حیوانات و اشیا دارد و هر دو حالت فاعلی و مفعولی را داراست.

These are the colors **that** we like.
دیز آ(ر) ذِکالِ(ر)ز ذَت وی لایک.
اینها رنگ هائی هستند که ما دوست داریم. (حالت فاعلی)

The Iranians **that** lived here were from Mazandaran.
ذی ایرینینز ذَت لیوْد هی ی(ر) وِ(ر) فرام مازندران.
ایرانیانی که در اینجا زندگی می کردند، اهل مازندران بودند. (حالت مفعولی)

Vocabulary

perfectly	'pə:fiktli	پِ(ر)فیکتلی	به طور کامل
used	ju:zd	یوزد	استفاده کرد
uncle	ʌnkl	آنکُل	عمو، دائی
die	daɪ	دای	مردن
furniture	'fə:nɪtʃə	فِ(ر)نیچ(ر)	اثاث منزل
program	'prəʊgræm	پْرُگرَم	برنامه
kinds	kaɪndz	کایندز	انواع

exercise	ˈeksəsaɪz	اِکسِ سایز	تمرین
learn	lə:n	لِ(ر)ن	یادگرفتن
strike	straɪk	سْترایک	اعتصاب
pilot	ˈpaɪlət	پایلِت	خلبان
count	kaʊnt	کَونت	به حساب آمدن، شمردن



Practice

Complete the following sentences with *who*, *whom*, *which*, or *that*.
جملات زیر را با ضمائر ربطی کامل کنید.

1. Was it Jennifer .... said that?
   (Was it Jennifer who said that?)
2. This is the report .... the president wanted.
3. The girls .... are in my class are all good students.
4. Our teacher, ... is an American, speaks English perfectly.
5. The car .... Hernando used belongs to his uncle.
6. The teacher with .... I studied English last year died last week.
7. To .... did you sell your furniture?
8. Is this the program .... you always watch on TV?
9. The movies .... we saw this summer were all good.
10. These are the kinds of exercises .... help us learn English.
11. The lamp .... you broke is my brother's.
12. He is one of the workers .... went on strike.
13. She was the pilot .... flew our 747.
14. It is the little things in life .... count.

۱.آیا این جنیفر بود که آن را گفت؟ ۲.این گزارشی است که رئیس می خواست. ۳.دخترهایی که در کلاسم هستند همه شاگردان خوبی هستند. ۴.معلم ما، که یک آمریکائی است، انگلیسی را بی نقص صحبت می کند. ۵.ماشینی که هرناندو استفاده کرد به عمویش تعلق دارد. ۶.معلمی که سال گذشته با او انگلیسی می خواندم هفته گذشته مرد. ۷.اثاث خانه ات را به چه کسی فروختی؟ ۸.آیا این برنامه ای است که تو همیشه در تلویزیون تماشا می کنی؟ ۹.فیلم هایی که ما امسال تابستان دیدیم همه خوب بودند. ۱۰.این ها انواع تمریناتی هستند که به ما کمک می کنند انگلیسی یاد بگیریم. ۱۱.چراغی را که تو شکستی متعلق به برادرم است. ۱۲.او یکی از کارگرانی است که اعتصاب کرد. ۱۳.او خلبانی بود که با ۷۴۷ پرواز کرد. ۱۴.این چیزهای کوچکی در زندگی است که به حساب می آید.

He is one of the workers who went on strike.





Future Tense (1)

To be Future tense *with* will

زمان آینده فعل (بودن)

حال		آینده		شکل کوتاه شده آینده			
I	am	I	will be	I'll	be	آیل بی	من خواهم بود
you	are	you	will be	you'll	be	یول بی	تو خواهی بود
he	is	he	will be	he'll	be	هیل بی	او خواهد بود
we	are	we	will be	we'll	be	ویل بی	ما خواهیم بود
you	are	you	will be	you'll	be	یول بی	شما خواهید بود
they	are	they	will be	they'll	be	ذِیل بی	آنها خواهند بود

Vocabulary

elementary	elɪˈmentri	الیمِنتری	مقدماتی
both	bəʊθ	بُوث	هر دو
seat	si:t	سیت	صندلی ثابت
tired	ˈtaɪəd	تای(ر)د	خسته
long	lɒŋ	لانگ	طولانی
drive	draɪv	دْرایوْ	رانندگی/ رانندگی کردن
twenty	ˈtwenti	توِانتی	بیست
angry	ˈæŋgri	اَنگری	عصبانی
out	aʊt	آوت	بیرون
town	taʊn	تَون	شهر
business	ˈbɪznəs	بِزنِس	کار، تجارت
office	ɒfɪs	آفِس	دفترکار
no one	ˈnəʊwʌn	نُو وان	هیچ کس
interested	ˈɪntrəstɪd	اینترِستید	علاقمند
progress	ˈprəʊgres	پرُگرِس	پیشرفت
highway	ˈhaɪweɪ	های وِی	بزرگراه
slippery	ˈslɪpri	سْلیپِری	لیز، لغزنده

Practice (1)

Change the following sentences to the future tense with *will*.
جملات را با will به زمان آینده تبدیل کنید.

1. I am in the elementary class.
   (I will be in the elementary class.)
2. She is our new teacher.
3. Ms. Kobolski and you are in New Orleans.
4. They are both good students.
5. This is your seat.
6. There are two tables in the room.
7. We are very tired after the long drive.
8. I am twenty-five years old.
9. He is angry with us.
10. The dog is happy to see you.
11. Mr. Pate is out of town.
12. Business is very good.
13. The exercises are easy for you.
14. There is no one in the office.
15. The cafeteria is open.
16. We are interested in his progress.
17. You are an English student.
18. The highway is very slippery.

۱.من در کلاس مقدماتی هستم.
(من در کلاس مقدماتی خواهم بود.)



The highway will be very slippery.

۲.او معلم جدید ما است. ۳.خانم کوبولسکی و شما در نیو ارلیانز هستید. ۴.هر دوی آنها شاگردان خوبی هستند. ۵.این جایگاه شماست. ۶.دو میز در اطاق هست. ۷.بعد از رانندگی طولانی خیلی خسته هستیم. ۸.من بیست و پنج ساله هستم. ۹.او از دست ما عصبانی است. ۱۰.سگ از دیدن شما خوشحال است. ۱۱.آقای پیت خارج از شهر است. ۱۲.کاسبی خیلی خوب است. ۱۳.تمرینات برای تو آسان هستند. ۱۴.هیچ کس در دفتر کار نیست. ۱۵.کافه تریا باز است. ۱۶.ما به پیشرفت او علاقمندیم. ۱۷.تو یک دانشجوی زبان انگلیسی هستی. ۱۸.بزرگراه خیلی لغزنده است.

Future Tense (2)
with will — زمان آینده ساده با استفاده از will

آینده ساده			شکل کوتاه شده آینده			
I	will study	آی ویل سْتادی	I'll	study	آیل سْتادی	من مطالعه خواهم کرد
you	will study	یو ویل سْتادی	you'll	study	یول سْتادی	تو مطالعه خواهی کرد
he	will study	هی ویل سْتادی	he'll	study	هیل سْتادی	او مطالعه خواهد کرد
we	will study	وی ویل سْتادی	we'll	study	ویل سْتادی	ما مطالعه خواهیم کرد
you	will study	یو ویل سْتادی	you'll	study	یول سْتادی	شما مطالعه خواهید کرد
they	will study	ذِی ویل سْتادی	they'll	study	ذِیل سْتادی	آنها مطالعه خواهند کرد

2. They .... (see) us in the morning.
3. I .... (give) you that money tomorrow.
4. She...........(help) you with that work.
5. Mary...........(clean) off the table right away.
6. The stores...........(close) early today.
7. I.............(leave) the tip.
8. Helen.............(find) the book which you need.
9. You.............(spend) a lot of money there.
10. John...............(do) well in that job.
11. The wind...............(blow) that sign down.
12. We.............(meet) you in Grand Central Station.
13. I...............(pay) the bill.
14. You..............(learn) a great deal in that course.
15. We.............(remain) in Mexico about a month.

She will help you with that work.

۲.آنها صبح ما را خواهند دید. ۳.من فردا آن پول را به شما خواهم داد. ۴.او در آن کار به شما کمک خواهد کرد. ۵.مری بلافاصله میز را تمیز خواهد کرد. ۶.فروشگاه ها امروز زود تعطیل خواهند شد. ۷.من انعام خواهم گذاشت. ۸.هلن کتابی را که شما لازم دارید پیدا خواهد کرد. ۹.شما در آنجا پول زیادی خرج خواهید کرد. ۱۰.جان به خوبی از عهده آن کار بر خواهد آمد. ۱۱.باد آن علامت را خواهد انداخت. ۱۲.ما شما را در ایستگاه بزرگ مرکزی ملاقات خواهیم کرد. ۱۳.من صورت حساب را پرداخت خواهم کرد. ۱۴.شما در آن دوره چیزهای زیادی یاد خواهید گرفت. ۱۵.ما حدود یک ماه در مکزیکو خواهیم ماند.

Future Tense (3)
Negatives *with* will

زمان آینده ساده (شکل منفی)

برای منفی کردن جملات در زمان آینده، بعد از **will** ، **not** می آوریم. معمولا از شکل کوتاه شده آن یعنی **won't** استفاده می شود.

شکل منفی فعل try (سعی کردن) در زمان آینده ساده			
I **will not** try	I **won't** try	آی وُنت ترای	من سعی نخواهم کرد
you **will not** try	you **won't** try	یو وُنت ترای	تو سعی نخواهی کرد
he **will not** try	he **won't** try	هی وُنت ترای	او سعی نخواهد کرد
we **will not** try	we **won't** try	وی وُنت ترای	ما سعی نخواهیم کرد
you **will not** try	you **won't** try	یو وُنت ترای	شما سعی نخواهید کرد
they **will not** try	they **won't** try	ذِی وُنت ترای	آنها سعی نخواهند کرد

مرور زمان های حال، گذشته و آینده با استفاده از فعل رفتن

حال ساده		گذشته ساده		آینده ساده		
I go	می روم	I went	رفتم	I will go	I'll go	خواهم رفت
you go	می روی	you went	رفتی	you will go	you'll go	خواهی رفت
he goes	می رود	he went	رفت	he will go	he'll go	خواهد رفت
we go	می رویم	we went	رفتیم	we will go	we'll go	خواهیم رفت
you go	می روید	you went	رفتید	you will go	you'll go	خواهید رفت
they go	می روند	they went	رفتند	they will go	they'll go	خواهند رفت



clean	kli:n	کلین	تمیز(کردن)
clean off	kli:n 'ɒf	کلین آف	تمیز کردن
right	raɪt	رایت	درست
right away	raɪt ə'weɪ	رایت اِوِی	فورا
tip	tɪp	تیپ	انعام
blow	bləʊ	بْلُو	وزیدن
blow down	bləʊ 'daʊn	بلوُ دَون	انداختن
sign	saɪn	ساین	علامت
grand	grænd	گرَند	بزرگ
central	'sentrl	سِنترال	مرکزی
station	'steɪʃn	سْتِی شِن	ایستگاه
bill	bɪl	بیل	صورتحساب
great	greɪt	گریت	زیاد، بزرگ
great deal	greɪt di:l	گریت دیل	مقدار زیاد
course	kɔ:s	کُ(ر)س	دوره، درس
remain	rɪ'meɪn	ری مِین	ماندن
about	ə'baʊt	اِبوت	حدود

Practice (2)

Complete the following sentences with the future tense with *will* and the verbs in parentheses. Use both the full form and the contracted form.

جملات را با استفاده از will و افعال داخل پرانتز به آینده ساده تبدیل کنید. ازدو شکل معمولی و فشرده استفاده کنید.

1. (call) you tomorrow. ۱.او فردا به شما زنگ خواهد زد.
   (He will call you tomorrow. He'll call you tomorrow.)

شکل منفی فعل (رفتن) در زمان های حال، گذشته و آینده

حال ساده				گذشته ساده				آینده ساده			
I	don't	go	نمی روم	I	didn't	go	نرفتم	I	won't	go	نخواهم رفت
you	don't	go	نمی روی	you	didn't	go	نرفتی	you	won't	go	نخواهی رفت
he	doesn't	go	نمی رود	he	didn't	go	نرفت	he	won't	go	نخواهد رفت
we	don't	go	نمی رویم	we	didn't	go	نرفتیم	we	won't	go	نخواهیم رفت
you	don't	go	نمی روید	you	didn't	go	نرفتید	you	won't	go	نخواهید رفت
they	don't	go	نمی روند	they	didn't	go	نرفتند	they	won't	go	نخواهند رفت

Vocabulary

be back	bi: bæk	بی بَک	برگشتن
cool	kʊl	کُل	خنک
able	'eɪbl	ایبِل	قادر، توانا
sign	saɪn	ساین	امضا کردن
contract	'kɒntrækt	کانترکت	قرارداد
last	læst	لَست	طول کشیدن



Practice (3)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. They will arrive on time.
   (They will not arrive on time.
   They won't arrive on time.)

   ۱.آنها به موقع خواهند رسید.
   (آنها به موقع نخواهند رسید.)
2. We will tell Tim about it.
3. I will be back in an hour.
4. The weather will be cool tomorrow.
5. He will be able to meet us later.
6. These exercises will be easy for you.
7. We will eat in the same restaurant again.
8. You will get tired of that work.
9. We will be there before Wednesday.
10. I will do well in that job.
11. They will sign the contract tomorrow.
12. They will finish the work in April.
13. The meeting will last an hour.
14. The stores will close at noon today.
15. It will cost a lot of money to remodel that house.
16. We will be ready to leave in an hour.



You will get tired of that work.

۲.ما این مورد را به تیم خواهیم گفت. ۳.من تا یک ساعت دیگر باز خواهم گشت. ۴.هوا فردا خنک خواهد شد. ۵.او خواهد توانست بعدا ما را ملاقات کند. ۶.این تمرینات برایت آسان خواهند بود. ۷.ما دوباره در همان رستوران غذا خواهیم خورد. ۸.شما از آن کار خسته خواهید شد. ۹.ما قبل از چهارشنبه آنجا خواهیم بود. ۱۰.من به خوبی از عهده آن کار بر خواهم آمد. ۱۱.آنها فردا قرارداد را امضاء خواهند کرد. ۱۲.آنها در ماه آوریل کار را تمام خواهند کرد. ۱۳.جلسه یک ساعت طول خواهد کشید. ۱۴.فروشگاه ها امروز هنگام ظهر تعطیل خواهند شد. ۱۵.باز سازی آن خانه هزینه زیادی در بر خواهد داشت. ۱۶.ما آماده خواهیم شد تا یک ساعت دیگر حرکت کنیم.

Future Tense (4)
Questions *with* will

زمان آینده ساده (شکل سوالی)

برای سوالی کردن جملات در زمان آینده ساده، will را قبل از فاعل می آوریم.

شکل سوالی و منفی سوالی فعل try (سعی کردن) در زمان آینده ساده

آیا من سعی نخواهم کرد؟	Won't I try?	
آیا تو سعی نخواهی کرد؟	Won't you try?	
آیا او سعی نخواهد کرد؟	Won't he try?	
آیا ما سعی نخواهیم کرد؟	Won't we try?	
آیا آنها سعی نخواهند کرد؟	Won't they try?	

آیا من سعی خواهم کرد؟	Will I try?
آیا تو سعی خواهی کرد؟	Will you try?
آیا او سعی خواهد کرد؟	Will he try?
آیا ما سعی خواهیم کرد؟	Will we try?
آیا آنها سعی خواهند کرد؟	Will they try?

شکل سوالی فعل (رفتن) در زمان های حال، گذشته و آینده

آینده ساده		گذشته ساده		حال ساده	
آیا من خواهم رفت؟	Will I go?	آیا من رفتم؟	Did I go?	آیا من می روم؟	Do I go?
آیا تو خواهی رفت؟	Will you go?	آیا تو رفتی؟	Did you go?	آیا تو می روی؟	Do you go?
آیا او خواهد رفت؟	Will he go?	آیا او رفت؟	Did he go?	آیا او می رود؟	Does he go?
آیا ما خواهیم رفت؟	Will we go?	آیا ما رفتیم؟	Did we go?	آیا ما می رویم؟	Do we go?
آیا آنها خواهند رفت؟	Will they go?	آیا آنها رفتند؟	Did they go?	آیا آنها می روند؟	Do they go

Vocabulary

plant	plænt	پلَنت	گیاه
die	daɪ	دای	مردن
lack	læk	لَک	کمبود، فقدان
sunshine	'sʌnʃaɪn	سان شاین	نور آفتاب
shine	ʃaɪn	شاین	درخشیدن

Practice (4)

Change the following sentences to questions. جملات را سوالی کنید.

1. They'll arrive on Wednesday.
   (Will they arrive on Wednesday?)
2. I'll be back at three o'clock.
3. The stores will be open until six o'clock.
4. It'll cost $20.75 to fix the lamp.
5. The plant will die because of lack of sunshine.
6. They'll spend two months in France.
7. She'll meet us in the supermarket.
8. They'll pay their bill next week.
9. The meeting will begin at eight o'clock.
10. It'll last an hour.
11. She'll leave a message on the table for him.
12. You'll return in October.
13. There will be three new students in the class.
14. The lesson will be over at three o'clock.
15. They'll write to us on Wednesday.
16. He'll take the children to the park.
17. I'll pass the class.
18. We'll stay in the Hotel Americana.

۱.آنها روز چهار شنبه خواهند رسید.
(آیا آنها روز چهار شنبه خواهند رسید؟)



The meeting won't begin at eight o'clock.

۲.من ساعت سه بازخواهم گشت. ۳.فروشگاه ها تا ساعت شش باز خواهند بود. ۴.تعمیر کردن چراغ ۲۰ دلار و ۷۵ سنت هزینه خواهد داشت. ۵.گیاه به خاطر فقدان نور آفتاب از بین خواهد رفت. ۶.آنها دو ماه را در فرانسه خواهند گذراند. ۷.او ما را در سوپرمارکت ملاقات خواهد کرد. ۸.آنها صورت حساب خود را هفته آینده پرداخت خواهند کرد. ۹.جلسه ساعت هشت شروع خواهد شد. ۱۰.این یک ساعت طول خواهد کشید. ۱۱.او برایش پیغامی روی میز خواهد گذاشت. ۱۲.شما در ماه اکتبر باز خواهید گشت. ۱۳.سه شاگرد جدید در کلاس خواهند بود. ۱۴.درس در ساعت سه تمام خواهد شد. ۱۵.آنها روز چهارشنبه به ما خواهند نوشت. ۱۶.او بچه ها را به پارک خواهد برد. ۱۷.من از کنار کلاس خواهم گذشت. ۱۸.ما در هتل آمریکانا اقامت خواهیم کرد.

Practice (5)

Change the sentences in practice 4 to questions beginning with question words.
جملات تمرین ۴ را با کلمات پرسشی سوالی کنید.

1. They'll arrive on Wednesday.
   (*When will they arrive?*)

۱.آنها روز چهار شنبه خواهند رسید.
(آنها چه زمانی خواهند رسید؟)



Prepositions
حروف اضافه



حروف اضافه کلماتی هستند که اسامی و ضمائر را با کلمات دیگر پیوند می دهند.

belong to	تعلق داشتن (به)
go for a walk	برای پیاده روی رفتن
to the park	به پارک
in August	در ماه آگوست
trade for	تعویض کردن
in spring	در فصل بهار
look for	گشتن به دنبال
sit at	نشستن کنار
in spelling	در دیکته
walk into	رفتن به داخل
a lot of	تعداد (مقدار) زیاد
on her English	برای انگلیسی اش
read about	خواندن درباره
in the newspaper	در روزنامه
write to	نوشتن به
go to	رفتن به
for cigarette	برای سیگار
in front of	در مقابل
alongside of	در کنار
along the coast	در امتداد ساحل
laugh at	خندیدن به
smile at	لبخند زدن به
thank for	تشکر کردن برای
in the matter	در موضوعِ

pay for	پرداخت کردن برای
on credit	به صورت اعتباری
tell about	گفتن درباره
trip to	سفر کردن به
at once	فورا
hear about	شنیدن درباره
pick up	برداشتن
on the floor	در کف اطاق
come to	آمدن به سمت
on time	سرِ وقت
from the airport	از فرودگاه
get up	برخاستن



Vocabulary

appropriate	əˈprəʊpriət	اِپرُپری اِت	مناسب
preposition	prepəˈzɪʃn	پرِپزِشِن	حرف اضافه
August	ˈɔ:gəst	آگِست	ماه آگوست (اوت)
plan	plæn	پلَن	برنامه ریزی کردن
trade for	treɪd fɔ:	ترِید فُ(ر)	تعویض کردن
look for	lʊk fɔ:	لُک فُ(ر)	گشتن
everywhere	ˈevriweə	اِوری وِ(ر)	همه جا
lost	lɒst	لاست	گذشتهٔ گم کردن(lose)
error	erə	اِر(ر)	خطا
must	mʌst	ماست	باید
alongside	əlɒŋˈsaɪd	اِلانگ ساید	کنار
slowly	ˈsləʊli	سْلُولی	به آرامی
coast	kəʊst	کُست	ساحل
laugh	læf	لَف	خندیدن
smile	smaɪl	سْمایل	لبخند زدن
pleasant	ˈplezənt	پلِزِنت	خوشایند
interest	ˈɪntrəst	اینترِست	علاقه
matter	ˈmætə	مَتِ(ر)	موضوع
credit	ˈkredɪt	کرِدِت	اعتبار
at once	ət wʌns	اِت وانس	فورا
as soon as	əz su:n əz	اِز سون اِز	به محض اینکه
pick up	ˈpɪk ˈʌp	پیک آپ	برداشتن
airport	ˈeəpɔ:t	اِ(ر)پُ(ر)ت	فرودگاه

Practice

Complete the following sentences with an appropriate preposition.

جملات را با حروف اضافه مناسب کامل کنید.

1. This book belongs .... Theodore.
   (This book belongs to Theodore.)
2. We all went ....a walk .... the park.
3. We bought this car .... August.
4. We plan to trade it .... a new one .... the spring.
5. We looked everywhere .... the pen which Guy lost.
6. Nan usually sits .... this desk.
7. I make a lot of errors .... spelling.
8. The man walked quickly .... the room and sat down.
9. She spends a lot .... time .... her English.
10. We read .... the accident .... the newspaper this morning.
11. I must write a letter .... my aunt.
12. She went .... the corner store .... some cigarettes.
13. Lea sits .... front .... me in class, and Lucy sits alongside .... me.
14. The boat moved slowly .... the coast.
15. Everyone laughed .... William's story.
16. The woman smiled .... me pleasantly.
17. He thanked me .... my interest .... the matter.
18. How much did they pay .... their new home?
19. They buy everything .... credit.
20. They told me all .... their trip .... South America.
21. He left the office .... once, as soon as he heard .... the accident.
22. Please pick .... those papers which are .... the floor.
23. He never comes .... class .... time.
24. We live a long way .... the airport.
25. What time do you get .... every morning?

*Nan usually sits **at** this desk.*

۱.این کتاب به تئودور تعلق دارد. ۲.همه ما برای پیاده روی به پارک رفتیم. ۳.ما این ماشین را در ماه آگوست خریدیم. ۴.ما قصد داریم در بهار آن را با یک ماشین نو عوض کنیم. ۵.ما همه جا را برای خودکاری که گای گم کرده بود گشتیم. ۶.نَن معمولا کنار این میز می نشیند. ۷.من اشتباهات زیادی در دیکته می کنم. ۸.مرد با سرعت داخل اطاق رفت و نشست. ۹.او وقت زیادی را برای انگلیسی اش صرف می کند. ۱۰.ما امروز صبح موضوع تصادف را در روزنامه خواندیم. ۱۱.من باید یک نامه به عمه ام بنویسم. ۱۲.او برای خرید سیگار به فروشگاه سر نبش رفت. ۱۳.لی در کلاس جلوی من می نشیند، و لوسی در کنار من. ۱۴.قایق به آرامی در امتداد ساحل حرکت کرد. ۱۵.همه به داستان ویلیام خندیدند. ۱۶.زن با خوشروئی به من لبخند زد. ۱۷.او از علاقه من به آن موضوع تشکر کرد. ۱۸.آنها چه مقدار برای خانه جدیدشان پرداخت کردند؟ ۱۹.آنها همه چیز را به صورت اعتباری خریداری می کنند. ۲۰.آنها همه چیز را درباره سفر به آمریکای جنوبی به من گفتند. ۲۱.او فورا دفترکار را ترک کرد، به محض اینکه موضوع تصادف را شنید. ۲۲.لطفا کاغذ هائی را که در کف اطاق هستند بردار. ۲۳.او هیچ وقت سر وقت به کلاس نمی آید. ۲۴.ما با فاصله زیادی از فرودگاه زندگی می کنیم. ۲۵.هر روز صبح چه ساعتی از خواب بیدار می شوید؟



Infinitives

مصدر

۱.مصدر یا infinitive شکلی از فعل است که زمان ندارد. علامت مصدر در انگلیسی to است.

to play   to go   to come   to wash,...

در واقع to معادل (ن) مصدری زبان فارسی ما می باشد.

۲.مصدر را می توان به عنوان فاعل در ابتدای جمله به کار برد.

To speak English is easy. — صحبت کردن انگلیسی آسان است.
To open the door is impossible. — باز کردن در غیر ممکن است.

۳.در ساختار فوق معمولا از ضمیر جانشین فاعل در ابتدای جمله استفاده می شود و مصدر بعد از صفت قرار می گیرد.

it + be + صفت + to + فعل

It is easy **to speak** English. — صحبت کردن انگلیسی آسان است.
It is impossible **to open** the door. — باز کردن درب غیر ممکن است.

۴.بعد از برخی از افعال مصدر به کار می رود.

I **want to** see her. — من می خواهم او را ببینم.
We **tried to** help her. — ما سعی کردیم به او کمک کنیم.
They **agreed to** come here. — آنها موافقت کردند به اینجا بیایند.
She **prefered to** sit alone. — او ترجیح داد که تنها بنشیند.

۵. برای بیان منظور و مقصود از مصدر استفاده می شود.

We went there **to** see his friend. — ما به آنجا رفتیم تا دوست او را ببینیم.
I remained here **to** help her. — من در اینجا ماندم تا به او کمک کنم.

۶. به جای to از in order to هم می توانیم استفاده کنیم. در این صورت مفهوم جمله عوض نمی شود.

We went there **in order to** see his friend. — ما به آنجا رفتیم تا دوست او را ببینیم.
I remained here **in order to** help her. — من در اینجا ماندم تا به او کمک کنم.

Vocabulary

infinitive	ɪnˈfɪnɪtɪv	این فی نی تیو	مصدر
construction	kənˈstrʌkʃən	کِنستراکشِن	ساختار
in order to	ɪn ˈɔːdə tuː	این أو(ر)دِ تو	به منظور
prefer	prɪˈfəː	پْری فِ(ر)	ترجیح دادن
afraid	əˈfreɪd	افرِید	ترسیدن
impossible	ɪmˈpɒsəbl	ایم پاسِ بْل	غیر ممکن
ought to	ɔːt tuː	آت تو	باید



Practice

Using infinitive constructions, complete the following sentences in your own words. **با استفاده از شکل مصدری ، جملات را با کلمات خودتان کامل کنید.**

I'll be glad .... من خوشحال خواهم شد در تکالیف تان به شما کمک کنم.
(I'll be glad to help you with your homework.)

1. He went there in order ....
2. She wants ....
3. I prefer ....
4. It is easy ....
5. We hope ....
6. They are afraid ....
7. You went there ....
8. You went there in order ....
9. I forgot ....
10. It was impossible ....
11. We both like ....
12. You ought ....
13. I told him ....
14. You don't want ....
15. It is hard ....
16. They expect ....
17. It is possible ....
18. We are too weak ....



I'll be glad to help you with your homework.

۱.او آنجا رفت تا ... ۲.او می خواهد... ۳.من ترجیح می دهم ... ۴. ... آسان است. ۵.ما امیدواریم ... ۶.آنها می ترسند ... ۷.شما به آنجا رفتید ... ۸ شما به آنجا رفتید ... ۹.من فراموش کردم ... ۱۰. ... غیر ممکن بود. ۱۱.ما هر دو دوست داریم ... ۱۲.شما باید ... ۱۳.من به او گفتم ... ۱۴.شما نمی خواهید ... ۱۵.... سخت است. ۱۶.آنها انتظار دارند ... ۱۷.این امکان وجود دارد ... ۱۸.ما آنقدر ضعیف هستیم ... .



It Takes...

کاربرد فعل take (طول کشیدن)

it takes بیانگر مدت زمانی است که برای کامل شدن کاری در نظر گرفته ایم. این ساختار همیشه با شکل مصدری فعل به کار می رود.

it takes + مفعول + مدت زمان + to + شکل ساده فعل + مفعول

It **takes** me 45 minutes to get ready in the morning.
ایت تِیکس می فُتی فایوْ مِنِتس تو گِت رِدی این دِ مُنینگ.
برای من ۴۵ دقیقه طول می کشد تا صبح ها آماده شوم.(حال)

It **took** us three weeks to finish the project.
ایت تُک آس ثْری ویکس تو فِنِش دِ پْراجِکت.
برای ما سه هفته طول کشید تا پروژه را تمام کنیم.(گذشته)

It **will take** you a half-hour to change that tire.
ایت ویل تِیک یو اِ هَف-اوِ(ر) تو چِینج ذَت تایِ(ر).
برای شما نیم ساعت طول خواهد کشید تا آن تایر را عوض کنید.(آینده)

Vocabulary

so that	ˈsəʊ ðæt	سُو ذَت	بطوری که
future	ˈfjuːtʃə	فیو چِ(ر)	آینده
required	rɪˈkwaɪəd	ری کوآیِ(ر)د	مورد نیاز
by	baɪ	بای	از طریق
meaning	ˈmiːnɪŋ	مینینگ	معنی
composition	kɒmpəˈzɪʃn	کامپِزِشِن	انشا
bridge	brɪdʒ	بْرِج	پل
cable	ˈkeɪbl	کِی بُل	تلگراف
bathroom	ˈbæθruːm	بَث روم	حمام
kitchen	ˈkɪtʃən	کِچِن	آشپزخانه
dress	dres	دْرِس	پوشیدن
less	les	لِس	کمتر
clown	klaʊn	کْلون	دلقک
put on makeup	pʊt ɒn ˈmeɪkʌp	پُت آن مِیک آپ	گریم کردن
just	dʒʌst	جاست	فقط
recover	rɪˈkʌvə	ری کاوِ(ر)	بهتر شدن

Practice

Change each of the following sentences so that it begins with a present tense, past tense, or future tense form of *it takes* as required by the meaning.

با توجه به معنی و زمان جملاتِ زیر آنها را به صورتی تغییر دهید که با it takes شروع شوند.

1. She walked to work in ten minutes.
   (It took her ten minutes to walk to work.)
   ۱.او ده دقیقه ای به محل کار رسید.
   (برای او ده دقیقه طول کشید تا به محل کارش برسد.)
2. I finished my work in an hour.
3. She learned to speak English well in only one year.
4. I wrote my composition in thirty minutes.
5. The train went around the mountain in three hours.
6. They finished the bridge in one year.
7. The cable reached him in two days.
8. We walk to school every morning in about fifteen minutes.
9. You'll get there in about an hour.
10. We'll paint the bathroom in two hours.
11. You'll paint the kitchen in only one and half hours.
12. I wash and dress each morning in less than fifteen minutes.
13. The clown puts on his makeup in half an hour.
14. He learned to swim in just a few days.
15. She recovered from her illness in two months.
16. I'll run to the corner store and get what you need in just two or three minutes.



It took them one year to finish the bridge.

۲.من یک ساعته کارم را تمام کردم. ۳.او فقط در عرض یک سال یاد گرفت به خوبی انگلیسی صحبت کند. ۴.من انشاء ام را در عرض سی دقیقه نوشتم. ۵.قطار در عرض سه ساعت دور کوه را پیمود. ۶.آنها کار پل را یک ساله تمام کردند ۷.تلگراف دو روزه به دستش رسید. ۸.ما هر روز صبح حدودا در عرض ۱۵ دقیقه پیاده به مدرسه می رسیم. ۹.شما حدودا یک ساعته به آنجا خواهید رسید. ۱۰.ما دو ساعته حمام را نقاشی خواهیم کرد. ۱۱.شما آشپزخانه را فقط در عرض یک ساعت و نیم رنگ خواهید زد. ۱۲.من هر روز صبح در کمتر از ۱۵ دقیقه شستشو می کنم و لباس می پوشم. ۱۳.دلقک نیم ساعته خود را گریم می کند. ۱۴.او فقط در عرض چند روز شنا کردن را یاد گرفت. ۱۵.در عرض دو ماه بیماری او بهبود پیدا کرد. ۱۶.من مسیر فروشگاه سر نبش راخواهم دوید و آنچه را که تو لازم داری در عرض فقط دو یا سه دقیقه خریداری خواهم کرد.



Past Tense Irregular Verbs

ادامه زمان گذشته (افعال بی قاعده)

زمان حال و گذشته افعال بی قاعده زیر را بیاموزید

شکل ساده (زمان حال)			زمان گذشته	
blow	بْلُو	وزیدن	blew	بْلو
cut	کات	بریدن	cut	کات
drive	دْرایوْ	راندن	drove	دْرُو
fall	فال	افتادن	fell	فِل
find	فایند	پیدا کردن	found	فَوند
fly	فْلای	پرواز کردن	flew	فلو
grow	گْرُو	رشد کردن	grew	گرو
hit	هیت	زدن	hit	هیت
hold	هُلد	نگه داشتن	held	هِلد
hurt	هِ(ر)ت	صدمه دیدن(زدن)	hurt	هِ(ر)ت
lend	لِند	قرض دادن	lent	لِنت
mean	مین	معنی دادن	meant	مِنت
meet	میت	ملاقات کردن	met	مِت
pay	پی	پرداخت کردن	paid	پِید
ride	راید	سوار شدن	rode	رود
run	ران	دویدن	ran	رَن
say	سی	گفتن	said	سِد
shake	شِیک	لرزیدن	shook	شُک
shoot	شوت	شلیک کردن	shot	شات
shut	شات	بستن	shut	شات
sleep	سْلیپ	خوابیدن	slept	سْلِپت
spend	سْپِند	گذراندن	spent	سْپِنت
steal	سْتیل	دزدیدن	stole	سْتُل
throw	ثْرُو	انداختن	threw	ثْرو
wear	وِ(ر)	پوشیدن	wore	وُ(ر)
win	وین	برنده شدن	won	وان

Vocabulary

force	fɔ:s	فُ(ر)س	نیرو
so	səʊ	سُو	به قدری
great	greɪt	گریت	زیاد
threw	θru:	ثرو	انداخت
batter	ˈbætə	بَتِ(ر)	زننده (گوی)
avenue	ˈævənu:	آوِنو	خیابان
finally	ˈfaɪnəli	فاینِلی	بالاخره
lost	lɒst	لاست	گم شده
silk	sɪlk	سِلک	ابریشم
dress	dres	دِرِس	پیراهن زنانه
drunken	ˈdrʌŋkən	دِرانکِن	مست
business	ˈbɪznəs	بِزنِس	کار، تجارت
bird	bə:d	بِ(ر)د	پرنده
lock	lɒk	لاک	قفل کردن
all around	ɔ:l əˈraʊnd	آل اِرَوند	سراسر
horseback	ˈhɔ:sbæk	هُ(ر)س بَک	پشت اسب



Practice

Complete the following sentences with the Past Tense form of the irregular verbs in parentheses.

جملات را با استفاده از شکل گذشته افعال بی قاعده داخل پرانتز کامل کنید.

1. Charles .... (fall) from his bike and hurt his arm.
   (Charles fell from his bike and hurt his arm.)
2. I .... (pay) six dollars for this book.
3. We .... (shake) hands and then .... (say) goodnight.
4. The force of the wind was so great that it .... (blow) down several trees in our yard.
5. The pitcher .... (throw) a slow ball and the batter .... (hit) it for a home run.
6. I .... (sleep) very well last night.
7. We .... (meet) Ivy on the corner of Oak Avenue.
8. She finally .... (find) her lost book.
9. Alma .... (wear) her new silk dress to the party last night.
10. The drunken driver first .... (cut) in front of us and then .... (run) his car up over the curb.

11. We .... (drive) to Washington in Noel's new car.
12. The bank .... (lend) him money to use in his business, but he .... (spend) it on a trip to Europe.
13. He .... (hold) the bird in his hand for several minutes.
14. Our team .... (win) the first game but .... (lose) the second.
15. We .... (shut) all the windows and .... (lock) all the doors before we .... (go) out.
16. We rented two horses and .... (ride) all around the park on horseback.



Charles fell from his bike and hurt his arm.

۱.چارلز از دوچرخه اش افتاد و بازویش صدمه دید. ۲.من برای این کتاب شش دلار پرداخت کردم. ۳.ما با هم دست دادیم و سپس خداحافظی کردیم. ۴.قدرت باد آنقدر شدید بود که چندین درخت را در حیاط ما انداخت. ۵.گوی انداز به آرامی توپ را انداخت و زننده گوی آن را به خارج از زمین پرتاب کرد. ۶.من دیشب خیلی خوب خوابیدم. ۷.ما آیوی را در نبش خیابان اُک ملاقات کردیم. ۸.او بالاخره کتاب گم شده اش را پیدا کرد. ۹.آلما برای مهمانی دیشب پیراهن جدید ابریشمی اش را پوشید. ۱۰.راننده مست اول راه ما را برید و سپس با ماشین از جدول پیاده رو بالا رفت. ۱۱.ما با ماشین جدید نوئل تا واشنگتن رانندگی کردیم. ۱۲.بانک به او پول قرض داد تا در کاسبی اش استفاده کند، اما او آن را در سفری به اروپا خرج کرد. ۱۳.او پرنده را چند دقیقه در دستش نگه داشت. ۱۴.تیم ما بازی اول را برد اما دومی را باخت. ۱۵.ما همه پنجره ها را بستیم و همه درب ها را قفل کردیم قبل از اینکه بیرون برویم. ۱۶.ما دو اسب کرایه کردیم و سراسر پارک را اسب سواری کردیم.



Present Continuous Tense (1)

زمان حال استمراری (۱)

الف. طریقه ساختن

ing + شکل ساده فعل + am/ is/ are + فاعل

I **am** **cooking** dinner now. آی اَم کُکینگ دِنِ(ر) نَو. من الان دارم شام درست می کنم.

ب. کاربرد

انجام کار در لحظه صحبت کردن یعنی همین الان صورت می گیرد.

I am studying English now. آی اَم سْتادینگ اِنگلِش نَو. من حالا دارم انگلیسی می خوانم.

Is she writing a letter? ایز شی رایتینگ ا لِتِ(ر)؟ آیا او در حال نوشتن نامه است؟

They are not watching TV now. دِی آر نات واچینگ تی وی نَو. آنها حالا در حال تماشای تلویزیون نیستند.

ج. قیدهای زمان حال استمراری

at present	آت پْرِزِنت	در حال حاضر
for the time being	فُ(ر) ذِ تایم بی اینگ	در حال حاضر
(right) now	(رایت) نَو	(همین) حالا
at the moment	آت ذِ مُومِنت	در همین لحظه

د. نکته

گاهی اوقات قبل از این زمان یک جمله کوتاه امری یا یک کلمه هشدار دهنده می آید که به کمک آن می توان این زمان را تشخیص داد.

Listen! The telephone is ringing. لِسِن! ذِ تِلِفُون ایز رینگینگ. گوش بده! تلفن داره زنگ می زنه.

Look! He's coming towards us. لُک! هیز کامینگ تِ وا(ر)دز آس. نگاه کن! اون داره به سمت ما میاد.

صرف فعل (خوابیدن) در چهار زمان

گذشته ساده		حال ساده	
من خوابیدم	I slept	من می خوابم	I sleep
تو خوابیدی	you slept	تو می خوابی	you sleep
او خوابید	he slept	او می خوابد	he sleeps
ما خوابیدیم	we slept	ما می خوابیم	we sleep
شما خوابیدید	you slept	شما می خوابید	you sleep
آنها خوابیدند	they slept	آنها می خوابند	they sleep

حال استمراری		آینده ساده	
من دارم می خوابم	I am sleeping	من خواهم خوابید	I will sleep
تو داری می خوابی	you are sleeping	تو خواهی خوابید	you will sleep
او دارد می خوابد	he is sleeping	او خواهد خوابید	he will sleep
ما داریم می خوابیم	we are sleeping	ما خواهیم خوابید	we will sleep
شما دارید می خوابید	you are sleeping	شما خواهید خوابید	you will sleep
آنها دارند می خوابند	they are sleeping	آنها خواهند خوابید	they will sleep



continuous	kən'tɪnjʊəs	کِنتین یواس	استمراری
think	θɪŋk	ثینک	فکر کردن
wear	weə	وِ(ر)	پوشیدن
suit	su:t	سوت	کت و شلوار
someone	'sʌmwɒn	سام وان	کسی
knock	nɒk	ناک	در زدن
quiet	'kwaɪət	کوآیِت	آرام
baby	'beɪbi	بِی بی	نوزاد
try	traɪ	تْرای	سعی کردن
climb	klaɪm	کْلایم	بالا رفتن
leaves	li:vz	لیوْز	برگ ها
Eve	i:v	ئیو	اوا- ئیو
as	æz	اَز	به عنوان
manager	'mænɪdʒə	مَنِج(ر)	مدیر
department	dɪ'pɑ:tmənt	دیپا(ر)تمِنت	اداره- بخش
sales	seɪlz	سِیلز	حراج
stole	stəʊl	سْتُل	دزدیدن (گذشته steal)
grow	grəʊ	گْرُو	کاشتن
tomato	tə'meɪtəʊ	تِمِی تُ	گوجه فرنگی

Practice (1)

Complete the following sentences with the present continuous tense form of the verbs in parentheses.

جملات را با استفاده از زمان حال استمراری افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. They .... (wait) for us on the corner now.
   (They're waiting for us on the corner now.)

۱.آنها اکنون در آن گوشه منتظر ما هستند.

2. The bus .... (stop) for us now.
3. Listen! I think the telephone .... (ring).
4. I see that you .... (wear) your new suit today.
5. Look! It .... (begin) to rain.
6. Listen! Someone .... (knock) at the door.
7. Please be quiet! The dog........................ (sleep).
8. Look! The cat .... (try) to climb that tall tree.
9. Janet .... (do) well in her studies.
10. The leaves .... (begin) to fall from the trees.
11. John .... (have) lunch in the cafeteria now.
12. Listen! That's Eve who .... (play) the piano.
13. At present they .... (travel) in South America.
14. For the time being, Mr. Collins .... (act) as manager of this department.
15. All the big stores .... (have) sales this month.
16. They stole a plane and now they .... (fly) out of the country.
17. We .... (grow) a lot of large tomatoes this year.
18. We .... (do) an exercise right now.

۲.اتوبوس اکنون برای ما توقف کرده. ۳.گوش کن! فکر می کنم تلفن داره زنگ می زنه. ۴.می بینم که امروز لباس جدیدت را پوشیده ای. ۵.نگاه کن! بارون داره شروع می شه. ۶.گوش کن! یک نفر داره در می زنه. ۷.لطفا ساکت باش! سگ خوابیده. ۸.نگاه کن! گربه داره سعی می کنه از اون درخت بلند بالا بره. ۹.جَنِت تو مطالعاتش داره خوب پیش می ره. ۱۰.ریزش برگها از درختا داره شروع میشه. ۱۱.جان حالا داره تو کافه تریا ناهار می خوره. ۱۲.گوش کن! این ایو هست که داره پیانو می زنه. ۱۳.در حال حاضر آنها در حال سفر در آمریکای جنوبی هستند. ۱۴.در حال حاضر، آقای کالینز به عنوان مدیر این بخش عمل می کند. ۱۵.همه فروشگاه های بزرگ این ماه حراج دارند. ۱۶.آنها یک هواپیما را ربودند و حالا دارن به خارج از کشور پرواز می کنند. ۱۷.ما امسال داریم مقدار زیادی گوجه فرنگی درشت پرورش می دیم. ۱۸.ما همین حالا داریم ورزش می کنیم.



Please be quiet! The dog is sleeping.

Present Continuous Tense (2)

زمان حال استمراری (۲)

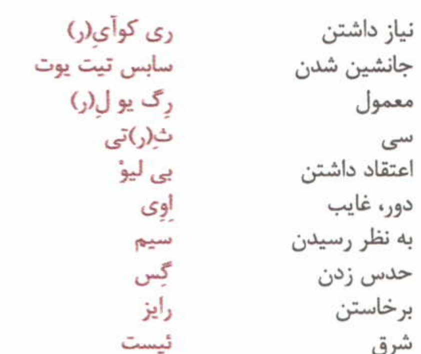
تفاوت بین حال ساده و حال استمراری

حال ساده اشاره به عملی دارد که هر روز یا همیشه به صورت عادت انجام می شود. اما حال استمراری در باره عملی صحبت می کند که همین حالا در حال انجام شدن است.

I talk to him all the time. — من تمام مدت با او صحبت می کنم. (حال ساده)
I am talking to him now. — من حالا دارم با او صحبت می کنم. (حال استمراری)



Vocabulary



require	rɪˈkwaɪə	ری کوآیِ(ر)	نیاز داشتن
substitute	ˈsʌbstɪtjuːt	سابس تیت یوت	جانشین شدن
regular	ˈregjuːlə	رِگ یو لِ(ر)	معمول
thirty	ˈθəːti	ثِ(ر)تی	سی
believe	bɪˈliːv	بی لیوْ	اعتقاد داشتن
away	əˈweɪ	اِوِی	دور، غایب
seem	siːm	سیم	به نظر رسیدن
guess	ges	گِس	حدس زدن
rise	raɪz	رایز	برخاستن
east	iːst	ئیست	شرق



Practice (2)

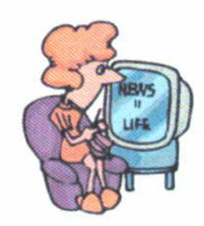
Supply the *Simple Present Tense* or *the Present Continuous Tense* as required by the meaning of the sentences.

زمان حال ساده یا حال استمراری افعال داخل پرانتز را با توجه به معنی جملات به کار برید.

1. Mr. Hansen often .... (travel) to Atlanta on business.
   (Mr. Hansen often travels to Atlanta on business.)
2. Our class .... (meet) three times every week.
3. Mr. Cole .... (teach) us at present. He .... (substitute) for Mr. Russell, who is our regular teacher.
4. At nine-thirty every morning our school bell .... (ring). Listen! I believe it .... (ring) now.

5. Mrs. Hansen .... (watch) TV now. I believe that she always .... (watch) a show at this time.
6. Listen! Someone .... (knock) at the door.
7. Jay never .... (come) to class on time.
8. At this moment I ....(read) sentence number 8 in the exercise.
9. The wind always .... (blow) hard in this section of town.
10. For the time being, while Mr. Press is away, Ms. Brennan .... (act) as manager of our department.
11. Klein's .... (have) a big sale on shoes today.
12. Kurt seems to be very busy. I guess he .... (study) for his English test.
13. I .... (get) up at seven o'clock every morning.
14. Ed usually .... (stay) in a hotel when he .... (come) to town, but tonight he .... (stay) with us.
15. The sun always .... (rise) in the east. Look! It .... (rise) now.
16. Mr. and Mrs. Bush .... (build) a new home on Hollywood Boulevard.

۱.آقای هَنسِن اغلب برای تجارت به آتلانتا سفر می کند. ۲.کلاس ما سه بار در هفته تشکیل می شود. ۳.در حال حاضر آقای کُل به ما درس می دهد. او به جای آقای راسل ، که معلم دائمی ما است کار می کند. ۴.هر روز صبح در ساعت نه و سی دقیقه زنگ مدرسه ما می خوره. گوش کن! فکر می کنم حالا داره زنگ می خوره. ۵.خانم هَنسِن اکنون در حال تماشای تلویزیون است. من فکر می کنم در چنین زمانی او همیشه شو تماشا می کند. ۶.گوش کن! یکی داره در میزنه. ۷.جِی هیچ وقت به موقع به کلاس نمی آید. ۸.در این لحظه من دارم جمله شماره هشت تمرین را می خونم. ۹. در این قسمتِ شَهر باد همیشه به شدت می وزد. ۱۰.در حال حاضر، زمانی که آقای پرس غایب است، خانم برِنِن به عنوان مدیر بخش مان عمل می کند. ۱۱.فروشگاه کلاین امروز حراج بزرگ کفش دارد. ۱۲. به نظر می رسد کِرت امروز خیلی مشغول باشد. من حدس می زنم او داره برای امتحان زبانش درس می خونه. ۱۳.من هر روز ساعت هفت صبح بیدار می شوم. ۱۴.اد معمولا زمانی که به شهر می آید در یک هتل اقامت می کند، اما او امشب با ما می ماند. ۱۵.خورشید همیشه از شرق طلوع می کنه. نگاه کن! الآن خورشید داره طلوع می کنه. ۱۶. آقا و خانم بوش در حال ساختن خانه ای جدید در بولوار هالیوود هستند.



Mrs. Hansen is watching TV now.

Present Continuous Tense (3)
Negatives & Questions
زمان حال استمراری (۳) منفی و سوالی

صرف فعل (کار کردن) به صورت منفی و سوالی

شکل منفی

I'm not working	من در حال کار کردن نیستم
you aren't working	تو در حال کار کردن نیستی
he isn't working	او در حال کار کردن نیست
we aren't working	ما در حال کار کردن نیستیم
you aren't working	شما در حال کار کردن نیستید
they aren't working	آنها در حال کار کردن نیستند

شکل سوالی

Am I working?	آیا من در حال کار کردن هستم؟
Are you working?	آیا تو در حال کار کردن هستی؟
Is he working?	آیا او در حال کار کردن هست؟
Are we working?	آیا ما در حال کار کردن هستیم؟
Are you working?	آیا شما در حال کار کردن هستید؟
Are they working?	آیا آنها در حال کار کردن هستند؟

Vocabulary

fourth	fɔ:θ	فُ(ر)ث	چهارم
maid	meɪd	مِید	خدمتکار (زن)
have	hæv	هَوْ	خوردن
south	saʊθ	سَوث	جنوب
article	'ɒ:tɪkl	آ(ر)تِکَل	مقاله
economic	i:kə'nɒmɪk	ایکِ نامِک	اقتصادی
situation	sɪtʃu:'eɪʃn	سیچواِیشِن	موقعیت
soon	su:n	سون	زود، به زودی
look for	'lʊk 'fɔ:	لُک فُ(ر)	گشتن
which	wɪtʃ	وِچ	که
lost	lɒst	لاست	گم کردن (گذشته lose)
leave for	li:v fɔ:	لیوْ فُ(ر)	عازم شدن، حرکت کردن

Practice (3)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات زیر را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. The telephone is ringing.
   (The telephone is not ringing.
   The telephone isn't ringing.)
2. It is beginning to rain.
3. The sky is getting very dark.
4. She is working on the fourth floor at present.
5. The maid is cleaning the room now.
6. They are taking a walk in the park.
7. You are having lunch outside.
8. John is doing well in his studies at present.
9. We are laughing at what you said.
10. They are traveling in Europe at present.
11. I am taking dancing lessons.
12. The leaves are beginning to fall from the trees.
13. All the birds are flying south.
14. Ellen is writing a series of articles on the economic situation.
15. They are planning to leave for Spain soon.
16. He is looking for the book which he lost.

۱.تلفن در حال زنگ زدن است.
(تلفن در حال زنگ زدن نیست.)

I'm taking dancing lessons.

۲.بارش باران داره شروع میشه. ۳.آسمان داره خیلی تاریک میشه. ۴.او در حال حاضر در حال کار کردن در طبقه چهارم است. ۵.خدمتکار اکنون در حال تمیز کردن اطاق است. ۶.آنها در حال قدم زدن در پارک هستند. ۷.شما در حال ناهار خوردن در خارج از خانه هستید. ۸.جان در حال حاضر مطالعاتش را به خوبی انجام میدهد. ۹.ما به آنچه که شما گفتید داریم می خندیم. ۱۰.آنها در حال حاضر دارند در اروپا سفر می کنند. ۱۱.من دارم رقص یاد می گیرم. ۱۲.ریزش برگها از درختان داره شروع میشه. ۱۳.همه پرندگان در حال پرواز به جنوب هستند. ۱۴.الِن در حال نوشتن یک سری مقاله درباره وضعیت اقتصادی است. ۱۵.آنها در حال برنامه ریزی هستند که به زودی عازم اسپانیا شوند. ۱۶.او در حال گشتن به دنبال کتابی است که گم کرده.



Practice (4)

Change the sentences from Exercise 3 to questions.

جملات تمرین ۳ را به سوالی تبدیل کنید.

1. The telephone is ringing.
   (Is the telephone ringing?)

۱.تلفن داره زنگ می زنه.
(آیا تلفن داره زنگ می زنه؟)



Contractions (
Affirmative
شکل های فشرده (مثبت)

در مکالمات بیشتر از شکل فشرده (کوتاه شده) افعال استفاده می شود.

شکل ساده	شکل کوتاه شده	شکل ساده	شکل کوتاه شده
I am	I'm	I will	I'll
you are	you're	you will	you'll
he is	he's	he will	he'll
she is	she's	she will	she'll
it is	it's	it will	it'll
we are	we're	we will	we'll
they are	they're	they will	they'll
there is	there's	there are	there're

Vocabulary

contracted	kən'træktɪd	کِنتْرَکتید	فشرده
tenth	tenθ	تِنث	دهم
surely	'ʃʊəli	شُ(ر)لی	مطمئنا
Friday	'fraɪdeɪ	فْرایدِی	جمعه
key	ki:	کی	کلید
station	'steɪʃn	سْتِی شِن	ایستگاه
age	eɪdʒ	اِیج	سن، سال
kind	kaɪnd	کایند	مهربان



Practice (1)

Give the contracted forms of the verbs in these sentences.

شکل فشرده افعال را در این جملات به کار برید.

1. She is a good student. *(She's a good student.)*
2. They are waiting for us on the tenth floor.

3. I will be back before noon.
4. She is very busy.
5. It is raining hard.
6. She will surely finish the work today.
7. We are old friends.
8. They are planning to leave next week.
9. It is almost three o'clock.
10. We are coming next Friday.
11. You will lose my keys if you play with them.
12. It is just leaving the station now.
13. There is someone at the door.
14. They will remain in Europe all summer.
15. He is a big boy for his age.
16. You are very kind to say that.
17. I am glad that you were able to come.
18. There is nothing to do now.
19. He will know the answer.
20. It will be winter soon.



۱.او دانشجوی خوبی است. ۲.آنها در طبقه دهم منتظر ما هستند. ۳.من قبل از ظهر باز خواهم گشت. ۴.او خیلی مشغول است. ۵.باران شدیدی می بارد. ۶.او مطمئنا امروز کار را تمام خواهد کرد. ۷.ما دوستان قدیمی هستیم. ۸.آنها برنامه ریزی می کنند هفته دیگر حرکت کنند. ۹.ساعت تقریبا سه است. ۱۰.ما قرار است جمعه آینده بیائیم. ۱۱.اگر تو با کلیدهایم بازی کنی، آنها را گم خواهی کرد. ۱۲.این همین حالا در حال ترک ایستگاه است. ۱۳.یک نفر دم درب است. ۱۴. آنها تمام تابستان را در اروپا خواهند ماند. ۱۵.او نسبت به سنش پسر درشتی است. ۱۶.گفتن این حرف نهایت لطف شماست. ۱۷.من خوشحالم که شما توانستید بیائید. ۱۸.حالا کاری برای انجام دادن نیست. ۱۹.او پاسخ را خواهد دانست. ۲۰.به زودی زمستان خواهد شد.

Contractions (2) Negatives

شکل های فشرده (منفی)

شکل ساده	شکل کوتاه شده
are not	aren't
is not	isn't
was not	wasn't
were not	weren't

شکل ساده	شکل کوتاه شده
do not	don't
does not	doesn't
did not	didn't
will not	won't



Vocabulary

satisfied	'sætɪsfaɪd	سَتِسفاید	راضی
appreciate	ə'pri:ʃɪeɪt	اِپری شی اِیت	قدر دانی کردن
entertain	entə'teɪn	اَنتِ(ر)تین	سرگرم کردن
entertainment	entə'teɪnment	اَنتِ(ر)تِین مِنت	سرگرمی
pleased	pli:zd	پْلیزد	راضی
result	rɪ'zʌlt	ریزالت	نتیجه
examination	ɪgzæmɪ'neɪʃn	ایگزَمی نِی شِن	امتحان
get along	get ə'lɒŋ	گِت اِلانگ	کنار آمدن



Practice (2)

Use the contracted forms of these negative verbs.

شکل فشرده این افعال منفی را به کار برید.

1. He did not come to the lesson yesterday.
   (He didn't come to the lesson yesterday.)
2. They do not speak English well.
3. She is not studying English at present.
4. He is not a good student.
5. They are not satisfied with their new apartment.
6. He does not appreciate your help.
7. You did not talk to the teacher.
8. She does not spend much money on entertainment.
9. You are not the only person who feels that way about Melissa.
10. We were not pleased with the results of our examinations.
11. George was not at the meeting last night.
12. She and her husband do not get along well.
13. I will not be back before six.
14. There were not many students absent from class today.
15. They will not leave for Europe before next month.
16. You are not doing that exercise correctly.
17. There are not any good shows on television tonight.

She and her husband don't get along well.

۱.او دیروز به کلاس نیامد. ۲.آنها انگلیسی را خوب صحبت نمی کنند. ۳.او در حال حاضر انگلیسی نمی خواند. ۴.او شاگرد خوبی نیست. ۵.آنها از آپارتمان جدیدشان راضی نیستند. ۶.او از کمک شما قدردانی نمی کند. ۷.تو با معلم صحبت نکردی. ۸.او پول زیادی را صرف تفریح نمی کند. ۹.تو تنها فردی نیستی که چنین احساسی را نسبت به ملیسا داری. ۱۰.ما از نتایج امتحانات مان راضی نبودیم. ۱۱.جورج دیشب در جلسه نبود. ۱۲.او و شوهرش به خوبی باهم کنار نمی آیند. ۱۳.من قبل از ساعت شش باز نخواهم گشت. ۱۴.امروز در کلاس شاگردان زیادی غایب نبودند. ۱۵.آنها تا قبل از ماه آینده عازم اروپا نخواهند شد. ۱۶.تو آن تمرین را درست انجام نمی دهی. ۱۷.امشب در تلویزیون هیچ شوِ خوبی نیست.



Articles (1)
A/ An— The
حروف تعریف (نا معین و معین)

حروف تعریف نامعین **a** یا **an** اشاره به چیز هائی دارند که برای ما نامشخص و نا معین باشند.
اما حرف تعریف معین **the** اشاره به چیز هائی دارد که برای ما مشخص و معین باشند.

There is **a** book on the table. کتابی روی میز است. (معلوم نیست چه کتابی)
The book that I'm reading is on the table.
کتابی که من میخوانم روی میز است. (کتاب مشخص است.)



Vocabulary

comfortable	'kʌmftəbl	کامف تِبِل	راحت
particular	pə'tɪkju:lə	پِ(ر)تِک یولِ(ر)	ویژه، خاص
customer	'kʌstəmə	کاستِمِ(ر)	مشتری
wish	wɪʃ	وِش	خواستن
whom	hu:m	هوم	که
greatest	'greɪtəst	گِری تِست	بیشترین
pleasure	'pleʒə	پْلِژِ(ر)	لذت بخش
Les Miserables	le 'mɪzrəbl	لِ مِزرِبِل	بینوایان (اثر ویکتور هوگو)
any	'eni	اِنی	هر
strange	'streɪndʒ	سْترِینج	عجیب
odor	'əʊdə	اُودِ(ر)	عطر، رایحه
briefcase	'bri:fkeɪs	بْریف کِیس	کیف- چمدان
point	pɔɪnt	پُینت	نقطه
mind	maɪnd	مایند	ذهن، فکر
made of	meɪd əv	مِید اِو	ساخته شده از
leather	'leðə	لِذِ(ر)	چرم
definite	'defɪnət	دِفِنِت	معین
as yet	æz jet	اَز یِت	تاکنون
though	ðəʊ	ذُو	گرچه
perhaps	pə'hæps	پِ(ر)هَپس	شاید
still	stɪl	سْتِل	هنوز



Practice (1)

Complete the following sentences with the correct article.

با حرف تعریف مناسب جملات را کامل کنید.

1. .... chair you are sitting in is very comfortable.
   (The chair you are sitting in is very comfortable.)
2. There is .... pencil (no particular pencil) on the desk.
3. There is .... customer (no particular customer) outside who wishes to see Mrs. Winston.
4. .... customer whom Mr. Carp telephoned this morning is here now.
5. I want to find .... good book (no particular book) to read tonight.
6. .... book which I am reading now belongs to Leslie.
7. .... book which gave me the greatest pleasure was Les Miserables.
8. .... good book (any good book) is always a pleasure for me.
9. Do you have .... cigarette? (no particular cigarette)
10. .... cigarette which Judy is smoking has a strange odor.
11. I must buy .... new briefcase. (At this point I have no particular briefcase in mind.)
12. .... new briefcase which I bought yesterday is made of leather. (It is now a definite briefcase.)
13. Pete bought .... new hat yesterday in Macy's. (As yet no definite hat.)
14. .... hat which Pete bought in Macy's yesterday (now a definite hat) arrived this afternoon.
15. I also bought .... new hat in Macy's yesterday. (Though perhaps a definite hat to me, it is still not a definite hat to my listener.)

۱.صندلی را که شما رویش نشسته اید خیلی راحت است. ۲.مدادی روی میز است.(مداد مشخص نیست) ۳.یک مشتری بیرون است که می خواهد خانم وینستون را ببیند. (مشتری مشخص نشده) ۴.مشتری که آقای کارپ امروز صبح به او تلفن زد حالا اینجاست. ۵.من می خواهم کتاب خوبی را برای مطالعهٔ امشب پیدا کنم.(کتاب مشخص نیست) ۶.کتابی را که اکنون در حال مطالعه آن هستم به لسلی تعلق دارد. ۷.کتابی که بیشترین لذت را به من داد بینوایان بود. ۸.کتاب خوب همیشه برایم لذت بخش است.(هر کتاب خوبی) ۹.سیگار داری؟ (نوع سیگار مشخص نیست) ۱۰.سیگار برگی که جودی دارد می کشد عطر عجیبی دارد. ۱۱.من باید یک کیف جدید بخرم.(در این زمان کیف خاصی در ذهنم نیست) ۱۲.کیف جدیدی که دیروز خریدم از چرم ساخته شده است.(حالا این کیف مشخص است) ۱۳.پیت دیروز از فروشگاه میسی یک کلاه جدید خرید.(هنوز کلاه مشخص نیست) ۱۴.کلاهی که پیت دیروز از فروشگاه میسی خرید امروز بعد از ظهر رسید. (حالا کلاه مشخص هست) ۱۵.من هم دیروز یک کلاه جدید از فروشگاه میسی خریدم.(گرچه شاید از نظر من کلاه مشخص است، ولی برای شنونده ام هنوز کلاه شناخته شده ای نیست)



The customer whom Mr. Carp telephoned this morning is here now.

Articles (2)
موارد استفاده و عدم استفاده حروف تعریف معین و نامعین

۱. حروف تعریف نا معین a یا an فقط با اسامی مفرد به کار می روند.

There is a book on the table.
There's an airplane in the airport.

کتابی روی میز است.
یک هواپیما در فرودگاه است.

۲. حرف تعریف معین یا معرفه the هم با کلمات مفرد و هم با کلمات جمع به کار می رود.

The book that I am reading is on the table.
کتابی که در حال خواندن آن هستم روی میز است.

The books that I'm reading are on the table.
کتاب هائی که من در حال خواندن آنها هستم روی میز هستند.

۳. اسامی با کیفیت و کمیت نا معین حرف تعریف نمی گیرند.

Gold is an important metal.
Honesty is the best policy.

طلا فلز مهمی است.
صداقت بهترین خط مشی است.

۴. اما اگر این اسامی (طلا ، صداقت و...) اشاره به مقدار یا کیفیت خاصی داشته باشند، همراه با the می آیند.

The gold in this ring is very old.
The honesty of this man is above question.

طلای این حلقه خیلی قدیمی است.
صداقت این مرد مافوق پرسش است.

۵. قبل از نام اشخاص، کشورها، خیابان ها، شهرها، و شهرک ها از حرف تعریف استفاده نمی شود.

They live in Tehran.
Mr. Brown is a teacher.
Iran is a country in Asia.

آنها در تهران زندگی می کنند.
آقای براون یک معلم است.
ایران کشوری در آسیاست.

۶. اما اگر اسامی فوق به عنوان صفت به کار روند، با حرف تعریف به کار می روند.

The Chicago fire was very large.

آتش سوزی شیکاگو خیلی عظیم بود.

۷. اسامی رودخانه ها، دریا ها، سلسله کوه ها و کشور ها اگر همراه با صفت یا کلمات توصیفی باشند با حرف تعریف به کار می روند.

the Mississippi River
the Alborz Mountains
the Pacific Ocean
the United States

رود می سی سی پی
رشته کوه های البرز
اقیانوس آرام
ایالات متحده



Vocabulary

below	bɪˈləʊ	بیلُ	پائین
fresh	freʃ	فرِش	تازه
air	eə	اِ(ر)	هوا
get on	get ˈɒn	گِت آن	سوار شدن
wave	weɪv	ویو	دست تکان دادن
across	əˈkrɒs	اِکراس	آنسوی
however	haʊˈevə	هاو اِو(ر)	با وجود این
world	wə:ld	وِ(ر)لد	جهان
cotton	ˈkɒtən	کاتِن	کتان، نخ
important	ɪmˈpɔ:tənt	ایم پُ(ر)تِنت	مهم
product	ˈprɒdʌkt	پِراداکت	محصول
constitution	kɒnstɪˈtju:ʃn	کانس تیت یوشِن	قانون اساسی
rights	raɪts	رایتس	حقوق
speech	spi:tʃ	سْپیچ	سخن، بیان
import	ɪmˈpɔ:t	ایم پُ(ر)ت	وارد کردن
copper	ˈkɑpə	کاپِ(ر)	مس
conductor	kənˈdʌktə	کِنداکتِ(ر)	هادی
necessary	ˈnesesri	نِس سِری	لازم
raise	reɪz	ریز	پرورش دادن
take	teɪk	تِیک	مصرف کردن
medicine	ˈmedsɪn	مِدسِن	دارو
prescribe	prɪˈskraɪb	پریس کُرایب	تجویز کردن
cough	kɒf	کاف	سرفه
favorite	ˈfeɪvrɪt	فیوْریت	مورد علاقه
spill	spɪl	سْپیل	ریختن(غیر عمد)



Practice (2)

Some of the blank spaces below require articles; others do not. Fill in the articles where needed.

بعضی از جاهای خالیِ زیر حرف تعریف لازم دارند؛ بعضی ها ندارند. جائی که لازم است حرف تعریف قرار دهید.

1. .... fresh air is needed by all growing children.
   (Fresh air is needed by all growing children.)
2. .... air in this room is not fresh.
3. .... telephone rings very often in our office.
4. I always get on .... bus at .... same corner every morning.

5. Look! Lou is waving to us from across .... street.
6. .... some women from .... Peru visited us.
7. .... tea will not keep you awake at night.
8. However, ... coffee seems to keep some people awake.
9. .... tea in this pot is very weak.
10. ...... coffee which comes from Latin America is .... best in .... world.
11. .... cotton is one of .... most important products of .... South.
12. The U.S. Constitution guarantees .... right to free speech.
13. Some of .... important products which we import from .... India are .... tea, ... cotton, and .... rice.
14. .... copper is .... good conductor of .... electricity.
15. Plenty of .... rain and .... sun are necessary for .... raising of .... cotton.
16. .... sun is shining now, but part of .... sky is still dark.
17. At times everyone must take .... medicine.
18. .... medicine which .... doctor prescribed helped my cough.
19. He likes to study .... history.
20. In that course, we study .... history of all .... western European countries.
21. .... milk is my daughter's favorite drink.
22. I spilled .... milk which was on the table.
23. When you go to the store, please buy some .... milk.

۱.هوای تازه مورد نیاز تمام کودکان در حال رشد است. ۲.هوای این اطاق تازه نیست. ۳.تلفن در دفتر کار ما خیلی زنگ می زند. ۴.من هر روز همیشه در همان گوشه سوار اتوبوس می شوم. ۵.نگاه کن! لو از آن طرف خیابان برای ما دست تکان می دهد. ۶.چند زن از پرو ما را ملاقات کردند. ۷.چای خوردن در شب شما را بیدار نگه نخواهد داشت. ۸.با وجود این، به نظر می رسد که قهوه بعضی از اشخاص را بیدار نگه می دارد. ۹.چای این قوری خیلی کم رنگ است. ۱۰.قهوه‌ای که از آمریکای لاتین می آید بهترین قهوه در جهان است. ۱۱.پنبه یکی از مهم ترین محصولات جنوب است. ۱۲.قانون اساسی آمریکا حق آزادی بیان را تضمین می کند. ۱۳.بعضی از محصولات مهمی که ما از هندوستان وارد می کنیم چای، پنبه، و برنج است. ۱۴.مس هادی خوبی برای الکتریسیته است. ۱۵.باران و آفتاب فراوان برای رشد پنبه ضروری است. ۱۶.اکنون خورشید در حال تابیدن است، اما هنوز قسمتی از آسمان تاریک است. ۱۷.بعضی وقت ها همه باید دارو مصرف کنند. ۱۸.داروئی که دکتر تجویز کرد کمک زیادی به سرفه من کرد. ۱۹.او دوست دارد تاریخ بخواند. ۲۰.در آن دوره آموزشی، ما تاریخ همه کشورهای اروپای غربی را می خوانیم. ۲۱.شیر نوشیدنی مورد علاقه دخترم است. ۲۲.من شیری را که روی میز بود ریختم. ۲۳.موقعی که به فروشگاه می روی، لطفا مقداری شیر بخر.



Look!
Lou is waving to us from across the street.



Vocabulary

steel	sti:l	سْتیل	فولاد
industry	'ɪndʌstri	ایندَستْری	صنعت
boundary	'baʊndri	بَوندری	مرز
state	steɪt	سْتِیت	ایالت
Soviet Union	'səʊvɪet 'ju:nɪen	سُویِت یونیِن	اتحاد شوروی (سابق)
rich	rɪtʃ	رِچ	غنی
nature	'neɪtʃə	نِی چِ(ر)	طبیعت
natural	'nætʃərəl	نَچِ رِل	طبیعی
resource	rɪ'sɔ:s	ری سُ(ر)س	منبع
visible	'vɪzɪbl	وِزِبُل	قابل مشاهده
outer	'aʊtə	اَوتِ(ر)	بیرونی، خارجی
eastern	'i:stən	ایستِ(ر)ن	شرقی
flow	fləʊ	فْلُ	جریان داشتن
toward	tə'wɔ:d	تِوا(ر)د	به طرف
Atlantic	ət'læntɪk	اِتلَنتِک	اطلس
ocean	'əʊʃən	اُوشِن	اقیانوس
distance	'dɪstəns	دِستِنس	فاصله
subway	'sʌbweɪ	ساب وِی	مترو
strait	streɪt	سْتْرِیت	تنگه
quiet	'kwaɪət	کوآیِت	آرام- خلوت
once	wʌns	وانس	زمانی
land	lænd	لَند	خشکی
mass	mæs	مَس	توده
connect	kə'nekt	کِنِکت	متصل کردن
climate	'klaɪmət	کْلایمِت	آب و هوا
southern	'sʌðən	ساذِ(ر)ن	جنوبی



Practice (3)

Some of the blank spaces below require articles; others do not. Fill in the articles where needed.

بعضی از جاهای خالیِ زیر حرف تعریف لازم دارند؛ بعضی ها ندارند. جائی که لازم است حرف تعریف قرار دهید.

1. We went to .... Chicago this summer.
   (We went to Chicago this summer.)
2. When you go to .... Chicago, be sure to visit .... Sears Building.
3. She works in .... building on .... corner of .... Fifth Avenue and .... 72nd Street.

4. .... New York City is .... largest city in .... United States.
5. .... traffic on .... Madison Avenue is very heavy.
6. .... Pittsburgh is .... center of .... steel industry of .... Pennsylvania.
7. .... Hudson River forms .... boundary between .... New York State and .... New Jersey.
8. .... Soviet Union is rich in .... natural resources.
9. On our trip to .... South America, we plan to stop off at .... Haiti and .... Dominican Republic.
10. .... Great Wall of China is visible from outer space.
11. .... rivers of .... eastern part of .... United States flow toward .... Atlantic Ocean.
12. .... machines which we ordered from .... Pittsburgh arrived this morning.
13. The distance from .... Washington, D.C., to .... Minneapolis is about one thousand miles.
14. .... largest river in .... Germany is .... Rhine.
15. .... Mexico City subways are very quiet.
16. .... Bering Strait was once .... land mass which connected .... Americas to .... Asia.
17. .... climate of .... southern Italy is very warm.

۱.ما تابستان امسال به شیکاگو رفتیم. ۲.زمانی که به شیکاگو می روی، حتما از ساختمان سی یرز دیدن کن. ۳.او در ساختمانی در نبش خیابان پنجم و خیابان هفتادو دوم کار می کند. ۴.شهر نیویورک بزرگ ترین شهر ایالات متحده است. ۵.ترافیک خیابان مدسِن خیلی سنگین است. ۶.پیتسبورگ مرکز صنعت فولاد پنسیلوانیا است. ۷.رود هادسِن مرز بین ایالت نیویورک و نیو جرسی را تشکیل می دهد. ۸.اتحاد شوروی از نظر منابع طبیعی غنی است. ۹.ما در سفرمان به آمریکای جنوبی، قصد داریم توقفی در هائیتی و جمهوری دومینیکن داشته باشیم. ۱۰.دیوار بزرگ چین از فضای بیرونی قابل رویت است. ۱۱.رودهای بخش شرقی ایالات متحده به سمت اقیانوس اطلس جریان دارند. ۱۲.ماشین آلات سفارشی ما از پیتسبورگ ، امروز صبح رسیدند. ۱۳.فاصله بین واشینگتن، دی سی، تا مینیا پلیس حدود یک هزار مایل است. ۱۴.بزرگترین رود آلمان راین است. ۱۵.مترو های مکزیکو سیتی خیلی خلوت هستند. ۱۶.تنگه برینگ زمانی توده خشکی بود که آمریکا را به آسیا متصل می کرد. ۱۷.آب و هوای ایتالیای جنوبی خیلی گرم است.



uncomfortable	ʌn'kʌmftəbl	آن کامف تِبَل	ناراحت
destroy	dɪ'strɔɪ	دیس تْرُی	نابود کردن
rise	raɪz	رایز	بالا رفتن
fall	fɔ:l	فال	پائین آمدن
vary	'veəri	وِری	متفاوت بودن
taste	teɪst	تِیست	مزه
according to	ə'kɔ:dɪŋ tu:	اکُ(ر)دیگ تو	بر طبق
locality	ləʊ'kælɪti	لُوکَلِتی	منطقه
mayor	'meɪə	مِی(ر)	شهردار



Practice (4)

Fill in the articles where needed. در جا های خالی حروف تعریف مورد نیاز را قرار دهید.

1. .... chair on which you are sitting is uncomfortable.
   (The chair on which you are sitting is uncomfortable.)
2. .... fire which destroyed ....building started on ....roof.
3. My family bought .... new stove last week. It has .... timer, ... clock, and ....light for ....oven.
4. The boy took .... his book and put it into .... briefcase.
5. I enjoyed .... speech by .... Mr. Brown last night. He spoke about .... life in ....China.
6. We all had .... good time at .... party last night.
7. .... price of .... gold is rising, but .... price of .... silver is falling.
8. Much of .... silver which we use in .... United States comes from .... Montana.
9. .... drinking water often varies in taste, according to locality. .... drinking water in New York City is very good.
10. There are .... several new magazines on .... table in .... hall.
11. We often go to .... zoo and watch .... animals.
12. .... candidates for mayor spoke about .... city's crime problem.
13. Please open .... windows. .... air in this room is not good.
14. They plan to visit .... Russia this summer. I understand .... Russian language is difficult to learn.
15. Mr. and Mrs. Ames are now traveling in .... South America. They plan to visit ....Venezuela, ...Colombia, ... Peru, and .... Argentina.
16. They will arrive in .... Philadelphia around .... noon.

۱.صندلی را که شما روی آن نشسته اید راحت نیست. ۲.حریقی که ساختمان را تخریب کرد از بام شروع شد. ۳.خانواده‌ام هفته گذشته اجاق گاز جدیدی خریدند. آن تایمر، ساعت، و یک لامپ برای فر دارد. ۴.پسر کتابش را برداشت و آن را داخل کیف گذاشت. ۵.من دیشب از سخنرانی آقای براون لذت بردم. او در باره زندگی در چین صحبت کرد. ۶.در مهمانی دیشب به همه ما خوش گذشت. ۷.قیمت طلا بالا می رود، اما قیمت نقره پائین می آید. ۸.بیشتر نقره ای که ما در ایالات متحده مصرف می کنیم از مونتانا می آید. ۹.طعم آب آشامیدنی اغلب با توجه به هر منطقه متفاوت است. آب آشامیدنی شهر نیو یورک خیلی خوب است. ۱۰.چند مجله جدید روی میز هال قرار دارد. ۱۱.ما اغلب به باغ وحش می رویم و حیوانات را تماشا می کنیم. ۱۲.نامزدهای شهرداری درباره مشکل بزهکاری در شهر صحبت کردند. ۱۳.لطفا پنجره ها را باز کن. هوای این اطاق خوب نیست. ۱۴.آنها قصد دارند تابستان امسال از روسیه دیدن کنند. من می دانم که یادگیری زبان روسی مشکل است. ۱۵.آقا و خانم آمِس اکنون در آمریکای جنوبی سفر می کنند. آنها قصد دارند از ونزوئلا، کلمبیا، پرو، و آرژانتین دیدن کنند. ۱۶.آنها حول و حوش ظهر وارد فیلادلفیا خواهند شد.



There are several new magazines on the table in the hall.



Going to (1) Future Tense
زمان آینده نزدیک با going to

الف. طریقه ساختن

شکل ساده فعل + am/ is/ are going to + فاعل

صرف فعل دیدن در زمان آینده نزدیک

I'm going to see	من قصد دارم ببینم
you're going to see	تو قصد داری ببینی
he's going to see	او قصد دارد ببیند
we're going to see	ما قصد داریم ببینیم
you're going to see	شما قصد دارید ببینید
they're going to see	آنها قصد دارند ببینند

ب. فرق آینده نزدیک و آینده ساده

آینده نزدیک نشان می دهد که ما قصد داریم با برنامه ریزی قبلی کاری را در زمان آینده انجام دهیم. اما آینده ساده تصمیم و برنامه ریزی قبلی را نشان نمی دهد.

I will study physics tomorrow.

من فردا فیزیک خواهم خواند. (برای این کار برنامه ریزی مشخصی ندارم.)

I'm going to study physics tomorrow.

من فردا قصد دارم فیزیک بخوانم. (برای این کار برنامه ریزی دارم.)

Vocabulary

future	'fju:tʃə	فیوچِ(ر)	آینده
full	fʊl	فُل	کامل
contracted	kən'træktɪd	کِنْ‌تْرَکتید	فشرده شده
Tuesday	'tu:zdeɪ	توزدِی	سه شنبه
show	ʃəu	شُو	نمایش
drive	draɪv	دْرایو	رانندگی کردن
Canada	'kænədə	کَنِدِ	کانادا

vacation	veɪˈkeɪʃn	وی کِی شِن	تعطیلی
examination	ɪgzæmɪˈneɪʃn	ایگزَ مِنِی شِن	امتحان
mathematics	mæθəˈmætɪks	مَثِ مَ تیکس	ریاضیات
late hour	ˈleɪt ˈaʊə	لِیت آوِ(ر)	دیر وقت
believe	bɪˈliːv	بی لیوْ	فکر کردن
island	ˈaɪlənd	آیلِند	جزیره
move	muːv	موو	نقل مکان کردن
suburbs	ˈsʌbəːbz	سابِ(ر)بز	حومه شهر

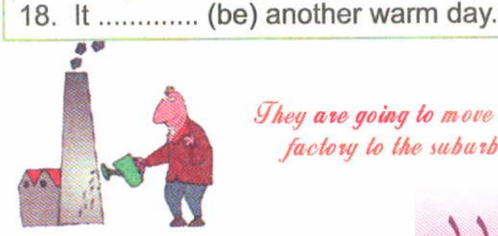


Practice (1)

Complete the following sentences with the *going to* form of the Future Tense, using the verbs in parentheses. Use both the full form and the contracted form.

جملات زیر را با شکل زمان آینده going to ، با استفاده از افعال داخل پرانتز کامل کنید. از هر دو شکل کامل و فشرده استفاده کنید.

1. They .... (visit) us next weekend.
   (They are going to visit us next weekend.
   They're going to visit us next weekend.)
2. We .... (eat) out tonight.
3. I .... (leave) for Europe on Tuesday.
4. They .... (wait) for us after the show.
5. We .... (get) up early tomorrow morning and go fishing.
6. She .... (drive) to California.
7. We .... (go) to Canada on our vacation.
8. You .... (have) an examination in mathematics tomorrow.
9. They .... (go) to Europe by plane.
10. Mike .... (take) Alex to the party tonight.
11. It .... (be) difficult to reach him at this late hour.
12. I believe it .... (rain).
13. Henry .... (study) to be a doctor.
14. You .... (stay) home tonight and watch television.
15. Mr. and Mrs. Blake .... (build) a summer home on Merritt Island.
16. He .... (start) his new job next week.
17. They .... (move) the factory to the suburbs.
18. It .... (be) another warm day.



They are going to move the factory to the suburbs.

۱.آنها قصد دارند در تعطیلی آینده ما را ببینند. ۲.ما قصد داریم امشب بیرون غذا بخوریم. ۳.من قصد دارم روز سه شنبه عازم اروپا شوم. ۴.آنها قصد دارند بعد از نمایش منتظر ما بمانند. ۵.ما قصد داریم فردا صبح زود بیدار شویم و به ماهیگیری برویم. ۶.او قصد دارد با ماشین به کالیفرنیا برود. ۷.ما قصد داریم برای تعطیلاتمان به کانادا برویم. ۸.شما قرار است فردا امتحان ریاضی داشته باشید. ۹.آنها قصد دارند با هواپیما به اروپا بروند. ۱۰.مایک قرار است امشب اِلکس را به مهمانی ببرد. ۱۱.در این دیر وقت به او رسیدن مشکل خواهد بود. ۱۲.من فکر می کنم قرار است باران ببارد. ۱۳.هنری قصد دارد برای پزشکی درس بخواند. ۱۴.شما قصد دارید امشب در خانه بمانید و تلویزیون تماشا کنید. ۱۵.آقا و خانم بلِیک قصد دارند در مریت آیلِند یک خانه تابستانی بسازند. ۱۶.او قصد دارد هفته آینده کار جدیدش را شروع کند. ۱۷.آنها قصد دارند کارخانه را به حومه شهر انتقال دهند. ۱۸.امروز قرار است یک روز گرم دیگر باشد.

Going to (2)
Past Tense

زمان گذشته با going to

الف. طریقه ساختن

شکل ساده فعل + was/ were going to + فاعل

صرف فعل دیدن در گذشته going to

I was going to see	من قصد داشتم ببینم
you were going to see	تو قصد داشتی ببینی
he was going to see	او قصد داشت ببیند
we were going to see	ما قصد داشتیم ببینیم
you were going to see	شما قصد داشتید ببینید
they were going to see	آنها قصد داشتند ببینند

ب. فرق آینده نزدیک با going to و گذشته going to

آینده نزدیک با going to نشان می دهد که ما قصد داریم با برنامه ریزی قبلی کاری را در آینده انجام دهیم. اما گذشته going to اشاره به عملی دارد که ما قصد داشتیم در زمان گذشته انجام دهیم اما به دلائلی موفق به انجام آن کار نشدیم.

I am going to do it tomorrow.
من قصد دارم فردا این کار را انجام دهم.

I was going to do it yesterday, but I was too busy.
من قصد داشتم دیروز این کار را انجام دهم، اما خیلی مشغول بودم.



Vocabulary

intend	ɪn'tend	اینتِند	قصد داشتن
swimming	'swɪmɪŋ	سویمینگ	شنا
too	tu:	تو	خیلی، بیش از حد
spend	spend	سْپِند	گذراندن
evening	'i:vnɪŋ	ایوْنینگ	شب
fall asleep	fɔ:l ə'sli:p	فال اِسْلیپ	به خواب رفتن
right	raɪt	رایت	درست
whole	həʊl	هُل	همه، تمام
ran out	ræn 'aʊt	رَن اَوت	تمام کردن(شدن)
finally	'faɪnəli	فاینِلی	بالاخره
decide	dɪ'saɪd	دی ساید	تصمیم گرفتن
reception	rɪ'sepʃn	ری سِپ شِن	پذیرائی
against	ə'geɪnst	اِگِینست	برخلاف
get married	get 'mærɪd	گِت مَرید	ازدواج کردن
June	dʒu:n	جون	ماه جون
until	ʌn'tɪl	آنتیل	تا
October	ɒk'təʊbə	آکتُ بِ(ر)	ماه اکتبر
at first	æt 'fə:st	اَت فِ(ر)ست	در آغاز
ask	æsk	اَسک	پرسیدن
invite	ɪn'vaɪt	این وایت	دعوت کردن
rewrite	'ri:raɪt	ری رایت	دوباره نوشتن
exercise	'eksesaɪz	اِکسِ(ر) سایز	تمرین
enough	ɪ'nʌf	ایناف	کافی
return	rɪ'tə:n	ریتِ(ر)ن	برگرداندن
left	left	لِفت	جاگذاشتن
Mrs.	'mɪsɪz	می سیز	خانمِ
ill	ɪl	ایل	بیمار
elementary	elɪ'mentri	الیمِنتری	مقدماتی
advanced	əd'vænst	اِدوَنست	پیشرفته
section	'sekʃn	سِکشِن	بخش
tired	'taɪəd	تایِ(ر)د	خسته
several	'sevrəl	سِوْرال	چند
time	taɪm	تایم	دفعه، بار
something	'sʌmθɪŋ	سام ثینگ	چیزی
always	'ɔ:lweɪz	آلویز	همیشه
interfere	ɪntə'fɪə	این تِ(ر) فی یِ(ر)	دخالت کردن



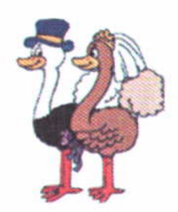
Practice (2)

Substitute the past tense form of going to for the verbs in italics.

به جای افعالی که به صورت ایتالیک (کج) نوشته شده اند از شکل گذشته going to استفاده کنید.

1. I *intended* to do it yesterday, but I was too busy.
   (I was going to do it yesterday, but I was too busy.)
2. We *intended* to go swimming, but the weather was too cold.
3. I *planned* to spend the evening on my homework but fell asleep right after dinner.
4. They *intended* to spend the whole year in Europe, but their money ran out.
5. We *planned* to go by car but finally decided to go by plane.
6. You *planned* to give a big reception but then decided against it.
7. They *planned* to get married in June but then waited until October.
8. At first she *intended* to invite Sally to the party, but finally she invited Jane.
9. I *intended* to rewrite my exercises but didn't have enough time.
10. I *planned* to return your book today but left it at home.
11. They *planned* to leave for Europe last week, but Mrs. Thompson was too ill to go.
12. At first she *intended* to put the boy in the elementary class, but later she put him in an advanced section.
13. We *planned* to go to a movie last night but were too tired.
14. I *intended* to write to you several times, but something always interfered.

۱.من قصد داشتم دیروز این کار را انجام بدهم، اما خیلی گرفتار بودم. ۲.ما قصد داشتیم برای شنا برویم اما هوا خیلی سرد بود. ۳.من قصد داشتم شب روی تکلیفم کار کنم اما بلافاصله بعد از شام خوابم برد. ۴.آنها قصد داشتند سراسر سال را در اروپا بسر ببرند، اما پولشان تمام شد. ۵.ما قصد داشتیم با ماشین برویم اما سرانجام تصمیم گرفتیم با هواپیما برویم. ۶.شما تصمیم گرفتید پذیرایی مفصلی داشته باشید اما سپس بر خلاف آن تصمیم گرفتید. ۷.آنها تصمیم داشتند در ماه جون ازدواج کنند اما بعد تا اکتبر صبر کردند. ۸.در ابتداء او قصد داشت سلی را به مهمانی دعوت کند، اما عاقبت جین را دعوت کرد. ۹.من قصد داشتم تمریناتم را باز نویسی کنم اما وقت کافی نداشتم. ۱۰.من قصد داشتم امروز کتابت را پس بدهم اما آن را در خانه جا گذاشتم. ۱۱.آنها قصد داشتند هفته گذشته عازم اروپا شوند، اما خانم تامپسون آنقدر بیمار بود که نرفتند. ۱۲.در آغاز او قصد داشت پسرش را در کلاس مقدماتی بگذارد، اما بعدا او را در بخش پیشرفته گذاشت. ۱۳.ما قصد داشتیم دیشب به سینما برویم اما خیلی خسته بودیم. ۱۴.من بارها مصمم بودم به تو نامه بنویسم، اما همیشه چیزی مانع این کار می شد.



They are going to get married in June.



Present Continuous Tense Future Time

زمان حال استمراری در نقش آینده

شکل زمان حال استمراری افعالی نظیر arrive, leave, return, come و go اغلب توصیف کننده عملی در آینده هستند. در این صورت معمولا قید زمان هم با آنها به کار می رود.

She is leaving for Moscow next week.
او هفته آینده عازم مسکو خواهد شد.

They are returning to their homelands when the semester ends.
آنها زمانی که ترم به پایان برسد، به وطنشان باز خواهند گشت.

My brother is coming to visit me next week.
برادرم هفته آینده برای دیدن من خواهد آمد.

Mr. Schwartz is arriving on Pan Am Flight 109 this evening.
آقای شوارتس امشب با پرواز ۱۰۹ پان امریکن وارد خواهد شد.

Vocabulary

homeland	'həʊmlənd	هُم لِند	وطن
hear	hɪə	هی یِ(ر)	متوجه شدن
sail	seɪl	سِیل	با کشتی سفر کردن
Saturday	'sætədeɪ	سَتِ دِی	شنبه
Ms.	mɪz	میز	خانمِ
on the fifteenth	ɒn ðə fɪf'ti:nθ	آن ذِ فِف تینث	در روز پانزدهم
seashore	'si:ʃɔ:	سی شُ(ر)	ساحل
Wednesday	'wenzdeɪ	وِنزدِی	چهارشنبه

Practice

Complete the following sentences by using the *Present Continuous Tense* of the verbs in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از زمان حال استمراری افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. When .... you .... (leave) for Rome? I hear that Charlene .... (leave) next Saturday.
   (When are you leaving for Rome? I hear that Charlene is leaving next Saturday.)
2. My brother .... (come) to visit me next week.
3. What time .... you .... (go) to the movies tonight? Ron says that he .... (go) at nine o'clock.
4. Coretta .... (sail) for England on the Queen Elizabeth II Saturday.
5. When .... Ms. Green .... (come) to see you?
6. Tony says that he .... (leave) for Chicago on the fifteenth.
7. I .... (go) to the seashore on my vacation.
8. Mr. Schwartz .... (arrive) on Pan Am Flight 109 this evening.
9. Where .... you .... (go) on your vacation? .... your wife .... (go) with you?
10. Mr. Zane .... (leave) for Utah in the morning.
11. Some friends .... (come) to visit us tonight.
12. She .... (go) to Philadelphia on Wednesday, but her husband .... not .... (go) until next week.
13. On what bus .... your friend .... (arrive)?
14. He .... (come) in on a Trailways bus which arrives at eight o'clock.
15. Mr. Wye .... (fly) to Dallas on Saturday.
16. I .... (leave) for Houston in the morning.
17. On what train .... Mr. North .... (leave)?

۱.شما کی عازم رم هستین؟ من شنیدم که چارلین شنبه دیگه می خواد بره. ۲.برادرم هفته دیگه می خواد به دیدن من بیاد. ۳.امشب چه ساعتی قصد دارین به سینما برین؟ ران می گه که اون می خواد ساعت نه بره. ۴.کورتا شنبه با کشتی الیزابت دوم عازم انگلستان می شه. ۵.خانم گرین کی قراره به دیدن شما بیاد؟ ۶.تونی می گه که قصد داره در روز پانزدهم عازم شیکاگو بشه. ۷.من می خوام برای تعطیلاتم کنار دریا برم. ۸.آقای شوارتز امشب با پرواز ۱۰۹ پان امریکن می رسد. ۹.قصد دارید برای تعطیلاتتان کجا بروید؟ آیا همسرتان می خواد با شما بره؟ ۱۰.آقای زین امروز صبح به یوتا می ره. ۱۱.چند تا از دوستان امشب به دیدن ما می آیند. ۱۲.او روز چهار شنبه به فیلادلفیا می رود، اما شوهرش تا هفته دیگر قصد رفتن ندارد. ۱۳.دوست شما با چه اتوبوسی می رسد؟ ۱۴.او قصد دارد با اتوبوس شرکت تریل ویز که ساعت هشت وارد می شود بیاید. ۱۵.آقای وای روز شنبه به دالاس پرواز دارد. ۱۶.من صبح عازم هاستون هستم. ۱۷.آقای نورث با چه قطاری قصد عزیمت دارد؟

I'm going to the seashore on my vacation.





Auxiliary Verbs (1) Negatives

افعال کمکی (شکل منفی)

شکل مثبت

افعال کمکی مانند may, can, must و should همراه با شکل ساده فعل به کار می روند.

شکل ساده فعل + may/ must/ can/ should + فاعل

She may/ must/ can/ should speak English.

او ممکن است/ باید/ می تواند/ خوب است انگلیسی صحبت کند.

شکل منفی

برای منفی کردن افعال کمکی not بعد از آنها اضافه می شود.

شکل ساده فعل + not + may/ must/ can/ should + فاعل

She may/ must/ can/ should not speak English.

او ممکن نیست/ نباید/ نمی تواند/ خوب نیست انگلیسی صحبت کند.

نکته: شکل کوتاه شده منفی

شکل ساده فعل + may not/ mustn't/ can't/ shouldn't + فاعل

may شکل کوتاه شده ندارد.

Practice (1)

Change the following sentences from affirmative to negative. Use both the full form and the contracted form *(except for may.)*

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید. از دو شکل کامل و کوتاه شده استفاده نمائید. (غیر از may)

1. We can meet you later.
   (We cannot meet you later. We can't meet you later.)

۱.ما می توانیم شما را بعدا ببینیم. (ما نمی توانیم شما را بعدا ببینیم.)

2. You may sit here.
3. We should tell her about it.
4. He may leave on Wednesday.
5. They can go by plane.
6. We must wait here.
7. I can understand him easily.
8. She should sit near the window.
9. We must do the same thing again.
10. She can play the piano well.
11. He can understand everything I say.
12. You should watch television every night.
13. She may pass her examination.
14. You can see him later.
15. You may smoke here.



She can play the piano well.

۲.شما اجازه دارید در اینجا بنشینید. ۳.ما باید این موضوع را به او بگوئیم. ۴.او ممکن است روز چهارشنبه حرکت کند. ۵.آنها می توانند با هواپیما بروند. ۶.ما باید در اینجا منتظر بمانیم. ۷.من می توانم منظور او را به راحتی درک کنم. ۸.او بهتر است نزدیک پنجره بنشیند. ۹.ما باید همان کار را دوباره انجام دهیم. ۱۰.او می تواند به خوبی پیانو بنوازد. ۱۱.او می تواند هر چیزی را که من می گویم بفهمد. ۱۲.شما خوب است هر شب تلویزیون تماشا کنید. ۱۳.او امکان دارد در امتحانش قبول شود. ۱۴.شما می توانید بعدا او را ببینید. ۱۵.شما اجازه دارید در اینجا سیگار بکشید.

Auxiliary Verbs (2)
Questions
افعال کمکی (شکل سوالی)

may/ must/ can/ should + فاعل + شکل ساده فعل

May/ Must/ Can/ Should she speak English?

آیا او ممکن است/ باید/ می تواند/ خوب است انگلیسی صحبت کند؟

Can you speak English? — آیا شما می توانید انگلیسی صحبت کنید؟
Must she read the book? — آیا او باید کتاب را بخواند؟
May I leave the class? — آیا من اجازه دارم کلاس را ترک کنم؟
Should we see a doctor? — آیا ما باید به یک دکتر مراجعه کنیم؟



Vocabulary

obey	əʊˈbeɪ	اُوبِی	اطاعت کردن
rules	ru:lz	رولز	مقررات
more	mɔ:	مُ(ر)	بیشتر
less	les	لِس	کمتر
send	send	سِند	فرستادن
beach	bi:tʃ	بیچ	ساحل
immediately	ɪˈmi:dɪətli	ایمی دی اِتلی	فورا



Practice (2)

Change the following statements to questions.

جملات خبری زیر را به سوالی تبدیل کنید.

1. They **should** obey the rules.
   *(**Should** they obey the rules?)*
2. They both can speak English well.
3. Betsy should spend more time on her English.
4. We may sit in these chairs.
5. They can meet us at two o'clock.
6. I may call you later.
7. He should eat less meat.
8. He may tell her.
9. We should speak to her about it.
10. They may leave now.
11. You could go by plane.
12. You could send them a cable.
13. I should stay at home more.
14. Allan may wait in his office.
15. Al can go with us to the beach.
16. She could leave immediately.

۱.آنها باید از قوانین اطاعت کنند.
(آیا آنها باید از قوانین اطاعت کنند؟)



۲.آنها هر دو می توانند به خوبی انگلیسی صحبت کنند. ۳.بتسی باید وقت بیشتری را صرف انگلیسی اش کند. ۴.ما اجازه داریم روی این صندلی ها بنشینیم. ۵.آنها می توانند در ساعت دو ما را ببینند. ۶.من ممکن است بعدا به شما زنگ بزنم. ۷.او بهتر است کمتر گوشت بخورد. ۸.او ممکن است با او صحبت کند. ۹.ما باید در این باره با او صحبت کنیم. ۱۰.آنها ممکن است حالا بروند. ۱۱.شما می توانستید با هواپیما بروید. ۱۲.شما می توانستید یک تلگراف برایشان بفرستید. ۱۳.من باید بیشتر در خانه بمانم. ۱۴.آلِن ممکن است در دفترش منتظر بماند. ۱۵.آل می تواند با ما به ساحل برود. ۱۶.او می توانست فورا برود.

Auxiliary Verbs (3)
Question with question words
افعال کمکی (سوالی با کلمات پرسشی)

کلمه پرسشی	فعل کمکی	فاعل	شکل ساده فعل	مفعول
when/ where what/ how/ why	must/ may/ can/ /should			
When	should	they	go	home?

آنها چه موقع باید به خانه بروند؟

They should go home now. — آنها حالا باید به خانه بروند.
Should they go home now? — آیا آنها حالا باید به خانه بروند؟
When should they go home? — آنها چه موقع باید به خانه بروند؟

He must be in Chicago. — او باید در شیکاگو باشد.
Must he be in Chicago? — آیا او باید در شیکاگو باشد؟
Where must he be ? — او باید در کجا باشد؟

Vocabulary

how sick	haw sɪk	هاو سیک	چه اندازه بیمار
how well	haw wel	هاو وِل	تا چه حدی
why	waɪ	وای	چرا
how tall	haw tɔ:l	هاو تال	چه اندازه (قد)
truth	tru:θ	تروث	حقیقت
engineer	endʒɪ'ni:ə	اِنجی نی یِ(ر)	مهندس

Practice (3)

Change the following sentences to questions beginning with the question words in parentheses.

جملات زیر را با کلمات پرسشی داخل پرانتز سوالی کنید.

1. He can see her later. (When)
   (When can he see her?)
2. The baby-sitter could wait here. (Where)
3. You may smoke here. (Where)
4. He is very sick. (How sick)
5. I can understand English very well. (How well)
6. You should be here at three o'clock. (What time)
7. We should tell her about it. (Why)
8. He can meet us in Macy's. (Where)
9. Lew is six feet tall. (How tall)
10. They are in the cafeteria. (Where)
11. I should tell her the truth. (Why)
12. You must be here at one o'clock. (What time)
13. Karen should sit near the blackboard. (Where)
14. He is a very serious person. (What kind of person)
15. It is three o'clock. (What time)
16. Both engineers are absent from work today. (Why)

۱.او بعداً می تواند او را ببیند. (چه موقع)
(او چه موقعی می تواند او را ببیند؟)

۲.پرستار بچه می توانست در اینجا منتظر بماند.(کجا) ۳.شما اجازه دارید در اینجا سیگار بکشید.(کجا) ۴.او خیلی مریض است.(چقدر مریض) ۵.من می توانم انگلیسی را به خوبی بفهمم.(چقدر) ۶.شما باید در ساعت سه اینجا باشید.(چه ساعتی) ۷.ما باید این موضوع را به او بگوئیم.(چرا) ۸.او می تواند ما را در فروشگاه مِیسی ببیند.(کجا) ۹.بلندی قد لو شش فوت است.(چقدر،قد) ۱۰.آنها در کافه تریا هستند.(کجا) ۱۱.من باید حقیقت را به او بگویم.(چرا) ۱۲.شما باید ساعت یک در اینجا باشید.(چه ساعتی) ۱۳.کارن باید نزدیک تخته سیاه بنشیند.(کجا) ۱۴.او فردی بسیار جدی است.(چه جور فردی) ۱۵.ساعت سه است.(ساعت چند) ۱۶.امروز هر دو مهندس در محل کار حضور ندارند.(چرا)



What kind of person is he?



Short Answers
پاسخ های کوتاه

پاسخ های کوتاه با ضمیر فاعلی بعلاوه فعل کمکی ساخته می شوند. اگر جمله فاقد فعل کمکی باشد، در صورتی که زمان جمله حال ساده باشد، از افعال do یا does برای پاسخ مثبت و از don't یا doesn't برای پاسخ منفی استفاده می کنیم.

در صورتی که زمان جمله گذشته ساده باشد، از did برای پاسخ مثبت و از didn't برای پاسخ منفی استفاده می گردد.

در زمان آینده ساده پاسخ کوتاه برای جملات مثبت، will، و برای جملات منفی، won't می باشد.

سوال	پاسخ کوتاه مثبت	پاسخ کوتاه منفی
Are you an engineer?	Yes, I am.	No, I'm not.
Is your brother a student?	Yes, he is.	No, he isn't.
Were you going to study?	Yes, I was.	No, I wasn't.
Will you be on time?	Yes, I will.	No, I won't.
Can you speak Japanese?	Yes, I can.	No, I can't.
Did you study hard?	Yes, I did.	No, I didn't.
Do you get up early?	Yes, I do.	No, I don't.

معمولا در پاسخ کوتاه به جای اسامی از ضمائر استفاده می شود.

سوال	پاسخ کوتاه مثبت	پاسخ کوتاه منفی
Was Mary a nurse?	Yes, she was.	No, she wasn't.
Will the students be absent?	Yes, they will.	No, they won't.
Can Ms. Brown speak Japanese?	Yes, she can.	No, she can't.
Did the dog eat the food?	Yes, it did.	No, it didn't.
Do the girls get up early?	Yes, they do.	No, they don't.
Does the boy wake up late?	Yes, he does.	No, he doesn't.

Practice

Give affirmative and negative short answers to these questions.

برای سوالات زیر پاسخ های کوتاه مثبت و منفی بدهید.

1. Can you speak Spanish?
   (Yes, I can.)
   (No, I can't.)
2. Do you live in Maine?
3. Does your teacher speak Russian?
4. Does your teacher live in Florida?
5. Will you be in class tomorrow?
6. Will Ali be in class too?
7. Are you going out tonight?
8. Is it raining now?
9. Does it often rain in Oregon?
10. Is the lesson over?
11. Is the time up?
12. Did you study your lesson?
13. Did you go to the movies last night?
14. Is the weather warm today?
15. Was it warm yesterday?
16. Did your friend visit you last night?
17. Is today Friday?
18. Was yesterday Thursday?
19. Will tomorrow be Sunday?
20. May I open the window?
21. Can you fly an airplane?
22. Did it rain yesterday?
23. Did you study yesterday?
24. Were you busy yesterday?
25. Will you be busy tomorrow?
26. Is Washington a beautiful city?

۱.آیا می توانی اسپانیائی صحبت کنی؟
(بله، می توانم.)
(نه، نمی توانم.)



Can you fly an airplane?

۲.آیا در ایالت مِین زندگی می کنی؟ ۳.آیا معلمت روسی صحبت می کند؟ ۴.آیا معلمت در فلوریدا زندگی می کند؟ ۵.آیا فردا در کلاس خواهی بود؟ ۶.آیا علی هم در کلاس خواهد بود؟ ۷.آیا امشب بیرون می روی؟ ۸.آیا حالا باران می بارد؟ ۹.آیا اغلب در ایالت آرگان باران می بارد؟ ۱۰.آیا درس تمام شده است؟ ۱۱.وقت تمام شده است؟ ۱۲.آیا درست را خواندی؟ ۱۳.آیا دیشبَ به سینما رفتی؟ ۱۴.آیا امروز هوا گرم است؟ ۱۵.آیا دیروز هوا گرم بود؟ ۱۶.آیا دوستت دیشب تو را ملاقات کرد؟ ۱۷.آیا امروز جمعه است؟ ۱۸.آیا دیروز پنج شنبه بود؟ ۱۹.آیا فردا یکشنبه خواهد بود؟ ۲۰.میشه پنجره را باز کنم؟ ۲۱.می تونی هواپیما برانی؟ ۲۲.آیا دیروز باران آمد؟ ۲۳.دیروز درس خواندی؟ ۲۴.دیروز مشغول بودی؟ ۲۵.فردا مشغول خواهی بود؟ ۲۶.واشینگتن شهر قشنگیه؟



Adjectives (1) & Adverbs
Comparative Form
صفات و قیدها شکل تفضیلی (برتر)

الف:

برای ساختن شکل برتر صفات یا قید های یک بخشی، er- به آخر آنها اضافه می کنیم.

cold- colder	سرد- سردتر	soon- sooner	زود- زودتر
smart- smarter	زرنگ- زرنگتر	fast- faster	سریع- سریع تر

ب:

برای ساختن شکل برتر صفات یا قید های بیشتر از دو بخش، more قبل ازآنها اضافه می کنیم.

difficult- more difficult	مشکل- مشکل تر
beautiful- more beautiful	زیبا- زیباتر
quickly- more quickly	با سرعت- سریع تر
carefully- more carefully	با دقت-دقیق تر

ج:

برخی از صفات و قید ها بی قاعده هستند.

good- better	خوب- بهتر	well- better	بخوبی- بهتر
bad- worse	بد- بدتر	badly- worse	بطور بد- بطور بدتر
little- less	کم- کمتر	much/many- more	زیاد- زیادتر

د:

معمولا بعد از شکل برتر صفات و قیدها کلمه than به کار می رود.

She is taller than her sister.	او قدبلندتر از خواهرش است.
He drives more carefully than his brother.	او با احتیاط تر از برادرش رانندگی می کند.

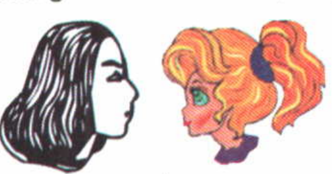


ractice (1)

Complete these sentences by supplying the comparative form of the adjective or adverb in parentheses. Be sure to include the word *than*.

شکل تفضیلی (برتر) صفات یا قیدهای داخل پرانتز را در جای خالی قرار دهید. به خاطر داشته باشید که کلمه than را هم بعد از آنها به کار برید.

1. He is .... (young) .... I am.
   (He is younger than I am.)
2. Carmen is much .... (old) .... I expected.
3. Alaska is .... (big) .... Delaware.
4. This book is .... (good) .... the last one we used.
5. The weather this winter is .... (bad) .... the weather last winter.
6. This exercise is .... (easy) .... the last one.
7. This metal is .... (valuable) .... gold.
8. Jane is .... (attractive) .... her sister.
9. He goes there .... (often) .... I.
10. They go to the movies .... (frequent) .... you.
11. I get up every morning much .... (early) .... you.



Jane is more attractive than her sister.

۱.او از من جوان تر است. ۲.کارمِن از آنچه که انتظار داشتم مسن تر است. ۳.آلاسکا بزرگتر از دِلاوِر است. ۴.این کتاب بهتر از آخرین کتابی است که استفاده کردیم. ۵.زمستان امسال هوا بدتراز زمستان پارسال است. ۶.این تمرین آسان تر از آخرین تمرین است. ۷.این فلز گرانبها تر از طلاست. ۸.جین جذاب تر از خواهرش است. ۹.او غالبا بیشتر از من به آنجا می رود. ۱۰.آنها غالبا بیشتر از شما به سینما می روند. ۱۱.من هر روز صبح زودتر از شما بیدار می شوم.



ractice (2)

Complete these sentences by supplying the comparative form of the adjective or adverb in parentheses. Be sure to include the word *than*.

شکل تفضیلی (برتر) صفات یا قیدهای داخل پرانتز را در جای خالی قرار دهید. به خاطر داشته باشید که کلمه than را هم بعد از آنها به کار برید.

1. She speaks .... (rapid) .... I.
   (She speaks more rapidly than I.)

2. He prepares his homework .... (careful) .... most students.
3. She works .... (hard) .... her sister.
4. We stayed .... (long) .... we expected.
5. Our troops fought .... (brave) .... anyone expected.
6. The time passed .... (quick) .... I expected.
7. The speaker spoke .... (loud) .... was really necessary.
8. They arrived .... (soon) .... we.
9. The weather today is .... (warm) .... the weather yesterday.
10. John's car was much .... (expensive) .... my car.
11. This contract is .... (satisfactory) .... the previous one.
12. This street is even .... (wide) .... the highway.
13. These exercises are .... (difficult) .... some of the others.
14. The climate of Caracas is .... (good) .... that of Maracaibo.
15. Lil is much............... (clever) .... her brother.
16. This summer is .... (hot) .... last summer.
17. She spoke .... (rapid) .... I expected.

در این تمرین به این نکته توجه داشته باشید که برخی از صفات باید تبدیل به قید شده و سپس شکل تفضیلی آنها آورده شود. به مثال توجه کنید.



Our troops fought ***more bravely than*** *anyone expected.*

۱.او تند تر از من صحبت می کند. ۲.او تکلیفش را دقیق تر از سایر شاگردان آماده می کند. ۳.او سخت تر از خواهرش کار می کند. ۴.ما طولانی تر از آنچه که انتظار داشتیم اقامت کردیم. ۵.سربازان ما شجاعانه تر از آنچه که انتظار می رفت جنگیدند. ۶.زمان سریع تر از آنچه که من انتظار داشتم سپری شد. ۷.سخنران بلند تر از آنچه که واقعا لازم بود صحبت کرد. ۸.آنها زودتر از ما رسیدند. ۹.هوای امروز گرم تر از هوای دیروز است. ۱۰.ماشینِ جان خیلی گران تر از ماشین من بود. ۱۱.این قرارداد رضایت بخش تر از قرارداد قبلی است. ۱۲.این خیابان حتی وسیع تر از بزرگراه است. ۱۳.این تمرینات مشکل تر از سایر تمرینات هستند. ۱۴.آب و هوای کاراکاس بهتر از آب و هوای ماراکایبو است. ۱۵.لیل خیلی باهوش تر از برادرش است. ۱۶.تابستان امسال گرم تر از تابستان سال قبل است. ۱۷.او خیلی تند تر از آنچه که من انتظار داشتم صحبت کرد.

Adjectives (2) & Adverbs
Superlative Form

صفات و قیدها
شکل عالی (برترین)

الف:

برای ساختن شکل برترین صفات یا قید های یک بخشی، est- به آخر آنها اضافه می کنیم.

soon- soonest	زود- زودترین
fast- fastest	سریع- سریع ترین
cold- coldest	سرد- سردترین
smart- smartest	زرنگ- زرنگترین

ب:

برای ساختن شکل برترین صفات یا قید های بیشتر از دو بخش، most قبل ازآنها اضافه می کنیم.

difficult- most difficult	مشکل- مشکل ترین
beautiful- most beautiful	زیبا- زیباترین
quickly- most quickly	با سرعت- سریع ترین
carefully- most carefully	با دقت- دقیق ترین

ج:

برخی از صفات و قید ها بی قاعده هستند.

well- best	بخوبی- بهترین
badly- worst	به طور بدی- با بدترین شکل
much/many- most	زیاد- زیادترین
good- best	خوب- بهترین
bad- worst	بد- بدترین
little- least	کم- کمترین

د:

معمولا قبل از شکل برترین صفات و قیدها کلمه the به کار می رود.

She is the tallest girl in the class.
او قدبلند ترین دختر در کلاس است.

He drives the most carefully of anyone in the family.
او دررانندگی محتاط ترین فرد در خانواده است.



Vocabulary

superlative	su:ˈpɜ:lətɪv	سوپ(ر)لِتیو	عالی، برترین
important	ɪmˈpɔ:tənt	ایم پُ(ر)تِنت	مهم، عمده
ballerina	bæləˈri:nə	بَلِرینِ	بالرین
troupe	tru:p	تروپ	گروه
ambitious	æmˈbɪʃəs	اَمبی شِس	جاه طلب
graceful	ˈgreɪsfʊl	گریس فُل	ظریف
intelligent	ɪnˈtelidʒənt	اینتِ لیجِنت	باهوش



Practice (3)

Supply the superlative form of the adjective or adverb in parentheses. Be sure to use *the* word the.

شکل عالی (برترین) صفات یا قیدهای داخل پرانتز را در جای خالی قرار دهید. به خاطر داشته باشید که کلمه the را قبل از آنها به کار برید.

1. She speaks .... (rapidly) of any of my friends.
   (She speaks the most rapidly of any of my friends.)
2. This is .... (expensive) book that I own.
3. George is .... (bad) student in the class.
4. The Herald is .... (important) newspaper in the town.
5. Robin works .... (hard) of all the ballerinas in the troupe.
6. He is .... (ambitious) boy that I know.
7. Of the three brothers, Malcolm wakes up .... (early).
8. Rebecca swims .... (gracefully) of all the team members.
9. She is .... (intelligent) person that I know.
10. The story which you told was .... (funny) of all.
11. January is .... (cold) month of the year.
12. Which is .... (good) route from Miami to New York?



Rebecca swims the most gracefully of all the team members.

۱.او تند تر از همه دوستانم صحبت می کند. ۲.این گران ترین کتابی است که من دارم. ۳.جورج بد ترین شاگرد کلاس است. ۴.هرالد مهم ترین روزنامه شهر است. ۵.رابین سخت تر از همه بالرین های گروه کار می کند. ۶.او جاه طلب ترین پسری است که من می شناسم. ۷.از بین سه برادر، مالکوم زود تر از همه بیدار می شود. ۸.ربکا زیباتر از همه اعضاء تیم شنا می کند. ۹.او باهوش ترین فردی است که من می شناسم. ۱۰.داستانی را که شما گفتید با نمک ترین داستان بود. ۱۱.ژانویه سرد ترین ماه سال است. ۱۲.بهترین مسیر از میامی به نیو یورک کدام است؟



Past Continuous Tense

زمان گذشته استمراری

الف. طریقه ساختن

فاعل + was/ were + شکل ساده فعل + ing

I was doing my homework.

من داشتم تکلیفم را انجام می دادم.

صرف فعل [کار کردن] در زمان گذشته استمراری

I was working	من داشتم کار می کردم
you were working	تو داشتی کار می کردی
he was working	او داشت کار می کرد
she was working	او داشت کار می کرد
it was working	آن داشت کار می کرد
we were working	ما داشتیم کار می کردیم
you were working	شما داشتید کار می کردید
they were working	آنها داشتند کار می کردند

ب. کاربرد

۱. زمان گذشته استمراری برای توصیف عملی به کار می رود که انجام آن از قبل در زمان گذشته شروع شده و احتمالا پس از آن هم ادامه یافته است. در نتیجه شروع و پایان کار دقیقا مشخص نیست.

At 12:30 yesterday, we were eating lunch.

در ساعت ۱۲:۳۰ دیروز ما داشتیم ناهار می خوردیم.

جمله فوق نشان می دهد که عمل غذا خوردن قبل از ساعت ۱۲:۳۰ شروع شده و احتمالا پس از آن هم ادامه داشته است؛ به عبارت دیگر، در ساعت ۱۲:۳۰ در حین غذا خوردن بوده‌ایم.

۲. زمان گذشته استمراری بیانگر عملی است که قبل از عملی دیگر که در زمان گذشته ساده صورت گرفت، رخ می دهد و احتمالا پس از آن هم ادامه دارد. در چنین شرائطی حروف ربط زمانی when (وقتی که)، while (در حین)، as (موقعیکه) و just as (درست موقعیکه) دو جمله را به هم پیوند می دهد.

I was sleeping when you called.
They were eating dinner when we arrived.
When you called, I was sleeping.
When we arrived, they were eating dinner.
While I was coming home last night, I ran into a friend.
As I was sleeping, the phone rang.

من داشتم می خوابیدم که تو زنگ زدی.
آنها داشتند شام می خوردند که ما وارد شدیم.
زمانیکه تو زنگ زدی، من داشتم می خوابیدم.
زمانیکه ما وارد شدیم، آنها داشتند شام می خوردند.
زمانیکه دیشب داشتم به خانه می رفتم، تصادفا با دوستی برخورد کردم.
همینکه داشتم می خوابیدم، تلفن زنگ زد.

۳. گاهی دو جمله گذشته استمراری به کمک حرف ربط while (همان زمان که) با هم به کار می روند یعنی اینکه دو عمل در گذشته به طور همزمان در حال انجام بوده اند.

While we were having breakfast, John was talking on the phone.
زمانی که ما داشتیم صبحانه می خوردیم، جان داشت تلفنی صحبت می کرد.

Vocabulary

sound	saʊnd	سَوند	صدا
soundly	'saʊndli	سَوندلی	عمیقا
wake	weɪk	ویک	بیدار کردن
just	dʒʌst	جاست	اندکی پیش
order	'ɔ:də:	اُ(ر)دِ	سفارش دادن
got	gɒt	گات	شدن (گذشته get)
grandmother's	'grænmʌðəz	گرَن ماذِز	خانه مادربزرگ
died	daɪd	داید	مردن (گذشته die)
happen	'hæpən	هَپِن	اتفاق افتادن
Greece	gri:s	گریس	یونان
flight	flaɪt	فلایت	پرواز
attendant	ə'tendənt	اِتندِنت	خدمه
flight attendant	flaɪt ə'tendənt	فلایت اِتندِنت	مهماندار
get into	get 'ɪntu:	گِت اینتو	سوار شدن
speed	spi:d	سپید	سرعت
approach	ə'prəʊtʃ	اِپروچ	نزدیک شدن



Practice (1)

Supply the correct past continuous tense form of the verbs in parentheses. **شکل درست زمان گذشته استمراری افعال داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.**

1. They .... (eat) in the restaurant on the corner when I saw them.
   (They were eating in the restaurant on the corner when I saw them.)
2. It .... (rain) when I left home.
3. When you telephoned, I .... (have) dinner.
4. They .... (travel) in Europe when they heard the news.
5. The baby .... (sleep) soundly when I went to wake him.
6. He .... just .... (order) breakfast when I went to his hotel room.
7. I got sick while we .... (drive) to my grandmother's.
8. He .... (work) in California when his father died.
9. I .... just .... (take) a nap when you called.
10. She .... (talk) with Mr. Samuels when I saw her in the hall.
11. The accident happened while they .... (travel) in Greece.
12. The flight attendant fell as she .... (get) into a taxi.
13. The car .... (travel) at high speed when it approached the corner.

When you telephoned, I was having dinner.

۱.آنها در حال غذا خوردن در رستوران سر نبش بودند که من آنها را دیدم. ۲.داشت باران می بارید که من خانه را ترک کردم. ۳.زمانی که شما تلفن کردید من داشتم شام می خوردم. ۴.آنها داشتند در اروپا سفر می کردند که خبر را شنیدند. ۵.کودک در خواب عمیقی فرورفته بود که من او را بیدار کردم. ۶.او اندکی پیش داشت صبحانه سفارش می داد که من به اطاق هتلش رفتم. ۷.زمانی که با ماشین در حال رفتن به خانه مادر بزرگ بودیم من حالم به هم خورد. ۸.او در کالیفرنیا کار می کرد که پدرش مرد. ۹.من اندکی پیش داشتم چرت می زدم که تو زنگ زدی. ۱۰.او داشت با آقای ساموئلز گفتگو می کرد که من او را در راهرو دیدم. ۱۱.زمانی که آنها در حال سفر در یونان بودند تصادف اتفاق افتاد. ۱۲.مهماندار زمانی که داشت سوار تاکسی می شد زمین خورد. ۱۳.زمانی که ماشین به نبش نزدیک شد با سرعت بالائی حرکت می کرد.



Practice (2)

In the following sentences, supply the past tense or the past continuous tense form of the verbs in parentheses as required by the meaning. **زمان گذشته ساده یا گذشته استمراری افعال داخل پرانتز را با توجه به مفهوم جمله به کار برید.**

(توجه کنید که زمان گذشته ساده نشان دهنده عملی است که در گذشته شروع و تمام شد، اما گذشته استمراری مدتی در گذشته ادامه داشت.)

1. I .... (study) very diligently last night.
   (I studied very diligently last night.)

2. I .... (study) last night when you called me on the phone.
   (I was studying last night when you called me on the phone.)
3. While I .... (go) home last night, I saw a bad accident.
4. I .... (go) home last night by bus.
5. We .... (drive) to an amusement park yesterday.
6. We .... (drive) at about forty miles an hour when the accident happened.
7. We .... (have) our dinner when you phoned.
8. We .... (have) our dinner in Child's Restaurant last night.
9. While I .... (come) to work this morning, I met an old friend.
10. I .... (come) to work on the bus this morning.
11. The wind .... (blow) hard when I came to work this morning.
12. The wind .... (blow) hard this morning.
13. It .... (rain) hard last night.
14. It .... (rain) hard when I left the office at five o'clock.
15. The sun .... (shine) brightly when I got up this morning.
16. The sun .... (shine) brightly this morning.
17. At seven o'clock, when you telephoned, I .... (read) the newspaper.
18. I .... (read) two books last week.
19. I .... (sleep) soundly when the phone rang.
20. I .... (sleep) soundly last night.
21. June .... (play) the piano when I arrived.



While I was going home last night,
I saw a bad accident.

۱.من دیشب با جدیت زیادی درس خواندم. ۲.من دیشب داشتم درس می خواندم که تو به من زنگ زدی. ۳.هنگامی که دیشب داشتم به خانه می رفتم، تصادف بدی را دیدم. ۴.من دیشب با اتوبوس به خانه رفتم. ۵.ما دیروز با ماشین به یک پارک تفریحی رفتیم. ۶.ما داشتیم با سرعتی حدود چهل مایل در ساعت رانندگی می کردیم که تصادف اتفاق افتاد. ۷.ما داشتیم شام می خوردیم که شما زنگ زدید. ۸.ما دیشب شا ممان را در رستوران چایلد خوردیم. ۹.زمانی که امروز صبح به محل کار می آمدم، یک دوست قدیمی را ملاقات کردم. ۱۰.من امروز صبح با اتوبوس به محل کار آمدم. ۱۱.امروز صبح وقتی که به محل کار آمدم، باد شدیدی می وزید. ۱۲.امروز صبح باد شدیدی می وزید. ۱۳.دیشب باران شدیدی بارید. ۱۴.زمانی که دفتر کار را در ساعت پنج ترک کردم، باران شدیدی می بارید. ۱۵.هنگامی که امروز صبح از خواب بیدار شدم، خورشید به روشنی می تابید. ۱۶.امروز صبح خورشید به روشنی تابید. ۱۷.در ساعت هفت، هنگامی که شما تلفن زدید، من داشتم روزنامه می خواندم. ۱۸.من هفته گذشته دو کتاب خواندم. ۱۹.من داشتم به خواب عمیقی فرو می رفتم که تلفن زنگ زد. ۲۰.من دیشب به خواب عمیقی فرو رفتم. ۲۱.زمانی که من وارد شدم، جون داشت پیانو می زد.



ocabulary

either	ˈiːðə,ˈaɪðə	ایذِ(ر)، آیذِ(ر)	یا
blind	blaɪnd	بْلایند	کور
direction	dɪˈrekʃn	دِرِکشِن، دایرِکشِن	جهت، مسیر
subway	ˈsʌbweɪ	ساب وِی	مترو
hurt	hə:t	هِ(ر)ت	صدمه زدن
himself	hɪmˈself	هیم سِلف	خودش
oil	ɔɪl	اُویل	نفت، روغن
embargo	ɪmˈbɑ:gəʊ	ایمبا(ر)گو	تحریم
Switzerland	ˈswɪtzəlænd	سوِتزِ لَند	سوئیس
porch	pɔ:tʃ	پُ(ر)چ	ایوان
get off	get ɒf	گِت آف	پیاده شدن
slip	slɪp	سْلیپ	سرخوردن
call on	kɔ:l ɒn	کال آن	دیدن کردن
boss	bɒs	باس	رئیس
last	læst, lɑ:st	لَست، لاست	آخرین بار



ractice (3)

Supply either the Past Tense or the Past Continuous Tense of the verbs in parentheses as required by the meaning.

با افعال داخل پرانتز زمان گذشته ساده یا گذشته استمراری را با توجه به معنی به کار برید.

1. As I .... (walk) home yesterday, I .... (meet) a blind woman who .... (ask) me for directions to the subway.
   (As I was walking home yesterday, I met a blind woman who asked me for directions to the subway.)
2. It .... (rain) hard when I (leave) home this morning.
3. Pete .... (fall) and .... (hurt) himself when he .... (ride) his bicycle yesterday.
4. At five o'clock, when I .... (call) the Kennedy's home, they .... (have) dinner.
5. When the oil embargo .... (start), Sophia .... (live) in Switzerland.
6. We .... (sit) on our front porch when Ms. Gold .... (drive) up in her new car.
7. As Terri .... (get) off the bus, she .... (slip) and .... (break) her leg.

8. Mr. Cash .... (drive) at about forty miles an hour when the accident .... (happen).
9. Your telegram .... (come) just as I .... (leave) my home.
10. Last night, just as we .... (leave) for the movies, some friends .... (call) on us.
11. Nelson .... (talk) with his boss when I last .... (see) him.
12. At noon, when you .... (telephone), I .... (work) in my garden.

As I was walking home yesterday, I met a blind woman who asked me for directions to the subway.



۱.دیروز زمانی که به خانه می رفتم، زن نابینائی را دیدم که مسیرهای مترو را از من سوال کرد. ۲.امروز صبح وقتی که خانه را ترک کردم باران به شدت می بارید. ۳.دیروز هنگامی که پیت داشت دوچرخه سواری می کرد، افتاد و صدمه دید. ۴.در ساعت پنج، وقتی که به خانواده کندی زنگ زدم، آنها در حال شام خوردن بودند. ۵.زمانی که تحریم نفتی شروع شد، سوفیا در سویس زندگی می کرد. ۶.ما در ایوان جلوئی مان نشسته بودیم که خانم گلد با ماشین جدیدش وارد شد. ۷.زمانی که تِری از اتوبوس پیاده می شد، سُر خورد و پایش شکست. ۸.آقای کَش داشت با سرعتی حدود چهل مایل در ساعت رانندگی می کرد که تصادف کرد. ۹.تلگراف شما درست زمانی رسید که من داشتم خانه ام را ترک می کردم. ۱۰.دیشب، درست زمانی که داشتیم به سینما می رفتیم، چند نفر از دوستان برای دیدن ما آمدند. ۱۱.آخرین باری که نلسون را دیدم، داشت با رئیسش صحبت می کرد. ۱۲.موقع ظهر، زمانی که شما تلفن زدید، من داشتم در باغچه ام کار می کردم.

Practice (4)

Change each of the following sentences from the past tense to the past continuous tense. Add any words, phrases, or clauses which you may need to complete the meaning of the sentence.

جملات را از گذشته ساده به گذشته استمراری تبدیل کنید. هر نوع کلمه، عبارت، یا شبه جمله ای که برای کامل کردن معنی جمله خود نیاز دارید اضافه کنید.

1. I studied my English lesson last night.
   (I was studying my English lesson last night when my friend called me.)
   ۱.من دیشب درس انگلیسی ام را خواندم.
   (من دیشب داشتم درس انگلیسی ام را می خواندم که دوستم به من زنگ زد.)
2. I talked to Maurice Cooper this morning.
3. Tony walked home from work yesterday afternoon.
4. She ate her dinner.
5. I finished my work.
6. Larry spoke to Ms. Watkins about a raise.
7. I wrote a letter last night.
8. He lived in Africa.

9. They got off the bus at Broad Street.
10. We had lunch with Mr. and Mrs. Chambers.
11. Chris left home this morning.
12. Dr. Berger had a haircut.
13. Sharon typed her term paper.
14. I visited the Andersons.
15. The puppy cried.

Dr. Berger was having a haircut when I saw him.



۲.من امروز صبح با موریس کوپر صحبت کردم. ۳.تونی دیروز بعد از ظهر از محل کار بـه خانه پیاده رفت. ۴.او شامش را خورد. ۵.من کارم را تمام کردم. ۶.لاری با خانم واتکینز درباره اضافه حقوق صحبت کرد. ۷.من دیشب یک نامه نوشتم. ۸.او در آفریقا زندگی کرد. ۹.آنها در براد استریت از اتوبوس پیاده شدند. ۱۰.ما ناهار را با آقا و خانم چیمبرز خوردیم. ۱۱. کریس امروز صبح خانه را ترک کرد. ۱۲.دکتر برگر مویش را اصلاح کرد. ۱۳.شارون پایان نامه اش را تایپ کرد. ۱۴.من خانواده آندرسون را ملاقات کردم. ۱۵.توله سگ جیغ کشید.

جدول مقایسه زمان ها (فعل خوردن) EAT

گذشته استمراری	حال استمراری	حال ساده
I was eating	I am eating	I eat
you were eating	you are eating	you eat
she was eating	she is eating	she eats
we were eating	we are eating	we eat
you were eating	you are eating	you eat
they were eating	they are eating	they eat

آینده نزدیک	آینده ساده	گذشته ساده
I am going to eat	I will eat	I ate
you are going to eat	you will eat	you ate
she is going to eat	she will eat	she ate
we are going to eat	we will eat	we ate
you are going to eat	you will eat	you ate
they are going to eat	they will eat	they ate



Future Continuous Tense

زمان آینده استمراری

الف. طریقه ساختن

فاعل + will be + شکل ساده فعل + ing

I will be eating dinner at this time tomorrow evening.

من فردا شب در این زمان در حال خوردن شام خواهم بود.

صرف فعل (کار کردن) در زمان آینده استمراری

I will be working	من در حال کار کردن خواهم بود
you will be working	تو در حال کار کردن خواهی بود
he will be working	او در حال کار کردن خواهد بود
we will be working	ما در حال کار کردن خواهیم بود
you will be working	شما در حال کار کردن خواهید بود
they will be working	آنها در حال کار کردن خواهند بود

ب. کاربرد

زمان آینده استمراری برای توصیف عملی به کار می رود که در آینده در حال اتفاق افتادن خواهد بود.

I will be studying when you return this evening.
They will be traveling in Germany by the time you arrive here.
I will be working all day next Friday.
What will you be doing at this time tomorrow?

زمانی که امشب برگردید من در حال درس خواندن خواهم بود.
زمانیکه وارد اینجا شوید. آنها در حال سفر کردن در آلمان خواهند بود.
جمعه آینده تمام روز مشغول کار خواهم بود.
فردا این موقع مشغول چه کاری خواهی بود؟

ج: شکل منفی و سوالی

شکل منفی	شکل سوالی
I will not (won't) be working.	Will I be working?
You will not (won't) be working.	Will you be working?
He will not (won't) be working.	Will he be working?
She will not (won't) be working.	Will she be working?
It will not (won't) be working.	Will it be working?
We will not (won't) be working.	Will we be working?
You will not (won't) be working.	Will you be working?
They will not (won't) be working.	Will they be working?



ractice

Supply the Future Continuous Tense of the verbs in parentheses.

شکل زمان آینده استمراری افعال داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

1. If you come at noon, we .... (eat) lunch.
   (If you come at noon, we'll be eating lunch.)
   ۱.اگر موقع ظهر بیائی، ما در حال خوردن ناهار خواهیم بود.
2. At this time next month, we .... (travel) in South America.
3. At ten o'clock tomorrow morning, I .... (have) my music lesson.
4. I .... (wait) on the corner for you at the usual time tomorrow morning.
5. If you call her at six, she probably .... (practice) the piano.
6. It probably .... (rain) when you get back.
7. If you come before six, I .... (work) in my garden.
8. Tomorrow afternoon at this time, we .... (fly) over the Caribbean.
9. Don't call him after seven. He .... (watch) his favorite television program.
10. Don't call her now. She .... (take) her usual afternoon nap.
11. At this time next year, he .... (study) at Columbia University.

۲.ماه آینده این موقع، ما در حال سفر در آمریکای جنوبی خواهیم بود. ۳.در ساعت ده فردا صبح، من در حال تمرین درس موسیقی ام خواهم بود. ۴.من فردا صبح طبق معمول سر نبش منتظرت خواهم بود. ۵.اگر در ساعت شش به او زنگ بزنی، او احتمالا مشغول تمرین پیانو خواهد بود. ۶.زمانی که برگردی، احتمالا باران در حال باریدن خواهد بود. ۷.اگر قبل از ساعت شش بیائی، من در حال کار کردن در باغچه ام خواهم بود. ۸.فردا عصر در چنین زمانی، ما در حال پرواز کردن بر فراز جزائر کارائیب خواهیم بود. ۹.بعد از ساعت هفت به او زنگ نزن. او در حال تماشای برنامه تلویزیونی مورد علاقه اش خواهد بود. ۱۰.حالا به او زنگ نزن. او در حال چرت معمول بعد از ظهرش خواهد بود. ۱۱سال آینده این موقع، او در حال درس خواندن در دانشگاه کلمبیا خواهد بود.

At this time next month, we will be traveling in South America.





Much, Many A lot of

کاربرد much, many و a lot of

الف. کاربرد much

much + اسم غیر قابل شمارش

much money	پول زیاد	much oil	نفت زیاد	much tea	چای زیاد
much sugar	شکر زیاد	much milk	شیر زیاد	much water	آب زیاد
much coffee	قهوه زیاد	much snow	برف زیاد	much butter	کره زیاد
much time	وقت زیاد	much bread	نان زیاد	much rain	باران زیاد

ب. کاربرد many

many + اسم قابل شمارش

many books	کتاب های زیاد	many erasers	پاک کن های فراوان
many men	مردان بسیار	many cups	فنجان های زیاد
many women	زنان زیاد	many children	بچه های بسیار
many mice	موش های زیاد	many cups of tea	فنجان های چای بسیار

ج. کاربرد a lot of (دراکثر موارد به جای many و much از a lot of استفاده می شود.)

a lot of + اسم غیر قابل شمارش /اسم قابل شمارش

a lot of sugar	شکر زیاد	a lot of time	وقت زیاد
a lot of milk	شیر زیاد	a lot of times	بارها
a lot of mistakes	اشتباهات زیاد	a lot of cheese	پنیر زیاد
a lot of money	پول زیاد	a lot of children	کودکان زیاد

Vocabulary

produce	prəˈdu:s	پِردوس	تولید کردن
kinds	kaɪndz	کایندز	انواع
product	ˈprɒdʌkt	پِراداکت	محصول
clothes	kləʊθz	کِلوذز	لباس
mountain	ˈmaʊntən	مَون تِن	کوه
pitcher	ˈpɪtʃə	پیچ(ر)	پارچ

how many	haʊ ˈmeni	هاو مِنی	چند تا
how much	haʊ ˈmʌtʃ	هاو ماچ	چقدر
textbook	ˈtekstbʊk	تِکست بُک	کتاب درسی
semester	səˈmestə	سِمِستِ(ر)	ترم
ground	graʊnd	گُروند	زمین



Practice

Complete the following sentences with *much* or *many*.

جملات را با much یا many کامل کنید.

1. There aren't .... large factories in this town.
   (There aren't many large factories in this town.)
2. He doesn't spend .... time on his English.
3. Does this factory produce .... different kinds of products?
4. Does she spend .... money on clothes?
5. Is there .... oil in Venezuela?
6. He doesn't drink .... milk.
7. Does he have .... friends in this school?
8. There aren't .... mountains in that part of the country.
9. There isn't .... milk in this pitcher.
10. How .... time do you spend on your English every day?
11. How .... windows are there in your classroom?
12. How .... times a week do you go to the movies?
13. How .... money do you spend on textbooks each semester?
14. He doesn't make .... mistakes in spelling.
15. There isn't .... snow on the ground.
16. She doesn't drink .... coffee.
17. How .... cups of coffee do you drink every day?
18. There weren't .... students absent yesterday.

۱.در این شهر کارخانه های بزرگ زیادی وجود ندارد. ۲.او وقت زیادی را صرف انگلیسی اش نمی کند. ۳.آیا این کارخانه انواع مختلفی از محصولات را تولید می کند؟ ۴.آیا او پول زیادی را صرف لباس می کند؟ ۵.آیا نفت زیادی در ونزوئلا وجود دارد؟ ۶.او شیر زیادی نمی نوشد. ۷.آیا او دوستان زیادی در این مدرسه دارد؟ ۸.در آن بخش از کشور کوه های زیادی وجود ندارد. ۹.در این پارچ شیر زیادی وجود ندارد. ۱۰.شما هر روز برای انگلیسی تان چقدر وقت صرف می کنید؟ ۱۱.در کلاس شما چند پنجره هست؟ ۱۲.در هفته چند بار به سینما می روی؟ ۱۳.در هر ترم چقدر پول صرف کتاب های درسی می کنی؟ ۱۴.او در املا اشتباهات زیادی نمی کند. ۱۵.برف زیادی روی زمین نیست. ۱۶.او قهوه زیادی نمی نوشد. ۱۷.هر روز چند فنجان قهوه می نوشی؟ ۱۸.دیروز دانشجویان زیادی غایب نبودند.

*How **much** money do you spend on textbooks each semester?*





Also, Too either

کاربرد either و too, also

الف. کاربرد also

قبل از فعل اصلی (جملات مثبت) + also

They also want this book.
آنها این کتاب را هم می خواهند.

ب. کاربرد too

آخر جملات مثبت + too

They want this book too
آنها این کتاب را هم می خواهند.

ج. کاربرد either

آخر جملات منفی + either

They don't want this book either
آنها این کتاب را هم نمی خواهند.



Practice (1)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. Mary likes to study with our group too.
   (Mary doesn't like to study with our group either.)

   ۱.مری هم دوست دارد با گروه ما درس بخواند.
   (مری هم دوست ندارد با گروه ما درس بخواند.)
2. John also likes to play tennis.
3. They also want to move to the suburbs.
4. Richard will also come.
5. He eats in that restaurant too.
6. We can also play baseball.
7. He also likes American food.
8. She is able to hear him too.
9. My parents like to listen to the radio too.

10. Mr. Johnson is also a tennis player.
11. Molly can also play this game.
12. This book was also expensive.

۲.جان هم دوست دارد تنیس بازی کند. ۳.آنها هم می خواهند به حومه شهر نقل مکان کنند. ۴.ریچارد هم خواهد آمد. ۵.او هم در آن رستوران غذا می خورد. ۶.ما هم می توانیم بیس بال بازی کنیم. ۷.او هم غذای آمریکائی دوست دارد. ۸.او هم قادر است صدای او را بشنود. ۹.والدینم هم دوست دارند به رادیو گوش دهند. ۱۰.آقای جانسون هم یک تنیس باز است. ۱۱.مالی هم می تواند این گیم را بازی کند. ۱۲.این کتاب هم گران بود.





*My parents like to listen to the radio **too**.*



Practice (2)

Change the following sentences from negative to affirmative.

جملات را از منفی به مثبت تبدیل کنید.

1. Mike doesn't know her well either
   (He also knows her well.
   He knows her well too.)

   ۱.مایک هم به خوبی او را نمی شناسد.
   (او هم به خوبی او را می شناسد.)

2. She doesn't like to watch television either.
3. Helen cannot swim well either.
4. The principal wasn't able to speak to him either.
5. They don't want to live in the suburbs either.
6. My sister won't be back before noon either.
7. He doesn't come to school by bus either.
8. Rachel isn't a studious person either.

۲.او هم دوست ندارد تلویزیون تماشا کند. ۳.هلن هم نمی تواند به خوبی شنا کند. ۴.مدیر هم نتوانست با او صحبت کند. ۵.آنها هم نمی خواهند در حومه شهر زندگی کنند. ۶.خواهرم هم تا قبل از ظهر باز نخواهد گشت. ۷.او هم با اتوبوس به مدرسه نمی آید. ۸.راشل هم آدم درس خوانی نیست.



*Helen cannot swim **either**.*



Some, Any

کاربرد some و any

الف. کاربرد some [مقداری، تعدادی، چند]

some در جملات مثبت

John took some books home with him. جان تعدادی کتاب را با خود به خانه برد.

ب. کاربرد any [هیچ، مقداری، اصلاً، هر]

any در جملات منفی یا منفی سوالی

John didn't take any books home with him.
جان هیچ کتابی را با خود به خانه نبرد.

Didn't John take any books home with him?
آیا جان هیچ کتابی را با خود به خانه نبرد؟

Vocabulary

extra	'ekstrə	اِکسترِ	اضافی
next	nekst	نِکست	بغلی، بعدی
pretty	'prɪti	پِرتی	زیبا
taught	tɔ:t	تات	یاد دادن(گذشته teach)
important	ɪm'pɔ:tənt	ایمپُ تِنت	مهم
rule	ru:l	رول	قاعده
flower	'flauə	فْلَ وِ(ر)	گل
vase	veɪs	وِیس	گلدان
rich	rɪtʃ	رِچ	پولدار
neighbor	'neɪbə	نِی بِ(ر)	همسایه
pour	pɔ:	پُ(ر)	ریختن
orange	'ɒrɪndʒ	آرینج	پرتقال
experience	ɪk'spi:əriəns	ایکس پی رِینس	تجربه
seat	si:t	سیت	صندلی(ثابت)
left	left	لِفت	باقیمانده
bill	bɪl	بیل	اسکناس



Practice (1)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. There are some extra chairs in the next room.
   (There aren't any extra chairs in the next room.)

   ۱.چند صندلی اضافی در اطاق مجاور هست.
   (هیچ صندلی اضافی در اطاق مجاور نیست.)
2. We saw some good shows in New York.
3. He made some mistakes in spelling.
4. They have some pretty dresses in that store.
5. The teacher taught us some important rules of grammar.
6. We learned some new words in class yesterday.
7. There are some flowers in the yellow vase.
8. There are some rich men in this town.
9. We have some good neighbors.

۲.ما چند نمایش جالب در نیو یورک دیدیم. ۳.او در دیکته چند اشتباه داشت. ۴.آنها چند لباس قشنگ در آن فروشگاه دارند. ۵.معلم چند قاعده مهم گرامری را به ما یاد داد. ۶.ما دیروز چند لغت جدید در کلاس یاد گرفتیم. ۷.چند گل در گلدان زرد هست. ۸.در این شهر چند مرد پولدار هست. ۹.ما چند همسایه خوب داریم.



There are some rich men in this town.



Practice (2)

Change the following sentences from negative to affirmative.

جملات را از منفی به مثبت تبدیل کنید.

1. I didn't see any good shows on TV last night.
   (I saw some good shows on TV last night.)

   ۱.من دیشب هیچ نمایش خوبی در تلویزیون ندیدم.
   (من دیشب چند نمایش خوب در تلویزیون دیدم.)
2. Don't pour me any coffee.
3. We don't need any more chairs in this room.
4. There aren't any boys in the hall.
5. She doesn't want any oranges.
6. They didn't tell us about any of their experiences.
7. There aren't any good seats left for the play tonight.

8. You won't need any winter clothes in San Diego.
9. I never see any $2 bills these days.

۲.برایم اصلا قهوه نریز. ۳.ما اصلا صندلی بیشتری را در این اتاق لازم نداریم. ۴.در راهرو هیچ پسری نیست. ۵.او اصلا پرتقال نمی خواهد ۶.آنها درباره هیچ یک از تجربیات شان با ما صحبت نکردند. ۷.برای نمایش امشب اصلا جای مناسبی باقی نمانده است. ۸.شما در سان دیگو اصلا نیازی به لباس زمستانی نخواهید داشت. ۹.من این روز ها اصلا اسکناس دو دلاری نمی بینم.



*There aren't **any** boys in the hall.*

Vocabulary

be sorry	bi: 'sɒri	بی ساری	متاسف بودن
noise	nɔɪz	نُیز	سروصدا
prepare	prɪ'peə	پْری پِ(ر)	آماده کردن
available	ə'veɪləbl	اِوِیل اِبْل	در دسترس
fresh	freʃ	فْرِش	تازه
stamp	stæmp	سْتَمپ	تمبر
trouble	'trʌbl	ترابْل	زحمت
engine	'endʒɪn	اِنجین	موتور
composition	kɒmpə'zɪʃn	کام پِ زِ شِن	انشا
poor	pɔ:	پُ(ر)	بیچاره
deserve	dɪ'zə:v	دی زِرو	ارزش داشتن
die	daɪ	دای	مردن
nobody	'nəʊbʌdi	نُو بادی	هیچکس
famous	'feɪməs	فِی مِس	مشهور
museum	mju:'zi:əm	میو زی اِم	موزه
kid	kɪd	کِد	بچه
medicine	'medsɪn	مِدسِن	دارو
cough	kɒf	کاف	سرفه

ractice (3)

Complete the following sentences with *some* or *any*.

جملات را با some یا any کامل کنید.

The doctor gave me some medicine for my cough.

1. I don't have .... money with me.
   (I don't have any money with me.)
2. Please give me .... more coffee.
3. I'm sorry, but there isn't .... more coffee.
4. The baby is asleep. Please don't make .... noise.
5. We need .... oranges for breakfast.
6. I'm sorry, but I didn't have .... time to prepare my lessons last night.
7. There aren't .... seats available.
8. He never makes .... mistakes in spelling.
9. I wanted to buy .... fresh eggs, but there weren't .... in the store.
10. I didn't have .... stamps, so I went to the post office to buy ....
11. They are having .... trouble with the engine of their new car.
12. I never have .... trouble with my car.
13. The teacher won't find .... mistakes in Pat's composition.
14. But she will surely find .... in my composition.
15. I tried to borrow .... money from him, but he said he didn't have ....
16. She never gives the poor dog .... water to drink.
17. Don't give .... money to Ron. He doesn't deserve.
18. There aren't .... students in the room at the moment.
19. Please put .... water in that vase; the flowers are dying.
20. I wanted a cigarette, but nobody had ....
21. Sandy says she never has .... cigarettes.
22. There are .... famous museums in Mexico City, but we didn't have time to visit ....
23. He never gives his kids .... money.
24. The doctor gave me .... medicine for my cough.

۱.من با خودم هیچ پولی ندارم. ۲.لطفا مقدار بیشتری قهوه به من بده. ۳.متاسفم، اما دیگر هیچ قهوه ای موجود نیست. ۴.بچه خوابه. لطفا سرو صدا نکن. ۵.ما برای صبحانه تعدادی پرتقال لازم داریم. ۶.متاسفم، اما من دیشب هیچ فرصتی برای آماده کردن درس هایم نداشتم. ۷.هیچ صندلی موجود نیست. ۸.او هیچ وقت در دیکته اشتباه نمی کند. ۹.من می خواستم تعدادی تخم مرغ تازه بخرم، اما هیچ تخم مرغی در مغازه موجود نبود. ۱۰.من هیچ تمبری نداشتم، بنابراین به دفتر پست رفتم تا چند تا تمبر بخرم. ۱۱.آنها با موتور ماشین جدیدشان مشکل دارند. ۱۲.من هرگز هیچ مشکلی با ماشینم ندارم. ۱۳.معلم هیچ اشتباهی در انشاء پَت پیدا نخواهد نکرد. ۱۴.اما او مطمئنا چند اشتباه در انشاء من پیدا خواهد کرد. ۱۵.من سعی کردم مقداری پول از او قرض بگیرم، اما او گفت هیچ پولی ندارد. ۱۶.او هرگز به سگ بیچاره هیچ آبی برای نوشیدن نمی دهد. ۱۷.به ران هیچ پولی نده. او مستحق آن نیست. ۱۸.در حال حاضر هیچ شاگردی در اطاق نیست. ۱۹.لطفا مقداری آب در گلدان بریز؛ گل ها دارند خشک می شوند. ۲۰.من یک سیگار می خواستم، اما هیچکس نداشت. ۲۱.سَندی می گوید اصلا سیگار ندارد. ۲۲.چند موزه معروف در مکزیکو سیتی است، اما ما برای بازدید اصلا وقت نداشتیم. ۲۳.او هرگز به بچه هایش هیچ پولی نمی دهد. ۲۴.دکتر مقداری دارو برای سرفه ام به من داد.

Someone, Anyone

کاربرد someone و anyone

الف. کاربرد someone [شخصی، کسی، یک نفر]

someone در جملات مثبت

We heard someone enter the room. ما صدای شخصی را که وارد اطاق شد شنیدیم.

ب. کاربرد anyone [کسی، هر کس، هیچ کَس]

anyone در جملات منفی یا منفی سوالی

John didn't take anyone with him. جان کسی را با خودش نبرد.
Didn't John take anyone with him? آیا جان هیچ کسی را با خودش نبرد؟



Vocabulary

told	təʊld	تُلد	گفتن(گذشته tell)
something	'sʌmθɪŋ	سام ثینگ	چیزی
someone	'sʌmwɒn	سام وان	کسی
left	left	لِفت	جا گذاشتن(گذشته leave)
downtown	'daʊntaʊn	دَون تَون	مرکز تجاری شهر
somebody	'sʌmbʌdi	سام بادی	کسی
important	im'pɔ:tənt	ایم پُ تِنت	مهم
matter	'mætə	مَتِ(ر)	موضوع
think	θɪŋk	ثینک	فکر کردن
wrong	rɒŋ	رانگ	غلط
calculator	'kælkju:leɪtə	کَل کیو لِی تِ(ر)	ماشین حساب
anywhere	'eniweə	اِنی وِ(ر)	جائی، هیچ جا



Practice (4)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. He told us something about his trip. ۱.او چیزی درباره سفرش به ما گفت.
   (He didn't tell us anything about his trip.) (او هیچ چیز درباره سفرش به ما نگفت.)
2. There is someone at the door.
3. You left something on the hall table.

4. Bob will bring someone with him.
5. I lost the book somewhere downtown.
6. There is somebody in the next room.
7. Bobbie went somewhere last night with her boss.
8. He has something important to say to you.

*There's **someone** at the door.*



۲.یک نفر دم در است. ۳.تو چیزی را روی میز هال جا گذاشتی. ۴.باب یک نفر را با خود خواهد آورد. ۵.من کتاب را در جایی در مرکز شهر گم کردم. ۶.یک نفر در اطاق مجاور است. ۷.بابی دیشب با رئیسش به جایی رفتند. ۸.او مطلب مهمی دارد که به تو بگوید.

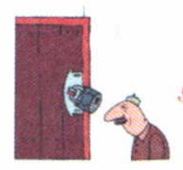


Practice (5)

Change the following sentences from negative to affirmative.

جملات را از منفی به مثبت تبدیل کنید.

1. He doesn't know anything about the plan. ۱.او هیچ چیزی درباره نقشه نمی داند.
   (He knows something about the plan.) (او چیزی درباره نقشه می داند.)
2. There isn't anything the matter with Toby's ear.
3. There wasn't anyone at the door.
4. We haven't spoken to anybody about it.
5. There doesn't seem to be anybody in the office.
6. My keys aren't anywhere in this room.
7. I don't think there is anything wrong with the calculator.
8. They couldn't find her anywhere.



*There wasn't **anyone** at the door.*

۲.گوش تابی هیچ مشکلی نداره. ۳.هیچکس دم در نبود. ۴.ما در این باره با کسی صحبت نکرده ایم. ۵.به نظر نمی رسد کسی در اداره باشد. ۶.کلید های من در هیچ کجای این اطاق نیستند. ۷. فکر نمی کنم ماشین حساب هیچ مشکلی داشته باشه. ۸.آنها هیچ کجا نتوانستند او را پیدا کنند.



Possessive Pronouns

ضمائر ملکی

فرق ضمائر ملکی و صفات ملکی

ضمائر ملکی کلماتی هستند که به تنهائی به کار می روند، به تنهائی معنی دارند و به جای اسم قرار می گیرند.

صفات ملکی کلماتی هستند که به تنهائی به کار نمی روند، به تنهائی معنی ندارند، و قبل از اسم به کار می روند.

This is my ring.	این انگشتر من است.
This is mine. *(This ring is mine.)*	این مال من است. (این انگشتر مال من است.)
That is our truck.	آن کامیون ما است.
That is ours. *(That truck is ours.)*	آن مال ما است. (آن کامیون مال ما است.)

صفات ملکی			ضمائر ملکی	
my	my book	کتابم	mine	مال من
your	your notebook	دفترت	yours	مال تو
his	his car	ماشینش(مذکر)	his	مال او
her	her dress	پیراهنش (مونث)	hers	مال او
its	its head	سرش (حیوان)	its	مال آن(این)
our	our house	خانه مان	ours	مال ما
your	your umbrellas	چترهایتان	yours	مال شما
their	their seats	صندلی هایشان	theirs	مال آنها

Vocabulary

substitute	'sʌbstɪtu:t	سابس تیتوت	جانشین کردن
appropriate	ə'prəʊpriət	اِپروُپری اِت	مناسب
possessive	pə'zesɪv	پِز سیو	ملکی
pronoun	'prəʊnaʊn	پْرونَون	ضمیر
believe	bɪ'li:v	بی لیو	فکر کردن، اعتقاد داشتن
pair	peə	پ(ر)	جفت
scissors	'sɪzəz	سی زز	قیچی
a pair of scissors	ə peə əv 'sɪzəz	ا پ(ر) اِو سیزِز	یک قیچی
over there	'əʊvə ðeə	اُوِ ذِ(ر)	آنجا
take care	teɪk 'keə	تیک کِ(ر)	مواظبت کردن
pronunciation	prənʌnsi'eɪʃn	پْرِنان سی اِی شِن	تلفظ



Practice (1)

Substitute the appropriate possessive pronouns for the word in italics.

برای کلماتی که به صورت ایتالیک نوشته شده اند، ضمیر ملکی مناسب جایگزین کنید.

1. This pen is *my pen*. (*This pen is mine.*)
2. These seats are *our seats*.
3. This umbrella is *her umbrella*.
4. These pencils are *your pencils*.
5. That computer is *my father's computer*.
6. That overcoat is *his overcoat*.
7. These cigarettes seem to be *your cigarettes*; they are not *my cigarettes*.
8. I believe this pen is *her pen*; it is not *my pen*.
9. Is this notebook *your notebook* or *Sarah's*?
10. Is this pack of cigarettes *your pack of cigarettes* or *William's*?
11. This pair of scissors is *her pair of scissors*.
12. These seats are *their seats*; they are not *our seats*.
13. This book is your book; the one over there on the desk is *my book*.
14. He drives his car to work every day and I drive *my car*.
15. You take care of *your things* and I'll take care of *my things*.
16. Their home is pretty, but *our home* is prettier.
17. His pronunciation is bad, and *my pronunciation* is too.
18. His car was expensive, but *your car* was more expensive.

۱.این خودکار خودکار من است.
(این خودکار مال من است.)



That overcoat is his.

۲.این صندلی ها صندلی های ما هستند. ۳.این چتر چتر او است. ۴.این مدادها مدادهای شما هستند. ۵.آن کامپیوتر کامپیوتر پدرم است. ۶.آن پالتو پالتوی اوست. ۷. به نظر می رسد این سیگارها سیگارهای شما باشند؛ آنها سیگارهای من نیستند. ۸.من معتقدم که این خودکار خودکار اوست؛ این خودکار من نیست. ۹.آیا این دفتر دفتر شما است یا مال سارا؟ ۱۰.آیا این بسته سیگار بسته سیگار تو است یا مال ویلیام؟ ۱۱.این قیچی قیچی اوست. ۱۲.این صندلی ها صندلی های آنها هستند؛ آنها صندلی های ما نیستند. ۱۳.این کتاب کتاب شماست؛ آن کتاب آنطرفی روی میز تحریر کتاب من است. ۱۴.او هر روز با ماشین خودش به محل کار می رود و من با ماشین خودم می روم. ۱۵.تو مواظب وسائل خودت باش و من مواظب وسائل خودم خواهم بود. ۱۶.خانه آنها زیباست، اما خانه ما زیباتر است. ۱۷.تلفظ او بد است، و تلفظ من هم بد است. ۱۸.ماشین او گران بود، اما ماشین شما گران تر بود.

Practice (2)

In the following sentences substitute the *verb to be* for the verb *to belong*. Then introduce a possessive pronoun or the possessive form of the noun.

در جملات زیر فعل to be را جایگزین فعل to belong کنید. سپس از ضمیر ملکی یا شکل ملکی اسم مربوطه استفاده کنید.

1. This book belongs to him. *(This book is his.)*
2. This pencil belongs to Anthony. *(This pencil is Anthony's.)*

۱.این کتاب به او تعلق دارد. (این کتاب مال اوست.)
۲.این مداد به آنتونی تعلق دارد. (این مداد مال آنتونی است.)

3. That notebook *belongs* to her.
4. That umbrella *belongs* to me.
5. I'm sure this pen *belongs* to Adrian.
6. No, it *belongs* to Miss Jefferson.
7. These magazines *belong* to them.
8. These pencils *belong* to us.
9. These books *belong* to them.
10. This book doesn't *belong* to me.
11. This pen *belongs* to him.
12. I think this desk *belongs* to Mrs. Jones.
13. That car *belongs* to Robert.
14. These green apples *belong* to us, but those yellow ones *belong* to them.
15. I think this pencil *belongs* to me, but the yellow one *belongs* to you.
16. This pack of cigarettes must *belong* to him.
17. This umbrella *belongs* to the teacher.
18. These seats *belong* to them.
19. That black sports car *belongs* to our landlord.
20. This watch doesn't *belong* to me; it *belongs* to my father.
21. The red sweater *belongs* to me; the blue one *belongs* to Virginia.
22. That bicycle *belongs* to Jim's little brother.

These magazines are theirs.

۳.آن دفتر به او تعلق دارد. ۴.آن چتر به من تعلق دارد. ۵.من مطمئن هستم این خودکار بـه آدریان تعلق دارد. ۶.نه، این به دوشیزه جفرسون تعلق دارد. ۷.این مجلات به آنها تعلق دارند. ۸.این مدادها به ما تعلق دارند. ۹.این کتاب ها بـه آنها تعلق دارند. ۱۰.این کتاب به من تعلق ندارد. ۱۱.این خودکار به او تعلق دارد. ۱۲.من فکر می کنم این میز به خانم جونز تعلق دارد. ۱۳.آن ماشین به رابرت تعلق دارد. ۱۴.این سیب های سبز به ما تعلق دارند، اما آن سیب های زرد به آنها تعلق دارند. ۱۵.من فکر می کنم این مداد بـه من تعلق دارد، اما مداد زرد بـه تو تعلق دارد. ۱۶.این بسته سیگار بـاید بـه او تعلق داشته باشد. ۱۷.این چتر بـه معلم تعلق دارد. ۱۸.این صندلی ها بـه آنها تعلق دارند. ۱۹.آن ماشین مشکی اسپورت به صاحبخانه مان تعلق دارد. ۲۰.این ساعت به من تعلق ندارد؛ این به پدرم تعلق دارد. ۲۱.گرمکن قرمز به من تعلق دارد، گرمکن آبی به ویرجینیا تعلق دارد. ۲۲.آن دوچرخه به برادر کوچک جیم تعلق دارد.



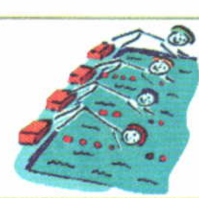
Practice (3)

Complete the following sentences with either a possessive adjective or a possessive pronoun. **جملات زیر را یا با صفت ملکی کامل کنید یا با ضمیر ملکی.**

1. Jeremy lost .... pen. Will you please lend him .... ?
   (Jeremy lost his pen. Will you please lend him yours?)
2. I was on time for .... class, but Helen was late for ....
3. They have .... methods of travel and we have ....
4. We naturally prefer .... methods, and they naturally prefer ....
5. I found .... notebook, but Jack couldn't find ....
6. They think that .... home is the prettiest on the block, and we think .... is.
7. I left .... pen at home. May I borrow .... for a moment?
8. He drives to work in .... car, and she drives to work in ....
9. Tell William not to forget to bring .... tennis racket, and don't forget to bring ....
10. They swim in .... pool and we swim in ....
11. I have .... vacation in June and Fern has .... in July.
12. I found .... umbrella, but Jill couldn't find ....
13. We were late for .... class, and Hope and Gwen were also late for ....
14. Ted enjoys .... work and I enjoy ....
15. Each student in the school has .... own desk and .... own locker.
16. I borrowed money from all .... friends, but Peg refused to borrow any money from ....



*They swim in **their** pool*
*and we swim in **ours**.*



۱.جرمی خودکارش را گم کرده. میشه لطفا مال خودتو بهش قرض بدی؟ ۲.من به موقع به کلاسم رسیدم، اما هلن دیر به کلاسش رسید. ۳.آنها روش های خود را برای سفر دارند، و ما روش های خود را داریم. ۴.ما به طور طبیعی روش های خود را ترجیح می دهیم، و آنها به طور طبیعی روش های خودشان را ترجیح می دهند. ۵.من دفترم را پیدا کردم، اما جک نتوانست مال خودش را پیدا کند. ۶.آنها فکر می کنند که خانه شان زیباترین خانه در مجتمع است، و ما فکر می کنیم که مال ما زیباترین است. ۷.من خودکارم را در خانه جا گذاشتم. میشه مال شما را یک لحظه قرض بگیرم؟ ۸.او با ماشینش به محل کار می رود، و او با ماشینش به محل کار می رود. ۹.به ویلیام بگو فراموش نکند راکت تنیسش را بیاورد، و تو فراموش نکن مال خودت را بیاوری. ۱۰.آنها در استخرشان شنا می کنند و ما در استخر خودمان شنا می کنیم. ۱۱.من تعطیلی خودم را در ماه جون دارم و فِرن تعطیلی خودش را در جولای دارد. ۱۲.من چتر خودم را پیدا کردم، اما جیل نتوانست مال خودش را پیدا کند. ۱۳.ما دیر به کلاسمان رسیدیم، و هوپ و گویین هم دیر به کلاسشان رسیدند. ۱۴.تِد از کارش لذت می برد و من از کارم لذت می برم. ۱۵.هر شاگردی در مدرسه میز خود و کمد خودش را دارد. ۱۶.من از همه دوستانم پول قرض کردم، اما پِگ از قرض کردن پول از آنها امتناع کرد.



Reflexive Pronouns (1)

ضمائر انعکاسی (تاکیدی)

ضمائرانعکاسی اشاره به فاعل جمله دارند. در واقع فاعل و مفعول جمله یکی هستند. و در این حالت جای این ضمائر بعد از فعل خواهد بود.

The man wounded himself. مرد خودش را زخمی کرد. (فاعل و مفعول جمله کلمه مرد می باشد.)
The woman burned herself. زن خودش را سوزاند. (فاعل و مفعول جمله کلمه زن می باشد.)
I hurt myself. من به خودم آسیب رساندم. (فاعل و مفعول جمله کلمه من می باشد.)

صفات ملکی	ضمائر مفعولی		ضمائر انعکاسی (تاکیدی)		
my	me	مرا، به من	myself	مای سِلف	خودم
your	you	تورا، به تو	yourself	یُرسِلف	خودت
his	him	او را، به او	himself	هیم سِلف	خودش
her	her	او را، به او	herself	هِرسِلف	خودش
its	it	آن(این) را، به آن(این)	itself	ایت سِلف	خودش
our	us	مارا، به ما	ourselves	آوِرسِلوْز	خودمان
your	you	شما را، به شما	yourselves	یُرسِلوْز	خودتان
their	them	آنها را، به آنها	themselves	ذِم سِلوْز	خودشان

Vocabulary

necessary	'nesesri	نِسِسَری	لازم
reflexive	rɪ'fleksɪv	ریف لِک سیوْ	انعکاسی
hurt	hə:t	هِ(ر)ت	صدمه زدن
burn	bə:n	بِ(ر)ن	سوزاندن
burned	bə:nt	بِ(ر)نت	گذشته سوزاندن burn
protect	prə'tekt	پرِتکت	محافظت کردن
taught	tɔ:t	تات	گذشته یاد دادن teach
sew	səʊ	سُو	خیاطی کردن
amuse	ə'mju:z	اِمْیوز	سرگرم کردن
shot	ʃɒt	شات	گذشته شلیک کردن shoot
knife	naɪf	نایف	چاقو
once	wʌns	وانس	زمانی
trouble	'trʌbl	ترابْل	زحمت
enough	ɪ'nʌf	ایناف	کافی



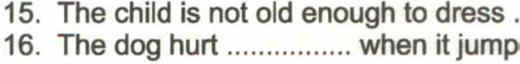
Practice (1)

Supply the necessary reflexive pronouns.

ضمائر انعکاسی لازم را در جای خالی قرار دهید.

1. The little girl hurt .... when she fell.
   (The little girl hurt herself when she fell.)
2. We protect .... from the rain with an umbrella.
3. The boy taught .... to sew.
4. Both boys taught .... to swim.
5. We all enjoyed .... at the concert last night.
6. The children are amusing .... with the kitten.
7. The policewoman shot .... by accident.
8. Did you enjoy .... at the party last night?
9. You will cut .... with that knife if you are not careful.
10. I once cut .... badly with the same knife.
11. I blame .... for all that trouble.
12. She likes to look at .... in the mirror.
13. My father cuts .... every morning when he shaves.
14. Joy cut .... on a piece of glass.
15. The child is not old enough to dress ....
16. The dog hurt .... when it jumped over the fence.
17. Paul and I enjoyed .... very much at the party last night.
18. You shouldn't really blame .... for that mistake.





We protect ourselves from the rain with an umbrella.

۱.وقتی که دختر کوچک افتاد خودش را زخمی کرد. ۲.ما با چتر خودمان را از باران محافظت می کنیم. ۳.پسر خودش دوزندگی را یاد گرفت. ۴.هر دو پسر خودشان شنا کردن را یاد گرفتند. ۵. دیشب در کنسرت به همه ما خوش گذشت. ۶.بچه ها خودشان را با بچه گربه سر گرم می کنند. ۷.پلیس (زن) به طور تصادفی به خودش شلیک کرد. ۸ آیا دیشب در مهمانی به تو خوش گذشت؟ ۹.اگر مواظب نباشی خودت را با آن چاقو می بُری. ۱۰.من یکبار خودم را بد جوری با همان چاقو بریدم. ۱۱.من خودم را برای آن همه زحمت ملامت می کنم. ۱۲.او دوست دارد خودش را در آینه نگاه کند. ۱۳.پدرم هر روز صبح زمانی که اصلاح می کند خودش را زخمی می کند. ۱۴.جُوی خودش را با یک تکه شیشه زخمی کرد. ۱۵کودک به اندازه کافی بزرگ نشده که خودش لباس بپوشد. ۱۶.سگ زمانی که از روی حصار پرید خودش را زخمی کرد. ۱۷.به پُل و من در مهمانی دیشب خیلی خوش گذشت. ۱۸.تو واقعا نباید خودت را به خاطر آن اشتباه سرزنش کنی.

Reflexive Pronouns(2)

ضمائر انعکاسی در نقش تاکید

ضمائر انعکاسی را می توان برای تاکید بر کسی یا چیزی به کار برد. در این حالت این ضمائر یا بلافاصله بعد از فاعل می آیند و یا در آخر جمله قرار می گیرند.

I myself will do the work.
I will do the work myself.

من خودم کار را انجام خواهم داد.

The car itself was undamaged.
The car was undamaged itself.

خود ماشین صدمه ندید.

They are going to have to fix the motor themselves.
They themselves are going to have to fix the motor.

آنها مجبور خواهند بود خودشان موتور ماشین را تعمیر کنند.

 ocabulary

preparation	prepə'reɪʃn	پرپ رِی شِن	تدارک
deliver	dɪ'lɪvə	دی لی وِ(ر)	ایراد کردن
principal	'prɪnsɪpl	پرن سِ پَل	اصلی
address	ə'dres	اِدرِس	سخنرانی رسمی
responsible	rɪ'spɒnsɪbl	ریس پان سِ بَل	مسئول
debt	det	دت	قرض
take part	teɪk 'pɑ:t	تِیک پا(ر)ت	شرکت کردن
led	led	لِد	هدایت کردن(گذشته lead)
against	ə'genst	اِگِنْسْت	بر علیه
pupil	'pju:pl	پیو پَل	دانش آموز
detective	dɪ'tektɪv	دی تِک تیو	کارآگاه
commit	kə'mɪt	کِمِت	مرتکب شدن
crime	kraɪm	کْرایم	جنایت
recommend	rekə'mend	رِکِمِند	توصیه کردن
so	səʊ	سُو	اینقدر
highly	'haili	هایلی	زیاد
provide	prə'vaɪd	پْرواید	تامین کردن
mail	meɪl	مِیل	پست کردن
arrange	ə'reɪndʒ	اِرِیْنج	ترتیب دادن
matter	'mætə	مَتِ(ر)	موضوع



Practice (2)

Supply the necessary reflexive pronouns.

ضمائر تاکیدی لازم را در جای خالی قرار دهید.

1. Claude .... will make all the preparations for the trip.
   (Claude himself will make all the preparations for the trip.)
2. I .... will have little to do.
3. Amy said that she .... saw the man enter the office.
4. The policeman .... shot the thief.
5. We .... made the first offer to buy the business.
6. The president .... will deliver the principal address.
7. She says that she .... will be responsible for the debt.
8. I .... refused to take part in the matter.
9. The boys .... will cut the grass once a week.
10. The captain .... led the attack against the enemy.
11. The pupils .... decorated the classroom with flags and flowers.
12. The detective .... committed the crime.
13. I .... don't like that restaurant.
14. It was you .... who recommended it so highly.
15. They .... will provide the money.
16. Jack .... mailed the letter.
17. They .... arranged the matter in that form.
18. You .... must speak to him about it.
19. Janet said that she would arrange for the flowers ....
20. I don't want to do it, but I guess I'll have to go ....



The Policeman himself shot the thief.



۱.کلود خودش همه تدارکات سفر را مهیا خواهد کرد. ۲.من خودم کار اندکی برای انجام دادن خواهم داشت. ۳.ایمی گفت که او خودش مرد را دید که وارد دفتر کار شد. ۴.پلیس خودش به دزد شلیک کرد. ۵.ما خودمان اولین پیشنهاد خَرید شرکت را دادیم. ۶.رئیس خودش سخنرانی اصلی را ایراد خواهد کرد. ۷.او می گوید که خودش مسئول بدهی خواهد بود. ۸.من خودم از دخالت در موضوع امتناع کردم. ۹.پسرها خودشان هفته ای یک بار علف ها را خواهند زد. ۱۰.کاپیتان خودش حمله علیه دشمن را هدایت کرد. ۱۱.دانش آموزان خودشان کلاس را با پرچم و گل تزیین کردند. ۱۲.کارآگاه خودش مرتکب جنایت شد. ۱۳.من خودم از آن رستوران خوشم نمی آید. ۱۴.تو خودت بودی که آن را شدیدا توصیه کردی. ۱۵.آنها خودشان پول را تامین خواهند کرد. ۱۶.جک خودش نامه را پست کرد. ۱۷.آنها خودشان موضوع را به آن شکل ترتیب دادند. ۱۸.تو خودت باید در این باره با او صحبت کنی. ۱۹.جَنِت گفت که خودش گل ها را مرتب خواهد کرد. ۲۰.من نمی خواهم این کار را انجام دهم، اما فکر می کنم خودم مجبور به رفتن خواهم بود.

Reflexive Pronouns(3)

ضمائر انعکاسی با by به مفهوم به تنهائی

by myself	خودم به تنهائی
by yourself	خودت به تنهائی
by himself	خودش به تنهائی (مذکر)
by herself	خودش به تنهائی (مونث)
by itself	خودش به تنهائی (غیر شخص)
by ourselves	خودمان به تنهائی
by yourselves	خودتان به تنهائی
by themselves	خودشان به تنهائی

She lives by herself. — او به تنهائی زندگی می کند.
He built this house by himself. — او این خانه را به تنهائی ساخت.

Vocabulary

alone	ə'ləʊn	اِلُون	تنها
make a trip	meɪk ə 'trɪp	میک اِ ترِپ	مسافرت کردن
through	θru:	ثْرو	از میان
woods	wʊdz	وُدز	جنگل
however	haʊ'evə	هاو اِو(ر)	باوجود این
prefer	prɪ'fə:	پْری فِ(ر)	ترجیح دادن
cabin	'kæbɪn	کَبِن	کلبه
although	ɔ:l'ðəʊ	آلذُو	گرچه
elderly	'eldəli	الدِ(ر)لی	مسن
opera	'ɒprə	آپرِ	اپرا
group	gru:p	گْروپ	گروه
second	'sekənd	سِکِند	دوم
stare	stə:	سْتِ(ر)	خیره نگاه کردن
all day long	ɔ:l deɪ 'lɒŋ	آل دِی لانگ	تمام طول روز
roll	rəʊl	رُول	غلطیدن
steer	'stɪə	سْ تی یِ(ر)	هدایت کردن
boat	bəʊt	بُوت	قایق

Practice (3)

In place of the word *alone*, substitute the preposition *by* and the required reflexive pronoun.

به جای کلمه alone حرف اضافه by و ضمیر انعکاسی مناسب قرار دهید.

1. He went for a walk in the park alone.
   (He went for a walk in the park by himself.)
2. They made the long trip through the woods alone.
3. I don't like to go to the movies alone.
4. Kim, however, prefers to go to the movies alone.
5. Joe likes to take long walks in the woods alone.
6. The old man lives alone in a cabin in the woods.
7. Hal works alone in a small office.
8. My aunt, although she is elderly, prefers to live alone.
9. Do you like to eat alone?
10. I went to the opera last night alone.
11. The girls study alone in one group and the boys study alone in a second group.
12. One shouldn't spend too much time alone.
13. She sits alone and stares out of the window all day long.
14. I can finish this work alone.
15. He prefers to do his homework alone.
16. The dog found its way home alone.
17. He plans to make a trip to Canada alone.
18. The wagon seemed to roll down the street alone.
19. We always enjoyed steering the boat alone.
20. You should try to answer the questions alone.



I can finish this work alone (by myself).

۱.او به تنهائی برای پیاده روی به پارک رفت. ۲.آنها سفر طولانی در جنگل را به تنهایی انجام دادند. ۳.من دوست ندارم تنها به سینما بروم. ۴.با وجود این، کیم، ترجیح می دهد تنها به سینما برود. ۵.جو دوست دارد به تنهایی در جنگل راه پیمایی های طولانی کند. ۶.پیر مرد تنها در کلبه ای در جنگل زندگی می کند. ۷.هال به تنهایی در یک دفتر کار کوچک کار می کند. ۸.عمه ام، گرچه پیر است، ترجیح می دهد تنها زندگی کند. ۹.دوست داری تنها غذا بخوری؟ ۱۰.من دیشب تنها به اپرا رفتم. ۱۱.دخترها به تنهایی در یک گروه درس می خوانند و پسرها به تنهایی در گروه دوم درس می خوانند. ۱۲.انسان نباید مدت خیلی زیادی را در تنهایی به سر برد. ۱۳.او تنها می نشیند و تمام طول روز را به بیرون از پنجره چشم می دوزد. ۱۴.من می توانم این کار را به تنهایی تمام کنم. ۱۵.او ترجیح می دهد تکالیفش را به تنهایی انجام دهد. ۱۶.سگ راه خانه اش را به تنهایی پیدا کرد. ۱۷.او قصد دارد تنها به کانادا سفر کند. ۱۸. به نظر می رسید واگن به تنهایی به سمت پایین خیابان می غلطید. ۱۹.ما همیشه از اینکه قایق را به تنهایی هدایت کنیم لذت می بردیم. ۲۰.تو باید سعی کنی به تنهایی به سوالات پاسخ دهی.



Present Perfect Tense

زمان حال کامل (ماضی نقلی) (۱)

الف. طریقه ساختن

قسمت سوم فعل + have/has + فاعل

صرف فعل کار کردن در زمان حال کامل (ماضی نقلی)

I have worked	آی هَوْ وِ(ر)کت	من کار کرده ام
you have worked	یو هَوْ وِ(ر)کت	تو کار کرده ای
he has worked	هی هَز وِ(ر)کت	او کار کرده است
she has worked	شی هَز وِ(ر)کت	او کار کرده است
it has worked	ایت هَز وِ(ر)کت	آن(این) کار کرده است
we have worked	وی هَوْ وِ(ر)کت	ما کار کرده ایم
you have worked	یو هَوْ وِ(ر)کت	شما کار کرده اید
they have worked	ذِی هَوْ وِ(ر)کت	آنها کار کرده اند

ب. کاربرد

۱. زمان حال کامل برای توصیف عملی است که در گذشته ای نامعین اتفاق افتاد.

I have read that book. — من آن کتاب را خوانده ام.

They have moved to Los Angeles. — آنها به لس انجلس نقل مکان کرده اند.

۲.زمان حال کامل برای توصیف عملی است که چندین بار در گذشته اتفاق افتاد.

I have read that book several times. — من آن کتاب را چندین بار خوانده ام.

He has studied this lesson over and over.

او این درس را بارها و بارها مطالعه کرده است.

نکته مهم هر فعل دارای سه قسمت می باشد:

۱. قسمت اول (حال)، که برای ساختن اکثر زمانها کاربرد دارد.

۲. قسمت دوم (گذشته)، که فقط برای ساختن زمان گذشته ساده به کار می رود.

۳. قسمت سوم (اسم مفعول)، که برای ساختن زمانهای حال کامل، گذشته کامل، مجهول و غیره مورد استفاده قرار می گیرد.

سه قسمت افعال تمرین (۱)

توضیح مهم: افعال با قاعده یعنی افعالی که در گذشته **ed** می گیرند، قسمت سومشان هم **ed** می گیرد.

حال		گذشته	اسم مفعول (قسمت سوم)
finish	تمام کردن	finished	finished
read [ri:d]	خواندن	read [red]	read [red]
be	بودن	was/were	been
tell	گفتن	told	told
hear	شنیدن	heard	heard
lend	قرض دادن	lent	lent
go	رفتن	went	gone
make	درست کردن	made	made
see	دیدن	saw	seen
lose	گم کردن	lost	lost



Vocabulary

perfect	ˈpə:fəkt	پِ(ر)فِکت	کامل
return	rɪˈtə:n	ری تِ(ر)ن	برگرداندن
at last	æt ˈlæst	اَت لَست	بالاخره
be afraid	bi: əˈfreɪd	بی اِفرید	ترسیدن
course	kɔ:s	کُ(ر)س	دوره، درس
fortune	ˈfɔ:tʃən	فُ(ر)چِن	شانس، پول، موقعیت
make fortune	meɪk ˈfɔ:tʃən	میک فُ(ر)چِن	بدست آوردن موقعیت
lose fortune	lu:z ˈfɔ:tʃən	لوز فُ(ر)چِن	از دست دادن موقعیت



Practice (1)

Supply the present perfect tense form of the verbs in parentheses.

شکل زمان حال کامل افعال داخل پرانتز را در جای خالی قرار دهید.

1. I .... (speak) to him about it several times.
   (I have spoken to him about it several times.)
2. We .... (finish) all our homework.
3. He .... (visit) us many times.
4. She .... (return) my book at last.
5. I am afraid that I .... (lose) my car keys.
6. You .... (be) in Florida many times.
7. It .... (rain) a lot this year.
8. We .... (learn) many new words in this course.

9. I .... (tell) Ed what you said.
10. I .... (hear) that story before.
11. We .... (lend) money to them several times.
12. Mr. Katz .... (go) to South America to work.
13. They .... (make) that same mistake several times.
14. She .... (see) that movie three times.
15. Harvey................ (make) and................ (lose) several fortunes.



It has rained a lot this year.

۱.من چندین بار با او در این باره صحبت کرده ام. ۲.ما همه تکالیفمان را تمام کرده ایم. ۳.او بارها از ما دیدن کرده است. ۴. او بالاخره کتاب مرا پس داده است. ۵.متاسفم بگویم که سویچ ماشینم را گم کرده ام. ۶.تو بارها در فلوریدا بوده ای. ۷.امسال زیاد باران باریده است. ۸.ما در این دوره لغات جدید زیادی را یاد گرفته ایم. ۹.من آنچه را که تو گفتی به اد گفته ام. ۱۰.من آن داستان را قبلا شنیده ام. ۱۱.ما چندین بار به آنها پول قرض داده ایم. ۱۲.آقای کاتز برای کار به آمریکای جنوبی رفته است. ۱۳.آنها چندین بار همان اشتباه را کرده اند. ۱۴.او سه دفعه آن فیلم را دیده است. ۱۵.هاروی شانس های متعدد را کسب کرده و آنها را از دست داده است.

Present Perfect Tense (2)

زمان حال کامل (ماضی نقلی) و مقایسه آن با زمان گذشته ساده

جملات زمان حال کامل زمان دقیق وقوع عمل را ذکر نمی کنند. اما معمولا در جملات زمان گذشته ساده زمان دقیق وقوع عمل ذکر می شود.

He went to Boston yesterday. — او دیروز به بوستون رفت. (گذشته)
He has gone to Boston several times. — او چندین بار به بوستون رفته است. (حال کامل)
I was here last night. — من دیشب اینجا بودم. (گذشته)
I have been here several times. — من چندین بار در اینجا بوده ام. (حال کامل)

صرف فعل خوردن have در زمان های گذشته ساده و حال کامل

زمان گذشته ساده		زمان حال کامل	
I had	من خوردم	I have had	من خورده ام
you had	تو خوردی	you have had	تو خورده ای
he had	او خورد	he has had	او خورده است
we had	ما خوردیم	we have had	ما خورده ایم
you had	شما خوردید	you have had	شما خورده اید
they had	آنها خوردند	they have had	آنها خورده اند

صرف فعل بودن be در زمان های گذشته ساده و حال کامل

زمان حال کامل			زمان گذشته ساده		
I	have been	من بوده ام	I	was	من بودم
you	have been	تو بوده ای	you	were	تو بودی
he	has been	او بوده است	he	was	او بود
we	have been	ما بوده ایم	we	were	ما بودیم
you	have been	شما بوده اید	you	were	شما بودید
they	have been	آنها بوده اند	they	were	آنها بودند

سه قسمت افعال تمرین (۲)

حال		گذشته	اسم مفعول
do	انجام دادن	did	done
fall	افتادن	fell	fallen
give	دادن	gave	given
teach	درس دادن	taught	taught
ring	زنگ زدن	rang	rung
run	دویدن	ran	run
write	نوشتن	wrote	written
hear	شنیدن	heard	heard
begin	شروع کردن	began	begun
say	گفتن	said	said

Vocabulary

lately	'leɪtli	لِیت لی	اخیرا
experience	ɪk'spi:əriəns	ایکس پیرِینس	تجربه
as	æz	اَز	زمانیکه
cross	krɒs	کُراس	عبور کردن



Practice (2)

Supply either the simple past tense or the present perfect tense form as required by the meaning.

با توجه به معنی جملات، زمان گذشته ساده یا زمان حال کامل افعال داخل پرانتز را به کار ببرید.

1. I .... (go) to bed late last night; I .... (do) this many times lately.
   (I went to bed late last night; I have done this many times lately.)
2. Mr. Ashe .... (go) to Chicago last week.
3. I .... (read) that book several times.

4. I first .... (read) it while I was on my vacation last summer.
5. I .... (be) in Norfolk many times.
6. Mr. Dale .... (have) little experience in teaching that subject.
7. Billy .... (fall) as he was crossing the street.
8. I .... (see) Diane a few days ago.
9. When the bell rang, Wade .... (jump) from his seat and .... (run) from the room.
10. I .... (try) that restaurant again and again, but I do not like the food there.
11. When I was young, I often .... (go) fishing with my father.
12. I .... (complete) writing my exercise at last.
13. You .... (start) to study English last winter.
14. The day before yesterday, we .... (have) a bad storm.
15. I hear that you .... (give) up the idea of studying Russian.
16. I .... never .... (be) to Italy.
17. It .... (be) very cold yesterday.
18. We .... (learn) many new words in this course.
19. The First World War .... (begin) in 1914 and .... (end) in 1918.
20. Rebecca says that she .... (lose) her purse.



When I was young,
I often went fishing with my father.

۱.دیشب دیر به رختخواب رفتم؛ من اخیرا بارها این کار را انجام داده ام. ۲.آقای اَش هفته گذشته به شیکاگو رفت. ۳.من بارها آن کتاب را خوانده ام. ۴. اولین بار تابستان گذشته زمانیکه در تعطیلات بودم آن را خواندم. ۵.من چندین بار در نورفوک بوده ام. ۶.آقای دیل تجربه کمی در تدریس آن موضوع درسی داشته است. ۷.زمانیکه بیلی داشت از خیابان رد می شد زمین خورد. ۸.من چند روز قبل دایان را دیدم. ۹.زمانیکه زنگ به صدا درآمد، وید از جایش پرید و از اطاق بیرون دوید. ۱۰.من بارها و بارها آن رستوران را امتحان کرده ام، اما غذای آنجا را دوست ندارم. ۱۱.زمانی که جوان بودم، اغلب با پدرم به ماهی گیری می رفتیم. ۱۲.من بالاخره نوشتن تمرینم را تمام کرده ام. ۱۳.تو زمستان گذشته مطالعه انگلیسی را شروع کردی. ۱۴. پریروز، طوفان بدی داشتیم. ۱۵.من شنیده ام که شما فکر خواندن زبان روسی را کنار گذاشته اید. ۱۶.من هرگز به ایتالیا نرفته ام. ۱۷.دیروز هوا خیلی سرد بود. ۱۸.ما در این دوره لغات جدید زیادی یاد گرفته ایم. ۱۹.جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ شروع و در سال ۱۹۱۸ تمام شد. ۲۰.ربکا می گوید که کیفش را گم کرده است.

Present Perfect Tense (3)

زمان حال کامل (ماضی نقلی)

کاربرد و مقایسه بیشتر این زمان با زمان گذشته ساده

زمان حال کامل، عملی را توصیف می کند که از گذشته شروع و تا کنون ادامه داشته است.

He has worked here for two years.
They have lived here since June.

او به مدت دو سال در اینجا کار کرده است. (هنوز کار می کند.)
آنها از ماه جون در اینجا زندگی کرده اند. (هنوز زندگی می کنند.)

به تفاوتی که از نظر معنی بین جملات بالا و جملات پائین وجود دارد، توجه کنید.

He worked here last year.
They lived here two years ago.

او سال گذشته در اینجا کار کرد. (دیگر کار نمی کند.)
آنها دو سال قبل در اینجا زندگی کردند. (اما دیگر در اینجا زندگی نمی کنند.)

سه قسمت افعال تمرین (۳)

حال		گذشته	اسم مفعول (قسمت سوم)
come	آمدن	came	come
speak	صحبت کردن	spoke	spoken
feel	احساس کردن	felt	felt
buy	خریدن	bought	bought
drive	رانندگی کردن	drove	driven
sleep	خوابیدن	slept	slept
teach	درس دادن	taught	taught
take	بردن	took	taken
sell	فروختن	sold	sold
meet	ملاقات کردن	met	met

Vocabulary

either	'i:ðə	ایذ(ر)	یا
required	rɪ'kwaɪəd	ری کوآید	مورد نیاز
United States	'ju:naɪtɪd steɪts	یونایتید ستِیتس	ایالات متحده
carpenter	'kɑ:pəntə	کا(ر)پنت(ر)	نجار
clerk	klə:k	کل(ر)ک	کارمند
former	'fɔ:mə	فُ(ر)م(ر)	قبلی
dead	ded	دد	مرده
alive	ə'laɪv	اَلایو	زنده
steadily	'stedɪli	ستِدیلی	بطور مرتب

Practice (3)

Supply either the simple past tense or the present perfect tense form as required by the meaning.

با توجه به معنی جملات، زمان گذشته ساده یا حال کامل افعال داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

1. I .... (move) to Pine Street in March; I .... (live) there for three months now.
   (I moved to Pine Street in March; I have lived there for three months now.)
2. We .... (live) in Washington from 1975 to 1980.
3. Before he came to the United States, Emil .... (work) as a carpenter.
4. Since coming here, however, he .... (work) as a clerk.
5. My former teacher was Miss Coe. I .... (study) with her for one year.
6. My present teacher is Mr. Ming. I .... (study) with him for six months.
7. Juanita Chavez speaks English well because she .... (speak) English all her life.
8. Earl .... (work) hard all his life. (He is dead.)
9. Eric .... (work) hard all his life. (He is alive.)
10. Ms. Pate .... (leave) New York last month and .... (work) in Pittsburgh since then.
11. Gail, who is now in the fourth grade, ... (study) English for two years.
12. I myself .... (study) English steadily since 1980.
13. Henry, who is now in the hospital, ... (be) there for several weeks.
14. When I saw her, Linda .... (feel) ill.
15. We .... (buy) this car two years ago and .... (drive) it 5,000 miles since then.
16. Up to the present time, I .... never (be) .... further west than St. Louis, Missouri.

Emil has worked as a carpenter.

۱.من در ماه مارس به پاین استریت نقل مکان کردم؛ حال سه ماه است که در آنجا زندگی کرده‌ام. ۲.ما از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ در واشینگتن زندگی کردیم. ۳.قبل از اینکه امیل به ایالات متحده بیاید، به عنوان نجار کار کرد. ۴.با وجود این، از هنگام آمدن به اینجا، به عنوان فروشنده کار کرده است. ۵.معلم قبلی من میس کُو بود. من به مدت یک سال با او درس داشتم. ۶.معلم فعلی من آقای مینگ است. من به مدت شش ماه با او درس داشته ام. ۷.جوانیتا چاوز انگلیسی را به خوبی صحبت می کند برای اینکه او تمام عمرش را انگلیسی صحبت کرده است. ۸.ارل سراسر زندگی اش را سخت کار کرد. (او مرده است.) ۹.اریک سراسر زندگی اش را سخت کار کرده است. (او زنده اَست.) ۱۰.خانم پیت ماه گذشته نیو یورک را ترک کرد و از آن زمان به بعد در پیتسبورگ کار کرده است. ۱۱.گِیل، که حالا در کلاس چهارم است، به مدت دو سال انگلیسی خوانده است. ۱۲.من خودم از سال ۱۹۸۰ به طور مداوم انگلیسی خوانده ام. ۱۳.هنری، که حالا در بیمارستان است، چندین هفته در آنجا بوده است. ۱۴.هنگامی که لیندا را دیدم، حالش خوب نبود. ۱۵.ما این ماشین را دو سال قبل خریدیم و از آن زمان به بعد با آن ۵۰۰۰ مایل رانندگی کرده ایم. ۱۶.تا حالا من هرگز از غرب سِینت لوییس میسوری فراتر نرفته ام.



Present Perfect Continuous Tense(1

زمان حال کامل استمراری (۱)

الف. طریقه ساختن

فاعل + have/has + been + شکل ساده فعل + ing

صرف فعل کار کردن در زمان حال کامل استمراری	
I have been working	من در حال کار کردن بوده ام
you have been working	تو در حال کار کردن بوده ای
he has been working	او در حال کار کردن بوده است
she has been working	او در حال کار کردن بوده است
it has been working	این (آن) در حال کار کردن بوده است
we have been working	ما در حال کار کردن بوده ایم
you have been working	شما در حال کار کردن بوده اید
they have been working	آنها در حال کار کردن بوده اند

ب. کاربرد

این زمان برای توصیف عملی به کار می رود که از گذشته شروع شده و تاکنون ادامه داشته است.

گاهی اوقات از زمان حال کامل به جای حال کامل استمراری استفاده می کنیم.در این صورت باید توجه داشته باشیم که زمان حال کامل استمراری بیشتر به تداوم و طول مدت عمل تاکید دارد.

They have lived here for five years.
They have been living here for five years.

آنها برای ۵ سال در اینجا زندگی کرده اند.
آنها به مدت ۵ سال در حال زندگی کردن دراینجا بوده اند. (این جمله بر طول مدت زندگی کردن تاکید دارد.)

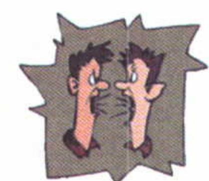
Practice (1)

Change these present perfect tense verbs from the simple to the continuous form. **جملات را از حال کامل ساده به حال کامل استمراری تبدیل کنید.**

1. He has worked in that firm for many years.
   (He has been working in that firm for many years.)

۱.او سال های زیادی را در آن شرکت کار کرده است.
(او سال های زیادی را در آن شرکت مشغول کار کردن بوده است.)

2. They have talked for more than an hour.
3. I have traveled all over Europe.
4. He has slept for more than ten hours.
5. It has rained all day long.
6. He has studied English for many years.
7. We have used this textbook since January.
8. She has taught English for ten years.
9. They have lived in Dallas since 1978.
10. The two nations have quarreled for many years.
11. She has taken good care of her pets.
12. They have looked everywhere for the thief.
13. He has done very little work recently.
14. Lynn has worked very hard recently.
15. You have argued about that for more than an hour.



You have been arguing about that for more than an hour.

۲.آنها بیش از یک ساعت گفتگو کرده اند. ۳.من سراسر اروپا را سفر کرده ام. ۴.او بیش از ده ساعت خوابیده است. ۵.تمام طول روز باران باریده است. ۶.او سالهای زیادی انگلیسی خوانده است. ۷.ما از ماه ژانویه از این کتاب درسی استفاده کرده ایم. ۸.او برای ده سال انگلیسی تدریس کرده است. ۹.آنها از سال ۱۹۷۸ در دالاس زندگی کرده اند. ۱۰.دو ملت سال های زیادی باهم نزاع داشته اند. ۱۱.او از حیوانات خانگی خود به خوبی مواظبت کرده است. ۱۲.آنها همه جا را به دنبال دزد گشته اند. ۱۳.او اخیرا خیلی کم کار کرده است. ۱۴.لین اخیرا خیلی سخت کار کرده است. ۱۵.تو بیش از یک ساعت در آن باره بحث کرده ای.

Perfect Tenses (2)

منفی و سوالی زمان های حال کامل و حال کامل استمراری

برای منفی کردن زمان های حال کامل و حال کامل استمراری بعد از have یا has، not اضافه می کنیم. در مکالمات ازشکل کوتاه شده haven't و hasn't استفاده می شود.

They have not (haven't) returned home.
She has not (hasn't) been living in London.

آنها به خانه باز نگشته اند. (حال کامل)
او در لندن زندگی نکرده است. (حال کامل استمراری)

برای سوالی کردن have یا has قبل از فاعل آورده می شود.

Have you worked here for a long time?
Has she been studying English since last year?

آیا شما برای مدت طولانی در اینجا کار کرده اید؟ (حال کامل)
آیا او از پارسال در حال خواندن انگلیسی بوده است؟ (حال کامل استمراری)



Practice (2)

Change the following sentences from affirmative to negative. Use both the full form and the contracted form.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید. از هر دو شکل کامل و فشرده استفاده کنید.

1. You have worked very hard at your job.
   (You have not worked very hard at your job.
   You haven't worked very hard at your job.)

   تو در محل کارت خیلی سخت کار کرده ای. (تو در محل کارت خیلی سخت کار نکرده ای.)
2. She has been teaching there many years.
3. It has been snowing.
4. I have spoken to Ms. Wolf about it.
5. You have been studying English.
6. He has been the best student in the class.
7. She has been taking music lessons.
8. We have been discussing the matter all day long.
9. She has been sick since Wednesday.
10. They have returned home.
11. He has known her a long time.
12. Joel has found his fountain pen.
13. You have been absent from class all week.
14. He has told her all about it.
15. Mr. Garvin has left for San Francisco.
16. They have been having trouble with their new car.
17. He has been feeling well recently.
18. They have been married a long time.



They have been married a long time.

۲.او سالهای زیادی در آنجا مشغول تدریس کردن بوده است. ۳.برف در حال باریدن بوده است. ۴.من در این مورد با خانم ولف صحبت کرده ام. ۵.تو در حال مطالعه انگلیسی بوده ای. ۶.او بهترین شاگرد در کلاس بوده است. ۷.او در حال فراگیری درس موسیقی بوده است. ۸.ما تمام طول روز در حال بحث کردن در باره موضوع بوده ایم. ۹.او از چهارشنبه بیمار بوده است. ۱۰.آنها به خانه بازگشته اند. ۱۱.او مدت زمانی طولانی با او آشنائی داشته است. ۱۲.جوئل خودنویسش را پیدا کرده است. ۱۳.تو سراسر هفته را در کلاس حضور نداشته ای. ۱۴.او همه چیز را در این باره به او گفته است. ۱۵.آقای گاروین عازم سن فرانسیسکو شده است. ۱۶.آنها با ماشین جدیدشان مشکل داشته اند. ۱۷.او اخیرا حالش خوب بوده است. ۱۸.آنها مدت زمان طولانی است که ازدواج کرده اند.

Perfect Tenses (3)

سوالی کردن جملات با how long در زمان حال کامل استمراری

How long + have/ has + فاعل + been + شکل ساده فعل + ing

How long have you been waiting for me? تو چه مدتی منتظر من بوده ای؟

توجه: در سوالی با how long طول زمان مورد پرسش قرار می گیرد. در نتیجه در جمله سوالی پائین for ten years را که اشاره به طول زمان دارد حذف می کنیم.

I have been staying in Italy for ten years.
من به مدت ده سال در ایتالیا اقامت داشته ام.

How long have you been staying in Italy?
شما چه مدتی در ایتالیا اقامت داشته اید؟



Practice (3)

Change the following sentences to questions beginning with *How long.*
جملات را با استفاده از how long سوالی کنید.

1. He has been working for that firm for ten years.
   (How long has he been working for that firm?)
   ۱.او به مدت ده سال برای آن شرکت کار کرده است.
   (او چه مدتی مشغول کار کردن برای آن شرکت بوده است؟)
2. They have been married for five years.
3. They have been living in that same house for twenty years.
4. He has been absent from class for two weeks.
5. She has been studying English since June.
6. They have been arguing for more than an hour.
7. They have been friends for years.
8. She has been teaching English ever since he graduated from college.
9. It has been raining like this for an hour.
10. She has been a citizen since January.
11. He has been attending that school for four years.
12. They have occupied that same apartment for ten years.

How long has she been teaching English?

۲.آنها پنج سال است که ازدواج کرده اند. ۳.آنها به مدت بیست سال در همان خانه زندگی کرده اند. ۴.او به مدت دو هفته در کلاس حضور نداشته است. ۵.او از ماه جون انگلیسی مطالعه می کرده است. ۶.آنها بیش از یک ساعت در حال بحث کردن بوده اند. ۷.آنها سال ها با هم دوست بوده اند. ۸.او از زمانی که از دانشکده فارغ التحصیل شد انگلیسی تدریس می کرده است. ۹.به مدت یک ساعت همینطور باران باریده است. ۱۰.او از ماه ژانویه تبعه بوده است. ۱۱.او چهار سال است که وارد آن مدرسه شده است. ۱۲.آنها به مدت ده سال در همان آپارتمان ساکن بوده اند.

Perfect Tenses (4)

کاربرد since و for

for برای نشان دادن طول مدت زمان است.

He has worked here for six months. او به مدت ۶ ماه در اینجا کار کرده است.

since نشان دهنده مبداء زمان است.

He has worked here since January. او از ژانویه در اینجا کار کرده است.



ractice (4)

Change these sentences to introduce *since* in place of *for*. Then make whatever other changes are necessary.

به جای for از since استفاده کنید. سپس هرگونه تغییر لازم را انجام دهید.

1. She has been sick for three days.
   (She has been sick since Wednesday.)
   ۱.او به مدت سه روز بیمار بوده است. (او از چهارشنبه بیمار بوده است.)
2. We have been living here for three years.
3. Sue has worked for that firm for six months.
4. I have not seen him for several days.
5. I have not eaten anything for two days.
6. We have been planning this trip for a year.
7. It has been raining steadily for eight hours.
8. I have not smoked a cigarette for two days.
9. We have been waiting for you for two hours.
10. He has been in the hospital for almost a month.



We have been waiting for you for two hours.

۲.ما به مدت سه سال در اینجا زندگی کرده‌ایم. ۳.سو به مدت شش ماه برای آن شرکت کار کرده است. ۴.من چندین روز است که او را ندیده‌ام. ۵.من به مدت دو روز چیزی نخورده‌ام. ۶.ما به مدت یک سال برای این سفر برنامه ریزی کرده‌ایم. ۷.باران هشت ساعت یکریز در حال باریدن بوده است. ۸.من دو روز سیگار نکشیده‌ام. ۹.ما برای دو ساعت منتظر شما بوده‌ایم. ۱۰.او تقریبا یک ماه در بیمارستان بوده است.

Practice (5)

Change these sentences to introduce *for* instead of *since*. Then make whatever other changes are necessary.

به جای since از for استفاده کنید. سپس هرگونه تغییر لازم را انجام دهید.

1. He has been absent since Monday.
   (He has been absent for three days.)

۱.او از دوشنبه غایب بوده است. (او به مدت سه روز غایب بوده است.)

2. We haven't seen them since February.
3. We have lived in the same house since 1980.
4. They have been friends since high school.
5. It has been snowing steadily since last night.
6. They have been living with her parents since they were married.
7. He has worked for that firm since 1981.
8. I have not seen her since last week.
9. The dog hasn't eaten anything since Wednesday.
10. They haven't sent him any money since last summer.

It has been snowing steadily since last night.



۲.ما از ماه فوریه آنها را ندیده ایم. ۳.ما از سال ۱۹۸۰ در همان خانه زندگی کرده ایم. ۴.آنها از زمان دبیرستان با هم دوست بوده اند. ۵.از دیشب یکریز برف باریده است. ۶.آنها از وقتی که ازدواج کردند با والدین او زندگی کرده اند. ۷.او از سال ۱۹۸۱ در آن شرکت کار کرده است. ۸.من او را از هفته گذشته ندیده ام. ۹.سگ از چهارشنبه چیزی نخورده است. ۱۰.آنها از تابستان گذشته برای او هیچ پولی نفرستاده اند.

Perfect Tenses (5)

کاربرد yet و already

yet به معنی تاکنون یا هنوز، در جملات منفی و سوالی به کار می رود.

yet در آخر جمله استفاده می گردد.

John hasn't called yet. — جان هنوز زنگ نزده.
Has John called yet? — آیا جان تا حالا زنگ زده؟

already به معنی تاحالا یا قبلا ، درجملات مثبت و سوالی استفاده می شود.

already بین فعل کمکی و فعل اصلی و همچنین در آخر جمله به کار برده می شود.

They have already left. — آنها تا حالا رفته اند.
Have they already left? — آیا آنها تا حالا رفته اند؟
Have you fiunished your work already? — آیا تو قبلا کارت را تمام کرده ای؟



Practice (6)

Complete the following sentences with *yet* or *already* as required by meaning.

با توجه به مفهوم جملات زیر، آنها را با yet یا already کامل کنید.

1. Martha hasn't called us ....
   (Martha hasn't called us yet.)
2. They have .... mailed the check.
3. Is it time for us to leave .... ? No, not ....
4. Sal has .... bought the tickets for the game.
5. We have .... signed the contract.
6. We have .... been to Mexico three times.
7. But you haven't visited Taxco ....
8. Has Jim gotten his new car .... ?
9. Has the class begun .... ? No, not ....
10. Have the police found the thief .... ?
11. They haven't even started to look for him ....
12. The plane has .... left the airport.

The plane has already left the airport.

۱.مارتا هنوز به ما زنگ نزده است. ۲.آنها قبلا چک را پست کرده اند. ۳.آیا تا حالا زمان رفتن ما فرا رسیده است؟ نه، هنوز نه. ۴.سَل قبلا بلیط های بازی را خریده است. ۵.ما قبلا قرارداد را امضاء کرده ایم. ۶.ما تا حالا سه بار به مکزیکو رفته ایم. ۷.اما شما هنوز از تَکسکو دیدن نکرده اید. ۸.آیا جیم تا حالا ماشین جدیدش را گرفته است؟ ۹.آیا کلاس تا کنون شروع شده است؟ نه، هنوز نه. ۱۰. آیا پلیس تا حالا سارق را پیدا کرده است؟ ۱۱.آنها هنوز حتی جستجو برای پیدا کردن او را آغاز نکرده اند. ۱۲.هواپیما تا کنون فرودگاه را ترک کرده است.



Practice (7)

Give a negative answer with *yet* to the following questions.

با استفاده از yet به سوالات زیر پاسخ منفی دهید.

1. Has Mel left yet?
   (No, Mel hasn't left yet.)
2. Has the mail arrived yet?
3. Have you finished your homework yet?
4. Has Mr. Dole returned from lunch yet?
5. Have you paid that bill yet?
6. Has the class begun yet?
7. Has George found a job yet?
8. Has the boat sailed yet?
9. Have you bought the tickets for the game yet?
10. Have you ridden in Pam's new car yet?

۱.آیا مِل تا کنون رفته است؟
(نه، مل هنوز نرفته است.)



Have you ridden in Pam's new car yet?

۲.آیا محموله پستی تا کنون رسیده است؟ ۳.آیا تو تا حالا تکالیف را تمام کرده ای؟ ۴.آیا آقای دُول تا حالا از ناهار برگشته است؟ ۵.آیا تو تا حالا آن صورت حساب را پرداخت کرده ای؟ ۶.آیا کلاس تا کنون شروع شده است؟ ۷.آیا جورج تا کنون کاری پیدا کرده است؟ ۸.آیا قایق تا حالا حرکت کرده است؟ ۹.آیا تو تا حالا بلیت های بازی را خریده ای؟ ۱۰.آیا تو تا بحال سوار ماشین جدید پَم شده ای؟

Practice (8)

Give an affirmative answer with already to the questions in Exercise 7.

با استفاده از already به سوالات تمرین ۷ پاسخ مثبت دهید.

1. Has Mel left yet?
(Yes, Mel has already left.)

۱.آیا مِل تا حالا رفته است؟
(بله، مِل تا حالا رفته است.)



Say & Tell

کاربرد say و tell

say معمولا بدون مفعول به کار می رود.

Mary said that she was very busy.
مری گفت که سرش خیلی شلوغ بود.

ولی در صورتیکه بخواهیم با say مفعول بیاوریم، باید بعد از آن از to استفاده کنیم.

Mary said to me, "I am very busy."
مری به من گفت: من سرم خیلی شلوغ است.

tell حتما باید با مفعول به کار رود و بدون مفعول استفاده نمی شود.

Mary told me that she was very busy.
مری به من گفت که سرش خیلی شلوغ بود.

چند اصطلاح با tell

to tell a lie	دروغ گفتن	to tell the truth	گفتن حقیقت
to tell a story	قصه گفتن	to tell about something	راجع به چیزی توضیح دادن
to tell time	گفتن ساعت	to tell a secret	رازی را فاش کردن

Vocabulary

exhausting	ɪg'zɔ:stɪŋ	ایگزاستینگ	خسته کننده
punish	'pʌnɪʃ	پانیش	تنبیه کردن
severely	sɪ'vi:əli	سی وِیلی	شدیدا
alike	ə'laɪk	الایک	شبیه
look alike	lʊk ə'laɪk	لُک الایک	شبیه بودن
tell apart	tel ə'pa:t	تِل اِپا(ر)ت	تشخیص دادن
picturesque	pɪktʃə'resk	پیکچِرِسک	جذاب، جالب
in ink	ɪn 'ɪnk	این اینک	با خودنویس
satisfied	'sætɪsfaɪd	سَتیس فاید	راضی

Practice (1)

Supply the correct form of *say* or *tell* in these sentences.

در جملات زیر شکل درست say یا tell را به کار برید.

1. Carol .... that she was going to Saratoga for the weekend.
   (Carol said that she was going to Saratoga for the weekend.)
   ۱.کارول گفت که برای تعطیلی آخر هفته به ساراتوگا می رود.
2. Carol .... me that she was going to Saratoga for the weekend.
3. I .... my boss (that) I could not finish my work in time.
4. Paul .... me all about his trip. He .... (that) it was exhausting.
5. Please .... me about the movie which you saw last night.
   Ruth .... (that) she liked it very much.
6. Grace .... to me, "I will never speak to him again."
7. I .... William (that) I could not go to the movies with him.
8. The boy .... his mother a lie, and she punished him severely.
   I believe he will always .... the truth in the future.
9. The teacher .... us (that) she was too busy to see us after class.
10. These twin brothers look so much alike (that) I cannot .... them apart.
11. Mr. and Mrs. Sula .... us all about their recent trip to Japan.
    They .... (that) Japan was a very interesting and picturesque country.
12. William .... to me, "Is it necessary to write all my exercises in ink?"
13. .... me just what you .... yesterday about your vacation plans.
    He .... (that) he wanted to go with you.
14. James always .... the truth because his parents have trained him never to .... a lie.
15. Chan .... (that) she was too tired to go to the park with us.
16. The teacher .... the class (that) she was not satisfied with their work.
17. My boss .... me (that) I could take my vacation in July.
18. Can you .... me how I can reach Pennsylvania Station?

۲.کارول به من گفت که برای تعطیلی آخر هفته به ساراتوگا می رود. ۳.من به رئیسم گفتم که نمی توانم کارم را به موقع تمام کنم. ۴.پُل همه چیز را درباره سفرش به من گفت. او گفت که مسافرتش خسته کننده بود. ۵.لطفا فیلمی که دیشب دیدی برام تعریف کن. روث گفت که از آن خیلی خوشش آمد. ۶.گریس به من گفت، من دوباره هرگز با او صحبت نمی کنم. ۷.من به ویلیام گفتم که نمی توانم با او به سینما بروم. ۸.پسر به مادرش دروغ گفت، و مادرش شدیدا او را تنبیه کرد. من معتقدم که او در آینده همواره حقیقت را خواهد گفت. ۹.معلم به ما گفت که آنقدر گرفتار است که نمی تواند بعد از کلاس ما را ببیند. ۱۰.این برادران دو قلو آنقدر شبیه هم هستند که من نمی توانم آنها را از یکدیگر تشخیص دهم. ۱۱.آقا و خانم سولا همه جریانات سفر اخیرشان به ژاپن را به ما گفتند. آنها گفتند که ژاپن کشوری بسیار زیبا و خوش منظره است. ۱۲.ویلیام به من گفت، آیا لازم است که همه تمریناتم را با خودنویس بنویسم؟ ۱۳.آنچه را که دیروز درباره برنامه های تعطیلاتت گفتی درست برایم بگو. او گفت که دلش می خواهد با تو برود. ۱۴.جیمز همیشه راست می گوید زیرا پدر و مادرش او را طوری تربیت کرده اند که هرگز دروغ نگوید. ۱۵.چان گفت که او به قدری خسته است که نمی تواند با ما به پارک برود. ۱۶.معلم به بچه های کلاس گفت که از کارشان راضی نیست. ۱۷.رئیسم به من گفت که می توانم تعطیلی ام را در ماه جولای داشته باشم. ۱۸.آیا می توانید به من بگوئید چگونه می توانم به ایستگاه پنسیلوانیا بروم؟



Practice (2)

Change these sentences to introduce *tell* in place of *say*. Then make whatever other changes are necessary.

به جای say از tell استفاده کنید. سپس تغییرات ضروری دیگر را ایجاد نمایید.

1. He said that he did not feel well.
   (He told me that he did not feel well.
2. Gene said that he could not attend the meeting.
3. She said that she had a bad headache.
4. Joseph said that he was too busy to see us.
5. George said that he didn't have enough money to buy the tickets.
6. I said that I was going to buy the tickets.
7. The student said that he didn't know the meaning of many words in the lesson.
8. The man said that there were plenty of seats available.

She said that she had a bad headache.

۱.او گفت که حالش خوب نیست. ۲.جین گفت که نمی تواند در جلسه شرکت کند. ۳.او گفت که سردرد ناجوری دارد. ۴.جوزف گفت که آنقدر گرفتار است که نمی تواند ما را ببیند. ۵.جورج گفت که پول کافی برای خرید بلیط ندارد. ۶.من گفتم که قصد دارم بلیط بخرم. ۷.دانش آموز گفت که معنی بسیاری از لغات درس را نمی داند. ۸.مرد گفت که تعداد زیادی صندلی خالی وجود دارد.



Practice (3)

Change these sentences to introduce *say* instead of *tell*. Then make whatever other changes are necessary.

به جای tell از say استفاده کنید. سپس تغییرات ضروری دیگر را ایجاد نمایید.

1. He told us that he was too tired to go out.
   (He said that he was too tired to go out.)
2. She told us that she knew how to speak French well.
3. I told him that I was too busy to see him.
4. We told him that there were many things worse than loss of hearing.
5. The teacher told us that she was not satisfied with our work.
6. The doctor told me that I must rest more.
7. He told me that he knew her well.
8. I told the boys that they should not make so much noise.

I told him that I was too busy to see him.

۱.او گفت که آنقدر خسته است که نمی تواند بیرون برود. ۲.او به ما گفت که بلد است فرانسه را به خوبی صحبت کند. ۳.من به او گفتم که آنقدر گرفتارم که نمی توانم او را ببینم. ۴.ما به او گفتیم که چیزهای بدتر از ناشنوایی وجود دارد. ۵.معلم به ما گفت که از کارمان راضی نیست. ۶.دکتر به من گفت که باید بیشتر استراحت کنم. ۷.او به من گفت که او را خوب می شناسد. ۸.من به پسرها گفتم که نباید زیاد سرو صدا کنند.



May

کاربرد May

may برای بیان اجازه ورود و خروج به کار می رود.

You may go in now. (you are permitted to enter.)

حالا شما اجازه دارید داخل شوید.

may اشاره به احتمال انجام کاری در آینده دارد.

He may leave tomorrow. (he hasn't decided yet.)

او ممکن است فردا حرکت کند. (هنوز تصمیم نگرفته است.)



Vocabulary

permit	pəˈmɪt	پِ(ر)مِت	اجازه داشتن یا اجازه دادن
introduce	ɪntrəˈduːs	اینترِدوس	معرفی کردن
possible	ˈpɒsəbl	پاسِبُل	ممکن
perhaps	pəˈhæps	پِ(ر)هَپس	شاید
possibly	ˈpɒsəbli	پاسِبلی	احتمالا
offer	ˈɒfə	آف(ر)	پیشنهاد دادن
instead of	ɪnˈsted ɒv	اینستِد آو	به جای
pass	pæs	پَس	قبول شدن



Practice (1)

Change each of these sentences to introduce *may*.

جملات را با استفاده از may تغییر دهید.

1. It is possible that he'll return later.
   (He may return later.)

   ۱.امکان دارد که او بعدا بر گردد.
   (او ممکن است بعدا بر گردد.)

2. Perhaps she'll help us with this work.
   (She may help us with this work.)

   ۱.شاید او در این کار به ما کمک کند.
   (او ممکن است در این کار به ما کمک کند.)

3. It is possible Len will be at the meeting tonight.
4. Perhaps Loretta will lend us the money.
5. Perhaps she will call you later.
6. Possibly Frank will offer to lend his car.
7. Possibly the weather will get warmer tomorrow.
8. It is possible that she is sick.
9. It is possible you will feel better later.
10. Perhaps it will not rain this afternoon.
11. It is possible that we will be late for the meeting.
12. Perhaps he will not want to go with us.
13. Possibly he will go by plane.
14. Perhaps they will go to South America instead of to Europe on their vacation.

He may go by plane.

۳.امکان دارد که لِن امشب در جلسه باشد. ۴.شاید لورتا به ما پول قرض بدهد. ۵.شاید او بعدا به تو زنگ بزند. ۶.احتمالا فرانک پیشنهاد قرض دادن ماشینش را خواهد داد. ۷.شاید فردا هوا گرم تر شود. ۸.احتمال دارد که او بیمار باشد. ۹.ممکن است بعدا حالت بهتر شود. ۱۰.شاید امروز بعد از ظهر باران نبارد. ۱۱.احتمالا ما برای جلسه دیر خواهیم کرد. ۱۲.شاید او نخواهد با ما برود. ۱۳.احتمال دارد او با هواپیما برود. ۱۴.شاید آنها برای تعطیلاتشان به جای رفتن به اروپا به آمریکای جنوبی بروند.



Practice (2)

Answer each of these questions using may. Also add *I'm not sure* at the end of your answer.

با استفاده از may به سوالات پاسخ دهید. در ضمن عبارت I'm not sure را به آخر پاسخ تان اضافه کنید.

1. Will Lois help us with the work?
   (She may help us with the work. I'm not sure.)
   ۱.آیا لویس در این کار کمکمان خواهد کرد؟ (ممکن است در کار به ما کمک کند. من مطمئن نیستم.)
2. Will Ian pass all his examinations?
3. Will David be back by noon?
4. Will May drive us to the beach?
5. Are you going to the movies tonight?
6. Are you going to Europe on your vacation?
7. Will Nell wait for us after the lesson?
8. Will you see Liz tomorrow?



She may wait for us after the lesson.

۲.آیا یان در همه امتحاناتش قبول خواهد شد؟ ۳.آیا دیوید تا ظهر بر می گردد؟ ۴.آیا مِی با ماشین ما را تا ساحل خواهد رساند؟ ۵.آیا امشب به سینما می روی؟ ۶.آیا برای تعطیلاتت به اروپا می روی؟ ۷.آیا نل بعد از درس منتظر ما خواهد ماند؟ ۸.آیا فردا لیز را خواهی دید؟



Past Perfect Tense

زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

الف. طریقه ساختن

قسمت سوم فعل+had + فاعل

She had gone.	او رفته بود.

صرف فعل do (انجام دادن) در زمان های حال کامل و گذشته کامل

زمان حال کامل		زمان گذشته کامل	
I have done	من انجام داده ام	I had done	من انجام داده بودم
you have done	تو انجام داده ای	you had done	تو انجام داده بودی
he has done	او انجام داده است	he had done	او انجام داده بود
we have done	ما انجام داده ایم	we had done	ما انجام داده بودیم
you have done	شما انجام داده اید	you had done	شما انجام داده بودید
they have done	آنها انجام داده اند	they had done	آنها انجام داده بودند

ب. کاربرد

این زمان بیانگر کاری است که قبل از عمل دیگری در گذشته ساده صورت گرفته است.

When I got home, my roommate had already cleaned the apartment.

زمانی که به خانه رسیدم، هم اطاقی من قبلا اتاق را تمیز کرده بود.

Vocabulary

capture	ˈkæptʃə	کَپچِ(ر)	گرفتن
previously	ˈprɪ:viəsli	پْری وِیسلی	قبلا
yard	jɑ:d	یا(ر)د	۳۶ سانتی متر
wrong	rɒŋ	رانگ	نادرست
road	rəʊd	رُود	جاده
correct	kəˈrekt	کِرِکت	تصحیح کردن

Practice

Supply the past perfect tense form of the verbs in parentheses.

شکل گذشته کامل افعال داخل پرانتز را به کار ببرید.

1. Fernando told us that he .... (look) everywhere for the book.
   (Fernando told us that he had looked everywhere for the book.)

   ۱.فرناندو به ما گفت که همه جا را برای کتاب گشته بود.
2. Carla .... (leave) by the time we arrived.
3. The police reported that they finally .... (capture) the thief.
4. I met them before I .... (go) a hundred yards.
5. I saw that we .... (take) the wrong road.
6. He knew that he .... (make) a serious mistake.
7. I felt that I .... (meet) the man somewhere before.
8. He asked me why I .... (leave) the party so early.
9. He wanted to know what .... (happen) to his briefcase.
10. Previously she .... (be) a very good student.
11. It was clear that he .... (give) us the wrong address.
12. The teacher corrected the exercises which I .... (prepare).
13. What did he say she .... (do) with the money?
14. He said he .... (have) his lunch.
15. I was sure that I .... (see) the man before.



The police reported that they finally had captured the thief.

۲.کارلا زمانی که ما وارد شدیم رفته بود. ۳.پلیس گزارش داد که سرانجام آنها سارق را دستگیر کرده بودند. ۴.من قبل از اینکه یک صد یارد بروم آنها را ملاقات کردم. ۵.من متوجه شدم که ما راه را اشتباهی رفته بودیم. ۶.او می دانست که مرتکب اشتباه بزرگی شده بود. ۷.من احساس کردم که مرد را قبلا در جایی دیده بودم. ۸.او از من سوال کرد که چرا اینقدر زود مهمانی را ترک کرده بودم. ۹.او می خواست بداند که چه اتفاقی برای چمدانش افتاده بود. ۱۰.او سابقا شاگرد خیلی خوبی بود. ۱۱.روشن بود که او آدرس اشتباهی به ما داده بود. ۱۲.معلم تمریناتی را که من انجام داده بودم تصحیح کرد. ۱۳. آیا او گفت که او با پولها چه کار کرده بود؟ ۱۴.او گفت ناهارش را خورده بود. ۱۵.من مطمئن بودم که مرد را قبلا دیده بودم.



As ... As

بیان تساوی قید یا صفت با استفاده از as.... as

الف. طریقه ساختن

as + قید یا صفت + as

Mary is as tall as James.	مری هم قد جِیمز است.
He is as old as I am.	او هم سن منَ است.
She works as rapidly as I.	اوبه سرعت من کار می کند.
He can run as fast as I can.	او می تواند به سرعت من بدود.

as tall as	هم قد	as regular as	به مرتبی
as large as	به بزرگی	as easy as	به آسانی
as wide as	هم عرض	as easily as	با آسانی که
as intelligent as	به باهوشی	as hard as	به سختی، با سختی
as early as	به زودی	as soon as	به محض اینکه
as beautiful as	به زیبائی	as cold as	به سردی
as quick as	به سرعت	as badly as	با بدی که
as quickly as	با سرعتی که	as often as	تا زمانی که، تا جائی که
as well as	به خوبی یا سلامت	as long as	به طول، تا زمانی که
as good as	به خوبی	as beautifully as	به زیبائی که
as careful as	به دقت	as regularly as	با مرتبی که
as carefully as	با دقتی که	as carelessly as	با بی دقتی که



Vocabulary

intelligent	ɪnˈtelɪdʒənt	این تِلی جِنْت	باهوش
play	pleɪ	پْلِی	نواختن
prepare	prɪˈpeə	پْری پِ(ر)	آماده کردن
homework	ˈhəʊmwə:k	هُوم وِ(ر)ک	تکلیف
attend	əˈtend	اِتِند	حاضر شدن
regular	ˈregju:lə	رِگ یولِ(ر)	مرتب
expect	ɪkˈspekt	ایکس پِکت	انتظار داشتن
pronunciation	prənʌnsiˈeɪʃn	پْرنان سی اِیشِن	تلفظ



Practice

Supply the phrase *as . . . as.* Also change all adjectives to their corresponding adverb forms where necessary.

از عبارت as ... as استفاده کنید. همچنین جائی که لازم است صفات را به قید تبدیل کنید.

1. Reggie is .... (tall) .... his brother.
   (Reggie is as tall as his brother.)
2. Our apartment is .... (large) .... yours.
3. This street is .... (wide) .... Broadway.
4. Stephen is not .... (intelligent) .... his sister.
5. I don't get up every morning .... (early) .... my parents.
6. She sings .... (beautiful) .... she plays.
7. We came .... (quick) .... we could.
8. We drove there .... (fast) .... we could.
9. He doesn't speak English .... (good) .... his sister.
10. Helen doesn't prepare her homework .... (careful) .... she should.
11. He doesn't attend class .... (regular) .... he should.
12. He didn't arrive .... (early) .... we expected.
13. Sharon can do the work .... (easy) .... I.
14. He doesn't work .... (hard) .... the other students.
15. I came .... (soon) .... possible.
16. I don't believe that it is .... (cold) today .... it was yesterday.
17. Her pronunciation is not .... (good) .... yours.
18. We visit them .... (often) .... we can.



I don't get up every morning as early as my parents.

۱.رجی هم قد برادرش است. ۲.آپارتمان ما به بزرگی آپارتمان شماست. ۳.این خیابان هم عرض برادوی است. ۴.استیفِن به باهوشی خواهرش نیست. ۵.من صبح ها مثل والدینم زود بیدار نمی شوم. ۶.او به همان زیبائی که می نوازد آواز می خواند. ۷.ما تا جائیکه می توانستیم با سرعت آمدیم. ۸.ما تا جاییکه می توانستیم با سرعت رانندگی کردیم. ۹.او به خوبی خواهرش انگلیسی صحبت نمی کند. ۱۰.هلن آن طور که باید تکالیفش را با دقت آماده نمی کند. ۱۱.او آن گونه که باید به طور مرتب در کلاس حاضر نمی شود. ۱۲.او آن طوری که ما انتظار داشتیم زود نرسید. ۱۳.شارون می تواند مثل من به راحتی کار را انجام دهد. ۱۴.او به اندازه دانش آموزان دیگر کار را با پشتکار انجام نمی دهد. ۱۵.من تا جایی که امکان داشت زود آمدم. ۱۶.من فکر نمی کنم که هوای امروز به سردی دیروز باشد. ۱۷.تلفظ او به خوبی تلفظ شما نیست. ۱۸.ما تا جاییکه بتوانیم از آنها دیدن می کنیم.



Sequence of Tenses

توالی زمان ها

اگر فعل اصلی جمله ای در زمان گذشته باشد، همه افعال وابسته به آن هم در گذشته خواهند بود.

فعل زمان حال	فاعل	فعل زمان حال	فاعل
فعل زمان گذشته	فاعل	فعل زمان گذشته	فاعل

حال — He says he will bring the money tomorrow.
او می گوید که فردا پول را خواهد آورد.

گذشته — He said he would bring the money tomorrow.
او گفت که می خواست فردا پول را بیاورد.

حال — I think I can come today.
من فکر می کنم امروز می توانم بیایم.

گذشته — I thought I could come today.
من فکر کردم امروز می توانستم بیایم.

به زمان گذشته این افعال کمکی(بی قاعده) توجه کنید.

حال	گذشته
will	would
can	could
may	might
have	had



Vocabulary

meteorologist	mi:tiə'rɒlədʒɪst	میتیِ رالِجیست	هواشناس
predict	prɪ'dɪkt	پْریدیکت	پیش بینی کردن
complain	kəm'pleɪn	کِمپلین	شکایت کردن
schedule	'skedʒu:l	سْکِجول	برنامه
on schedule	ɒn 'skedʒu:l	آن سْکِجول	طبق برنامه
occur	ə'kɜ:	اِکِ(ر)	اتفاق افتادن
certainly	'sɜ:tənli	سِتِنلی	مطمئنا
sufficient	sə'fɪʃənt	سِفیشِنت	کافی

 ractice (1)

Change each of the following sentences to past time.

جملات را به گذشته تبدیل کنید.

1. The newspaper says the President will arrive in the morning.
   (The newspaper said the President would arrive in the morning.)

   ۱.روزنامه می گوید که رئیس جمهور فردا صبح وارد خواهد شد.
   (روزنامه گفت که رئیس جمهور می خواست فردا صبح وارد شود.)
2. She says she cannot do this work.
3. She says her name is Smith.
4. I think I can finish this report by five o'clock.
5. The meteorologist predicts that it will rain tomorrow.
6. Mr. Wick says he is very busy.
7. She complains that she has a headache.
8. He thinks he may finish his work by two o'clock.
9. I do not think I can complete this report on schedule.
10. He promises that the error will not occur again.
11. He says the mail will certainly be here by noon.
12. The students think they are making sufficient progress.

Mr. Wick said he was very busy.

۲.او می گوید قادر نیست این کار را انجام دهد. ۳.او می گوید اسمش اسمیث است. ۴.من فکر می کنم بتوانم این گزارش را تا ساعت پنج تمام کنم. ۵.هواشناس پیش بینی می کند که فردا باران ببارد. ۶.آقای ویک می گوید که خیلی گرفتار است. ۷.او شکایت می کند که سر درد دارد. ۸.او فکر می کند که ممکن است کارش را تا ساعت دو تمام کند. ۹.من فکر نمی کنم بتوانم طبق برنامه این گزارش را تمام کنم. ۱۰.او قول می دهد که اشتباه دوباره رخ ندهد. ۱۱.او می گوید که پست حتما تا ظهر در اینجا خواهد بود. ۱۲.دانشجویان فکر می کنند دارند پیشرفت کافی می کنند.

 ractice (2)

Change the following sentences from the past tense to the present tense.

جملات را از گذشته به حال تبدیل کنید.

1. He said he would leave in the morning.
   (He says he will leave in the morning.)

   ۱.او گفت که می خواست فردا صبح حرکت کند.
   او می گوید که فردا صبح حرکت خواهد کرد.)
2. They thought they had found the thief, but they were mistaken.
3. He thought the mail would surely be here by noon.
4. The paper said it would rain today.
5. She said her name was Jones.
6. He said that he was too busy to come to class.

They thought they had found the thief.

۲.آنها فکر کردند که دزد را پیدا کرده بودند؛ اما اشتباه می کردند. ۳.او فکر می کرد که پست حتما تا ظهر در اینجا باشد. ۴.روزنامه گفت که امروز باران می بارد. ۵.او گفت که اسمش جونز است. ۶.او گفت آنقدر سرش شلوغ است که نمی تواند به کلاس بیاید.



Have to & Must (1)

کاربرد must و have to

هر دو ضرورت قوی را بیان می کنند. اما have to در مکالمات رایج تر است.

You must (have to) go home. — شما باید به خانه بروید.
Linda must (has to) work tonight. — لیندا باید امشب کار کند.



Vocabulary

at once	æt 'wʌns	اَت وانس	فورا
at last	æt 'læst	اَت لَست	بالاخره
at least	æt 'li:st	اَت لیست	حداقل
insure	ɪn 'ʃʊə	این شُ‌اِ(ر)	بیمه کردن
package	'pækɪdʒ	پَکیج	بسته پستی
receipt	rɪ 'si:t	ریسیت	رسید
pay	peɪ	پِی	پرداختن
attention	ə 'tenʃən	اِتِنشِن	توجه
pay attention	peɪ ə 'tenʃən	پِی اِتِنشِن	توجه کردن
pronunciation	prənʌnsi 'eɪʃn	پرِنان سی ایشِن	تلفظ
way	weɪ	وِی	راه، روش



Practice (1)

Substitute *have to* for *must* in the following sentences.

در جملات زیر به جای must، have to را جایگزین کنید.

1. He must leave at once. — ۱.او باید فورا حرکت کند.
   (He has to leave at once.)
2. They must stay there at least an hour.
3. You must send it by airmail.
4. He must have more practice in conversation.
5. They must help her with that work.
6. You must speak to him about it today.
7. He must spend more time on his homework.

8. You must write them a letter.
9. We must leave before Helen gets here.
10. We must learn at least ten new words every day.
11. You must insure it.
12. I must take this package to the post office.
13. She must give you a receipt.
14. They must spend more time on their English.
15. You must pay more attention to pronunciation.
16. You must help her in every way possible.



She must give you a receipt.

۲.آنها باید حداقل یک ساعت در آنجا بمانند. ۳.شما باید آن را با پست هوایی بفرستید. ۴.او باید تمرین بیشتری در مکالمه داشته باشد. ۵.آنها باید در آن کار به او کمک کنند. ۶.شما باید امروز در این باره با او صحبت کنید. ۷.او باید برای تکالیفش وقت بیشتری صرف کند. ۸.شما باید یک نامه به آنها بنویسید. ۹. قبل از اینکه هلن برسد ما باید اینجا را ترک کنیم. ۱۰.ما هر روز باید حداقل ده لغت جدید یاد بگیریم. ۱۱.شما باید این را بیمه کنید. ۱۲.من باید این بسته را به اداره پست ببرم. ۱۳. او باید به شما رسید بدهد. ۱۴.آنها باید وقت بیشتری را برای انگلیسی شان صرف کنند. ۱۵.شما باید توجه بیشتری به تلفظ داشته باشید. ۱۶.شما باید تا حد امکان به او کمک کنید.

Have to, Must (2)

کاربرد have to و must (زمان های حال ساده، گذشته، آینده و حال کامل)

must شکل گذشته، آینده و حال کامل ندارد. در عوض از **have to** استفاده می شود.

حال ساده	I **have to** work tonight. He **has to** work tonight.	من امشب باید کار کنم. او امشب باید کار کند.
گذشته ساده	I **had to** work last night.	من دیشب باید کار می کردم.
آینده ساده	I **will have to** work tomorrow.	من فردا باید کار کنم.
حال کامل	I **have had to** work every night this week. من این هفته هر شب مجبور بوده ام کار کنم. He **has had to** work every night this week. او این هفته هر شب مجبور بوده است کار کند.	

Practice (2)

Change *have to* to the past tense in these sentences.

در این جملات have to را به شکل گذشته آن تبدیل کنید.

1. He has to get up early.
   (He had to get up early.)

۱.او باید زود بیدار شود.
(او باید زود بیدار می شد.)

2. She has to have more money.
3. Boris has to have an interpreter with him at all times.
4. Everyone has to work overtime.
5. He has to learn English quickly.
6. I have to go to the post office.
7. She has to return later.
8. He has to see the doctor a second time.
9. We have to lend him some money.
10. You have to spend more time on your homework.
11. They have to leave for New York immediately.
12. We have to stay there all summer.
13. You have to send it by air express.
14. He has to give me a receipt.

You had to send it by air express.

۲.او باید پول بیشتری داشته باشد. ۳.بوریس باید تمام وقت یک مترجم با خودش داشته باشد. ۴.همه باید اضافه کار کنند. ۵.او باید سریعا انگلیسی یاد بگیرد. ۶.من باید به اداره پست بروم. ۷.او باید بعدا برگردد. ۸.او باید برای بار دوم به دکتر مراجعه کند. ۹.ما باید مقداری پول به او قرض بدهیم. ۱۰.شما باید وقت بیشتری را صرف تکلیف تان کنید. ۱۱.آنها باید فورا عازم نیویورک شوند. ۱۲.ما باید تمام تابستان را درآنجا بمانیم. ۱۳.تو باید این را با پست هوایی اکسپرس (فوری) ارسال کنی. ۱۴.او باید به من رسید بدهد.



ractice (3)

Change *have to* in the sentences in Exercise 2 to the future tense. Add any words which may be necessary to complete the meaning.

جملات تمرین ۲ را با have to به زمان آینده تبدیل کنید. برای کامل کردن معنی آنها از هر کلمه ای که ممکن است لازم شود استفاده کنید.

1. He has to get up early.
   (He'll have to get up early if he wants to be there on time.)

۱.او باید زود بیدار شود. (اگر او می خواهد به موقع آنجا باشد مجبور خواهد بود زود بیدار شود.)

Have to, Must (3)

کاربرد have to و must (زمان های حال ساده، گذشته، آینده و حال کامل)

شکل های منفی و سوالی

شکل منفی

حال ساده	I don't have to work tonight. He doesn't have to work tonight.	من امشب نباید کار کنم. او امشب نباید کار کند.
گذشته ساده	I didn't have to work last night.	من دیشب نباید کار می کردم.
آینده ساده	I will not (won't) have to work tomorrow.	من فردا نباید کار کنم.
حال کامل	I haven't had to work every night this week. He hasn't had to work every night this week.	من این هفته هر شب مجبور نبوده ام کار کنم. او این هفته هر شب مجبور نبوده است کار کند.

شکل سوالی

حال ساده	Do I have to work tonight? Does he have to work tonight?	آیا من امشب باید کار کنم؟ آیا او امشب باید کار کند؟
گذشته ساده	Did I have to work last night?	آیا من دیشب باید کار می کردم؟
آینده ساده	Will I have to work tomorrow?	آیا من فردا باید کار کنم؟
حال کامل	Have I had to work every night this week? Has he had to work every night this week?	آیا من این هفته هر شب مجبور بوده ام کار کنم؟ آیا او این هفته هر شب مجبور بوده است کار کند؟



ractice (4)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات زیر را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. The nurse had to work in the Recovery Room.
   (The nurse didn't have to work in the Recovery Room.)
   ۱.پرستار باید در اطاق ریکاوری کار می کرد. (پرستار نباید در اطاق ریکاوری کار می کرد.)
2. They'll have to buy their tickets early.
3. I have to cash this check today.
4. He had to pay the doctor before leaving the office.
5. They had to go by train.
6. She has to take a make-up examination.
7. He has to write many business letters.
8. We'll have to take an earlier flight.
9. They had to wait a long time for an answer to their letter.
10. They have to learn many new words every day.
11. I have to go to the dentist again next week.
12. I had to wait in his office a long time.
13. He has to get up at six o'clock every morning.
14. They had to telephone him long distance.
15. I'll have to lend him money for the trip.
16. She has to help him with his homework every day.

I didn't have to wait in his office a long time.

۲.آنها مجبور خواهند بود بلیط هایشان را زود بخرند. ۳.من باید امروز این چک را نقد کنم. ۴.او باید قبل از ترک مطب ویزیت دکتر را پرداخت می کرد. ۵.آنها باید با قطار می رفتند. ۶.او باید امتحان جبرانی بدهد. ۷.او باید تعداد زیادی نامه تجاری بنویسد. ۸.ما مجبور خواهیم بود پرواز زودتر را داشته باشیم. ۹.آنها باید برای پاسخ نامه شان مدت زمان طولانی منتظر می ماندند. ۱۰.آنها باید هر روز تعداد زیادی کلمات جدید یاد بگیرند. ۱۱.من باید هفته آینده دوباره به دندانپزشکی بروم. ۱۲.من باید مدت طولانی در دفترش منتظر می ماندم. ۱۳.او باید هر صبح در ساعت شش بیدار شود. ۱۴.آنها باید با تلفن راه دور با او تماس می گرفتند. ۱۵.من مجبور خواهم بود برای سفر به او پول قرض دهم. ۱۶.او باید هر روز در تکالیفش به او کمک کند.



ractice (5)

Change the sentences in Exercise 4 to questions.

جملات تمرین ۴ را سوالی کنید.

1. The nurse had to work in the Recovery Room.
   (Did the nurse have to work in the Recovery Room?)
   ۱.پرستار باید در اطاق ریکاوری کار می کرد. (آیا پرستار باید در اطاق ریکاوری کار می کرد؟)

Practice (6)

Change the following sentences to questions beginning with the question words in parentheses.

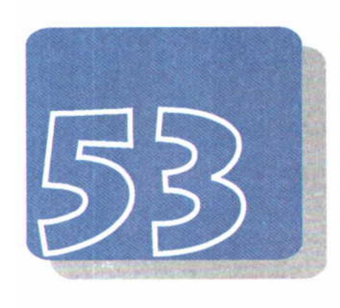
جملات زیر را با استفاده از کلمات پرسشی داخل پرانتز سوالی کنید.

1. He had to leave at six o'clock. (What time)
   (What time did he have to leave?)
   ۱.او باید در ساعت شش حرکت می کرد. (او باید در چه ساعتی حرکت می کرد؟)
2. They had to wait there for two hours. (How long)
3. The children had to stay indoors because it was raining. (Why)
4. They had to leave the party early because Jay was sick. (Why)
5. He has to go to Denver on Sunday. (When)
6. He will have to stay there for a month. (How long)
7. They had to pay $15 for their medicine. (How much)
8. I have to go to the dentist again next week. (When)
9. You will have to come back at five o'clock. (What time)
10. He has to go to the post office to buy some stamps. (Why)
11. Each student has to learn ten new words every day. (How many new words)
12. She has to go there twice a week. (How often)
13. They had to leave twenty dollars as a deposit. (How much)
14. He has to leave at three o'clock. (What time)
15. You have to sign your name at the bottom of the page. (Where)
16. Mary has to do all the housework now because her husband is ill. (Why)
17. I'll have to ask my parents for the money. (Whom)

When do you have to go to the dentist again?



۲.آنها باید به مدت دو ساعت در آنجا منتظر می ماندند. ۳.بچه ها باید در داخل می ماندند زیرا باران می آمد. ۴.آنها باید مهمانی را زود ترک می کردند زیرا جی بیمار بود. ۵.او باید روز یکشنبه به دنور برود. ۶.او مجبور خواهد بود یک ماه در آنجا بماند. ۷.آنها باید ۱۵ دلار برای داروهایشان پرداخت می کردند. ۸.من باید هفتهٔ دیگر دوباره به دندانپزشکی بروم. ۹.شما مجبور خواهید بود ساعت پنج برگردید. ۱۰.او باید برای خرید تعدادی تمبر به اداره پست برود. ۱۱.هر دانش آموز باید هر روز ده لغت جدید یاد بگیرد. ۱۲.او باید هفته ای دو بار به آنجا برود. ۱۳.آنها باید ۲۰ دلار به عنوان ودیعه می گذاشتند. ۱۴.او باید در ساعت سه حرکت کند. ۱۵.شما باید اسم تان را در پایین صفحه امضاء کنید. ۱۶.اکنون مری باید تمام کارهای خانه را انجام دهد زیرا شوهرش بیمار است. ۱۷.من مجبور خواهم بود از پدر و مادرم تقاضای پول کنم.



Preposition Review (1)

مرور حروف اضافه (۱)



حروف اضافه کلماتی هستند که نشان دهنده ارتباط بین اسم یا ضمیر با کلمات دیگر در یک جمله هستند.

on the desk — روی میز تحریر
into the room — به داخل اطاق
out of the window — به بیرون از پنجره
into his hand — در دستش
five miles from — در فاصله پنج مایلی
west of — در غربِ
change into — تبدیل کَردن (به)
on/ in a chair — در صندلی
at home — در خانه
in a restaurant — در یک رستوران
arrive in — وارد شدن به
at five o'clock — در ساعت پنج
from the station — از ایستگاه
on the radio — از رادیو
in Pittsburgh — در (شهر) پیتسبورگ
at the corner of — در نبش
in front of the building — در جلو ساختمان
beside me — کنارِ من
in a taxi — با یک تاکسی
jump over — پریدن از روی
under the table — زیرِ میز
across the floor — در کف زمین
walk to — رفتن به سمت
at the table — کنار میز

in his notebook — در دفترش
walk down — پیاده روی کردن
look at — نگاه کردن به
get on the bus — سوار اتوبوس شدن
go for a walk — برای پیاده روی رفتن
in the park — در پارک
in the afternoon — در بعد از ظهر
climb into — بالا رفتن برای رسیدن به داخل
through the window — از طریق (میان) پنجره



ractice (1)

Supply the correct prepositions for these sentences.

حروف اضافه مناسب را برای این جملات به کار برید.

1. She almost got run over when she walked in front .... a fast-moving car.
   (She almost got run over when she walked in front of a fast-moving car.)
2. The book is .... the desk.
3. He walked .... the room.
4. He looked .... the window.
5. I put the letter .... his hands.
6. The ship is now five miles .... the port.
7. The Rocky Mountains are west .... the Mississippi River.
8. Heat changes ice .... water.
9. Sit ....that chair.
10. Do you usually have dinner .... home or .... a restaurant?
11. He arrived .... Hawaii .... five o'clock.
12. Our office is six blocks .... the station.
13. I heard it .... the radio.
14. We stopped overnight .... Pittsburgh.
15. Wait for us .... the corner .... 36th Street.
16. I'll meet you .... front .... the building.
17. Shelly sat here .... me.
18. He arrived .... five o'clock .... a taxi.
19. The wind blew the paper .... the window.
20. The dog jumped .... the fence.
21. I saw him .... the corner .... Broadway and 42nd Street.
22. The ball rolled .... the table .... the floor.
23. He walked quickly .... the door.

The ship is now five miles from the port.

24. He sat down .... the table and began to write .... his notebook.
25. We walked .... the street and looked .... all the shop windows.
26. Every morning I get .... the bus .... 7:30 a.m.
27. Generally he goes .... a walk .... the park .... the afternoon.
28. The thief climbed .... the house .... an open window.

۱.زمانی که او از مقابل اتومبیلی رد می شد که سرعت بالائی داشت، نزدیک بود زیر ماشین برود. ۲.کتاب روی میز تحریراست. ۳.او به درون اطاق رفت. ۴.او بیرون از پنجره را نگاه کرد. ۵.من نامه را در دستش گذاشتم. ۶.کشتی حالا در پنج مایلی بندر است. ۷.کوه های راکی در غرب رود می سی سی پی قرار دارند. ۸.حرارت یخ را به آب تبدیل می کند. ۹.روی آن صندلی بنشین. ۱۰.آیا معمولا شام رادر خانه می خوری یا در رستوران؟ ۱۱.او در ساعت پنج وارد هوایی شد. ۱۲.دفتر کار ما شش بلوک از ایستگاه فاصله دارد. ۱۳.من این را از رادیو شنیدم. ۱۴.ما تمام شب را در پیتسبورگ توقف داشتیم. ۱۵.در نبش خیابان سی و ششم منتظر ما بمان. ۱۶.من تو را در جلوی ساختمان می بینم. ۱۷.شِلی اینجا کنار من نشست. ۱۸.او در ساعت پنج با تاکسی رسید. ۱۹.باد کاغذ را از پنجره بیرون انداخت. ۲۰.سگ از بالای حصار پرید. ۲۱.من او را در نبش برادوی و خیابان چهل و دوم دیدم. ۲۲.توپ در کف زمین زیر میز غلطید. ۲۳.او با سرعت به سوی در رفت. ۲۴.او کنار میز نشست و شروع به نوشتن در دفترش کرد. ۲۵.ما به طرف پایین خیابان رفتیم و به ویترین همه مغازه ها نگاه کردیم. ۲۶.من هر صبح در ساعت هفت و سی دقیقه سوار اتوبوس می شوم. ۲۷.او معمولا بعد از ظهر برای پیاده روی به پارک می رود. ۲۸.دزد از طریق یک پنجره باز بالا رفت و وارد خانه شد.

Preposition Review (2)

مرور حروف اضافه (۲)

for two hours	برای (به مدت) دو ساعت
by ten o'clock	تا ساعت ده
since yesterday	از دیروز
since 1871	از سال ۱۸۷۱
until three o'clock	تا ساعت سه
in Ivy's	از فروشگاه آیوی
at the same time	درهمان زمان
in time	به موقع
to the teacher	به معلم
in an hour	یک ساعته
at the end of	در پایانِ
day by day	روز به روز
from time to time	گاهگاهی
once in a while	گاهگاهی
nine to five	از نه تا پنج
during my absence	در مدت غیبتم
in five minutes	تا پنج دقیقه دیگر

in the afternoon	در بعد از ظهر
since last summer	از تابستان گذشته
in an hour	تا یک ساعت دیگر
for two years	به مدت دو سال

 ractice (2)

Supply the correct prepositions for the following sentences.

برای جملات زیر حروف اضافه مناسب را به کار برید.

1. I won't be back .... several hours. You should eat .... me.
   (I won't be back for several hours. You should eat without me.)
2. Everyone had finished dinner .... ten o'clock.
3. Will you lend me your pen .... a few minutes?
4. It has been raining steadily .... yesterday.
5. I have known Daphne .... many years.
6. France has been a republic .... 1871.
7. I will wait for him .... three o'clock.
8. The game lasted .... three hours.
9. Yesterday I bought a new tie .... Ivy's.
   .... the same time I bought a new shirt.
10. I did not finish my work .... time to show it .... the teacher.
11. I have been working on this .... an hour.
12. I get up .... seven o'clock every morning and go to bed .... twelve.
13. I told him I would be there .... an hour.
14. I am usually quite tired .... the end .... the day.
15. His health is improving day .... day.
16. I see him .... time .... time.
17. Once .... a while I walk .... work.
18. His office hours are nine .... five.
19. Did anyone call me .... my absence?
20. Al arrived .... seven o'clock sharp.
21. The train will leave .... five minutes.
22. He didn't arrive until late .... the afternoon.
23. I get up .... six o'clock and have my breakfast .... seven.
24. I have not been there .... last summer.
25. He will be back .... four o'clock.
26. I will be back .... an hour or two.
27. He has been studying English .... two years.

The train will leave in five minutes.

۱.من تا چند ساعت دیگر باز نخواهم گشت. تو باید بدون من غذا بخوری. ۲.همه تا ساعت ده شام را تمام کرده بودند. ۳.میشه خودکارتو چند دقیقه ای به من قرض بدی؟ ۴.از دیروز مدام باران باریده است. ۵.من دَفنه را سالهاست که می شناسم. ۶.فرانسه از سال ۱۸۷۱ جمهوری بوده است. ۷.من تا ساعت سه منتظر او خواهم ماند. ۸.بازی سه ساعت طول کشید. ۹.من دیروز از فروشگاه آبوی یک کراوات خریدم. در همان زمان یک پیراهن جدید خریدم. ۱۰.من کارم را به موقع تمام نکردم تا آن را به معلم نشان دهم. ۱۱.من به مدت یک ساعت در حال کار کردن روی آن بوده ام. ۱۲.من هر صبح ساعت هفت از خواب بیدار می شوم و ساعت دوازده می خوابم. ۱۳.من به او گفتم یک ساعته آنجا خواهم بود. ۱۴.من معمولا در پایان روز کاملا خسته هستم. ۱۵.سلامتی او روز به روز در حال بهبودی است. ۱۶.من گاه گاهی او را می بینم. ۱۷.من گاه گاهی پیاده سر کار می روم. ۱۸.ساعات کار اداری او از نه تا پنج است. ۱۹.آیا در مدت غیبتم کسی به من زنگ زد؟ ۲۰.آل سر ساعت هفت رسید. ۲۱.قطار تا پنج دقیقه دیگر حرکت می کند. ۲۲.او تا اواخر بعد از ظهر نرسید. ۲۳.من در ساعت شش بیدار می شوم و در ساعت هفت صبحانه ام را می خورم. ۲۴.من از تابستان گذشته در آنجا نبوده ام. ۲۵.او در ساعت چهار بازخواهد گشت. ۲۶.من تا یکی دو ساعت دیگر باز خواهم گشت. ۲۷.او به مدت دو سال انگلیسی خوانده است.

Preposition Review (3)

مرور حروف اضافه (۳)

by subway	با مترو
with pleasure	با کمال میل
in a low voice	با صدای آرام
at full speed	با سرعت زیاد
by bus/ by cab	با اتوبوس/با تاکسی
agree with	موافق بودن با
afraid of	ترسیدن از
in a hurry	عجله
fly over	پرواز کردن بر فراز
ask for a date	تقاضای قرار ملاقات کردن
by the day	روزانه
by the week	هفتگی
wrong with	خراب
in ink	با خودنویس
by the way	در ضمن
by mistake	اشتباها
fall in love with	عاشقِ ... شدن
come into sight	دیده شدن
turn on	روشن کردن
fond of	علاقمند شدن به
explain to	توضیح دادن به
out of order	خراب
exception to the rule	استثناء برای قاعده

difference **between**	تفاوت بین
absent **from**	غایب از
get **in** touch **with**	تماس گرفتن با
at first	در آغاز
in the shade **of**	در سایهِ
go **for** a swim	برای شنا رفتن



Complete the following sentences with the correct prepositions.

جملات زیر را با حروف اضافه مناسب کامل کنید.

1. I usually come to work .... subway.
   (I usually come to work by subway.)
2. I will do that .... pleasure.
3. He spoke .... a low voice.
4. The car was traveling .... full speed.
5. Shall we go .... bus or .... cab?
6. I am sorry, but I don't agree .... you.
7. She is afraid .... animals.
8. The messenger has just left a box of flowers .... you.
9. He was .... a hurry.
10. The plane flew directly .... our house.
11. He is going to ask Grace .... a date.
12. Some workers are paid .... the day, others .... the week.
13. There is something wrong .... this telephone.
14. Please write your exercises .... ink.
15. .... the way, have you seen Elvira lately?
16. I went there .... mistake.
17. Bill and Gina fell .... love .... each other.
18. Slowly the airplane came .... sight.
19. It is dark here. Please turn .... the light.
20. They are both very fond .... music.
21. There is not enough room .... all of us.
22. I explained .... him that the elevator was out .... order.
23. This is an exception .... the rule.
24. It will be impossible .... me to go .... you .... the theater.
25. There is a great difference .... that book and this one.
26. He has been absent .... class twice this week.

27. I will get .... touch .... you later this week.
28. .... first, I sat .... the shade .... a large tree, but later I went .... a swim .... the river.



I sat in the shade of a large tree.

۱.من معمولا با مترو سر کار می آیم. ۲.من با کمال میل آن کار را انجام خواهم داد. ۳.او با صدائی ملایم صحبت کرد. ۴.ماشین با آخرین سرعت حرکت می کرد. ۵.با اتوبوس برویم یا با تاکسی؟ ۶.متاسفم، اما من با شما موافق نیستم. ۷.او از حیوانات می ترسد. ۸.پیک همین الان یک جعبه گل برای شما آورده است. ۹.او عجله داشت. ۱۰.هواپیما مستقیما برفراز خانه ما پرواز کرد. ۱۱.او قصد دارد از گریس تقاضای ملاقات کند. ۱۲.دستمزد بعضی از کارگران روزانه و بعضی دیگر به صورت هفتگی پرداخت می شود. ۱۳.این تلفن یک اشکالی دارد. ۱۴.لطفا تمریناتت را با خودنویس بنویس. ۱۵.در ضمن، آیا اخیرا الویرا را دیده ای؟ ۱۶.من اشتباها به آنجا رفتم. ۱۷.بیل و جینا عاشق همدیگر شدند. ۱۸.هواپیما به آرامی نمایان شد. ۱۹.اینجا تاریک است. لطفا چراغ را روشن کن. ۲۰.هر دوی آنها خیلی به موسیقی علاقمندند. ۲۱.برای همه ما به اندازه کافی جا نیست. ۲۲.من به او توضیح دادم که آسانسور خراب بود. ۲۳.این یک استثنا بر قاعده است. ۲۴.برایم غیر ممکن خواهد بود که با تو به تئاتر بروم. ۲۵.تفاوت فاحشی بین آن کتاب و این کتاب وجود دارد. ۲۶.او این هفته دو بار در کلاس حاضر نبوده است. ۲۷.من این هفته بعدا با تو تماس خواهم گرفت. ۲۸. من اول در سایه یک درخت بزرگ نشستم، اما بعدا برای شنا به رودخانه رفتم.



Passive Voice (1)

فعل مجهول (۱)



در زبان انگلیسی معمولا از شکل معلوم فعل یعنی شکلی که فاعل آن مشخص و معین باشد استفاده می کنیم. اما در مواردی که فاعل جمله مشخص نباشد از شکل مجهول فعل استفاده می شود.

الف. طریقه ساختن

قسمت سوم فعل + فعل کمکی be + مفعول جمله معلوم

Tom sent an e-mail. (sent: فعل معلوم)
تام یک ئی-مِیل فرستاد. (فاعل تام است.)

An e-mail was sent. (was sent: فعل مجهول)
یک ئی-مِیل ارسال شد. (فاعل معلوم نیست.)

مقایسه شکل های معلوم و مجهول جملات در زمان های مختلف

	شکل معلوم	شکل مجهول
حال ساده	شکل ساده فعل + فاعل She sends a message. او یک پیام می فرستد.	... + am/ is/ are + قسمت سوم فعل A message is sent. (by her) پیامی ارسال می شود. (توسط او)
گذشته ساده	شکل گذشته فعل + فاعل She sent a message. او یک پیام فرستاد.	... + was/ were + قسمت سوم فعل A message was sent. (by her) پیامی ارسال شد. (توسط او)
آینده ساده	شکل ساده فعل + will + فاعل She will send a message. او یک پیام خواهد فرستاد.	... + will be + قسمت سوم فعل A message will be sent. پیامی ارسال خواهد شد.

حال کامل	فاعل + have/ has + قسمت سوم فعل She has sent a message. او یک پیام فرستاده است.	قسمت سوم فعل + have/ has been + ... A message has been sent. پیامی فرستاده شده است.
گذشته کامل	فاعل + had + قسمت سوم فعل She had sent a message. او یک پیام فرستاده بود.	قسمت سوم فعل + had been + ... A message had been sent. پیامی فرستاده شده بود.

ب. کاربرد شکل مجهول

۱. زمانی که بخواهیم به مفعول اهمیت بیشتری دهیم.

The picture was drawn by Peter.
عکس به وسیله پیتر کشیده شد. (نه توسط شخص دیگر)

۲. زمانی که فاعل را نمی شناسیم.

My wallet has been stolen.
کیف من دزدیده شده است. (دزد معلوم نیست.)

Vocabulary

passive	ˈpæsɪv	پَسیوْ	مجهول، منفعل
active	ˈæktɪv	اَکتیوْ	معلوم، فعال
destroy	dɪˈstrɔɪ	دیست رُی	نابود کردن
audience	ˈɔ:diəns	آدی یِنس	حضار، شنوندگان
capture	ˈkæptʃə	کَپ چِ(ر)	گرفتن، دستگیر کردن
attend	əˈtend	اِتِند	حاضر شدن در
lecture	ˈlektʃə	لِکچِ(ر)	سخنرانی
disappoint	dɪsəˈpɔɪnt	دیس اِپُینت	نا امید کردن
manage	ˈmænɪdʒ	مَنیج	اداره کردن
export	ˈekspɔ:t	اِکس پُ(ر)ت	صادرات
division	dɪˈvɪʒn	دی وی ژن	بخش
return	rɪˈtə:n	ریتِ(ر)ن	برگرداندن
entire	ɪnˈtaɪə	اینتایِ(ر)	تمام، کل
stolen	ˈstəʊlən	ستُولِن	دزدیده
purse	pə:s	پِ(ر)س	کیف پول
all over	ɔ:l ˈəʊvə	آل اُوِ(ر)	سراسر



Practice (1)

Change the following sentences from the active voice to the passive voice.
جملات زیر را از معلوم به مجهول تبدیل نمایید.

1. Wayne delivers the mail every day.
   (The mail is delivered by Wayne every day.)
   ۱.وِین هر روز محموله پستی را حمل می کند. (محموله پستی هر روز توسط وِین حمل می شود.)
2. Fire destroyed that house.
3. The audience enjoyed the concert very much.
4. Bob took that book from the desk.
5. Walter will eat the cake.
6. Beth has finished the report.
7. Ms. Duke will leave the tickets at the box office.
8. The messenger has Just left a box of flowers for you.
9. The police easily captured the thief.
10. Many people attended the lecture.
11. The movie disappointed us very much.
12. Mr. Jones manages the export division.
13. John returned the money last night.

The cake will be eaten by Walter.

۲.آتش آن خانه را نابود کرد. ۳.حضار از کنسرت خیلی لذت بردند. ۴.باب آن کتاب را از روی میز برداشت. ۵.والتر کیک را خواهد خورد. ۶.بث گزارش را تمام کرده است. ۷.خانم دیوک بلیط ها را در صندوق پست خواهد گذاشت. ۸.پیک همین حالا یک جعبه گل برایتان آورده است. ۹.پلیس به آسانی دزد را دستگیر کرد. ۱۰.مردم زیادی در سخنرانی شرکت کردند. ۱۱.فیلم خیلی نا امیدمان کرد. ۱۲.آقای جونز بخش صادرات را مدیریت می کند. ۱۳.جان شب گذشته پول را پس داد.



Practice (2)

Change the following sentences from the passive voice to the active voice.
جملات زیر را از مجهول به معلوم تبدیل نمایید.

1. That book was written by Andy Murphy.
   (Andy Murphy wrote that book.)
   ۱.آن کتاب توسط آَندی مورفی نوشته شد. (آَندی مورفی آن کتاب را نوشت.)
2. The entire city was destroyed by the fire.
3. The town was captured by the enemy.
4. The money has been stolen from my purse by someone.
5. The book was found by Mary.
6. The book has been returned by John.
7. The book is read by many people all over the world.
8. The mail is delivered by Paula.

The entire city was destroyed by the fire.



۲.تمام شهر به وسیله آتش نابود شد. ۳.شهر توسط دشمن تسخیر شد. ۴.پول توسط یک نفراز کیفم دزدیده شده است. ۵.کتاب توسط مری پیدا شد. ۶.کتاب توسط جان برگردانده شده است. ۷.کتاب توسط اشخاص زیادی در سراسر جهان خوانده می شود. ۸.محموله پستی توسط پائولا حمل می شود.

Vocabulary

economic	i:kəˈnɒmɪk	ایکِ نامِک	اقتصادی
crisis	ˈkraɪsɪs	کُرای سِس	بحران
follow	ˈfɒləʊ	فالُو	به دنبال آمدن
somebody	ˈsʌmbədi	سام بِدی	کسی
mad	mæd	مَد	دیوانه
bit	bɪt	بِت	گذشته bite گاز گرفتن
fog	fɒg	فاگ	مه
blow away	bləʊ əˈweɪ	بْلُو اِوِی	دور کردن
mid	mɪd	مِد	نیمه، نیم
choose	tʃu:z	چوز	انتخاب کردن
representative	reprɪˈzentətɪv	ری پری زِن تِتیو	نماینده
maid	meɪd	میِد	خدمتکار(زن)
line	laɪn	لاین	خط، در خط قرار گرفتن
event	ɪˈvent	ئی وِنت	اتفاق
immediately	ɪˈmi:dɪətli	ئی می دی اِتْلی	فورا
arrest	əˈrest	اِرِست	دستگیر کردن
suspect	ˈsʌspekt	ساسپِکت	مظنون
neighbor	ˈneɪbə	نِی بِ(ر)	همسایه
neighborhood	ˈneɪbəhʊd	نِی بِ(ر)هُد	همسایگی، محله
discover	dɪsˈkʌvə	دیس کاوِ(ر)	کشف کردن
rest	rest	رِست	استراحت
lightning	ˈlaɪtnɪŋ	لایت نینگ	صاعقه
struck	strʌk	سْتْراک	زدن، اصابت کردن (گذشته و اسم مفعول strike)

Practice (3)

Change the following sentences from active to passive.

جملات زیر را از معلوم به مجهول تبدیل نمایید.

1. The teacher corrects our exercises at home.
   (*Our exercises are corrected at home by the teacher.*)

۱.معلم تمرینات ما را در خانه تصحیح می کند.
(تمرینات ما توسط معلم در خانه تصحیح می شوند.)

2. They started a French class last week.
3. Mr. Smith saw the accident.
4. He left the report on the desk.
5. Everybody will see this film soon.
6. He has just finished the report.
7. An economic crisis followed the war.
8. Somebody has taken my book.
9. The teacher returned our written work to us.
10. Valerie buys books from that store.
11. She had finished the report by noon.
12. The mad dog bit the little boy.
13. The wind blows the fog away by midmorning.
14. The committee will choose you as its representative.
15. The maid broke the plate and the glass.
16. Tall telegraph poles lined the street.
17. The newspapers reported the event immediately.
18. We heard the sound of music.
19. The police have arrested five suspects.
20. The neighborhood children discovered our club.
21. The doctor ordered him to take a long rest.
22. Lightning struck the house.



The house was struck by the lightning.

۲.آنها هفته گذشته کلاس فرانسه را شروع کردند. ۳.آقای اسمیت تصادف را دید. ۴.او گزارش را روی میز جا گذاشت. ۵.همه این فیلم را به زودی خواهند دید. ۶.او همین الان گزارش را تمام کرده است. ۷.یک بحران اقتصادی در پی جنگ به وجود آمد. ۸.یک نفر کتاب مرا برده است. ۹.معلم کار کتبی ما را به ما برگرداند. ۱۰.والری از آن فروشگاه کتاب می خرد. ۱۱.او تا ظهر گزارش را تمام کرده بود. ۱۲.سگ دیوانه پسر کوچک را گاز گرفت. ۱۳.تا اواسط صبح باد مه را دور می کند. ۱۴.کمیته شما را به عنوان نماینده اش انتخاب خواهد کرد. ۱۵.خدمتکار بشقاب و لیوان را شکست. ۱۶.تیرهای بلند تلگراف در یک ردیف خیابان قرار داشتند. ۱۷.روزنامه ها آن رویداد را بلافاصله گزارش کردند. ۱۸.ما آوای موسیقی را شنیدیم. ۱۹.پلیس پنج مظنون را دستگیر کرده است. ۲۰.بچه های محل باشگاه ما را کشف کردند. ۲۱.دکتر به او سفارش کرد که استراحت طولانی داشته باشد. ۲۲.صاعقه به خانه اصابت کرد.

Passive Voice (2)

فعل مجهول (افعال مدال و استمراری)

۱.برای ساختن شکل مجهول جملاتی که دارای افعال مدال هستند، بعد از آنها be و سپس قسمت سوم فعل را می آوریم.

شکل معلوم	شکل مجهول
I have to finish this work. من باید این کار را تمام کنم.	This work has to be finished. این کار باید تمام شود.
She had to finish it on time. او باید این را به موقع تمام می کرد.	It had to be finished on time. این باید به موقع تمام می شد.
You can see it now. تو می توانی حالا این را ببینی.	It can be seen. این می تواند دیده شود.
He should type his term paper. او باید پروژه پایان ترمش را تایپ کند.	His term paper should be typed. پروژه پایان ترمش باید تایپ شود.
We ought to do the homework. ما باید تکلیف را انجام دهیم.	The homework ought to be done. تکلیف باید انجام شود.
They may see us here. آنها ممکن است ما را در اینجا ببینند.	We may be seen here. ما ممکن است در اینجا دیده شویم.
We could pay it in euro. ما می توانستیم این را به یورو پرداخت کنیم.	It could be paid in euro. این می توانست به یورو پرداخت شود.

۲.برای ساختن شکل مجهول جملاتی که در زمان های استمراری هستند، بعد از فعل کمکی (be)، being و سپس قسمت سوم فعل را می آوریم.

	شکل معلوم	شکل مجهول
حال استمراری	She is sending a message. او در حال ارسال یک پیام است.	A message is being sent. یک پیام در حال ارسال است.
گذشته استمراری	She was sending a message. او در حال ارسال یک پیام بود.	A message was being sent. یک پیام در حال ارسال بود.
آینده استمراری	She will be sending a message. او در حال ارسال یک پیام خواهد بود.	A message will be being sent. یک پیام در حال ارسال خواهد بود.
حال کامل استمراری	She has been sending a message. او درحال ارسال یک پیام بوده است.	A message has been being sent. یک پیام در حال ارسال بوده است.



Vocabulary

refrigerator	rɪˈfrɪdʒəreɪtə	ریفری جِری تِ(ر)	یخچال
hold	həʊld	هُلد	نگهداشتن، برگزار کردن
further	ˈfɜ:ðə	فِ(ر)ذِ(ر)	بیشتر
debate	dɪˈbeɪt	دی بیت	بحث کردن
question	ˈkwestʃən	کواسچِن	مسئله
questioning	ˈkwestʃənɪŋ	کواسچِنینگ	بازجوئی
water	ˈwɔ:tə	وات(ر)	آب دادن
plant	plænt	پِلَنت	گیاه
ship	ʃɪp	شِپ	با کشتی حمل کردن
warn	wɔ:n	وا(ر)ن	اخطار کردن
defend	dɪˈfend	دیفِند	دفاع کردن
bravely	ˈbreɪvli	بِریولی	شجاعانه
danger	ˈdeɪndʒə	دِینج(ر)	خطر
special	ˈspeʃəl	سْپِ شَل	ویژه
mission	ˈmɪʃn	مِشِن	ماموریت



Practice (4)

Change the following sentences from active to passive.

جملات زیر را از معلوم به مجهول تبدیل نمایید.

1. We may finish the leftovers in the refrigerator.
   (The leftovers may be finished.)

۱.ما ممکن است باقیمانده مواد غذائی داخل یخچال را تمام کنیم.
(باقیمانده مواد غذائی ممکن است تمام شوند.)

2. They should send it to us at once.
3. The mailman is delivering the mail now.
4. He has to finish it today.
5. The police are holding him for further questioning.
6. They may organize a new group next week.
7. You ought to send the package by airmail.
8. The citizens are defending the city bravely.
9. They cannot hold the meeting in that room.
10. They may deliver the merchandise while we are out.
11. He has to pay the bill before the first of the month.
12. He may pay the bill for us.
13. Congress is debating that question today.
14. For the time being, Karen is teaching that group.



The package should be insured.

15. You ought to water the plant once a week.
16. The company is shipping the merchandise today.
17. We must warn them of the danger.
18. They couldn't sell the house at that price.
19. They are sending my aunt to Europe on a special mission.
20. You should insure the package.

۲.آنها باید فورا این را برای ما بفرستند. ۳.پستچی حالا محموله را حمل می کند. ۴.او باید امروز تمامش کند. ۵.پلیس ها او را برای بازجویی بیشتر نگه می دارند. ۶.آنها ممکن است هفته آینده گروه جدیدی را سازماندهی کنند. ۷.شما باید بسته را با پست هوایی ارسال کنید. ۸.شهروندان با شجاعت از شهر دفاع می کنند. ۹.آنها نمی توانند در آن اطاق جلسه را برگزار کنند. ۱۰.آنها ممکن است زمانی که ما بیرون هستیم کالا ها را حمل کنند. ۱۱.او باید قبل از اول ماه صورتحساب را پرداخت کند. ۱۲.او ممکن است صورتحساب را برای ما پرداخت کند. ۱۳.کنگره امروز درباره آن مسئله بحث می کند. ۱۴.در حال حاضر، کارن به آن گروه درس می دهد. ۱۵.شما باید هفته ای یک بار به گیاه آب بدهید. ۱۶.شرکت امروز کالا را با کشتی حمل میکند. ۱۷.ما باید آنها را از خطر آگاه کنیم. ۱۸.آنها نتوانستند خانه را با آن قیمت بفروشند. ۱۹.آنها عمه ام را برای یک ماموریت ویژه به اروپا می فرستند. ۲۰.شما باید بسته را بیمه کنید.

Passive Voice (3)

فعل مجهول (منفی و سوالی)

برای ساختن شکل منفی جملات مجهول بعد از فعل کمکی not اضافه می کنیم.

The film was not directed by Steven Spielberg.
The bricks won't be delivered before Tuesday.

فیلم توسط استیون اسپیلبرگ کارگردانی نشد.
آجرها قبل از سه شنبه حمل نخواهند شد.

برای ساختن شکل سوالی جملات مجهول فعل کمکی را در اول جمله قبل از فاعل می آوریم.

Was the film directed by Steven Spielberg?
Will the bricks be delivered before Tuesday?

آیا فیلم توسط استیون اسپیلبرگ کارگردانی شد؟
آیا آجرها قبل از سه شنبه حمل خواهند شد؟



Vocabulary

publish	ˈpʌblɪʃ	پابلِش	منتشر کردن
caught	kɔ:t	کات	گذشته و قسمت سوم catch
arsonist	ˈɑ:sənɪst	آ(ر)سِنِست	کسی که عمدا ایجاد حریق کند
jewel	ˈdʒʊəl	جُ اِل	جواهر

cause	kɔ:z	کاز	ایجاد کردن
carelessness	'keələsnəs	ک(ر)لِس نِس	بی دقتی
purchase	'pə:tʃəs	پ(ر)چِس	خرید کردن
contract	'kɒntrækt	کانْتْرَکْت	قرارداد
injure	'ɪndʒə	اینج(ر)	صدمه دیدن
earthquake	'ə:θkweɪk	اِ(ر)ث کُوایک	زمین لرزه
operate	'ɒpəreɪt	آپِریت	عمل کردن
appendicitis	əpendɪ'saɪtɪs	اِپِن دی سای تیس	آپاندیس
safe	seɪf	سِیف	گاوصندوق
engineer	endʒɪ'ni:ə	اِنجی نی یِ(ر)	مهندس



Practice (5)

Change the following sentences from affirmative to negative. Use the full form and the contracted form.

جملات را از مثبت به منفی تبدیل کنید. از شکل کامل و کوتاه شده استفاده نمائید.

1. He was sent to Los Angeles.
   (He was not sent to Los Angeles. He wasn't sent to Los Angeles.)
   ۱.او به لُس آنجلس فرستاده شد. (او به لُس آنجلس فرستاده نشد.)
2. This must be finished today.
3. The letter has already been sent.
4. The book was published in 1982.
5. The class is taught by Ms. Bittleman.
6. The merchandise is being sent today.
7. The thief has been caught by the police.
8. The fire was started by an arsonist.
9. The chairs have been put in Room 10.
10. The jewels were stolen by one of the servants.
11. The book will be published in the spring.
12. The lecture was attended by many people.
13. The first prize was won by Harriet.
14. The accident was caused by Vance's carelessness.
15. Our exercises will be corrected each night.
16. The house was completely destroyed by the fire.
17. The tickets have been purchased.
18. The bridge was designed by a French architect.
19. The contract will be signed tomorrow.
20. The packages are delivered daily.
21. The cries of the child were heard by everyone.
22. The house was struck by lightning.



The bridge was designed by a French architect.

۲.این کار باید امروز تمام شود. ۳.نامه قبلا فرستاده شده است. ۴.کتاب در سال ۱۹۸۲ منتشر شد. ۵.تدریس در کلاس توسط خانم بیتلمن انجام می شود. ۶.کالا امروز در حال ارسال است. ۷.سارق توسط پلیس دستگیر شده است. ۸.حریق به وسیله یک خرابکار ایجاد شد. ۹.صندلی ها در اطاق شماره ۱۰ گذاشته شده اند. ۱۰.جواهرات توسط یکی از خدمتکاران ربوده شدند. ۱۱.کتاب در بهار چاپ خواهد شد. ۱۲.سخنرانی توسط اشخاص زیادی شنیده شد. ۱۳.جایزه اول به وسیله هَریت کسب شد. ۱۴.حادثه به علت بی توجهی وَنس به وجود آمد. ۱۵.تمرینات ما هر شب تصحیح خواهند شد. ۱۶.خانه به طَور کامل به وسیله حریق ویران شد. ۱۷.بلیط ها خریداری شده اند. ۱۸.پل توسط یک معمار فرانسوی طراحی شد. ۱۹.قرارداد فردا امضا خواهد شد. ۲۰.بسته ها روزانه حمل می شوند. ۲۱.فریادهای کودک توسط هر کسی شنیده شد. ۲۲.خانه مورد اصابت صاعقه قرار گرفت.



Practice (6)

Change the sentences in Exercise 5 to questions.

جملات تمرین ۵ را به سوالی تبدیل کنید.

1. He was sent to Los Angeles.
   (Was he sent to Los Angeles?)

۱.او به لس آنجلس فرستاده شد.
(آیا او به لس آنجلس فرستاده شد؟)



Practice (7)

Change the following sentences to questions beginning with the question word in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از کلمات پرسشی داخل پرانتز سوالی کنید.

1. The house was built in 1975. (When)
   (When was the house built?)
2. The building was destroyed by fire. (How)
3. The merchandise will be delivered next week. (When)
4. The money had been stolen by the workers. (By whom)
5. The child was finally found in the park. (Where)
6. He was injured in an airplane accident.
   (In what kind of accident)
7. The mail is delivered at ten o'clock. (What time)
8. The contract must be signed by Mr. Smith. (By whom)
9. The tickets will be left at the box office. (Where)
10. San Francisco was nearly destroyed by earthquake in 1906.
    (In what year)

۱.خانه در سال ۱۹۷۵ ساخته شد. (چه موقع)
(خانه چه موقع ساخته شد؟)



How was the building destroyed?

۲.ساختمان به وسیله حریق نابود شد. ۳.کالا هفته آینده حمل خواهد شد. ۴.پول توسط کارگران به سرقت رفته بود. (توسط چه کسانی) ۵.سرانجام کودک در پارک پیدا شد. ۶.او در یک سانحه هوائی زخمی شد. (در چه سانحه ای) ۷.محموله پستی در ساعت ده حمل می شود. ۸.قرارداد باید به وسیله آقای اسمیث امضا شود. ۹.بلیط ها در صندوق اداره گذاشته خواهند شد. ۱۰.سَن فرانسیسکو در سال ۱۹۰۶ به وسیله زلزله تقریبا نابود شد. (در چه سالی)



Supposed to

کاربرد supposed to

الف. طریقه ساختن

فاعل be supposed to شکل ساده فعل

He is supposed to arrive on time.

او قرار است به موقع وارد شود.

ب. کاربرد

supposed to پیش بینی و انتظار انجام کاری را در زمان های حال و گذشته نشان می دهد.

Ms. Garcia is supposed to be here.(Present)

خانم گارسیا قرار است اینجا باشد.(حال)

We were supposed to arrive last night, but we were delayed.(Past)

ما قرار بود دیشب وارد شویم، اما دیر کردیم.(گذشته)



Vocabulary

sail	seɪl	سیل	حرکت کردن در (دریا)
postpone	pəʊst'pəʊn	پُست پُن	به تعویق انداختن
meet	mi:t	میت	برگزار شدن
advanced	əd'vænst	اِدونْست	پیشرفته
tenth	tenθ	تِنث	دهم
line	laɪn	لاین	خط
so soon	səʊ 'su:n	سُو سون	اینقدر زود
consulate	'kɒnsjʊlət	کانسیولت	کنسولگری
whether	'weðə	وِذ(ر)	یا، آیا



Practice

Supply the correct form of *to be supposed to*.

شکل درست *to be supposed to* را در جای خالی قرار دهید.

1. Doris and I .... (send) the plans last night.
   (Doris and I were supposed to send the plans last night.)
2. The ship .... (sail) at two o'clock this afternoon.

3. She .... (come) at four o'clock yesterday afternoon.
4. He .... (be) here now.
5. Lilly .... (bring) the books with her.
6. That letter .... (write) yesterday.
7. I .... (mail) this package last Saturday.
8. He .... (leave) for Europe next week, but he may have to postpone his trip until next month.
9. He .... (take) his lesson at ten o'clock, but we haven't seen him.
10. In which room is the class .... (meet)?
11. The advanced class .... (meet) in Room 10, but the other class .... (meet) on the tenth floor.
12. On which line am I .... (write) my name?
13. I'm sorry that I must leave so soon, but I .... (be) at the consulate at twelve o'clock.
14. Ann wants to know whether she .... (take) her lesson at ten o'clock or twelve o'clock.
15. The catalogue .... (publish) next spring.

I was supposed to mail  *this package last Saturday.*

۱.دوریس و من قرار بود دیشب نقشه ها را بفرستیم. ۲.کشتی قرار است در ساعت دو بعد از ظهر امروز حرکت کند. ۳.او قرار بود در ساعت چهار بعد از ظهر دیروز بیاید. ۴.او قرار است حالا اینجا باشد. ۵.لی لی قرار است کتاب ها را با خودش بیاورد. ۶.آن نامه قرار بود دیروز نوشته شود. (مجهول) ۷.من قرار بود شنبه گذشته این بسته را پست کنم. ۸.او قرار است هفته آینده عازم اروپا شود، اما ممکن است سفرش را تا ماه آینده به تعویق بیندازد. ۹.او قرار بود درسش را در ساعت ده بگیرد اما ما او را ندیده ایم. ۱۰. کلاس در کدام اطاق قرار است برگزار شود؟ ۱۱. کلاس پیشرفته قرار است در اطاق شماره ۱۰ برگزار شود، اما کلاس دیگر قرار است در طبقه دهم باشد. (مجهول) ۱۲. روی چه خطی قرار است اسمم را بنویسم؟ ۱۳.متاسفم که باید اینقدر زود بروم، اما من قرار است در ساعت دوازده در کنسولگری باشم. ۱۴.آن می خواهد بداند که آیا قرار است درسش را در ساعت ده بگیرد یا در ساعت دوازده. ۱۵. کاتالوگ قرار است در بهار آینده چاپ شود.



Used to

کاربرد used to

الف. طریقه ساختن

شکل ساده فعل + used to + فاعل

I **used to** play basketball when I was ten.

من زمانی که ده ساله بودم بسکتبال بازی می کردم. (دیگر بازی نمی کنم.)

ب. کاربرد

used to (قبلا) نشاندهنده انجام کاری است که در گذشته صورت گرفت.

We lived in Maryland before we moved here.
We used to live in Maryland.

ما قبل از اینکه به اینجا نقل مکان کنیم؛ در مریلند زندگی می کردیم.
ما قبلا در مریلند زندگی می کردیم.

I taught English for years; now I'm retired.
I used to teach English.

من سال ها انگلیسی درس می دادم؛ حالا بازنشسته شده ام.
من قبلا انگلیسی درس می دادم.

ج. سوالی و منفی

I used to walk.　　　　　من پیاده می رفتم.
Did I use~~d~~ to walk?　　　　　آیا من پیاده می رفتم؟
I didn't use~~d~~ to walk.　　　　　من پیاده نمی رفتم.

Vocabulary

accounting	ə'kaʊntɪŋ	اکونتینگ	حسابداری
department	dɪ'pɑ:tmənt	دیپا(ر)تمنت	اداره
occupy	'ɒkju:paɪ	آکیوپای	اشغال کردن
insurance	ɪn'ʃu:rəns	این شورنس	بیمه
firm	fə:m	فِ(ر)م	شرکت
charge of	tʃɑ:dʒ ɒv	چا(ر)ج آو	مسئولیت
transportation	trænspɔ:'teɪʃn	ترنس پُ(ر)تیشِن	حمل و نقل
division	dɪ'vɪʒn	دی وی ژن	بخش
poorly	'pɔ:li	پُ(ر)لی	بد

interest	'ɪntrəst	اینتْرِست	علاقه
auditorium	ɔ:dɪ'tɔ:riəm	آدیتُوریِم	تالار کنفرانس
official	ə'fɪʃl	اِفیشُل	رسمی
interpreter	ɪn'tə:prətə	اینتِ(ر)پْرِت(ر)	مترجم شفاهی
great deal	greɪt di:l	گْریت دیل	خیلی زیاد
catch	kætʃ	کَچ	گرفتن
catch cold	kætʃ kəʊld	کَچ کُلد	سرما خوردن
custom	'kʌstəm	کاستِم	عادت
pack	pæk	پَک	پاکت



ractice

In each of the following sentences, change the italicized verb to introduce *used to*.

در هر یک از جملات زیر افعالی را که ایتالیک نوشته شده اند با شکل **used to** به کار برید.

1. I *walked* to work.
   (*I used to walk to work.*)
2. I never *made* so many mistakes in spelling.
3. The accounting department *was* on the 18th floor.
4. Tom *was* a good student and *worked* hard .
5. I *bought* all my clothes in that store.
6. This building *was* occupied by a large insurance firm.
7. Betty *had* charge of the transportation division.
8. Gary *played* the violin.
9. Laura *went* to the concert every week.
10. He never *did* his work poorly.
11. He *took* a great interest in his English lessons.
12. All meetings *were* held in the auditorium.
13. Marcus *was* the official interpreter for the company.
14. I *smoked* a great deal.
15. Mr. Earl *worked* in this office.
16. I never *caught* cold.
17. It *was* my *custom to* smoke a pack of cigarettes a day.

۱.من پیاده سر کار رفتم.
(من در گذشته پیاده سر کار می رفتم.)

Gary used to play the violin.

۲.من هرگز اینقدر در دیکته اشتباه نمی کردم. ۳.بخش حسابداری در طبقه هجدهم بود. ۴.تام شاگرد خوبی بود و سخت کار می کرد. ۵.من همه لباس هایم را از آن فروشگاه می خریدم. ۶.این ساختمان توسط یک شرکت بزرگ بیمه اشغال شد. ۷.بتی مسئول بخش حمل و نقل بود. ۸.گری ویولن می زد. ۹.لورا هر هفته به کنسرت می رفت. ۱۰.او هرگز کارش را بد انجام نمی داد. ۱۱.او علاقه زیادی به درسهای انگلیسی اش پیدا کرد. ۱۲.همه جلسات در تالار کنفرانس برگزار می شد. ۱۳.مارکوس مترجم رسمی شرکت بود. ۱۴.من خیلی زیاد سیگار می کشیدم. ۱۵.آقای ارل در این دفتر کار می کرد. ۱۶.من هیچ وقت سرما نمی خوردم. ۱۷.این عادت من بود که هر روز یک پاکت سیگار بکشم.



Would Rather

would rather کاربرد

الف. طریقه ساختن

شکل ساده فعل + than + مفعول + شکل ساده فعل + would rather + فاعل

I would rather stay at home than go out.
I'd rather stay at home than go out.

من ترجیح می دهم در خانه بمانم تا اینکه بیرون بروم.

ب. کاربرد

would rather به معنی ترجیح دادن است و معمولا با شکل ساده فعل به کار می رود.
به شکل فشرده would rather و همچنین به کاربرد than توجه کنید.

I would rather watch TV than go to a movie.
She'd rather walk than take a taxi.
We'd rather go to the cabin this weekend.

من ترجیح می دهم تلویزیون تماشا کنم تا اینکه به سینما بروم.
او ترجیح می دهد پیاده برود تا اینکه تاکسی بگیرد.
ما ترجیح می دهیم که تعطیلات آخر این هفته به کلبه برویم. (مقایسه تلویحی با هر نوع انتخاب دیگر)

ج. سوالی و منفی

Would he rather work? — آیا او ترجیح می دهد کار کند؟
He would rather not work. — او ترجیح می دهد کار نکند.

Vocabulary

instead of	ɪn'sted ʌv	این ستِد آو	بجای
examine	ɪg'zæmɪn	ایگزمین	معاینه کردن
mention	'menʃən	مِنشِن	تذکر دادن
downtown	'daʊntaʊn	دَون تَون	مرکز تجاری شهر
private	'praɪvət	پْرایوِت	خصوصی
in private	ɪn 'praɪvət	این پْرایوِت	بطور خصوصی
opera	'ɒprə	آپرِ	اپرا



Practice

Change these sentences to introduce *would rather*. Use both the full form and the contracted form.

با به کار گیری would rather این جملات را تغییر دهید. از هر دو شکل کامل و فشرده آن استفاده نمایید.

1. I prefer to wait outside rather than in here.
   (I would rather wait outside than in here. I'd rather wait outside than in here.)
2. They prefer to walk to school.
3. We prefer to spend the summer at home instead of in the country.
4. The doctor says that he prefers to examine you in his office.
5. I prefer not to mention it to him at this time.
6. I prefer to eat at home rather than in a restaurant.
7. He prefers to meet us downtown.
8. I prefer to speak with her in private.
9. I prefer to drive a small car rather than a big one.
10. Jean prefers to study in this class instead of in the advanced class.
11. I prefer to do all my homework before I leave school.
12. He prefers to live in a large city like London.
13. I prefer to live in a small town.
14. I prefer to work in my garden rather than play golf.
15. I prefer to see a good movie rather than go to the opera.
16. He prefers to attend a large school; I prefer to go to a small one.

The doctor says that he'd rather examine you in his office.



۱.من ترجیح می دهم بیرون منتظر بمانم تا اینکه اینجا باشم. ۲.آنها ترجیح می دهند پیاده به مدرسه بروند. ۳.ما ترجیح می دهیم تابستان را در خانه بگذرانیم تا اینکه به روستا برویم. ۴.دکتر می گوید که او ترجیح می دهد شما را در مطبش معاینه کند. ۵.من ترجیح می دهم این موضوع را در این زمان بـه او متذکر نشـوم. ۶.من ترجیح می دهم در خانه غذا بـخورم تا در یک رستوران. ۷.او ترجیح می دهد ما را در مرکز شهر ببیند. ۸.من ترجیح می دهم با او به طور خصوصی صحبت کنم. ۹.من ترجیح می دهم با یک ماشین کوچک رانندگی کنم تا با یک ماشین بزرگ. ۱۰.جین ترجیح می دهد به جای کلاس پیشرفته در این کلاس درس بخواند. ۱۱.من ترجیح می دهم قبل از ترک مدرسه همه تکالیفم را انجام دهم. ۱۲.او ترجیح می دهد در شهر بزرگی مانند لندن زندگی کند. ۱۳.من ترجیح می دهم در شهری کوچک زندگی کنم. ۱۴.من ترجیح می دهم در باغم کار کنم تا اینکه گلف بازی کنم. ۱۵.من ترجیح می دهم یک فیلم خوب ببینم تا اینکه به اپرا بروم. ۱۶.او ترجیح می دهد به یک مدرسه بزرگ برود؛ من ترجیح می دهم به یک مدرسه کوچک بروم.



Had Better

had better کاربرد

الف. طریقه ساختن

مفعول + شکل ساده فعل + had better + فاعل

I had better stay home.
I'd better stay home.

من بهتر است در خانه بمانم.

ب. کاربرد

had better به معنی(بهتر خواهد بود، بهتر است) می باشد و معمولا با شکل ساده فعل به کار می رود. شکل ادغام شده آن 'd better است. با اینکه این ساختار در زمان گذشته است، اما کاربرد آن در زمان آینده می باشد.

You had better see a doctor.
You'd better see a doctor.

تو بهتر است به دکتر بروی.

ج. سوالی و منفی

Had I better save money?
You had better not save money.

آیا بهتر است من پول پس انداز کنم؟
شما بهتر است پول پس انداز نکنید.

Vocabulary

a while	ə waɪl	اِ وایل	مدتی
advisable	əd'vaɪzəbl	اَدوایزِبُل	به مصلحت
invitation	ɪnvɪ'teɪʃn	این وی تِیشِن	دعوتنامه
truth	tru:θ	تْروث	حقیقت
more carefully	mɔ: 'kə:fəli	مُ(ر) کِ(ر)فُلی	با دقت بیشتری
so fast	səʊ 'fæst	سُو فَست	اینقدر سریع
information	ɪnfə'meɪʃn	این فِ میشِن	اطلاعات
notify	'nəʊtɪfaɪ	نُو تیفای	آگاه کردن
at once	æt 'wʌns	اَت وانس	فورا
advise	əd'vaɪz	اِدوایز	توصیه کردن



Practice

Change these sentences to introduce *had better*. Use the full form and the contracted form. **با به کار گیری had better جملات زیر را تغییر دهید. از هر دو شکل کامل و فشرده آن استفاده نمایید.**

1. It would be better if you came back later.
   (You had better come back later. You'd better come back later.)
   ۱.بهتر می شد اگر شما بعدا برمی گشتی.
   (بهتر بود بعدا برمی گشتی.)
2. It would be better if she rested a while.
3. It would be better if Betty gave you back the money.
4. It would be better if she didn't see him again.
5. It would be advisable for them to save their money.
6. It would be better if you didn't mention this to anyone.
7. It would be advisable for you to send an invitation.
8. It would be better if you didn't tell Carmen about this.
9. It would be advisable for you to tell them the truth.
10. It would be better if Neil prepared his homework more carefully.
11. It would be advisable for you not to drive so fast on this road.
12. You shouldn't give them too much information.
13. You should notify the police at once.
14. I advise you to spend more time on your English lesson.

She'd better rest a while.



۲.بهتر می شد اگر او کمی استراحت می کرد. ۳.بهتر می شد اگر بتی پول را به شما بر می گرداند. ۴.بهتر می شد اگر دوباره او را نمی دید. ۵.توصیه می شود که آنها پولشان را پس انداز کنند. ۶.بهتر می شد اگر شما این موضوع را به کسی نمی گفتید. ۷.پیشنهاد می شود که شما دعوت نامه را بفرستید. ۸.بهتر بود اگر شما این موضوع را به کارمن نمی گفتید. ۹.برای شما بهتر است (توصیه می شود) که حقیقت را به آنها بگویید. ۱۰.بهتر می شد اگرنیل تکلیفش را با دقت بیشتری انجام می داد. ۱۱. پیشنهاد می شود که شما در این جاده اینقدر تند رانندگی نکنید. ۱۲.شما نباید به آنها اطلاعات زیادی بدهید. ۱۳.شما باید فورا پلیس را در جریان بگذارید. ۱۴.من توصیه می کنم که شما وقت بیشتری را برای درس انگلیسی تان صرف کنید.



Tag Endings (1)

کاربرد سوالات ضمیمه (۱)

سوالات ضمیمه سوالات کوتاهی هستند که در انتهای جملات خبری یا منفی می آیند و برای تائید یا تصدیق این جملات به کار می روند.

جملات ضمیمه منفی

جمله مثبت	فعل کمکی منفی + ،	ضمیر فاعلی + ?
You were here last summer,	weren't	you?

شما تابستان گذشته اینجا بودید، نبودید؟

You were speaking Turkish, weren't you?	شما داشتید ترکی صحبت می کردید، مگه نه؟
He will speak Spanish, won' he?	او اسپانیایی صحبت خواهد کرد، مگه نه؟
The girl spoke Arabic, didn't she?	دختر عربی صحبت کرد، مگه نه؟
Mr. Brown has spoken German, hasn't he?	آقای براون آلمانی صحبت کرده است، مگه نه؟



Practice (1)

Add the correct tag ending to the following sentences.

سوالات ضمیمه مناسب به جملات زیر اضافه کنید.

1. She goes shopping every day, __________?
   (She goes shopping every day, doesn't she?)
   ۱.او هر روز به خرید می رود، نمی رود؟ /مگه نه؟
2. He has been studying English a long time, __________?
3. Matthew is a good student, __________?
4. She plays the piano well, __________?
5. She can play the piano well, __________?
6. You played tennis yesterday, __________?
7. The traffic is heavy today, __________?
8. It was also heavy yesterday, __________?
9. You always buy your clothes at Saks, __________?
10. They go for a walk in the park every Sunday, __________?
11. You'll be back before noon, __________?
12. You have read that book, __________?
13. They are very old friends, __________?
14. It takes more than an hour to get there, __________?
15. The bus stops at this corner, __________?

She plays the piano well, doesn't she?

16. They are traveling in Europe now, __________?
17. I gave you what you wanted, __________?
18. She was unkind to you, __________?
19. You could drive that truck, __________?

۲.او مدت زمان طولانی انگلیسی می خوانده است. ۳.مَتیو شاگرد خوبی است. ۴.او پیانو را به خوبی می نوازد. ۵.او می تواند پیانو را به خوبی بنوازد. ۶.تو دیروز تنیس بازی کردی. ۷.امروز ترافیک سنگین است. ۸.دیروز هم ترافیک سنگین بود. ۹.تو همیشه لباس هایت را از فروشگاه ساکس می خری. ۱۰.آنها هر یکشنبه برای پیاده روی به پارک می روند. ۱۱.شما قبل از ظهر باز خواهید گشت. ۱۲.تو آن کتاب را خوانده ای. ۱۳.آنها دوستان خیلی قدیمی هستند. ۱۴. رسیدن به آنجا بیش از یک ساعت زمان می برد. ۱۵.اتوبوس در این گوشه توقف می کند. ۱۶.اکنون آنها در حال سفر در اروپا هستند. ۱۷.من آنچه را که تو می خواستی به تو دادم. ۱۸.او نسبت به شما نا مهربان بود. ۱۹.تو می توانستی آن کامیون را برانی.

Tag Endings (2)

کاربرد سوالات ضمیمه (۲)

جملات ضمیمه مثبت

جمله منفی	ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت+،	?
You weren't here last summer,	were	you?

شما تابستان گذشته اینجا نبودید، بودید؟

You weren't speaking Turkish, were you?	شما ترکی صحبت نمی کردید، مگه نه؟
He won't speak Spanish, will he?	او اسپانیایی صحبت نخواهد کرد، مگه نه؟
The girl didn't speak Arabic, did she?	دختر عربی صحبت نکرد، مگه نه؟
Mr. Brown hasn't spoken German, has he?	آقای براون آلمانی صحبت نکرده است، مگه نه؟

نکات مهم درباره سوالات ضمیمه:

۱) جملاتی را که با I am شروع شوند، سوال ضمیمه آنها aren't I خواهد بود.

I am a teacher, aren't I?　　من یک معلم هستم، نیستم؟

۲) جملاتی را که با let's شروع شوند چه مثبت باشند و چه منفی، سوال ضمیمه آنها shall we خواهد بود. این گونه جملات بیانگر پیشنهاد هستند.

Let's not smoke here, shall we?　　بیایید اینجاسیگار نکشیم، باشه؟
Let's hurry, shall we?　　عجله کنیم، باشه؟

۳) جملاتی را که یکی از کلمات منفی زیر در آنها به کار رفته باشد، سوال ضمیمه آنها مثبت خواهد بود.

neither	نه، هیچ کدام از هر دو	nobody	هیچ کس
nor	و نه	nothing	هیچ چیز
seldom	بندرت	nowhere	هیچ جا
no	هیچ	rarely	بندرت
none	هیچکدام	never	هرگز
little	خیلی کم	few	تعداد خیلی کم

Mary has never been abroad, has she? — مری هرگز خارج نبوده است، درسته؟
They seldom come on time, do they? — آنها به ندرت به موقع می آیند، مگه نه؟
You want no money, do you? — تو هیچ پولی نمی خواهی، مگه نه؟
Nothing has happened, has it? — اتفاقی نیفتاده است، اینطور نیست؟

۴) اگر یکی از ضمائر somebody, someone, no one, nobody, everyone و یا everybody به جای فاعل قرار گیرد، در سوال ضمیمه از ضمیر they استفاده می شود. از آنجا که این ضمائر با فعل مفرد به کار می روند، در سوال ضمیمه برای مطابقت با ضمیر they از فعل کمکی جمع استفاده می گردد.

Everyone was present, weren't they? — همه حاضر بودند، مگه نه؟
Someone has done it, haven't they? — یکی این کار را انجام داده، نداده؟
No one is responsible for it, are they? — هیچ کس مسئول این کار نیست، هست؟

۵) اگر یکی از ضمائر نامعین nothing, anything, something و یا everything به جای فاعل به کار رود، در سوال ضمیمه از ضمیر it استفاده می کنیم.

Something is the matter, isn't it? — یه خبری شده، مگه نه؟
Everything is all right, isn't it? — همه چی روبراهه، مگه نه؟



Practice (2)

Add the correct tag ending to the following sentences.

سوالات ضمیمه مناسب به جملات زیر اضافه کنید.

1. Catherine doesn't like to study geometry, ______________?
   (Catherine doesn't like to study geometry, does she?)
   ۱.کاترین دوست ندارد هندسه بخواند، دوست دارد؟
2. You haven't ever been in South America, ______________?
3. You won't mention this to anyone, ______________?
4. The traffic today isn't very heavy, ______________?
5. It wasn't heavy yesterday either, ______________?

6. They didn't go by plane, _______________?
7. Beth didn't say anything to you about it, _______________?
8. He wasn't driving fast at the time, _______________?
9. She doesn't know how to dance, _______________?
10. Joe won't be back before noon, _______________?
11. The bus doesn't stop near here, _______________?
12. You didn't write those letters, _______________?
13. I haven't paid you yet, _______________?
14. Helen isn't going with you, _______________?
15. You haven't had your lunch yet, _______________?
16. He can't speak English, _______________?
17. I shouldn't drive so fast on this road, _______________?
18. We won't have enough money to get in, _______________?
19. They wouldn't give you the information, _______________?

I shouldn't drive so fast on this road, should I?

۲.تو تا حالا در آمریکای جنوبی نبوده ای. ۳.شما این موضوع را به کسی نخواهید گفت. ۴.امروز ترافیک زیاد سنگین نیست. ۵.دیروز هم ترافیک سنگین نبود. ۶.آنها با هواپیما نرفتند. ۷.بث در این مورد چیزی به تو نگفت. ۸.در آن زمان او تند رانندگی نمی کرد. ۹.او بلد نیست برقصد. ۱۰.جو قبل از ظهر باز نخواهد گشت. ۱۱.اتوبوس این نزدیکی ها توقف نمی کند. ۱۲.تو این نامه ها را ننوشتی. ۱۳.من هنوز چیزی به شما پرداخت نکرده ام. ۱۴.هلن قرار نیست با تو برود. ۱۵.تو هنوز ناهارت را نخورده ای. ۱۶.او نمی تواند انگلیسی صحبت کند. ۱۷.من نباید در این جاده اینقدر تند رانندگی کنم. ۱۸.ما برای رسیدن پول کافی نخواهیم داشت. ۱۹.آنها به شما اطلاعات نمی دادند.



Practice (3)

Add the correct tag ending to the following sentences.

سوالات ضمیمه مناسب به جملات زیر اضافه کنید.

1. Gregory left class early today, _______________?
   (Gregory left class early today, didn't he?)

   ۱.جورج امروز کلاس را زود ترک کرد، نکرد؟
2. He is an excellent student, _______________?
3. She has never gotten in touch with you, _______________?
4. Today is Wednesday, _______________?
5. You live in New Jersey, _______________?
6. You were absent yesterday, _______________?
7. Both men look very much alike, _______________?

8. They don't know each other, _______________?
9. This street runs north and south, _______________?
10. We won't have to stand in line,_______________?
11. You mailed that letter, _______________?
12. You didn't forget to put a stamp on it, _______________?
13. She can speak French well, _______________?
14. He never comes to class on time, _______________?
15. The train is supposed to arrive soon, _______________?
16. This bus stops at the airport, _______________?
17. She is making good progress in English, _______________?
18. Your sister has been sick a long time, _______________?
19. This is your umbrella,_______________?
20. There is someone at the door, _______________?
21. The telephone rang,_______________?
22. They paid you what they owed you, _______________?
23. You'll call me in the morning, _______________?
24. It hasn't come true yet, _______________?
25. My mother has spoken to you, _______________?

Your sister has been sick a long time, hasn't she?

۲.او شاگرد فوق العاده ای است. ۳.او هرگز با شما تماس نگرفته است. ۴.امروز چهارشنبه است. ۵.شما در نیو جرسی زندگی می کنید. ۶.تو دیروز غایب بودی. ۷.هر دو مرد خیلی شبیه هم به نظر می رسند. ۸.آنها همدیگر را نمی شناسند. ۹.این خیابان به طرف شمال و جنوب امتداد دارد. ۱۰.ما مجبور نخواهیم بود در صف بایستیم. ۱۱.تو آن نامه را پست کردی. ۱۲.تو فراموش نکردی یک تمبر روی آن بزنی. ۱۳.او می تواند فرانسوی را خوب صحبت کند. ۱۴.او هرگز به موقع به کلاس نمی آید. ۱۵.قرار است قطار زود وارد شود. ۱۶.این اتوبوس در فرودگاه توقف می کند. ۱۷.او پیشرفت خوبی در انگلیسی می کند. ۱۸.خواهرت مدت زمانی طولانی بیمار بوده است. ۱۹.این چتر شماست. ۲۰.یک نفر دم در است. ۲۱.تلفن زنگ زد. ۲۲.آنها آنچه را که به شما بدهکار بودند پرداخت کردند. ۲۳.تو صبح به من تلفن خواهی زد. ۲۴.هنوزصحت آن مشخص نشده است. ۲۵.مادرم با تو صحبت کرده است.

Practice (4)

Add the correct tag ending to the following sentences.

سوالات ضمیمه مناسب به جملات زیر اضافه کنید.

1. He speaks English well, _______________?
   (He speaks English well, doesn't he?) ۱.او انگلیسی را به خوبی صحبت می کند، نمی کند؟
2. She writes a lot of letters, _______________?
3. He is a busy man, _______________?
4. He makes a lot of mistakes in pronunciation, __________?

5. Gay spends a lot of money on clothes, _______________?
6. He always comes to class on time, _______________?
7. Tony is out of town, _______________?
8. There are a lot of students absent from class, __________?
9. They are good friends, _______________?
10. They watch TV every night, _______________?
11. You enjoy your English class, _______________?
12. The mail is delivered at ten o'clock, _______________?
13. You spend a lot of time with them, _______________?
14. She has to work very hard, _______________?
15. He is too old to play football,_______________?
16. You have piano lessons twice a week, _______________?
17. The plane arrives at noon, _______________?
18. They visit you every Sunday,_______________?
19. You get up early every morning,_______________?
20. He sits in the front row, _______________?
21. She works in the import department, _______________?
22. He is a good typist, _______________?

They watch TV every night, don't they?

۲.او نامه های زیادی می نویسد. ۳.او مرد پرکاری است. ۴.او اشتباهات زیادی را در تلفظ مرتکب می شود. ۵.گی پول زیادی صرف خرید لباس می کند. ۶.او همیشه به موقع به کلاس می آید. ۷.تونی خارج از شهر است. ۸.تعداد زیادی دانش آموز در کلاس حاضر نیستند. ۹.آنها دوستان خوبی هستند. ۱۰.آنها هر شب تلویزیون تماشا می کنند. ۱۱.تو از کلاس انگلیسی ات لذت می بری. ۱۲.بسته پستی در ساعت ده حمل می شود. ۱۳.تو اوقات زیادی را با آنها می گذرانی. ۱۴.او باید خیلی سخت کار کند. ۱۵.او برای فوتبال بازی کردن خیلی مسن است. ۱۶.تو هفته ای دو بار درس پیانو داری. ۱۷.هواپیما موقع ظهر فرود می آید. ۱۸.آنها هر یکشنبه ملاقات تان می کنند. ۱۹.تو هر روز صبح زود بیدار می شوی. ۲۰.او در ردیف جلو می نشیند. ۲۱.او در بخش واردات کار می کند. ۲۲.او ماشین نویس خوبی است.



Practice (5)

Change the sentences in Exercise 4 to the past and add the tag endings.

جملات تمرین (۴) را به گذشته تبدیل کرده و سوالات ضمیمه اضافه کنید.

1. He speaks English well, _______________? ۱.اوانگلیسی را به خوبی صحبت می کند.
   (He spoke English well, didn't he?) (او انگلیسی را به خوبی صحبت کرد، نکرد؟)



Practice (6)

Change the sentences in Exercise 4 to the future with *will* and add the tag endings. **جملات تمرین (۴) را با will به آینده تبدیل کرده و سوالات ضمیمه اضافه کنید.**

1. He speaks English well, _______________? ۱.او انگلیسی را به خوبی صحبت می کند.
   (He'll speak English well, won't he?) (او انگلیسی را به خوبی صحبت خواهد کرد، اینطور نیست؟)



It, There
کاربرد it, there

الف. کاربرد it

it اشاره به ماهیت اشیاء یا اشخاص دارد.

(۱) به همراه صفت: it + فعل بودن + صفت + to + شکل ساده فعل

It is necessary to stand in line. — ایستادن در صف لازم است.

(۲) سوال کردن درباره فاصله:

How far is it to Tehran? — تا تهران چقدر فاصله است؟
It's 240 Kilometers. — ۲۴۰ کیلومتر است.

(۳) صحبت کردن درباره آب و هوا و زمان:

It's cold today. — امروز هوا سرد است.
It's raining . — باران می بارد.
It's five o'clock. — ساعت پنج است.

(۴) صحبت کردن درباره ماهیت اشخاص یا اشیاء:

Who is it on the phone? — چه کسی پشت خط است؟
It's Reza. — این رضا است. (من رضا هستم.)
What's this? — این چیست؟
It's a dictionary. — این فرهنگ لغت است.

ب. کاربرد there

there اشاره به موجودیت اشخاص یا اشیاء دارد.

There's someone at the door. — یک نفر دم در است.

در جمله بالا در واقع someone فاعل جمله است. اما از آنجا که کلمه someone ناشناخته است، there را به عنوان فاعل می آوریم.

There is a woman at the door. — یک زن دم در است.
There was a book on the table. — یک کتاب روی میز بود.
There were some boys outside. — چند پسر بیرون بودند.

Vocabulary

plenty of	'plenti ʌv	پْلِنتی آو	مقدار زیاد
strange	'streɪndʒ	سْتْرِینج	عجیب
take medicine	teɪk 'medsɪn	تِیک مِدسِن	مصرف کردن دارو
impossible	ɪm'pɒsəbl	ایمپاسِبْل	غیر ممکن
such	sʌtʃ	ساچ	چنین
university	ju:nɪ'vɜ:sɪtɪ	یو نی وِ(ر) سیتی	دانشگاه
ahead	ə'hed	اِهِد	جلو
pity	'pɪti	پیتی	حیف
static	'stætɪk	سْتَتیک	برق ساکن
accent	'æksənt	آکسِنت	لهجه



Practice (1)

Complete the following sentences with *It is* or *There is*.

جملات زیر را با it is یا there is کامل کنید.

1. ________________ raining very hard. (It is raining very hard.)
   ۱.باران شدیدی در حال باریدن است.
2. ________________ plenty of time to do that later.
3. ________________ a strange man in Bertha's office.
4. ________________ easy to understand why he is angry.
5. ________________ time for you to take your medicine.
6. ________________ almost ten o'clock.
7. ________________ a new moon tonight.
8. ________________ a cat in one of your flower beds.
9. ________________ impossible to finish that work in such a short time.
10. ________________ warm in this room.
11. ________________ beginning to rain.
12. ________________ ten miles from here to the university.
13. ________________ a mailbox on the corner.
14. ________________ a long line of cars ahead of us.
15. ________________ a pity that he must stop his English class.
16. ________________ a lot of static on our radio.
17. ________________ easy to understand her accent.

It is raining very hard.

۲.بعدا وقت زیادی برای انجام آن کار هست. ۳.مرد غریبه ای در دفتر کار برتا است. ۴.فهمیدن اینکه چرا او عصبانی است آسان است. ۵.وقت خوردن داروی‌تان است. ۶.تقریبا ساعت ده است. ۷.امشب ماه نو در آمده است. ۸.یک گربه در یکی از زمینهای گلکاری شما است. ۹.تمام کردن آن کار در چنین زمان کوتاهی غیر ممکن است. ۱۰.هوا در این اطاق گرم است. ۱۱.باران شروع به باریدن کرده است. ۱۲.از اینجا تا دانشگاه ده مایل است. ۱۳.یک صندوق پست در کنج قرار دارد. ۱۴.یک صف طولانی ماشین در جلو ما قرار دارد. ۱۵.حیف که او مجبور شد کلاس انگلیسی اش را متوقف کند. ۱۶.الکتریسته ساکن فراوانی در رادیوی ما وجود دارد. ۱۷.فهمیدن لهجه او آسان است.



Complete the following sentences with *It* or *There*.

جملات زیر را با it یا there کامل کنید.

1. __________ is raining very hard. (It is raining very hard.)

۱.باران شدیدی در حال باریدن است.

2. __________ is a letter for you on the hall table.
3. __________ is almost three o'clock.
4. __________ is a very nice day.
5. __________ are several Germans in our English class.
6. __________ is very hot in this room.
7. __________ is difficult to speak English well.
8. __________ is not a cloud in the sky.
9. __________ is beginning to snow.
10. __________ is hard to learn English in such a short time.
11. __________ are a lot of beautiful homes on this street.
12. __________ is a shame that you can't come with us.
13. __________ was Peg who told me about the changes.
14. __________ is no place like home.
15. __________ is a pity she can't speak English.
16. __________ is a long way from here to Honolulu.
17. __________ are a lot of people in the park this afternoon.
18. __________ was almost eight o'clock when they arrived.
19. __________ were a lot of students absent today.
20. __________ is Tuesday, isn't it?

It is beginning to snow.

۲.یک نامه برای شما روی میز هال هست. ۳.ساعت تقریبا سه است. ۴.روز خیلی خوبی است. ۵.چند آلمانی در کلاس انگلیسی ما هستند. ۶.هوای این اطاق خیلی گرم است. ۷.خوب صحبت کردن انگلیسی دشوار است. ۸.در آسمان ابری نیست. ۹.بارش برف شروع شده است. ۱۰.یادگیری انگلیسی در چنین زمان کوتاهی مشکل است. ۱۱.خانه های زیبای فراوانی در این خیابان هست. ۱۲.حیف است که شما نمی توانید با ما بیایید. ۱۳.این پگ بود که تغییرات را به من گفت. ۱۴.هیچ جایی مثل خانه نیست. ۱۵.حیف است که او نمی تواند انگلیسی صحبت کند. ۱۶.از اینجا تا هونولولو راه زیادی است. ۱۷.امروز بعد از ظهر افراد زیادی در پارک هستند. ۱۸.ساعت تقریبا هشت بود که آنها رسیدند. ۱۹.امروز شاگردان زیادی غایب بودند. ۲۰.امروز سه شنبه است، اینطور نیست؟



Vocabulary

rewarding	rɪ'wɔ:dɪŋ	ریوا(ر)دینگ	رضایتبخش
foolish	'fu:lɪʃ	فولِش	احمقانه
foreign	'fɒrɪn	فارِن	خارجی
helpful	'helpfʊl	هِلپ فُل	مفید
blame	bleɪm	بْلِیم	سرزنش کردن
unfair	ʌn'feə	آن فِ(ر)	ناعادلانه
low	ləʊ	لُو	پست، پایین
low key	ləʊ 'ki:	لُو کی	صدای آرام
soprano	sə'prɑ:nəʊ	سِپْ رانُو	صدای بلند زیر زنانه
explain	ɪk'spleɪn	ایکسپْلِین	توضیح دادن
unwise	ʌn'waɪz	آن وایز	غیر عاقلانه
satisfying	'sætɪsfaɪɪŋ	سَتِس فائینگ	رضایتبخش
apology	ə'pɒlədʒi	اِپالِجی	پوزش
demanding	dɪ'mændɪŋ	دیمَندینگ	پرزحمت، دشوار
compete	kəm'pi:t	کِمپیت	رقابت
drive	draɪv	دْرایو	انگیزه



Practice (3)

Change the following sentences so that each one begins with *It*.

جملات زیر را طوری تغییر دهید که هر کدام با It شروع شوند.

1. Learning English is not easy. (It is not easy to learn English.)
   ۱.یادگیری انگلیسی آسان نیست. (یادگیری انگلیسی آسان نیست.)
2. Learning new words every day is important.
3. Studying with Ms. Nathan is very rewarding.
4. To pay so much money for a car that is old is foolish.
5. To drive so fast is dangerous.
6. Traveling in foreign countries is interesting.
7. To be able to speak a foreign language is often helpful.
8. To blame Rocky for that mistake is unfair.
9. Studying grammar is not interesting for a lot of students.
10. Understanding grammar is important.
11. Getting up early in the morning is almost impossible for me.
12. Going by bus is faster than going by car.
13. To sing in such a low key is not easy for a soprano.
14. To explain this matter to him will be difficult.

It is impossible for me to get up early in the morning.

15. Working twelve hours a day at your age is foolish.
16. Spending the afternoon at the beach will be pleasant.
17. To call her at this late hour would be unwise.
18. Eating quickly is not satisfying.
19. Accepting their apologies is not easy.
20. Being comfortable in such hot weather is demanding.
21. Competing for the top prize is their main drive.

۲.یادگیری لغات جدید در هر روز مهم است. ۳.درس خواندن با خانم ناتان خیلی لذت بخش است. ۴.پرداختن این قدر پول زیاد برای ماشینی که قدیمی است احمقانه است. ۵.اینقدر تند رانندگی کردن خطرناک است. ۶.سفر کردن در کشور های خارجی جالب است. ۷.توانایی صحبت کردن یک زبان خارجی اغلب مفید است. ۸.سرزنش کردن راکی برای آن اشتباه منصفانه نیست. ۹.مطالعه گرامر برای بسیاری از شاگردان جالب نیست. ۱۰.فهمیدن گرامر مهم است. ۱۱.برخاستن از خواب در صبح زود تقریبا برای من غیر ممکن است. ۱۲.رفتن با اتوبوس سریع تر از رفتن با ماشین است. ۱۳.آواز خواندن با این صدای زیر برای یک خواننده سوپرانو آسان نیست. ۱۴.توضیح دادن این موضوع به او مشکل خواهد بود. ۱۵.روزی دوازده ساعت کار کردن در سن تو احمقانه است. ۱۶.گذراندن بعد از ظهر در ساحل مطبوع خواهد بود. ۱۷.زنگ زدن به او در این دیر وقت عاقلانه نخواهد بود. ۱۸.تند غذا خوردن عمل مطلوبی نیست. ۱۹.پذیرفتن پوزش آنها آسان نیست. ۲۰.راحت بودن در چنین هوای گرمی دشوار است. ۲۱.رقابت برای جایزه اول انگیزه اصلی آنهاست.



Practice (4)

Change the following sentences by beginning each one with *There is* or *There are*.

جملات را طوری تغییر دهید که با there is یا there are شروع شوند.

1. A new magazine is on the hall table.
   (*There is a new magazine on the hall table.*)

   ۱.مجله جدیدی روی میز هال است.
   (مجله جدیدی روی میز هال وجود دارد/ است.)
2. A lot of trees are in the park.
3. Two strange men are in the living room.
4. Several people are waiting to see Dr. Quarles.
5. A letter for you is in the mailbox.
6. A storm is approaching.
7. A lot of dark clouds are in the sky.
8. Two policemen are on the corner.
9. A dog is in the garden.
10. Two children are playing on your front lawn.
11. Only one window is in the room.
12. Two tall trees are in front of the house.
13. A blackboard is in every room.
14. Several pictures are on the wall of each room.
15. A lot of birds of various colors are in the trees.

16. A vase of flowers is on the table.
17. An ashtray is next to each chair.
18. Curtains are on each window.
19. A lot of Swedes are in my English class.
20. A mailbox is on the corner.
21. The report is on his desk.
22. Two tickets to the new show are waiting for you at the box office.
23. Some cigarettes are in his briefcase.

There are a lot of birds of various colors in the trees.



۲. درختان زیادی در پارک هستند. ۳.دو مرد غریبه در اطاق نشیمن هستند. ۴.چند نفر منتظر دیدن دکتر کوارلز هستند. ۵.نامه ای برای شما در صندوق پست است. ۶.طوفانی در راه است. ۷.تعداد زیادی ابر تیره در آسمان است. ۸.دو پلیس در گوشه هستند. ۹.یک سگ در باغ است. ۱۰.دو کودک در چمن جلوی ساختمان مشغول بازی هستند. ۱۱.فقط یک پنجره در اطاق است. ۱۲.دو درخت بلند در جلوی خانه هستند. ۱۳.یک تخته سیاه در هر اطاق است. ۱۴.چند عکس بر دیوار هر اطاق است. ۱۵.تعداد زیادی پرنده در رنگ های مختلف روی درختان هستند. ۱۶.یک گلدان گل روی میز است. ۱۷.یک جا سیگاری کنار هر صندلی است. ۱۸.بر هر پنجره پرده است. ۱۹.تعداد زیادی سوئدی در کلاس انگلیسی من هستند. ۲۰.یک صندوق پست در گوشه است. ۲۱.گزارش روی میز اوست. ۲۲. در گیشه دو بلیط برای نمایش جدید در انتظار شما است. ۲۳.چند سیگار در چمدان او است.



Gerunds (1)

کاربرد اسم مصدر (۱)

اسم مصدر شکلی از فعل است که ing می گیرد و مانند اسم عمل می کند.

He enjoys studying English.	او از انگلیسی خواندن لذت می برد.
He finished reading the lesson.	او خواندن درس را تمام کرد.
He has stopped trying to be first.	او سعی نکرده است اول باشد.

رایج ترین افعالی که بعد از آنها اسم مصدر به کار می رود.

finish	تمام کردن	appreciate	قدردانی کردن
excuse	بخشیدن	recommend	توصیه کردن
admit	قبول کردن	quit	ترک کردن، ول کردن
imagine	تصور کردن	consider	در نظر گرفتن
forgive	عفو کردن	risk	خطر کردن
avoid	خودداری کردن	deny	انکار کردن
mind	ناراحت شدن	resent	رنجیدن
keep on	ادامه دادن	understand	فهمیدن
discuss	بحث کردن	suggest	پیشنهاد دادن
prevent	جلوگیری کردن	enjoy	لذت بردن
practice	تمرین کردن		



Practice (1)

In the sentences below, supply the gerund form of the verb shown in parentheses.

در جملات پایین شکل اسم مصدر افعال داخل پرانتز را قرار دهید.

1. I am considering .... (move) back to Montreal.
   (I am considering moving back to Montreal.)
2. I enjoy .... (study) with Miss Kinsey.
3. Mr. Kent stopped .... (go) to his English class.
4. Do you mind .... (wait) a few minutes in the hall?
5. We are considering .... (buy) a cassette recorder.
6. Did you enjoy .... (travel) through Canada last summer?
7. Ask that salesman whether he minds .... (come) back this afternoon.

8. Mr. Lamb enjoys .... (listen) to the radio.
9. Mr. and Mrs. Michaels have stopped .... (talk) to each other.
10. They resent .... (hold) the classes in the evening instead of the morning.
11. We will avoid .... (receive) visitors after 2 p.m.
12. They have finished .... (paint) our apartment at last.
13. Paul was driving fast and couldn't avoid .... (hit) the other car.
14. Joey denied .... (take) the book.
15. You shouldn't risk .... (go) out if you have a cold.
16. He admitted .... (make) the mistake after we questioned him for a long time.

Paul was driving fast and couldn't avoid hitting the other car.



۱.من دارم در مورد برگشتن به مونترال فکر می کنم. ۲.من از درس خواندن با میس کینیسی لذت می برم. ۳.آقای کنت رفتن به کلاس انگلیسی اش را متوقف کرد. ۴.اشکالی نداره اگه چند دقیقه ای در راهرو منتظر بمونین؟ ۵.ما در فکر خرید یک ضبط صوت هستیم. ۶.آیا تابستان گذشته از سفر در کانادا لذت بردید؟ ۷.از آن فروشنده سوال کن که آیا برایش اشکالی ندارد امروز بعد از ظهر برگردد. ۸.آقای لمب از گوش دادن به رادیو لذت می برد. ۹. آقا و خانم مایکل دیگر باهم صحبت نمی کنند. ۱۰.آنها از اینکه کلاس ها به جای صبح در بعد از ظهر تشکیل شوند دلخورند. ۱۱.ما از پذیرش مهمانان بعد از ساعت دو بعد از ظهر اجتناب خواهیم کرد. ۱۲.آنها بالاخره رنگ کردن آپارتمان ما را تمام کردند. ۱۳.پُل داشت با سرعت رانندگی می کرد و نتوانست از برخورد با ماشین دیگر جلوگیری کند. ۱۴.جوی برداشتن کتاب را انکار کرد. ۱۵.اگر سرما داری با بیرون رفتن نباید ریسک کنی. ۱۶.ما بعد از اینکه او را برای مدتی طولانی مورد بازجوئی قرار دادیم او پذیرفت که اشتباه کرد.

Gerunds (2) کاربرد اسم مصدر (۲)

۱. بعد از حروف اضافه اسم مصدر به کار می رود.

Jane is fond of exercising. — جین به ورزش علاقمند است.
She was successful in passing her exams. — او موفق شد در امتحاناتش قبول شود.

۲. بعد از عبارات و کلمات زیر اسم مصدر به کار می رود.

can't help	ارادی نبودن	can't stand	تحمل نکردن
don't feel like	حوصله نداشتن	would you mind	اشکالی دارد که
be busy	گرفتار بودن	be worth	ارزش داشتن
it's no good	خوب نیست	it's no use	فایده ای ندارد
have difficulty	دچار دردسر شدن	won't have	اجازه ندادن
be used to	عادت داشتن به	get used to	عادت کردن به

مثال هائی در ارتباط با عبارات فوق:

He can't help feeling angry about it. — او نمی تواند از آن مسئله عصبانی نباشد.
Is that film worth seeing? — آیا آن فیلم ارزش دیدن را دارد؟
She is busy typing. — او مشغول تایپ کردن است.
I had difficulty getting a taxi. — برای تاکسی گرفتن مشکل داشتم.
I don't feel like going to class. — حال کلاس رفتن را ندارم.
I won't have anyone telling me what to do.
به هیچکس اجازه نخواهم داد که برایم تعیین تکلیف کند.

Vocabulary

successful	səkˈsesfʊl	سِکسِس فُل	موفق
little	ˈlɪtl	لِتُل	کم
chance	tʃæns	چَنس	شانس
worth	wəːθ	وِ(ر)ث	ارزش
take pleasure	teɪk ˈpleʒə	تِیک پِلِژِ(ر)	لذت بردن
intention	ɪnˈtenʃn	اینتِن شِن	قصد
look forward to	ˈlʊk ˈfɔːwəd tuː	لُک فُ(ر)وِ(ر)د تو	با اشتیاق در انتظار چیزی بودن



Practice (2)

Supply the gerund of the verb in parentheses. Where necessary, introduce a preposition.

شکل اسم مصدر افعال داخل پرانتز را به کار برید.
جائی که لازم است از حرف اضافه مناسب استفاده کنید.

1. Were you successful .... (see) Ms. Rice?
   (Were you successful in seeing Ms. Rice?) ۱.آیا شما موفق به دیدن خانم رایس شدید؟
2. Is Jack fond .... (swim)?
3. He needs much more drill .... (spell).
4. There's no use .... (call) Mr. Dennis. He's not at home now.
5. There is little chance .... (see) him today.
6. That salesman has left. He got tired .... (wait) for Ms. Moreno.
7. That book is well worth .... (read).
8. Do you mind .... (live) in the city?
9. It is a question .... (find) the right person for the job.
10. Mr. Spock always takes great pleasure .... (help) others.
11. Do you think that lecture is worth .... (attend)?
12. Mr. and Mrs. Johnson are thinking .... (move) to Colorado.

13. He insisted .... (help) me with the report.
14. Would you mind .... (hold) this for me, please.
15. Mr. Peters spoke this morning .... (start) a new class.
16. He has no intention .... (leave) the class at this time.
17. We are all looking forward .... (see) Ms. Robertson next week.
18. Is there any possibility .... (see) Mr. Black this morning?



Is Jack fond of swimming?

۲.آیا جک به شنا علاقمند است؟ ۳.او احتیاج به تمرین بیشتری در دیکته دارد. ۴. زنگ زدن به آقای دنیس فایده ای ندارد. او حالا در خانه نیست. ۵.امروز شانس کمی برای دیدن او وجود دارد. ۶.فروشنده رفته است. او از انتظار کشیدن برای خانم مورنو خسته شد. ۷.آن کتاب ارزش خواندن را دارد. ۸.آیا از زندگی در شهر خوشتان می آید؟ ۹.پیدا کردن شخص مناسب برای کار مسئله ای است. ۱۰.آقای اسپوک همیشه از کمک کردن به دیگران لذت بسیاری می برد. ۱۱.آیا فکر می کنید که آن سخنرانی ارزش حضور داشتن را دارد؟ ۱۲.آقا و خانم جانسون در فکر رفتن به کلرادو هستند. ۱۳.او اصرار داشت در گزارش به من کمک کند. ۱۴.اگه ممکنه لطفا اینو برام نگه دارید. ۱۵.آقای پیترز امروز صبح درباره شروع به کار در یک کلاس جدید صحبت کرد. ۱۶.او قصد ندارد در این زمان کلاس را ترک کند. ۱۷.ما همگی با اشتیاق در انتظار دیدن خانم رابرتسون در هفته آینده هستیم. ۱۸.آیا امروز صبح هیچ امکانی برای دیدن آقای بلک وجود دارد؟

Practice (3)

Using a gerund construction, complete the following sentences in your own words. با استفاده از ساختار اسم مصدر، و کلمات خودتان جملات را کامل کنید.

1. She is not interested in ______________________.
   (*She is not interested in learning to speak English.*)
   ۱. (او علاقه ندارد که صحبت کردن انگلیسی را یاد بگیرد.)
2. We both enjoy ______________________.
3. We went straight home instead of ______________________.
4. I don't feel like ______________________.
5. He has no intention of ______________________.
6. Do you think that book is worth ______________________?
7. We congratulated him on ______________________.
8. Do you mind ______________________?
9. He is tired of ______________________.
10. He left suddenly without ______________________.
11. Thank you for ______________________.
12. He insisted upon ______________________.
13. I can't imagine ______________________.

14. We are considering ______________________________.
15. He says he doesn't feel like ______________________________.
16. They have stopped ______________________________.
17. There is little chance of ______________________________.
18. He hasn't had any experience in ______________________________.
19. You can't blame him for ______________________________.
20. We all need more practice in ______________________________.
21. We finally succeeded in ______________________________.
22. They are thinking of ______________________________.
23. They are both very fond of ______________________________.
24. In the middle of our discussion, the man suddenly burst out ______________________________.
25. Have you finished ______________________________?
26. Mrs. Belkamp has suggested ______________________________.
27. If we don't hurry, we'll miss ______________________________.
28. The Cresseys had to postpone ______________________________.
29. Did the prisoner escape ______________________________?
30. Would you mind ______________________________?



Would you mind helping me?

۲.ما هر دو از ... لذت می بریم. ۳.ما به جای ... مستقیما به خانه رفتیم. ۴.من میلی به ... ندارم. ۵.او قصد ... ندارد. ۶.آیا فکر می کنید آن کتاب ارزش ... را دارد؟ ۷.ما برای ... به او تبریک گفتیم. ۸.آیا اشکالی ندارد اگر...؟ ۹.او از ... خسته شده است. ۱۰.او ناگهان بدون ... رفت. ۱۱.برای ... از شما متشکرم. ۱۲.او برای ... اصرار کرد. ۱۳.من نمی توانم ... را تصور کنم. ۱۴.ما در حال فکر کردن درباره ... هستیم. ۱۵.او می گوید میلی به ... ندارد. ۱۶.آنها ... را متوقف کرده اند. ۱۷.شانس کمی وجود دارد که ... . ۱۸.او در ... هیچ تجربه ای نداشته است. ۱۹.تو نمی توانی او را برای ... سرزنش کنی. ۲۰.همه ما نیازمند تمرین بیشتری در ... هستیم. ۲۱.ما بالاخره موفق به ... شدیم. ۲۲.آنها در حال در نظر گرفتن ... هستند. ۲۳.آنها هر دو خیلی علاقمند به ... هستند. ۲۴.در میان بحث مان، مرد ناگهان با صدای بلند شروع به ... کرد. ۲۵.آیا شما... را تمام کرده اید؟ ۲۶.خانم بل کَمپ پیشنهاد ... را داده است. ۲۷.اگر عجله نکنیم، ما ... را از دست خواهیم داد. ۲۸.خانواده کرسی باید ... را به تعویق می انداختند. ۲۹.آیا زندانی از ... فرار کرد؟ ۳۰.میشه لطفا ... ؟

Gerunds (3)　کاربرد اسم مصدر و مصدر(۳)

بعد از برخی از افعال مصدر (فعل با to) و یا اسم مصدر (فعل با ing) به کار می رود.

She will continue to study in that class.
She will continue studying in that class.

او درس خواندن در آن کلاس را ادامه خواهد داد.

He has begun to take English lessons.
He has begun taking English lessons.

او شروع به گرفتن درس انگلیسی کرده است.

رایج ترین افعالی که به دنبال آنها مصدر یا اسم مصدر به کار می رود.

advise	توصیه کردن، پیشنهاد کردن	allow	اجازه دادن
attempt	سعی کردن، تلاش کردن	begin	شروع کردن
cannot bear	تحمل نکردن	continue	ادامه دادن
dislike	دوست نداشتنِ، بیزار بودن از	forbid	قدغن کردن
hate	متنفر بودن از، بیزار بودن از	intend	قصد داشتن
like	دوست داشتن، خوش آمدن از	love	دوست داشتن
need	نیاز داشتن، لازم داشتن	permit	اجازه دادن
neglect	غفلت کردن	cease	دست کشیدن از
prefer	ترجیح دادن	start	شروع کردن یا شروع شدن

چند نکته مهم:

۱.اگربعد از افعال allow, advise, permit و forbid مفعول شخصی بیاید، فعل بعدی به صورت مصدر خواهد بود. اما چنانچه بعد از این افعال مفعول شخصی به کار نرود، فعل بعدی به صورت اسم مصدر می باشد.

He advised us to rest.　　او به ما توصیه کرد که استراحت کنیم.
He advised resting.　　او استراحت را توصیه کرد.
They don't permit anyone to talk loudly in this theater.
They don't permit loud talking in this theater.

آنها به هیچ کس اجازه نمی دهند در این تئاتر با صدای بلند حرف بزنند.
آنها اجازه بلند صحبت کردن در این تئاتر را نمی دهند.

۲. اگر need با فاعل غیر شخص بیاید، چنانچه بخواهیم بعد از آن شکل مصدر فعل را بیاوریم، حتما باید فعل به صورت مصدر مجهول به کار رود.

My car needs to be washed.　　لازم است که ماشینم شسته شود.

 ractice (4)

Complete each of the following sentences with a gerund.

جملات زیر را با استفاده از ساختار اسم مصدر کامل کنید.

1. Micky intends .... (take) biology this semester.
   (Micky intends taking biology this semester.)
   ۱.(میکی قصد دارد این ترم درس زیست شناسی را بگیرد.)
2. He likes .... (take) lessons from Miss Dixson.
3. I neglected .... (tell) Mr. Hall about that report.
4. They prefer .... (meet) at five o'clock instead of at six.
5. Joe will start .... (work) in that department next week.
6. But he will continue .... (take) frequent trips to the Midwest.
7. Meg loves .... (work) for Mr. Harris.
8. He intends .... (leave) on the fifteenth.
9. He hates .... (leave) the East Coast.
10. When will Mr. Hale start .... (come) to class?
11. Ava likes .... (study) in the fourth grade.
12. Mr. Hope prefers .... (take) private lessons.
13. We hope to begin .... (increase) our sales in the spring.
14. The enemies have continued .... (build) up their armies.
15. Mary hates .... (do) secretarial work.

Mary hates doing secretarial work.

۲.او دوست دارد با میس دیکسون درس بگیرد. ۳.من از بیان آن گزارش به آقای هال غفلت کردم. ۴.آنها ترجیح می دهند به جای ساعت پنج در ساعت شش ملاقات داشته باشند. ۵.جو هفته آینده کار در آن اداره را شروع خواهد کرد. ۶.اما او سفرهای مکرر را به غرب میانه ادامه خواهد داد. ۷.مِگ دوست دارد برای آقای هریس کار کند. ۸.او قصد دارد در روز پانزدهم حرکت کند. ۹.او دلش نمی خواهد ایست کُوست را ترک کند. ۱۰.آقای هِیل آمدن به کلاس را کی شروع خواهد کرد؟ ۱۱.آوا دوست دارد در کلاس چهارم درس بخواند. ۱۲.آقای هوپ ترجیح می دهد درس خصوصی بگیرد. ۱۳.ما امیدواریم افزایش فروش مان را در بهار شروع کنیم. ۱۴.دشمنان افزودن سربازان شان را ادامه داده اند. ۱۵.مری از اینکه کار منشی گری را انجام دهد متنفر است.

 ractice (5)

Complete each of the sentences in Exercise 4 with an infinitive.

هر یک از جملات تمرین (۴) را با مصدر با to کامل کنید.

1. Micky intends .... (take) biology this semester.
   (Micky intends to take biology this semester.)
   ۱.(میکی قصد دارد این ترم درس زیست شناسی را بگیرد.)



Future Perfect Tense

زمان آینده کامل

الف. طریقه ساختن

قسمت سوم فعل + will have + فاعل

I will have gone.

من (در آینده) رفته ام.

ب. کاربرد

زمان آینده کامل بیانگر عملی است که قبل از زمان مشخصی در آینده انجام خواهد شد. از طرفی این زمان بر تمام شدن کاری در آینده تاکید دارد.

He will have read that novel before next month.
By the end of the week, I will have finished reading this book.
By next September, I'll have worked here thirty years.
We will have finished this book by June.

او تا قبل از ماه آینده آن داستان را می خواند.
من تا پایان هفته، خواندن این کتاب را تمام می کنم.
تا سپتامبر آینده سی سال است که در اینجا کار می کنم.
ما تا ماه جون این کتاب را تمام می کنیم.

ج. قیدهای زمان آینده کامل

by next year	تا سال آینده	قید زمان آینده + by
in a week	ظرف یک هفته	طول زمان + in
within two days	ظرف دو روز	طول مدت زمان + within
two weeks from now	از حالا تا دو هفته دیگر	طول زمان + from now
before next week	قبل از هفته آینده	قید زمان آینده + before

د. شکل های منفی و سوالی

He **will not (won't)** have worked.
Will he have worked?

او (در آینده) کار نکرده است. (منفی)
آیا او (در آینده) کار کرده است؟ (سوالی)



Practice

Complete the following sentences with the future perfect tense form of the verbs in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از شکل زمان آینده کامل افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. I am sure they .... (complete) the new road by June.
   (I am sure they'll have completed the new road by June.)
   ۱. (من مطمئنم که آنها تا ماه جون ساخت جاده جدید را کامل می کنند.)
2. He says that before he leaves he .... (see) every show in town.
3. If you don't make a note of that appointment, you .... (forget) it by next week.
4. By this time next month, all the roses .... (die).
5. By January first, all our work for the year .... been .... (finish) and our reports .... been .... (turn) in.
6. By the time you arrive, I .... (finish) reading your book.
7. I .... (be) in this country two years on next January 12.
8. By this time next year, you .... (forget) all your present troubles.
9. A century from now, wars, I hope, ... (become) a thing of the past.
10. Perhaps by that time, we .... (learn) that it is better to cooperate than to fight.
11. If he hasn't begun to study yet, he certainly .... not .... (learn) all his lessons by tomorrow.
12. I hope that by this time next year a treaty of peace .... been .... (sign).
13. When you are my age, you .... (learn) much about people and their weaknesses.
14. A year from now he .... (take) his medical exams and begun to practice.

A year from now he will have taken his medical exams and begun to practice.

۲.او می گوید که قبل از عزیمت همه نمایش های شهر را می بیند. ۳.اگر تاریخ قرار ملاقات را یادداشت نکنی، تا هفته آینده آن را فراموش می کنی. ۴.تا این موقع ماه آینده، همه گل های رز خشک می شوند. ۵.تا اول ژانویه، همه کارهای سال ما به اتمام می رسند و گزارشات ما تحویل داده می شوند. ۶.تا زمانیکه شما برسید، من خواندن کتاب شما را تمام می کنم. ۷.تا دوازده ژانویه آینده دو سال است که من در این کشور هستم. ۸.تا این موقع سال بعد، تو تمامی مشکلات کنونی ات را فراموش می کنی. ۹.از حالا تا یک قرن دیگر، من امید وارم که جنگ ها مقوله ای مربوط به گذشته شوند. ۱۰.شاید تا آن زمان، ما یاد بگیریم که همکاری بهتر از جنگ است. ۱۱.اگر او هنوز مطالعه را شروع نکرده باشد، مطمئنا تا فردا تمام درس هایش را یاد نخواهد گرفت. ۱۲.امیدوارم تا این زمان سال آینده معاهده صلح امضاء شده باشد. ۱۳.زمانی که به سن من برسی، درباره مردم و ضعف هایشان چیزهای زیادی یاد می گیری. ۱۴.از حالا تا سال دیگر او امتحانات پزشکی اش را میدهد و کار حرفه ایش را شروع میکند.



Review of Verb Tenses

مرور زمان افعال

حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده
I study English every day. من هر روز انگلیسی می خوانم.	Two years ago, I studied English in England. دو سال قبل، من در انگلستان انگلیسی خواندم.	I will study English next year. من سال آینده انگلیسی خواهم خواند.
حال استمراری	**گذشته استمراری**	**آینده استمراری**
I am studying English now. من اکنون در حال انگلیسی خواندن هستم.	When you called me, I was studying English. زمانی که تو به من زنگ زدی، من داشتم انگلیسی می خواندم.	I will be studying English when you arrive tonight. زمانی که امشب وارد شوی من در حال انگلیسی خواندن خواهم بود.
حال کامل	**گذشته کامل**	**آینده کامل**
I have studied English in several different countries. من در چند کشور مختلف انگلیسی خوانده ام.	I had studied English before I moved to the U.S. من قبل از اینکه به ایالات متحده نقل مکان کنم انگلیسی خوانده بودم.	I will have studied every tense by the time I finish this course. من تا زمانی که این دوره را تمام کنم همه زمان ها را مطالعه کرده ام.
حال کامل استمراری	**گذشته کامل استمراری**	**آینده کامل استمراری**
I have been studying English for five years. من به مدت ۵ سال در حال مطالعه انگلیسی بوده ام.	I had been studying English for five years before I moved to the U.S. من قبل از اینکه به ایالات متحده نقل مکان کنم به مدت پنج سال انگلیسی خوانده بودم.	I will have been studying English for over two hours by the time you arrive. زمانی که شما وارد شوید بیش از دو ساعت است که من مشغول خواندن انگلیسی بوده ام.

Vocabulary

occasionally	ə'keɪʒənəli	اِکِیْ ژِنلی	گاه گاهی
brother-in-law	'brʌðə-ɪn-lɔ:	بْراذِ-این-لا	برادر زن، برادر شوهر
sister-in-law	'sɪstə-ɪn-lɔ:	سیستِ-این-لا	خواهر زن، خواهر شوهر
father-in-law	'fɑ:ðə-ɪn-lɔ:	فاذِ-این-لا	پدر شوهر، پدر زن
mother-in-law	'mʌðə-ɪn-lɔ:	ماذِ-این-لا	مادر زن، مادر شوهر

Practice (1)

Complete the following sentences with the correct tense of the verbs in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از شکل درست افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. Daryl always .... (come) to class on time.
   (Daryl always comes to class on time.)

   ۱. (داریل همیشه سر وقت به کلاس می آید.)
2. Mr. Jones .... (teach) us at present.
3. I .... (work) in my garden when you called me last night.
4. We .... (take) our finals next week.
5. I .... (come) to work on the bus this morning.
6. As I .... (come) to work this morning, I am .... (meet) a boy who tried .... (sell) me a watch.
7. I .... (be) to the Grand Canyon several times.
8. Listen! I think the telephone .... (ring).
9. Bob said that he .... (see) that movie before.
10. I .... (read) that novel three or four times.
11. By this time next year, we .... (complete) all the exercises in this book.
12. Your telegram .... (come) just as I .... (leave) my house.
13. The sun .... (shine) brightly when I got up this morning.
14. Our class .... (begin) every morning at 8:30.
15. We occasionally .... (go) to the movies on Sunday.
16. Listen! Somebody .... (knock) at the door.
17. Up to now, nothing .... (hear) from the search party.
18. Marjory, who is now in the fourth grade, ... (study) English for three years.
19. Ruth .... (study) French for a few months last year.
20. My brother-in-law .... (come) to visit me next week.

Listen! Somebody is knocking at the door.

۲.در حال حاضر آقای جونز به ما درس می دهد. ۳.وقتی که تو دیشب به من زنگ زدی من داشتم در باغچه ام کار می کردم. ۴.ما هفته آینده امتحانات آخر ترم خود را خواهیم داد. ۵.من امروز صبح با اتوبوس به محل کار آمدم. ۶.همانطور که امروز صبح به محل کار می آمدم، پسری را دیدم که سعی می کرد یک ساعت به من بفروشد. ۷.من چند بار به گرند کَنین رفته ام. ۸.گوش کن! فکر می کنم تلفن داره زنگ می زنه. ۹.باب گفت که آن فیلم را قبلا دیده بود. ۱۰.من آن رمان را سه یا چهار بار خوانده ام. ۱۱.تا این موقع سال دیگر، ما تمام تمرینات این کتاب را کامل می کنیم. ۱۲.درست وقتی که من داشتم خانه ام را ترک می کردم تلگراف شما رسید. ۱۳.امروز صبح خورشید داشت می درخشید که من بیدار شدم. ۱۴.کلاس ما هر روز صبح ساعت هشت و نیم شروع می شود. ۱۵.ما گاهگاهی یکشنبه به سینما می رویم. ۱۶.گوش کن! یک نفرداره در می زنه. ۱۷.تا حالا، هیچ چیز از گروه اکتشافی شنیده نشده است. ۱۸.مارجوری، که حالا در کلاس چهارم است، به مدت سه سال انگلیسی می خوانده است. ۱۹.روث پارسال چند ماهی فرانسه خواند. ۲۰.برادر زن من هفته آینده به دیدنم می آید.



Vocabulary

magician	mə'dʒɪʃn	مجشِن	شعبده باز
colonel	'kə:nl	کِ(ر)نِل	سرهنگ
cross	'krɒs	کُراس	عبور کردن
whenever	wen'evə	وِن اِوِ(ر)	هر وقت
appoint	ə'pɔɪnt	اِپُینت	منصوب شدن
civil war	'sɪvɪl wɔ:	سیویل وا(ر)	جنگ داخلی
death	deθ	دِث	مرگ



Practice (2)

Complete the following sentences with the correct tense of the verbs in parentheses. **جملات زیر را با استفاده از شکل درست افعال داخل پرانتز کامل کنید.**

1. The magician .... (do) tricks on the stage when we entered.
   (The magician was doing tricks on the stage when we entered.)
   ۱. (شعبده باز روی صحنه در حال انجام اعمال تردستی بود که ما وارد شدیم.)
2. The newspaper says that the police in New Orleans finally .... (catch) the bank robber.
3. Look! .... that Colonel Evans .... (cross) the street?
4. .... she usually .... (walk) along Spencer Street at the same time every morning?
5. She said that she .... (leave) before she heard the news.
6. By this time next week, Rod and Alan .... (visit) their grandmother.
7. By March fifteenth, I .... (be) here one year.
8. Deborah handed in the report which she .... (write).
9. Lee usually .... (study) very hard. In fact, whenever I .... (see) him he .... (study) something.
10. Have you any idea what she .... (do) when .... (call) her tomorrow?
11. What .... you .... (do) when I called you last night?
12. Since when .... Harry .... (be) manager of this department?
13. He .... (be) appointed last June and .... (be) in charge ever since.
14. Where .... you .... (go) on your vacation next month?
15. He cooked the rabbit which he .... (shoot) previously in the woods.
16. The U.S. Civil War .... (begin) in 1861 and it .... (end) in 1865, but not before many thousands of men ...... (meet) their deaths.

The magician was doing tricks on the stage when we entered.

۲.روزنامه می گوید که پلیس نیو ارلیانز بالاخره سارق بانک را دستگیر کرد. ۳.نگاه کن! آیا آن سرهنگ ایوانز است که در حال عبور از خیابان است؟ ۴.آیا او معمولا هر روز صبح در همان زمان در مسیر خیابان اسپنسر پیاده روی می کند؟ ۵.او گفت که قبل از شنیدن اخبار رفته بود. ۶.تا این موقع هفته آینده، راد و آلن مادر بزرگشان را می بینند. ۷.تا پانزدهم ماه مارس، من به مدت یک سال در اینجا بوده ام. ۸.دبورا گزارشی را که نوشته بود تحویل داد. ۹.لی معمولا سخت درس می خواند. در حقیقت، هر وقت که من او را می بینم در حال خواندن چیزی است. ۱۰.آیا می دانی فردا زمانی که من به او زنگ بزنم او در حال انجام چه کاری است؟ ۱۱.موقعی که دیشب به تو زنگ زدم داشتی چه کار می کردی؟ ۱۲.هری از چه زمانی مسئول این اداره بوده است؟ ۱۳.او جون گذشته به این سِمَت منصوب شد و از آن تاریخ مسئول بوده است. ۱۴.ماه آینده برای تعطیلات به کجا خواهی رفت؟ ۱۵.او خرگوشی را که قبلا در جنگل زده بود پخت. ۱۶.جنگ داخلی آمریکا در سال ۱۸۶۱ شروع و در سال ۱۸۶۵ تمام شد، اما در آن زمان هزاران نفر جان خود را از دست دادند.

 ractice (3)

Complete the following sentences with the correct tense of the verbs in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از شکل درست افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. Friends who .... (tell) us the truth are often less appreciated than those who ....(flatter) us.
   (*Friends who **tell** us the truth are often less appreciated than those who **flatter** us.*)
   ۱. (دوستانی که حقیقت را به ما می گویند اغلب کمتر از افرادی که چاپلوسی ما را می کنند، مورد تحسین قرار می گیرند.)
2. What did you do when you discovered that you ....(lose) your pocketbook?
3. While we .... (drive) to Milwaukee, we .... (have) two flat tires.
4. The minute the bell rang, the students .... (jump) from their seats.
5. When we got home from work, we discovered that they .... (come) and ....(go).
6. Ms. Sheldon ....(trip) as she ....(enter) the room.
7. Sidney .... (choose) captain of the baseball team by the other players.
8. That movie .... (see) by millions of people around the world.
9. Lilian noticed that we .... (take) the wrong road.
10. My mother can't .... (see) well after dark, so she doesn't .... (drive) at night.

*The minute the bell rang, the students **jumped** from their seats.*

۲.زمانی که فهمیدی کتاب جیبی ات را گم کردی چه کار کردی؟ ۳.زمانی که در حال رانندگی به سمت میلواکی بودیم، دو بار پنچر کردیم. ۴.همینکه زنگ به صدا در آمد، شاگردان از صندلی هایشان پریدند. ۵.زمانی که از سر کار به خانه رسیدیم، فهمیدیم که آنها آمده و رفته بودند. ۶.خانم شلدون زمانی که وارد اطاق می شد زمین خورد. ۷.سیدنی توسط دیگر بازیکنان به عنوان کاپیتان تیم بیس بال انتخاب شد. ۸.آن فیلم توسط میلیون ها نفر در سراسر جهان دیده شد. ۹.لی لیان متوجه شد که ما راه اشتباه را رفته بودیم. ۱۰.مادرم بعد از تاریک شدن هوا نمی تواند خوب ببیند، بنابراین در شب رانندگی نمی کند.



Position of Adverbs

جای قید زمان در جمله

قیدهای زمان مانند: (yesterday, last week, last month و غیره) معمولا در آخر جمله می آیند. اما گاهی اوقات برای تاکید، آنها را در اول جمله می آوریم.

I saw Ms. Anderson yesterday. — من خانم اندرسن را دیروز دیدم.

On Wednesday you are due in court. — روز چهارشنبه شما باید در دادگاه باشید.

قید های تکرار (often, usually, sometimes, rarely, ever و غیره) قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی به کار می روند.

He always comes to class late. — او همیشه دیر به کلاس می آید.
(قبل ازفعل اصلی)

Does she always come to class late? — آیا او همیشه دیر به کلاس می آید؟
(قبل ازفعل اصلی)

She is never late for class. — او هیچ وقت دیر به کلاس نمی آید.
(قید بعد از فعل کمکی)

He has always come late to class. — او همیشه دیر به کلاس آمده است.
(قید قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی)

We don't usually eat in the cafeteria. — ما معمولا در کافه تریا غذا نمی خوریم.
(قید قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی)



Practice

Place the indicated adverb in the correct place in these sentences.

در این جملات قید های داخل پرانتز را در جای مناسب آنها قرار دهید.

1. I saw Mr. Manchester in the cafeteria. (yesterday)
   (I saw Mr. Manchester in the cafeteria yesterday.)
   ۱. (من دیروز آقای منچستر را در کافه تریا دیدم.)
2. Sam has been a very careful worker. (always)
3. He goes to Boston on business trips. (often)
4. He stays with me. (seldom)

5. She accepted the raise. (cheerfully)
6. She plays the piano. (well)
7. He is planning to visit us at our home. (tonight)
8. She has spoken to me. (never)
9. Alice replaced the pieces. (carefully)
10. Al is late for class. (always)
11. He has prepared his lessons. (always)
12. We went for a walk in the park. (on Sunday)
13. We go for a walk in the park on Sunday. (usually)
14. Do you go for a walk on Sunday? (ever)
15. I go for a walk on Sunday. (never)
16. I spoke to Ellen about that matter. (on Tuesday)
17. He promised to give me an answer. (in the morning)
18. Have you visited Chicago? (ever)
19. Do you eat in the cafeteria? (usually)
20. Have you eaten in the cafeteria? (ever)
21. Have you finished writing your exercises? (yet)
22. I have spoken to him about that. (often)
23. Have you spoken to him about that? (ever)
24. Has he been late for his classes? (always)
25. I have been to Mt. Vernon, Washington's home. (never)
26. I have read that book. (twice)
27. I have read it. (never) Have you read it? (ever)
28. Mr. and Mrs. Smith visited their daughter in college. (last week)
29. He is too busy to eat lunch. (often)
30. He is leaving for Denver. (tomorrow)

*Al is **always** late for class.*

۲.سَم همیشه کارگر بسیار دقیقی بوده است. ۳.او اغلب برای سفرهای تجاری به بوستون می رود. ۴.او به ندرت نزد من می ماند. ۵.او با شادمانی اضافه حقوق را پذیرفت. ۶.او پیانو را به خوبی می نوازد. ۷.او قصد دارد امشب ما را در خانه مان ببیند. ۸.او هرگز با من صحبت نکرده است. ۹.آلیس قطعات را با دقت تعویض کرد. ۱۰.اَل همیشه دیر به کلاس می آید. ۱۱.او همیشه درس هایش را آماده کرده است. ۱۲.ما روز یکشنبه برای پیاده روی به پارک رفتیم. ۱۳.ما معمولا روز یکشنبه برای پیاده روی به پارک می رویم. ۱۴.آیا شما اصلا یکشنبه برای پیاده روی به پارک می روید؟ ۱۵.من هرگز روز یکشنبه برای پیاده روی نمی روم. ۱۶.من روز سه شنبه درباره آن موضوع با اِلِن صحبت کردم. ۱۷.او قول داد پاسخ را صبح به من بدهد. ۱۸.آیا تا کنون از شیکاگو دیدن کرده ای؟ ۱۹.آیا معمولا در کافَه تریا غذا می خوری؟ ۲۰.آیا تا کنون در کافه تریا غذا خورده ای؟ ۲۱.آیا تا حالا نوشتن تمریناتت را تمام کرده ای؟ ۲۲.من اغلب در آن مورد با او صحبت کرده ام. ۲۳.آیا توتا کنون در آن مورد با او صحبت کرده ای؟ ۲۴.آیا او همیشه دیر به کلاس هایش آمده است؟ ۲۵.من هرگز به ماونت ورنون، خانه واشینگتن نرفته ام. ۲۶.من دو بارآن کتاب را خوانده ام. ۲۷.من هرگز آن را نخوانده ام. آیا تو تا حالا آن را خوانده ای؟ ۲۸.آقا و خانم اسمیت هفته گذشته دخترشان را در دانشگاه دیدند. ۲۹.او اغلب آنقدر گرفتار است که ناهار نمی خورد. ۳۰.او فردا عازم دنوِر می شود.



Word Order
ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله

فاعل	فعل	مفعول غیر مستقیم	مفعول مستقیم	قید حالت	قید مکان	قید زمان
I	gave	her	a book	cheerfully	at school	yesterday

من دیروز با خوشحالی کتابی را در مدرسه به او دادم.

ocabulary

so excited	səʊ ɪ'ksaɪtɪd	سُو ایکسایتِد	به قدری هیجان زده
hardly	'hɑ:dli	ها(ر)دلی	به زحمت
so bright	səʊ 'braɪt	سُو بُرایت	به قدری روشن
light	laɪt	لایت	نور، چراغ
cover	'kʌvə	کاوِ(ر)	پوشاندن
from time to time	frʌm taɪm tu: taɪm	فرام تایم تو تایم	گاهگاهی
mayor	'meə	مِ اِ(ر)	شهردار
used to like	'ju:zd tu: laɪk	یوزد تو لایک	دوست داشتن (در گذشته)
of course	'ɒv 'kɔ:s	آو کُ(ر)س	البته
as well as	æz 'wel æz	اَز وِل اَز	همچنین
now and then	naʊ ænd 'ðen	نَو اَند دِن	آن وقت، گاهی

ractice

Reconstruct the following sentences and put them into good English form.

جملات زیر را دوباره با ترتیب درست انگلیسی بنویسید.

1. Jacob has been two years in this country.
   (Jacob has been in this country two years.)
   ۱. (جاکوب به مدت دو سال در این کشور بوده است.)
2. He is studying now English at Columbia University.
3. He was so excited he hardly could think.
4. The light was so bright that we had to cover from time to time our eyes.

5. She said that he had had already three drinks.
6. I even didn't know that it was you who was calling me.
7. Throw me from the bus a kiss.
8. Karen went to see the mayor in a new skirt.
9. Louise comes sometimes to our house for the lesson, and I go sometimes to hers.
10. I used to like a lot the theater, but now I go every night to the movies.
11. Of course, always I speak German with my family and friends.
12. He is studying now French as well as English.
13. He has been two years here; perhaps it is more even than that.
14. It was so cold that summer that we had to wear now and then our overcoats.
15. I have every day to write a lot of letters in English.
16. He said that he had seen already that movie.
17. He comes seldom to the lesson on time.
18. Simon gave me this morning your message.
19. Please read slowly the whole sentence.
20. We went last night to the theater.



It was so cold that summer that we had to wear our overcoats now and then.

۲.او اکنون در حال خواندن انگلیسی در دانشگاه کلمبیا است. ۳.او به قدری هیجان زده بود که نمی توانست فکر کند. ۴.تابش نور آنقدر شدید بود که ما مجبور بودیم گاهگاهی چشمان خود را بپوشانیم. ۵.او گفت که قبلا سه نوشیدنی نوشیده بود. ۶.من حتی نمی دانستم این تو بودی که داشتی به من زنگ می زدی. ۷.از اتوبوس بوسه ای برایم بفرست. ۸.کارن با یک دامن جدید به دیدن شهردار رفت. ۹.لوییس بعضی وقت ها برای درس خواندن به خانه ما می آید، و من گاهی به خانه او می روم. ۱۰.من قبلا تئاتر را خیلی دوست داشتم، اما حالا هر شب به سینما می روم. ۱۱.البته، من همیشه با خانواده و دوستانم آلمانی صحبت می کنم. ۱۲.او اکنون در حال خواندن فرانسه و همینطور انگلیسی می باشد. ۱۳.او دو سال اینجا بوده است؛ شاید حتی بیشتر از این مدت. ۱۴.آن سال تابستان هوا به قدری سرد بود که ما گاهی مجبور می شدیم پالتوهایمان را بپوشیم. ۱۵.من هر روز باید نامه های زیادی به انگلیسی بنویسم. ۱۶.او گفت که قبلا آن فیلم را دیده بود. ۱۷.او به ندرت به موقع به کلاس درس می آید. ۱۸.سایمون امروز صبح پیغامت را به من داد. ۱۹.لطفا کل جمله را به آرامی بخوان. ۲۰.ما دیشب به تئاتر رفتیم.



Still, Anymore

کاربرد still و anymore

still (هنوز - حتی) نشان دهنده عملی است که از قبل شروع و تا حالا ادامه دارد. **still** در جملات مثبت و معمولا قبل از فعل اصلی به کار می رود.

He is still working in that office. — او هنوز در آن اداره کار می کند.
They still live in that house. — آنها هنوز در آن خانه زندگی می کنند.

anymore (دیگر) در مواردی کار برد دارد که انجام کار برای مدتی در گذشته ادامه داشته و اکنون قطع گردیده است. **anymore** معمولا در آخر جملات منفی به کار می رود.

He isn't working in that office anymore. — او دیگر در آن اداره کار نمی کند.
They don't live in that house anymore. — آنها دیگر در آن خانه زندگی نمی کنند.



Vocabulary

although	ɔ'lðəʊ	آلذُو	گرچه
rarely	'reəli	رِ(ر)لی	به ندرت
bitter	'bɪtə	بیتِ(ر)	تلخ، تند، شدید
enemy	'enəmi	اِنِمی	دشمن



Practice (1)

Complete the following sentences with *still* or *anymore*.

جملات زیر را با still یا anymore کامل کنید.

1. He doesn't study in this class ....
   (He doesn't study in this class anymore.)
   ۱. (او دیگر در این کلاس درس نمی خواند.)
2. She is .... working as a clerk in Burdine's.
3. He is .... teaching English in that same school.
4. Sue is .... the best student in the class.
5. Ann is not the best student in the class ....

6. We never see you at the school ....
7. They don't live near us ....
8. I seldom see George ....
9. We are .... good friends, although I rarely see them ....
10. Do they .... spend each summer in Mexico City?
11. He .... thinks that he is the best teacher in the department.
12. Dr. Jones is not our doctor ....
13. I .... think that Helen is the most interesting person in the whole school.
14. They are .... bitter enemies, although they never see each other ....

They are still bitter enemies, although they never see each other anymore.



۲.او هنوز بـه عنوان فروشـنده در فروشگاه بـرداین مشـغول کار اسـت. ۳.او هنوز در همان مدرسـه مشـغول تدریس انگلیسی است. ۴.سو هنوز بهترین شاگرد کلاس است. ۵.آن دیگر بهترین شاگرد کلاس نیست. ۶.ما دیگر هیچوقت شما را در مدرسه نمی بینیم. ۷.آنها دیگر در نزدیکی ما زندگی نمی کنند. ۸.من دیگر به ندرت جورج را می بینم. ۹.ما هنوز دوستان خوبی هستیم، گرچه من دیگر به ندرت آنها را می بـینم. ۱۰.آیا آنها هنوز هر تابسـتان را در مکزیکو سـیتی می گذرانند؟ ۱۱.او هنوز فکر می کند که بـهترین معلم بـخش اسـت. ۱۲.دکتر جونز دیگر پزشـک ما نیسـت. ۱۳.من هنوز فکر می کنم که هلن جالب ترین فرد در کل مدرسه است. ۱۴.آنها هنوز دشمنان سرسـختی هسـتند، اگرچه دیگر هرگز همدیگر را نمی بینند.

Practice (2)

Change the following sentences from affirmative to negative.

جملات زیر را از مثبت به منفی تبدیل کنید.

1. We are still good friends.
   (We are not good friends anymore.)
2. He is still president of the club.
3. They still live on State Street.
4. They still visit each other regularly.
5. He is still in love with her.
6. They are still living in Quito.
7. We still see them at the club on Saturday night.
8. It is still raining.

۱.ما هنوز دوستان خوبی هستیم.
(ما دیگر دوستان خوبی نیستیم.)



It is still raining.

۲.او هنوز رئیس باشگاه است. ۳.آنها هنوز در استیت استریت زندگی می کنند. ۴.آنها هنوز مرتبا یکدیگر را می بینند. ۵.او هنوز عاشق اوست. ۶.آنها هنوز در کویتو زندگی می کنند. ۷.ما هنوز شب های شنبه آنها را در باشگاه می بینیم. ۸.باران هنوز در حال باریدن است.



Direct & Indirect Speech (1)

نقل قول مستقیم و غیر مستقیم

هنگامی که بخواهیم گفته کسی را نقل کنیم، می توانیم این کار را به دو صورت انجام دهیم.

۱. **نقل قول مستقیم:** در این حالت عین گفته شخص را بدون کم و کاست بیان می کنیم.

He said, "You are mad."

جمله گزارشی — جمله نقل قول

همانطور که در مثال بالا می بینید در نقل قول مستقیم جمله از دو قسمت تشکیل می شود: قسمت اول یعنی he said، **جمله گزارشی** نامیده می شود. و قسمت دوم **جملهٔ نقل قول** نامیده می شود که بعد از کاما و داخل گیومه (کُتِی شِنِ مارک) قرار می گیرد.

۲. **نقل قول غیر مستقیم:** در این حالت گفته شخص عینا نقل نمی شود.

He said that I was mad.

به این ترتیب مشاهده می کنید که در جملات نقل قول غیر مستقیم ناچارا تغییراتی به وجود می آید که موضوع درس ما بر همین اساس است.

الف: اگر جمله گزارشی، یکی از زمان های حال ساده، حال استمراری، حال کامل، و یا آینده ساده باشد، در این صورت در جمله نقل قول کافیست فقط ضمیر را بر اساس جمله گزارش تغییر دهیم ولی زمان جمله را تغییر نمی دهیم.

نقل قول مستقیم	He says, "I will do it".	او می گوید: «من این کار را انجام خواهم داد.»
نقل قول غیر مستقیم	He says that he will do it.	او می گوید که آن کار را انجام خواهد داد.

همانطور که در مثال بالا ملاحظه نمودید، I به he تبدیل شده است. (زیرا گوینده جمله گزارش he می باشد.) و باز متوجه می شوید که در زمان جمله تغییری ایجاد نشده است. (زیرا زمان جمله گزارش حال ساده می باشد.)

ب: اگر جمله گزارشی، یکی از زمان های گذشته ساده، گذشته استمراری، گذشته کامل و... باشد، در این صورت باید زمان جمله نقل قول را تغییر دهیم. این تغییر زمان، به قانون "یک زمان به عقب" معروف است. یعنی اینکه هر فعل به زمان قبلی یعنی به گذشته اش بر می گردد.

نقل قول مستقیم	He said, "I will do it".	او گفت: «من این کار را انجام خواهم داد.»
نقل قول غیر مستقیم	He said that he would do it.	او گفت که این کار را انجام می داد.

تبدیل جملات از نقل قول مستقیم به غیر مستقیم

الف: تغییر در زمان ها و افعال مُدال

اگر جمله گزارشی در یکی از زمان های گذشته باشد تغییر زمان ها و قید های جمله داخل گیومه به صورت های زیر انجام می گیرد:

نقل قول مستقیم	نقل قول غیر مستقیم
حال ساده	گذشته ساده
حال استمراری	گذشته استمراری
آینده ساده	گذشته در آینده
ماضی نقلی	ماضی بعید
گذشته ساده	ماضی بعید
may	might
must	had to
can	could
will	would
have to	had to
should	should
has/ have	had
am/ is/are	was/ were
was/ were	had been

He said, " The boys play football."
He said that the boys played football.

او گفت: «پسرها فوتبال بازی می کنند.»
او گفت که پسرها فوتبال بازی کردند.

ب: تغییر در قیدها و برخی از صفات

اگر زمان و مکان در جمله نقل قول مستقیم با زمان و مکان در جمله نقل قول غیر مستقیم فرق داشته باشد، تغییرات زیر انجام می پذیرد:

نقل قول مستقیم	نقل قول غیر مستقیم
now	then
yesterday	the day before/ the previous day
ago	before
tonight	that night
today	that day
tomorrow	the day after/ the following day/ the next day
next week/ month/ year	the following week/ month/ year the week/ month/ year after
last week/ month/ year	the week/ month/ year before

He said, " they are playing now."
He said that they were playing then.

او گفت: «آنها اکنون در حال بازی کردن هستند.»
او گفت که آنها در آن زمان در حال بازی کردن بودند.

ج. تغییر در ضمائر

در نقل قول غیر مستقیم چون جمله را از قول گویندهٔ جمله گزارشی بیان می کنیم، ضمائر فاعلی، مفعولی، ملکی و انعکاسی تغییر می کنند. مثلاً اگر گوینده ما he باشد، کاملاً طبیعی است که ضمائر داخل گیومه بر اساس همین ضمیر (he) تغییر یابد.

He said, "I can read my book by myself."
He said that he could read his book by himself.

او گفت: «من به تنهائی می توانم کتابم را بخوانم.»
او گفت که او به تنهائی می توانست کتابش را بخواند.

He said to me, "You yourself lost your watch."
He told me that I myself had lost my watch.

او به من گفت: «تو خودت ساعتت را گم کردی.»
او به من گفت که من خودم ساعتم را گم کرده بودم.

چند نکته درباره کاربرد say و tell

معمولا say بدون مفعول به کار می رود.

I said that I was angry. — من گفتم (که) من عصبانی بودم.

اما در صورتی که say با مفعول استفاده شود، بعد از آن to به کار می رود.

I said to him I was angry. — من به او گفتم که من عصبانی بودم.

tell همیشه با مفعول به کار می رود.

I told him I was angry. — من به او گفتم که من عصبانی بودم.



Practice (1)

Change the following sentences from direct to indirect speech.

جملات زیر را از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنید.

1. Carolyn said, "I will be here at noon." — ۱.کارولین گفت: «من ظهر اینجا خواهم بود.»
   (Carolyn said she would be here at noon.) (کارولین گفت که او ظهر در اینجا خواهد بود.)
2. David said, "The plane will probably get in late."
3. The boss said, "I have to finish this report by tonight."
4. The doctor said, "She'll get well quickly."
5. The teacher said, "Everyone has to write a three-page paper for tomorrow."
6. Richard said, "I saw that movie last week."
7. Janie said, "I've read that book."
8. Suzanne said to her boyfriend, "I can't go tonight."



Richard said that he had seen that movie the week before.

9. William said to me, "I'll finish this tomorrow."
10. She said to him, "The lights aren't working."
11. I said to the waitress, "This bill is wrong."
12. The boy said, "I'm only eight years old."
13. Henry said, "I can meet them later."
14. Ms. Bremer said, "I don't do business that way."

۲.دیوید گفت، احتمالا هواپیما تاخیر خواهد داشت. ۳.رئیس گفت، من باید تا امشب این گزارش را تمام کنم. ۴.دکتر گفت، حالَ او به سرعت خوب خواهد شد. ۵.معلم گفت، همه باید یک مقاله سه صفحه ای برای فردا بنویسند. ۶.ریچارد گفت، من آن فیلم را هفته گذشته دیدم. ۷.جانی گفت، من آن کتاب را خوانده ام. ۸.سوزان به دوست پسرش گفت، من امشب نمی توانم بروم. ۹.ویلیام به من گفت، من این را فردا تمام خواهم کرد. ۱۰.او به او گفت، چراغ ها کار نمی کنند. ۱۱.من به گارسون (زن) گفتم، این صورت حساب اشتباه است. ۱۲.پسر گفت، من فقط هشت سال دارم. ۱۳.هنری گفت، من می توانم بعدا آنها را ببینم. ۱۴.خانم برمر گفت، من اینطوری معامله نمی کنم.

Direct & Indirect Speech (2)

نقل قول مستقیم و غیر مستقیم (جملات سوالی)

الف. جملات سوالی با افعال کمکی

در هنگام سوالی کردن جملات نقل قول غیر مستقیم با افعال کمکی، ابتدا said to را به asked و سپس that را به if یا whether تغییر می دهیم و پس از آن جمله را از شکل سؤالی به خبری تبدیل کرده و بقیه تغییرات را که قبلاً ذکر شد انجام می دهیم.

He said to me, " Do you play tennis?"
He asked me if/ whether I played tennis.

او به من گفت: «آیاشما تنیس بازی می کنید؟»
او از من پرسید آیا من تنیس بازی کردم.

ب. جملات سوالی با کلمات پرسشی

در هنگام سوالی کردن جملات نقل قول غیر مستقیم با کلمات پرسشی کافی است به جای if یا whether از کلمات پرسشی استفاده کرده و پس از آن جمله را از شکل سؤالی به خبری تبدیل کنیم و بقیه تغییرات را که قبلاً ذکر شد انجام دهیم.

He said to me, "Why did you arrive so late?"
He asked me why I had arrived so late.

او به من گفت: «چرا اینقدر دیر رسیدی؟»
او از من پرسید چرا اینقدر دیر رسیده بودم.



Practice (2)

Change the following sentences to indirect speech.

جملات زیر را به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنید.

1. I asked the clerk, "How much does this cost?"
   (I asked the clerk how much this cost.)
   ۱.من از فروشنده پرسیدم: «این چند است؟»
   (من از فروشنده پرسیدم این چند بود.)
2. Mr. Carter asked me, "Where are you going?"
3. Amy asked, "Are you going to eat in the cafeteria?"
4. Roz asked, "Did you mail that letter for me?"
5. Delia asked me, "Where are you going on your vacation?"
6. I asked her, "Do you like my new hat?"
7. He asked me, 'How are you today?"
8. I asked the storekeeper, "What is the price of this tie?"
9. She asked me, "When will you get back from your trip?"
10. He asked her, "What time is it?"
11. The passenger asked, "When do we land?"
12. Then he asked, "Does it take longer to go by bus or by train?"
13. She asked me, "What time is it?"
14. He asked me, "How long have you studied English?"

He asked me how I was that day.

۲.آقای کارتر از من سوال کرد: «داری کجا می ری؟» ۳.ایمی سوال کرد: «آیا قصد داری در کافه تریا غذا بخوری؟» ۴.رُز سوال کرد: «آیا آن نامه را برای من پست کردی؟» ۵.دلیا از من سوال کرد: «برای تعطیلاتت داری کجا می ری؟» ۶.من از او پرسیدم: « از کلاه جدید من خوشت می آد؟» ۷.او از من پرسید:« امروز چطوری؟» ۸.من از مغازه دار پرسیدم: « قیمت این کراوات چقدر است؟» ۹.او از من سوال کرد: « چه موقع از سفرت بازخواهی گشت؟» ۱۰.او از او سوال کرد: «ساعت چنده؟» ۱۱.مسافر سوال کرد: «کی فرود می آییم؟» ۱۲.او سپس سوال کرد: «آیا رفتن با اتوبوس طولانی تر است یا با قطار؟» ۱۳.او از من سوال کرد: «ساعت چنده؟» ۱۴.او از من سوال کرد: «چه مدتی انگلیسی خوانده اید؟»



Practice (3)

Choose the correct form.

شکل درست کلمات را انتخاب کنید.

1. She asked me where (was I, I was) going.
   (She asked me where I was going.)
   ۱. (او از من پرسید من داشتم کجا می رفتم.)
2. I don't know what (is his name, his name is).
3. Ask him what time (is it, it is).
4. The mail carrier wants to know where (she lives, does she live).
5. He asked me how much (did my car cost, my car cost).



6. I don't know where (did he put, he put) those magazines.
7. He wants to know where (do we have, we have) our English lesson.
8. I wonder what time (it is, is it).
9. Ask him how old (is he, he is).
10. He asked me how old (was I, I was).
11. Find out where (does she live, she lives).
12. I asked her where (she lived, did she live).
13. We asked her whether (was she, she was) married.
14. Nathan asked me how long (had I studied, I had studied) English.
15. He didn't say where (he was, was he) going.
16. Ask him where (is Helen, Helen is).
17. I forgot where (did I put, I put) it.
18. I don't know where (does he live, he lives).
19. He asked me when (I would, would I) return.
20. Brooke asked me where (was I, I was) going.
21. I asked him what time (could he, he could) meet us.
22. The teacher asked me why (was I, I was) late for class.

I forgot where I put it.

۲.من نمی دانم اسمش چیست. ۳.از او سوال کن ساعت چند است. ۴.پستچی می خواهد بداند او کجا زندگی می کند. ۵.او از من سوال کرد قیمت ماشینم چقدر است. ۶.من نمی دانم او آن مجله ها را کجا گذاشت. ۷.او می خواهد بداند ما کلاس درس انگلیسی مان را کجا تشکیل می دهیم. ۸.من نمی دانم ساعت چند است. ۹.از او سوال کن چند ساله است. ۱۰.او از من سوال کرد چند سالم بود. ۱۱.تحقیق کن او کجا زندگی می کنه. ۱۲.من از او سوال کردم کجا زندگی می کرد. ۱۳.ما از او سوال کردیم آیا ازدواج کرد. ۱۴.ناتان از من سوال کرد چه مدتی انگلیسی خوانده بودم. ۱۵.او نگفت داشت کجا می رفت. ۱۶.از او سوال کن هلن کجاست. ۱۷.من فراموش کردم این را کجا گذاشتم. ۱۸.من نمی دانم او کجا زندگی می کند. ۱۹.او از من سوال کرد کی بر می گردم. ۲۰.بروک از من سوال کرد داشتم کجا می رفتم. ۲۱.من از او سوال کردم چه ساعتی می توانست ما را ببیند. ۲۲.معلم سوال کرد چرا من برای کلاس دیر کردم.

 ractice (4)

Change each of the following questions to an indirect statement. Begin each one with the words given after it in parentheses.

سوالات زیر را به نقل قول خبری غیر مستقیم تبدیل کنید. هر جمله را با کلمات داده شده داخل پرانتز شروع کنید.

1. Where is the director's office? (I don't know __________.)
   (I don't know where the director's office is.)

   ۱.دفتر کار رئیس کجاست؟ (من نمی دانم ______.)
   من نمی دانم دفتر کار رئیس کجاست.

2. Where did Miss Dale go? (He wants to know __________.)
3. What time is it? (I wonder __________________.)

4. In which file is the letter? (Mr. Ames wants to know __________.)
5. How much does this cost? (I would like to know __________________.)
6. How is he getting along? (The director wants to know ______________.)
7. When is he leaving for the coast? (No one seems to know __________.)
8. When will Mr. Saki get back? (He asked me __________________.)
9. What is the price of this book? (She said she didn't know ____________.)
10. Where is he? (Do you know __________________?)
11. Did he finish his examination? (The teacher asked ________________.)
12. Does he live in Brooklyn? (Ask him __________________.)
13. Where did you put it? (I forget __________________.)
14. What does it mean? (I asked him __________________.)
15. Where is she going? (I don't know__________________.)
16. What time is he coming back? (He didn't tell me__________________.)
17. Where is it? (I haven't any idea __________________.)
18. Did she take it with her? (I really don't know__________________.)
19. How well does she speak English? (He wants to know______________.)
20. Is he coming back today? (I'm not sure __________________.)
21. Where is he going? (He didn't tell anyone__________________.)
22. Did he return the book? (I don't know __________________.)



*I asked him what it **meant**.*

۲.خانم دیل کجا رفت؟ (او می خواهد بداند _______.) ۳.ساعت چند است؟ (من نمی دانم _______.) ۴.نامه در کدام فایلَ است؟ (آقای ایمز می خواهد بداند _______.) ۵.قیمت این چند است؟ (من میل دارم بدانم _______.) ۶.او چطور پیش می رود؟ (مدیر می خواهد بداند _______.) ۷.او کی عازم ساحل می شود؟ (به نظر می ر سد هیچکس نمی داند _______.) ۸.آقای ساکی کی باز خواهد گشت؟ (او از من پرسید _______.) ۹.قیمت این کتاب چند است؟ (او گفت نمی دانست _______.) ۱۰.او کجاست؟ (آیا می دانی _______؟) ۱۱.آیا او امتحانش را تمام کرد؟ (معلم پرسید _______.) ۱۲.آیا او در بروکلین زندگی می کند؟ (از او سوال کن _______.) ۱۳.اینو کجا گذاشتی؟ (من فراموش می کنم _______.) ۱۴.معنی این چیه؟ (من از او سوال کردم _______.) ۱۵.او کجا می رود؟ (من نمی دانم _______.) ۱۶.او کی بر می گردد؟ (او به من نگفت _______.) ۱۷.این کجاست؟ (من نمی دانم ____.) ۱۸.آیا او این را با خود برد؟ (من واقعا نمی دانم _______.) ۱۹.انگلیسی او چطور است؟ (او می خواهد بداند ____.) ۲۰.آیا او امروز بر می گردد؟ (من مطمئن نیستم _______.) ۲۱.او کجا می رود؟ (او به هیچکس نگفت _______.) ۲۲.آیا او کتاب را پس داد؟ (من نمی دانم _______.)

Direct & Indirect Speech (3)

نقل قول مستقیم و غیر مستقیم (جملات امری و امری منفی)

الف. نقل قول غیر مستقیم جملات امری، خواهشی و امری منفی

برای این کار، to قبل از فعل امر اضافه می شود. please از جمله حذف می گردد.

He said, "Put on your coat, Mary."
He told Mary to put on her coat.

او گفت: «مری، کتت را بپوش.»
او به مری گفت کتش را بپوشد.

He said to him, "Please give me your pen."
He asked him to give him his pen.

او به او گفت: «لطفا خودکارت را به من بده.»
او از او خواست خودکارش را به او بدهد.

ب. نقل قول غیر مستقیم جملات امری منفی (نهی)

برای این کار، not to قبل از فعل امر اضافه می شود.

He said, "Don´t stop here."
He warned them not to stop there.

او گفت: «در اینجا توقف نکنید.»
او به آنها اخطار کرد در آنجا توقف نکنند.

He said, "Don´t write on the wall."
He told them not to write on the wall.

او گفت: «روی دیوار ننویسید.»
او به آنها گفت روی دیوار ننویسند.

He said to me, "Don´t come near."
He warned me not to go near.

او به من گفت: «نزدیک نیا.»
او به من اخطار کرد نزدیک نروم.

He said to us, "If I were you, I would not live there."
He advised us not to live there.

او به ما گفت: «اگر من جای شما بودم، در آنجا زندگی نمی کردم.»
او به ما توصیه کرد در آنجا زندگی نکنیم.

ج. موارد دیگر

۱. پیشنهاد

He said, "Let's go home."
He suggested going home.

او گفت: «بیا به خانه برویم.»
او پیشنهاد رفتن به خانه را داد.

He said, "Why don't we call them."
He suggested calling them.
He suggested that they call them.

او گفت: «چرا به آنها زنگ نزنیم.»
او پشنهاد زنگ زدن به آنها را مطرح کرد.
او پیشنهاد کرد که به آنها زنگ بزنند.

۲. تشکر

He said to me, "Thank you."
He thanked for my help.

او به من گفت: «متشکرم.»
او از کمک من تشکر کرد.

ractice (5)

Change the following sentences from direct to indirect speech.

جملات زیر را از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنید.

1. My husband said to me, "Wait for me outside."
   (My husband told me to wait for him outside.)

۱.شوهرم به من گفت، «بیرون منتظرم بمان.»
(شوهرم به من گفت بیرون منتظرش بمانم.)

2. The teacher said to us, "Don't make so much noise."
3. He told me, "Try to come on time."
4. He begged us, "Please send me some money at once."
5. He asked us, "Please sit down for a few minutes."
6. She said to me, "Don't forget what I have told you."
7. The teacher asked us, "Please be more careful when you write your compositions."
8. He said to me angrily, "Don't make the same mistake again."
9. The doctor said, "Come back again tomorrow."
10. I said to him, "Don't call me again at this late hour."
11. He begged me, "Please don't mention this to Margaret."
12. I said to the boy, "Put the package inside the room."
13. The teacher said to us, "Type your compositions."
14. I said to him, "Don't ever try that trick again."



He told me angrily not to make the same mistake again.

۲.معلم به ما گفت: «اینقدر سرو صدا نکنید.» ۳.او به من گفت: «سعی کن به موقع بیایی.» ۴.او از ما خواهش کرد: «لطفا فورا مقداری پول برایم بفرستید.» ۵.او از ما خواست: «لطفا چند دقیقه ای بنشینید.» ۶.او بـه من گفت: «آنچه را که بـه تو گفته ام فراموش نکن.» ۷. معلم از ما خواست: «لطفا زمانی که انشاء هایتان را می نویسید بیشتر دقت کنید.» ۸.او با عصبانیت بـه من گفت: «دوبـاره مرتکب همان اشتباه نشو.» ۹.دکتر گفت: «فردا دوباره بیا.» ۱۰.من به او گفتم: «دوباره در این دیر وقت به من زنگ نزن.» ۱۱.او از من خواهش کرد: «لطفا این موضوع را به مارگارت نگو.» ۱۲.من به پسر گفتم: «بسته را داخل اطاق بگذار.» ۱۳.معلم به ما گفت: «انشـاء هایتان را تایپ کنید.» ۱۴.من به او گفتم: «هیچگاه دوباره آن حقه را امتحان نکن.»

ractice (6)

Give in indirect speech what the teacher told you to do.

آنچه را که معلم به شما گفته انجام دهید به صورت نقل قول غیر مستقیم بگویید.

1. Wait outside in the hall.
   (The teacher told me to wait outside in the hall.)

۱.بیرون در راهرو منتظر بمان.
(معلم به من گفت بیرون در راهرو منتظر بمانم.)

2. Stay after class.
3. Don't make so much noise.
4. Look out the window, but don't open it.
5. Stop talking to Anna.
6. Sit up straight in your seat.
7. Be quiet while I am talking.
8. Pay more attention to what I say.



The teacher told me to stop talking to Anna.

۲.بعد از کلاس بمان. ۳.اینقدر سروصدا نکن. ۴.از پنجره بیرون را نگاه کن، اما آن را باز نکن. ۵.با آنا حرف نزن. ۶.روی صندلی ات درست بنشین. ۷.موقعی که من دارم حرف می زنم ساکت باش. ۸.به آنچه که من می گویم بیشتر توجه کن.



Practice (7)

Change the following to indirect speech. به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنید.

1. **She said,** "I need a vacation." ۱.او گفت: «من نیاز به یک تعطیلی دارم.»
   (She said that she needed a vacation.) (او گفت که او نیاز به تعطیلی داشت.)

"They need more practice in speaking." آنها نیاز به تمرین بیشتری برای صحبت کردن دارند.
"These exercises are difficult for me." این تمرینات برای من مشکل هستند.
"I don't feel well." من حالم خوب نیست.
"Nobody can do that work as well as you." هیچ کس نمی تواند آن کار را به خوبی شما انجام دهد.
"I'll be back soon." من به زودی باز خواهم گشت.
"I may be a few minutes late." من ممکن است چند دقیقه ای دیر کنم.
"I have already seen that movie." من قبلا آن فیلم را دیده ام.

2. **He asked me,** "When did you move here?" ۲.او از من سوال کرد: «کی به اینجا نقل مکان کردید؟»
   (He asked me when I had moved here.) (او از من پرسید چه موقع به اینجا نقل مکان کرده بودم.)

"Where does that girl live?" آن دختر کجا زندگی می کند؟
"How old are you?" تو چند ساله هستی؟
"What time is it?" ساعت چند است؟
"Where are you going?" داری کجا می ری؟
"How long have you studied English?" چه مدتی انگلیسی خوانده ای؟
"Do you like to study English?" دوست داری انگلیسی بخوانی؟

3. I **don't know**, "When are we leaving?" *(I don't know when we're leaving.)*	۳.من نمی دانم: «کی حرکت می کنیم؟» (من نمی دانم کی حرکت می کنیم.)
"Where does she live?"	او کجا زندگی می کند؟
"What time is it?"	ساعت چند است؟
"Where did they go?"	آنها کجا رفتند؟
"Does she speak English well?"	آیا او انگلیسی را خوب صحبت می کند؟
"How long has she been studying English?"	او چه مدتی انگلیسی خوانده است؟
"What is her first name?"	اسم کوچک او چیست؟

4. **I said to them**, "Don't be afraid." *(I told them not to be afraid.)*	۴.من به آنها گفتم: «نترسید.» (من به آنها گفتم نترسند.)
"Wait outside for me."	بیرون منتظرم باش.
"Come back in an hour."	تا یک ساعت دیگر برگرد.
"Don't mention this to anyone."	این را به کسی نگو.
"Do me a favor and come back later."	لطفی در حقم بکن و بعدا برگرد.
"Don't go by bus."	با اتوبوس نرو.



She asked me how old I was.



Should, Ought to (1)

کاربرد should و ought to

should و ought to (باید) نشان دهنده مصلحت انجام کاری و یا انجام وظیفه می باشند و بعد از آنها از شکل ساده فعل استفاده می شود.



Albert should spend more time studying.
Albert ought to spend more time studying.

آلبرت باید وقت بیشتری را صرف مطالعه کند. (یعنی به مصلحت آلبرت است که بیشتر درس بخواند.)



You shouldn't smoke so much.
You should not smoke so much.
You ought not to smoke so much.

تو نباید زیاد سیگار بکشی. (یعنی به خاطر سلامتی ات بهتر است که سیگار نکشی.)



Vocabulary

should	ʃud	شُد	باید
ought to	ɔ:t tu:	آت تو	باید
project	ˈprɒdʒekt	پْراجِکت	پروژه
as many as	æz ˈmeni æz	اَز مِنی اَز	به تعداد، به اندازه
possible	ˈpɒsəbl	پاسِبُل	ممکن
permission	pəˈmɪʃn	پ(ر)مِشِن	اجازه
physical exercise	ˈfɪzkl ˈeksəsaɪz	فِزکال اِکسِ(ر)سایز	تربیت بدنی
waste	weɪst	وِیست	تلف کردن
unimportant	ʌnɪmˈpɔ:tənt	آنیم پُ(ر)تِنت	بی اهمیت
details	ˈdi:teɪlz	دیتِیلز	جزییات
build up	bɪld ˈʌp	بِلد آپ	ارتقاء دادن
strength	streŋθ	سْتْرِنگث	نیرو
course	kɔ:s	کُ(ر)س	دوره
invest	ɪnˈvest	اینوِست	سرمایه گذاری کردن
stocks	stɒks	سْتاکس	بورس

Practice (1)

Complete the following sentences with *should*. In negative sentences, use the contracted form. جملات را با should کامل کنید. در جملات منفی، از شکل فشرده آن استفاده کنید.

1 She .... (try) to finish her projects on time.
(She should try to finish her projects on time.)

۱. (او باید سعی کند پروژه هایش را به موقع تمام کند.)

2. They .... not (make) so much noise.
3. I .... (spend) more time on my English.
4. He .... not (eat) so much.
5. You .... (learn) as many new words as possible.
6. You .... (ask) permission before doing it.
7. He .... (get) more physical exercise.
8. You really .... (go) to see a doctor.
9. Someone .... (tell) him all about it.
10. No one .... (spend) as much money as she does.
11. She .... not (waste) so much time on unimportant details.
12. I .... (write) them a letter, but I don't have anything to say.
13. You .... not (work) so hard.
14. You .... (rest) more and try to build up your strength.
15. We .... (pay) more attention to what the teacher says.

You really should go to see a doctor.

۲.آنها نباید اینقدر سروصدا کنند. ۳.من باید وقت بیشتری را برای انگلیسی ام صرف کنم. ۴.او نباید اینقدر پرخوری کند.۵.شما باید تا جایی که امکان دارد لغات جدید یاد بگیرید. ۶.شما باید قبل از انجام این کار اجازه بگیرید. ۷.او باید تمرین بدنی بیشتری داشته باشد. ۸.شما واقعا باید به پزشک مراجعه کنید. ۹.یک نفر باید همه چیز را در این باره به او بگوید. ۱۰.هیچکس نباید به اندازه او پول خرج کند. ۱۱.او نباید برای جزئیات بی اهمیت اینقدر وقت تلف کند. ۱۲.من باید به آنها یک نامه بنویسم، اما حرفی برای گفتن ندارم. ۱۳.تو نباید اینقدر زیاد کار کنی. ۱۴.تو باید بیشتر استراحت کنی و سعی کنی نیروی خود را ارتقاء دهی. ۱۵.ما باید به آنچه که معلم می گوید بیشتر توجه کنیم.

Practice (2)

Complete the sentences in Exercise 1 with *ought to*.

جملات تمرین (۱) را با ought to کامل کنید.

1 She .... (try) to finish her projects on time.
(She ought to try to finish her projects on time.)

۱. (او باید سعی کند پروژه هایش را به موقع تمام کند.)

Should, Ought to (2)

کاربرد گذشته should و ought to

الف. طریقه ساختن

فاعل + should/ ought to + have + قسمت سوم فعل

She should/ ought to have spoken English.

او باید (خوب بود) انگلیسی صحبت می کرد. (اما نکرد.)

ب. کاربرد

مصلحت بود که کاری را درزمان گذشته انجام می دادیم اما انجام ندادیم.

She should have played better. او باید بهتر بازی می کرد. (اما خوب بازی نکرد.)

نکته: ساختار فوق مفهوم منفی دارد. یعنی اینکه کاری صورت نگرفت.

Should, Ought to (3)

کاربرد شکل منفی گذشته should و ought to

الف. طریقه ساختن

فاعل + should not/ ought not to + have + قسمت سوم فعل

She should not/ ought not to have spoken English.

او نباید انگلیسی صحبت می کرد. (اما صحبت کرد.)

ب. کاربرد

مصلحت بود که کاری را در زمان گذشته انجام نمی دادیم، اما انجام دادیم.

حال	I should not go out.	نباید بیرون بروم.
گذشته	I should not have gone out.	نباید بیرون می رفتم. (خوب بود که بیرون نمی رفتم اما رفتم.)
حال	He ought not to send the letter.	او نباید نامه را بفرستد.
گذشته	He ought not to have sent the letter.	او نباید نامه را می فرستاد. (اما فرستاد.)



Practice (3)

Change the following sentences to past time. جملات زیر را به گذشته تبدیل کنید.

1. He should study more before his examination.
   (He should have studied more before his examination.)

۱.او باید قبل از امتحانش بیشتر درس بخواند.
(او باید قبل از امتحانش بیشتر درس می خواند.)

2. You should go to the beach with us.
3. She ought to prepare her work more carefully.
4. You should type your exercises.
5. You ought not to say such things to him.
6. We ought to call him.
7. You should visit Hawaii.
8. She ought to be put in the beginner's class.
9. The letter should be sent air express.
10. You should speak to them in English.
11. They ought to buy a dog to protect the place.
12. He should tell her about it.
13. You should pay more attention to the grammar rules.
14. We should go to the beach instead of spending all day at home.
15. You ought to put some money in the bank each week.
16. You shouldn't be so generous with your money.



They ought to have bought a dog to protect the place.

۲.تو باید با ما به ساحل بروی. ۳.او باید کارش را با دقت بیشتری انجام دهد. ۴.تو باید تمریناتت را تایپ کنی. ۵.تو نباید چنین چیزهائی را به او بگویی. ۶.ما باید به او زنگ بزنیم. ۷.تو باید هاوایی را ببینی. ۸.او باید در کلاس مقدماتی گذاشته شود. ۹.نامه باید با پست هوایی ارسال شود. ۱۰.تو باید به انگلیسی با آنها صحبت کنی. ۱۱.آنها باید برای محافظت از مکان یک سگ بخرند. ۱۲.او باید این مورد را به او بگوید. ۱۳.تو باید توجه بیشتری به قواعد گرامری داشته باشی. ۱۴.ما به جای اینکه تمام روز را در خانه بگذرانیم باید به ساحل برویم. ۱۵.تو باید هر هفته مقداری پول در بانک بگذاری. ۱۶.تو نباید با پولت اینقدر سخاوتمند باشی.

Practice (4)

Using the past form of *should*, complete the following sentences in your own words. با استفاده از شکل گذشته should جملات را با کلمات خودتان کامل کنید.

1. John went to the movies last night, but he ....
   (John went to the movies last night, but he should have stayed at home and prepared his lessons.)

۱.جان دیشب به سینما رفت، اما او ....
(جان دیشب به سینما رفت، اما او باید در خانه می ماند و درس هایش را آماده می کرد.)

2. You waited for me on the corner of Jumper Street, but you ....
3. He sent the letter by regular mail, but he ....
4. Marsha came at eight o'clock, but she ....
5. I went to the bus station to meet them, but I ....
6. He gave Julie the money, but he ....
7. She spoke to them in English, but she ....
8. He took a business course in college, but he ....
9. You prepared Lesson 10, but you ....
10. I watched TV last night, but I ....
11. Lucy put the letter on Ms. Doe's desk, but she ....
12. We drove to New York, but we ....
13. He went into business with his father, but he ....
14. They spent their entire vacation in London, but they ....
15. I called him at his office, but I ....
16. He invested all his money in stocks, but he ....
17. She gave the message to Mr. Sanders, but she ....
18. He spent all his money on a new car, but he ....



I watched TV last night, but I should have studied.

۲.در گوشه خیابان جامپر منتظرم ماندی، اما تو ــــ . ۳.او نامه را با پست سفارشی فرستاد، اما او ــــ . ۴.مارشا در ساعت هشت آمد، اما او ــــ . ۵.من برای دیدن آنها به ایستگاه اتوبوس رفتم، اما من ــــ . ۶.او پول را به جولی داد اما او ــــ . ۷.او به انگلیسی با آنها صحبت کرد، اما او ــــ . ۸.او رشته تجارت را در دانشکده انتخاب کرد، اما او ــــ . ۹.تو درس ۱۰ را آماده کردی، اما تو ــــ . ۱۰.من دیشب تلویزیون تماشا کردم، اما من ــــ . ۱۱.لوسی نامه را روی میز خانم دُو گذاشت، اما او ــــ . ۱۲.ما با ماشین به نیویورک رفتیم، اما ما ــــ . ۱۳.او با پدرش وارد تجارت شد، اما او ــــ . ۱۴.آنها تمام تعطیلی خود را در لندن سپری کردند، اما آنها ــــ . ۱۵.من در دفترش به او زنگ زدم، اما من ــــ . ۱۶.او تمام پولش را در بورس سرمایه گذاری کرد، اما او ــــ . ۱۷.او پیغام را به آقای ساندرز داد، اما او ــــ . ۱۸.او تمام پولش را روی یک ماشین جدید صرف کرد، اما او ــــ .



Conditional Sentences
جملات شرطی

جملات شرطی دارای دو قسمت می باشند. جمله پیرو یا if clause که دارای معنی کاملی نمی باشد و در واقع شنونده منتظر شنیدن بقیه جمله است، و جمله پایه که معنی جمله پیرو را کامل و تمام می کند و به تنهائی معنی دارد.



If it rains,


I will stay at home. اگر باران ببارد، در خانه می مانم.

نکته: قسمت پیرو به جمله شرط و قسمت پایه به جواب شرط هم معروف است.

سه نوع جمله شرطی داریم:
۱. شرطی نوع اول (آینده ممکن)
۲. شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی)
۳. شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی)

۱. جملات شرطی نوع اول (آینده ممکن) Future Possible

در شرطی نوع اول انتظار داریم که عملی انجام شود.

(جمله شرط)	،	(جواب شرط)
if/ unless + فاعل + زمان حال فعل	،	فاعل + امر / آینده / زمان حال فعل

If you try hard, you will get a job. اگر سخت تلاش کنی، کاری را به دست خواهی آورد.

حال ساده — آینده ساده

همانطور که متوجه شدید، جمله شرط حال ساده و جمله جواب شرط آینده ساده است. می توان جای این دو جمله را عوض کرد. در این صورت معنی عوض نمی شـود، اما علامت کاما حـذف می شـود.

You will get a job if you try hard.

گاهی اوقات می توانیم در شرطی نوع اول، در قسمت جواب شرط، از فعل امر و یا زمان حال ساده هم استفاده کنیم البته به طور معمول از آینده ساده استفاده می شود.

الف. شرطی با آینده

If he comes tomorrow, I will give him your address.
اگر او فردا بیاید، من آدرس شما را به او خواهم داد.

may
might
should
must
ought to
had better
am going to
would rather
had better
needn't

به جای will از این افعال هم استفاده می شود.

ب. شرطی با فعل امر

If he comes here tomorrow, give him my address.
Give him my address if he comes here tomorrow.
اگر او فردا به اینجا بیاید، آدرس مرا به او بدهید.

ج. شرطی با حال ساده (برای بیان واقعیات و مسائل بدیهی)

If we boil water, it changes into steam. اگر آب را بجوشانیم، تبدیل به بخار می شود.

در این حالت، فعل شرط و فعل جواب شرط، هر دو در زمان حال ساده هستند.

Practice (1)

Supply the correct form of the verb in the parentheses in order to make future possible conditions.

با استفاده از افعال داخل پرانتز شرطی نوع اول (آینده ممکن) را بسازید.

A

1. If Melissa studies hard, she .... (pass) her finals.
   (If Melissa studies hard, she'll pass her finals.)
   ۱. (اگر ملیسا سخت درس بخواند، در امتحانات پایان ترمش قبول خواهد شد.)
2. If I finish my work in time, I .... (go) to the concert.
3. If I see Henry, I .... (give) him your message.
4. If he works hard, he .... (get) the raise.
5. If you don't hurry, we .... (be) late for class.
6. If he tries hard, he .... (find) a job somewhere.
7. If he fails the test, he .... (have) to repeat the course.
8. If the weather is nice tomorrow, we .... (go) to the beach.
9. If Naomi arrives on time, I .... (talk) to her.
10. If I have time tomorrow, I .... (go) shopping with you.

۲.اگر کارم را به موقع تمام کنم، به کنسرت خواهم رفت. ۳.اگرمن هنری را ببینم، پیغام تو را به او خواهم داد. ۴.اگر او سخت کار کند، اضافه حقوق خواهد گرفت. ۵.اگر عجله نکنی، ما برای کلاس دیر خواهیم کرد. ۶.اگر او سخت تلاش کند، در جایی کاری پیدا خواهد کرد. ۷.اگر او در امتحان قبول نشود، مجبور خواهد بود دوره را تکرار کند. ۸.اگر فردا هوا خوب باشد، ما به ساحل خواهیم رفت. ۹.اگر نائومی به موقع برسد، من با او صحبت خواهم کرد. ۱۰.اگر فردا وقت داشته باشم، با تو به خرید خواهم رفت.



If the weather is nice tomorrow,
we'll go to the beach.

B

1. If I .... (find) the book, I will give it to you.
2. If the weather .... (be) warm, we will go to the park tomorrow.
3. If you .... (turn) out the light, we will be in the dark.
4. If you .... (save) your money, you will be able to go on a vacation.
5. If you .... (drive) slowly, you won't have any accidents.
6. If Jack .... (call), I will speak to him.
7. If you .... (learn) how to swim, you can go with us to the beach on Sundays.

۱.اگر کتاب را پیدا کنم، آن را به تو خواهم داد. ۲.اگر هوا گرم شود، فردا به پارک خواهیم رفت. ۳.اگر چراغ را خاموش کنی، ما در تاریکی خواهیم ماند. ۴.اگر پولت را پس انداز کنی، قادر خواهی بود به تعطیلات بروی. ۵.اگر به آهستگی رانندگی کنی، تصادف نخواهی کرد. ۶.اگر جک زنگ بزند، من با او صحبت خواهم کرد. ۷.اگر شنا کردن را یاد بگیری، می توانی روزهای یکشنبه با ما به ساحل بروی.

Conditional Sentences
Present Unreal

۲. جملات شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی)

(جواب شرط)	،	(جمله شرط)
شکل ساده فعل + would + فاعل	،	گذشته ساده یا استمراری + فاعل + if/ unless

If he came here, I would ('d) give him your address.
might
could

اگر او اینجا می آمد، من آدرس تو را به او می دادم.

در شرطی نوع اول انتظار داریم که عملی انجام شود. اما در شرطی نوع دوم چنین انتظاری را نداریم. در واقع شرطی نوع دوم عملی غیر محتمل را در آینده نشان می دهد.

If it snowed tomorrow, I would make a snowman.
I would make a snowman if it snowed tomorrow.

اگر فردا برف می بارید، من آدم برفی درست می کردم.
من آدم برفی درست می کردم اگر فردا برف می بارید.

توجه: دقت کنید که فعل در شرطی نوع دوم در زمان گذشته است، اما مفهوم گذشته ندارد.

نکته (۱)

در جمله زیر به نحوه استفاده unless که در واقع منفی if می باشد توجه کنید.

Unless he came here, I wouldn't give him your address.
If he didn't come here, I wouldn't give him your address.

اگر او به اینجا نمی آمد ، من آدرس شما را به او نمی دادم.

نکته (۲)

در جمله زیر به کاربرد otherwise (در غیر اینصورت) توجه کنید.

شکل ساده فعل + would/ could/ might + فاعل ، otherwise ؛ جمله خبری حال یا آینده

I have a lot of work to do; otherwise, I would ('d) help you.

من کار های زیادی برای انجام دادن دارم؛ در غیر این صورت، به شما کمک می کردم.

Practice (2)

Supply the form of the verb in parentheses in order to form present unreal conditions.
با استفاده از افعال داخل پرانتز شکل شرطی نوع دوم را به کار برید.

A

1. If I knew her well, I .... (speak) to her.
   (If I knew her well, I would speak to her.
   If I knew her well. I'd speak to her.)
   ۱. (اگر او را خوب می شناختم، با او صحبت می کردم.)
2. If he attended class regularly, he .... (make) good progress.
3. If we had the money, we .... (take) a trip to South America.
4. If he went to bed earlier, he .... not .... (feel) so tired.
5. If he drove more carefully, he .... (have) fewer accidents.
6. If John paid his debts, people .... (respect) him more.
7. If I knew English better, I .... (read) some English novels.
8. If he prepared his homework every night, he .... (get) better grades.

۲.اگر او به طور مرتب در کلاس شرکت می کرد، پیشرفت خوبی می کرد. ۳.اگر ما پول داشتیم، سفری به آمریکای جنوبی می کردیم. ۴.اگر او زودتر به رختخواب می رفت، اینقدر احساس خستگی نمی کرد. ۵.اگر او با احتیاط بیشتری رانندگی می کرد، کمتر تصادف می کرد. ۶.اگر جان قرض هایش را پرداخت می کرد، مردم به او بیشتر احترام می گذاشتند. ۷.اگر من انگلیسی را بهتر بلد بودم، چند داستان انگلیسی می خواندم. ۸.اگر او هر شب تکالیفش را آماده می کرد، نمرات بهتری می گرفت.



If we had the money,
we would take a trip to South America.



B

1. If I .... (own) an automobile, I would take a trip to California.
2. If she .... (work) harder, she would probably get a better salary.
3. If I .... (know) how to drive, I would buy a car.
4. If Louis .... (know) more grammar, he would make fewer mistakes.
5. If he .... not .... (waste) so much time in class, he would make better progress.

۱.اگر من یک ماشین داشتم، سفری به کالیفرنیا می کردم. ۲.اگر او سخت تر کار می کرد، احتمالا حقوق بهتری می گرفت. ۳.اگر رانندگی بلد بودم، یک ماشین می خریدم. ۴.اگر لوییس بیشتر گرامر بلد بود، اشتباهات کمتری می کرد. ۵.اگر او در کلاس اینقدر وقت تلف نمی کرد، پیشرفت بهتری می کرد.

نکته مهم:

کاربرد فعل to be در شرطی نوع دوم

در شرطی نوع دوم در جمله شرط (پیرو)، برای همه اشخاص were به کار می رود.

If I	were	If we	were
If you	were	If you	were
If he	were	If they	were

If I were you, I would study.
If he were here, He would answer your question.

اگر من به جای شما بودم، درس می خواندم.
اگر او اینجا بود، به سوال شما پاسخ می داد.

البته امروزه در مکالمات با سوم شخص مفرد و اول شخص مفرد همان was به کار می رود.

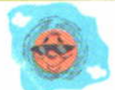
توجه! در عبارت (if... were) می توانیم با حذف (if)، were را در اول جمله بیاوریم.

If I were you, I would study more. =
Were I you, I would ('d) study more. اگر من به جای شما بودم، بیشتر درس می خواندم.



Supply the form of the verb in parentheses in order to form present unreal conditions. با استفاده از افعال داخل پرانتز شکل شرطی نوع دوم را به کار برید.

A



1. If I .... (be) you, I wouldn't mention it to her.
   (If I were you, I wouldn't mention it to her.)
   ۱. (اگر من جای تو بودم، این موضوع را به او نمی گفتم.)

If the weather were not so hot,
I am sure she would feel better.

2. If today .... (be) Saturday, I would not have to work.
3. If I .... (be) in your position, I would think twice before doing that.
4. If today .... (be) a holiday, we could go to the beach.
5. If the weather .... (be) not so hot, I am sure she would feel better.
6. If Pete .... (be) here, he would help us with this work.
7. If you .... (be) a millionaire, how would you spend your time?

۲.اگر امروز شنبه بود، من مجبور نبودم کار کنم. ۳.اگر در وضعیت شما بودم، قبل از انجام آن کار دوباره فکر می کردم. ۴.اگر امروز تعطیل بود، ما می توانستیم به ساحل برویم. ۵.اگر هوا اینقدر گرم نبود، من مطمئنم که او حالش بهتر بود. ۶.اگر پیت اینجا بود، در این کار به ما کمک می کرد. ۷.اگر تو یک میلیونر بودی، وقتت را چگونه می گذراندی؟

B

B
1. If George were here with us, I .... (feel) more comfortable.
2. If they were really poor, they .... not (be) .... able to live as they do.
3. If I were in Paris now, I .... (go) to some of the summer concerts.
4. If Jill were here, she .... (know) what to do.
5. If I were you, I .... (tell) everyone the truth about the matter.
6. If I were a millionaire, I .... (live) on the French Riviera.
7. If he were more ambitious, he .... (try) to find a better job.

۱.اگر جورج با ما اینجا بود، من بیشتر احساس راحتی می کردم. ۲.اگر آنها واقعا فقیر بودند، قادر نبودند اینطوری زندگی کنند. ۳.اگر حالا در پاریس بودم، به یکی از کنسرت های تابستانی می رفتم. ۴.اگر جیل اینجا بود، می دانست چه کار کند. ۵.اگر من جای تو بودم، واقعیت موضوع را به همه می گفتم. ۶.اگر من یک میلیونر بودم، در فرنچ ریویرا زندگی می کردم. ۷.اگر او جاه طلب تر بود، سعی می کرد کار بهتری پیدا کند.

Conditional Sentences
Past Unreal

۳. جملات شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی)

(جمله شرط)	،	(جواب شرط)
if/ unless + فاعل + had+p.p.	،	فاعل + would/ could/ might+ have+ p.p.

If he had come here yesterday, I would have given him your address.
I would have given him your address If he had come here yesterday.

اگر او دیروز اینجا آمده بود، من آدرس شما را به او داده بودم.
(یعنی اینکه او اینجا نیامد و من نتوانستم آدرس شما را به او بدهم. کاشکی آمده بود. یا حیف شد که نیامد.)

نکته(۱)

جملات شرطی نوع سوم درباره گذشته خیالی به کار می روند. گذشته ای که اتفاق نیفتاد. این نوع جملات برای بیان تاسف به کار می روند.

نکته(۲)

می توانیم با آوردن had در جمله شرط (پیرو)، if را حذف کنیم. در این حالت در معنی جمله تغییری ایجاد نمی شود.

Had he come here yesterday, I would have given him your address.

اگر او دیروز اینجا آمده بود، من آدرس شما را به او داده بودم.

نکته(۳)

به شکل های فشرده افعال شرطی نوع سوم توجه کنید.

If you had studied, you would have passed your exams.
If you'd studied, you would've passed your exams.
If you'd studied, you'd have passed your exams.

اگر درس خوانده بودی، در امتحاناتت قبول شده بودی. (درس نخواندی و قبول نشدی.)

 ractice (4)

Supply the correct form of the verb in parentheses in order to make past unreal conditions.

با استفاده از افعال داخل پرانتز شکل شرطی نوع سوم را به کار برید.
(از شکل های فشرده would و have استفاده کنید.)

A

1. If I had known her, I .... (speak) to her.
   (If I had known her, I would have spoken to her.
   If I had known her. I'd have spoken to her.
   If I had known her, I would've spoken to her.)
   ۱. (اگر او را شناخته بودم، با او صحبت کرده بودم.)

If you had worn your overcoat, you wouldn't have caught cold.

2. If he had learned the truth, he .... (be) very angry.
3. If I had known that you needed me, I .... (come) at once.
4. If they had invited us, naturally we .... (go) to the party.
5. If you had worn your overcoat, you .... not .... (catch) cold.
6. If I had had your address, I .... (write) to you.

۲.اگر او حقیقت را فهمیده بود، خیلی عصبانی شده بود. ۳.اگر متوجه شده بودم که به من احتیاج داری، فورا آمده بودم. ۴.اگر آنها ما را دعوت کرده بودند، طبعا به مهمانی رفته بودیم. ۵.اگر پالتویت را پوشیده بودی، سرما نخورده بودی. ۶.اگر آدرست را داشتم، به تو نامه نوشته بودم.

B

1. If I .... (know) about this yesterday, I would have worried all day long.
2. If the weather .... (be) nice yesterday,
   we would have gone to the beach.
3. I would have looked you up if I .... (know) you were living in Kansas.
4. I wouldn't have gotten wet if I .... (wear) a raincoat.
5. If he .... (study) more, he would have gotten better grades.

۱.اگر دیروز در این مورد اطلاع داشتم، تمام طول روز نگران شده بودم. ۲.اگردیروز هوا خوب بود، ما به ساحل رفته بودیم. ۳.من به دنبال تو گشته بودم اگر فهمیده بودم در کانزاس زندگی می کردی. ۴.من خیس نشده بودم اگر بارانی پوشیده بودم. ۵.اگر او بیشتر درس خوانده بود، نمرات بهتری گرفته بود.

Conditional Sentences
Review

مرور جملات شرطی

ractice (5)

Change the following sentences from future-possible conditions to present-unreal conditions.

جملات زیر را از شرطی نوع اول به شرطی نوع دوم تبدیل کنید.

1. If Laura comes, she'll help us.
   (If Laura came, she'd help us.)

   ۱.اگر لورا بیاید، به ما کمک خواهد کرد.
   (اگر لورا می آمد، به ما کمک می کرد.)
2. If she studies hard, she will pass her driver's test.
3. If I have the money, I will buy a new car.
4. If I see her, I will give her your message.
5. If you turn out the lights, we will be in the dark.
6. If she saves her money, she will be able to go on a vacation.
7. If the weather is nice, we will go to the beach.
8. If he has time, he will go with us.
9. If they work hard, they will learn engineering.
10. If you go to Cuba, you will have a lot of practice in speaking Spanish.
11. If Eva is present, the party will be a success.
12. If we hurry, we can get there by two o'clock.
13. If Phil works hard, he may get a better job.
14. If I don't have to study, I will go to the movie with you.
15. If they invite me, I will go with them.
16. If it rains, we won't go.
17. If they lend me the money, I will be able to go into business right away.
18. If I feel better, I will go with you.
19. If I am not busy, I will be glad to accompany you.

If she saved her money, she would be able to go on a vacation.

۲.اگر او سخت مطالعه کند، در آزمون رانندگی قبول خواهد شد. ۳.اگرمن پول داشته باشم، یک ماشین جدید خواهم خرید. ۴.اگر او را ببینم، پیغام تو را به او خواهم داد. ۵.اگر چراغ ها را خاموش کنی، ما در تاریکی خواهیم بود. ۶.اگر او پولش را پس انداز کند، قادر خواهد بود به تعطیلی برود. ۷.اگر هوا خوب باشد، ما به ساحل خواهیم رفت. ۸.اگر او وقت داشته باشد، با ما خواهد رفت. ۹.اگر آنها سخت کار کنند، مهندسی را یاد خواهند گرفت. ۱۰.اگر شما به کوبا بروید، در صحبت کردن اسپانیایی تمرین بسیاری خواهید داشت. ۱۱.اگر اوا حضور داشته باشد، مهمانی موفقیت آمیز خواهد بود. ۱۲.اگر ما عجله کنیم، می توانیم تا ساعت دو به آنجا برسیم. ۱۳.اگر فیل سخت کار کند، ممکن است کار بهتری گیر بیاورد. ۱۴.اگر مجبور نباشم درس بخوانم، با تو به سینما خواهم رفت. ۱۵.اگر آنها مرا دعوت کنند، با آنها خواهم رفت. ۱۶.اگر باران ببارد، ما نخواهیم رفت. ۱۷.اگر آنها به من پول قرض بدهند، من قادر خواهم بود بلافاصله وارد تجارت شوم. ۱۸.اگر حالم بهتر شود، با تو خواهم رفت. ۱۹.اگر گرفتار نباشم، خوشحال خواهم شد که همراهیت کنم.



Practice (6)

Change the sentences in Exercise 5 to past-unreal conditions.

جملات تمرین (۵) را به شرطی نوع سوم تبدیل کنید.

1. If Laura comes, she'll help us.
   (If Laura had come, she'd have helped us.)

۱.اگر لورا بیاید، به ما کمک خواهد کرد.
(اگر لورا آمده بود، به ما کمک کرده بود.)

Practice (7)

Complete each of the following conditional sentence in your own words. (Present Unreal Conditions).

با کلمات خودتان و با استفاده ازشرطی نوع دوم جای خالی را کامل کنید.

1. I don't have a car, but if I________________.
   (I don't have a car, but if I had one I would drive to California on my vacation.)
   ۱. (من ماشین ندارم، اما اگر ماشین داشتم برای تعطیلاتم به کالیفرنیا می رفتم.)
2. I am not in Florida now, but if I ________________.
3. I don't like to swim, but if I ________________.
4. I don't have enough money to buy a new car, but if I________________.
5. I can't type well, but if I________________.

If I had a car, I would drive to California on my vacation.

۲.من حالا در فلوریدا نیستم، اما اگر ـــــ . ۳.من دوست ندارم شنا کنم، اما اگر ـــــ . ۴.من پول کافی برای خرید یک ماشین جدید ندارم، اما اگر ـــــ . ۵.من نمی توانم خوب تایپ کنم، اما اگر ـــــ .

Practice (8)

Complete each of the following conditional sentence in your own words. (past-unreal conditions).

با کلمات خودتان و با استفاده از شرطی نوع سوم جای خالی را کامل کنید.

1. She didn't make reservations, but if she______________
   (She didn't make reservations, but if she had made them, we could all have attended the grand opening.)
   ۱. (او رزرو نکرد، اما اگر این کار را کرده بود، همه ما توانسته بودیم در مراسم باشکوه افتتاحیه شرکت کنیم.)
2. I didn't know your name, but if I ____________ .
3. Joan didn't have a car last winter, but if she ____________ .
4. We didn't have their phone number, but if we____________ .
5. Lucille didn't get her car tuned up, but if she____________ .

۲.من نام شما را نمی دانستم، اما اگر ـــــ . ۳.جوان زمستان گذشته ماشین نداشت، اما اگر ـــــ . ۴.ما شماره تلفن آنها را نداشتیم، اما اگر ـــــ . ۵.لوسیل ماشینش را برای تنظیم نداد، اما اگر ـــــ .



Practice (9)

In your own words, what would you do or what would happen....

با استفاده از کلمات خودتان بگویید که چه کار می کردید و یا چه اتفاقی می افتاد....

1. . . . if you never did your homework?
   (If I never did my homework, I would fail all my examinations.)

۱. ... اگر هرگز تکالیفتان را انجام نمی دادید؟
(اگر هرگز تکالیفم را انجام نمی دادم، در تمام امتحاناتم رد می شدم.)

2. . . . if you came late to class every day?
3. . . . if you found a large sum of money in the street?
4. . . . if you were unable to walk?
5. . . . if you lost your purse or wallet?

If I never did my homework, I would fail all my examinations.

۲. ... اگر هر روز دیر به کلاس می آمدید؟ ۳. ... اگر مقدار زیادی پول در خیابان پیدا می کردید؟ ۴. .. اگر قادر به راه رفتن نبودید؟ ۵. ... اگر کیف دستی یا کیف پولتان را گم می کردید؟



Practice (10)

In your own words, what would you have done or what would have happened ...

با استفاده از کلمات خودتان بگویید که چه کار کرده بودید و یا چه اتفاقی افتاده بود....

1. . . . if you had come to class late?
   (The teacher would have been angry if I had come to class late.)

۱. ... اگر دیر به کلاس آمده بودید؟ (معلم عصبانی شده بود اگر من دیر به کلاس آمده بودم.)

2. . . . if yesterday had been a holiday?
3. . . . if you had failed all your tests last semester?
4. . . . if you had overslept this morning?
5. . . . if yesterday had been your birthday?





The teacher would have been angry if I had come to class late.

۲. ... اگر دیروز تعطیل بود؟ ۳. ... اگر ترم گذشته در تمام امتحاناتتان افتاده بودید؟ ۴. ... اگر امروز صبح خواب مانده بودید؟ ۵. ... اگر دیروز تولدتان بود؟

Practice (11)

Complete the following conditional sentences with the proper form of the verbs in parentheses.

جملات شرطی زیر را با استفاده از شکل درست افعال داخل پرانتز کامل کنید.

1. If I were you, I .... (tell) him the truth.
   (If I were you, I would tell him the truth.)
   ۱. (اگر من جای شما بودم، حقیقت را به او می گفتم.)
2. If I had been in your place, I .... (say) this.
3. I would not have gone if I .... (know) it was going to rain.
4. If you had called me, I .... (be) glad to meet you.
5. If it rains next Sunday, I .... (stay) at home.

If you had called me,
I would have been glad to meet you.

۲.اگر به جای شما بودم، این را می گفتم. ۳.من نرفته بودم اگر می دانستم که قرار بود باران ببارد. ۴.اگر به من زنگ زده بودی، از دیدن تو خوشحال می شدم. ۵.اگر یکشنبه آینده باران ببارد، من در خانه خواهم ماند.

Practice (12)

Complete the following conditional sentences by supplying words of your own.

جملات شرطی زیر را با استفاده از کلمات خودتان کامل کنید .

1. If I were you, I ________________.
   (If I were you, I would go home and relax.)
   ۱. (اگر من جای تو بودم، به خانه می رفتم و استراحت می کردم.)
2. If you had studied harder, you ________________.
3. I would have gone to Philadelphia if ________________.
4. I will drive to the country Sunday if ________________.
5. If I had been in your place, I ________________.
6. If Sue works hard, she ________________.

If I were you,
I would go home and relax.

۲.اگر سخت تر درس خوانده بودی، ـــــــ . ۳.من به فیلادلفیا رفته بودم اگر ـــــــ . ۴.روز یکشنبه من با ماشین به روستا خواهم رفت اگر ـــــــ . ۵.اگر من جای تو بودم، ـــــــ . ۶.اگر سو سخت کار کند، ـــــــ .



Present Tense
When, Until, Before etc.

کاربرد when, until, before و غیره با زمان حال

در صورت استفاده از کلماتی مانند when, until, before به جای If، ساختار جمله مان مشابه شرطی نوع اول می باشد.





If it rains, we will stay at home.	اگر باران ببارد، ما در خانه خواهیم ماند.
When it rains, we will go outside.	زمانی که باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.
As soon as it rains, we'll go outside.	به محض اینکه باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.
While it rains, we'll go outside.	زمانیکه باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.
Unless it rains, we'll go outside.	اگر باران نبارد، ما بیرون خواهیم رفت.
As long as it rains, we'll go outside.	تا مادامی که که باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.
Before it rains, we'll go outside.	قبل از اینکه باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.
Until it rains, we'll go outside.	تا زمانی که باران ببارد، ما بیرون خواهیم رفت.



Vocabulary

strike	straɪk	سْترایک	زدن، حمله کردن
on strike	'ɒn straɪk	آن سْترایک	در حال اعتصاب
production	prə'dʌkʃn	پْرداکشِن	تولید
reduce	rɪ'du:s	ریدوس	کاهش داشتن
get back	get bæk	گِت بَک	برگشتن
rise	raɪz	رایز	بالا آمدن
higher	'haɪə	هایِ(ر)	بالاتر
flood	flʌd	فْلاد	سیل
get a seat	get ə 'si:t	گِت اِ سیت	جا گرفتن، گرفتن صندلی
turn red	tə:n red	تِ(ر)ن رِد	قرمز شدن
too long	tu: 'lɒŋ	تو لانگ	خیلی طولانی
get burned	get 'bə:nt	گِت بِ(ر)نت	سوختن



Supply the proper form of the verbs in parentheses.

شکل درست افعال داخل پرانتز را به کار برید.

1. We will stay outside until it .... (rain).
2. If the weather .... (be) nice next Sunday, we will go to the mountains.
3. If the workers .... (go) on strike, production will be greatly reduced.
4. Please watch my bag while I .... (get) my ticket.
5. Please call me as soon as you .... (get) back from your trip.
6. I won't go unless they .... (invite) me.
7. If the river .... (rise) much higher, there will be a flood.
8. Don't leave until I .... (call) you.
9. If it .... (rain) next Saturday, I may have to cancel my trip.
10. When the weather .... (get) warmer, we can go swimming.
11. I plan to wait here until the mail .... (arrive).
12. If you .... not .... (arrive) on time, you will not get a seat.
13. When you .... (see) the light turn red, be sure to stop your car.
14. If you .... (sit) in the sun too long, you may get burned.
15. Give him this report as soon as you .... (see) him.

۱.ما بیرون خواهیم ماند تا زمانی که باران ببارد. ۲.اگر یکشنبه آینده هوا خوب باشد، ما به کوه خواهیم رفت. ۳.اگر کارگران در اعتصاب باشند، تولید تا حد زیادی کاهش خواهد یافت. ۴.لطفا مواظب کیفم باش زمانی که من بلیطم را می خرم. ۵.لطفا به محض اینکه از سفرت برگشتی به من زنگ بزن. ۶.اگر آنها دعوتم نکنند، نخواهم رفت. ۷.اگر رودخانه بالاتر بیاید، سیل خواهد شد. ۸.تا من به تو زنگ نزده ام نرو. ۹.اگر شنبه آینده باران ببارد، ممکن است مجبور شوم سفرم را کنسل کنم. ۱۰. زمانی که هوا گرم تر شود، ما می توانیم به شنا برویم. ۱۱.من قصد دارم در اینجا منتظر بمانم تا اینکه پست برسد. ۱۲.اگر به موقع نیایی، صندلی گیرت نخواهد آمد. ۱۳.هنگامی که می بینی چراغ قرمز شده، حتما ماشینت را متوقف کن. ۱۴.اگر مدت طولانی در آفتاب بنشینی، ممکن است بسوزی. ۱۵.به محض اینکه او را دیدی این گزارش را به او بده.



*When the weather gets warmer,
we can go swimming.*





Wish

کاربرد wish

wish معمولا اشاره به موقعیتی دارد که غیر واقعی و برخلاف حقیقت است.

I wish she were here now.
I wish I had known about this yesterday.

کاشکی او حالا اینجا بود. (حال)
کاشکی من دیروز این موضوع را دانسته بودم. (گذشته)

عبارت I wish you would و I wish you wouldn't برای بیان درخواست یا خواهش مودبانه به کار می رود.

I wish you would stay here. — کاشکی اینجا می موندی.
I wish you wouldn't go home. — کاشکی خونه نمی رفتی.

چند نکته مهم در رابطه با wish

۱. اگر جمله ای که با wish شروع می شود، قید زمان آن حال باشد، فعل بعد از wish گذشته ساده خواهد بود. باید توجه داشته باشیم چنانچه در شبه جمله اسمی، فعل ما to be باشد، گذشته آن برای تمام اشخاص were می باشد.

I wish he were here now. — کاشکی او حالا اینجا بود.
I wish I could speak French now. — کاشکی حالا می تونستم فرانسه صحبت کنم.
He wishes he were in Europe now. — اون دلش می خواست حالا در اروپا بود.

۲. اگر در جمله wish قید زمان گذشته به کار رفته باشد، فعل بعد از wish زمان گذشته کامل خواهد بود.

I wish he had arrived last night. — کاشکی او دیشب رسیده بود.
I wish he had told me the problem before.

کاشکی او قبلا مسئله را با من در میان گذاشته بود.

۳. اگر در جمله wish قید زمان آینده به کار رفته باشد، بعد از wish از زمان آینده در گذشته استفاده می شود. لازم به ذکر است که کاربرد would بعد از wish گاهی بیانگر شکایت و گلایه گوینده نسبت به کاری است که توسط شخص دیگری انجام شده است.

I wish it wouldn't rain tomorrow. — خدا کنه فردا بارون نیاد.
I wish you wouldn't slam the door. — کاشکی درو اونطور به هم نمی کوبیدی.

۴. گاهی در جمله wish قید زمان وجود ندارد ولی با توجه به زمان به کار رفته در جمله همراه، می توان تشخیص داد که از چه زمانی باید استفاده شود.

I <u>don't know</u> who he is. I wish I knew him.

نمی دانم او کیست. ای کاش او را می شناختم.

I wish he had done what I <u>wanted</u>.

ای کاش آنچه را که می خواستم او انجام داده بود.

Practice (1)

Supply the correct form of the verbs in parentheses.

شکل درست افعال داخل پرانتز را بنویسید.

1. I wish I .... (own) a video recorder.
   (I wish I owned a video recorder.)
2. Ed wishes he .... (be) a mechanical engineer.
3. I wish I .... (go) to the movie with you last night.
4. I wish I .... (have) today off. I'd go swimming.
5. I wish I .... (have) yesterday off.
   I'd have gone swimming.
6. I wish I .... (help)you, but I can not.
7. I wish you .... (live) nearer me.
8. I wish that, for just a day, I .... (be) a President.

I wish I could help you, but I can not.

۱.کاشکی من یک ویدیو داشتم. ۲.اد دلش می خواهد مهندس مکانیک بود. ۳.کاشکی دیشب با تو به سینما رفته بودم. ۴.کاشکی امروز تعطیل بودم. من به شنا می رفتم. ۵.کاشکی دیروز تعطیل بودم. به شنا رفته بودم. ۶.کاشکی می تونستم کمکت کنم، اما نمی تونم. ۷.کاشکی نزدیک تر به من زندگی می کردی. ۸.ای کاش من فقط برای یک روز رئیس جمهور بودم.



Practice (2)

Begin these imperative sentences with *I wish you would* or *I wish you wouldn't*, making them more polite.

این جملات امری را با استفاده از I wish you would یا I wish you wouldn't مودبانه تر کنید.

1. Come back in an hour.
   (I wish you would come back in an hour.)
2. Type this letter right away, Kevin.
3. Be creative in your writing.
4. Don't make any mistakes.
5. Help me with this problem.

۱.یک ساعته برگرد.
(کاشکی یک ساعته بر می گشتی.)

۲.کِوین، فورا این نامه را تایپ کن. ۳.در نوشتنت خلاق باش. ۴.هیچ اشتباهی نکن. ۵.در این مسئله کمکم کن.



Too, So

کاربرد too و so

برای اجتناب از تکرار در دوجمله مثبت که موقعیت مشابهی را توصیف می کنند، از too و so بعلاوه فعل کمکی مناسب استفاده می کنیم. باید توجه داشت که too بعد از فعل کمکی و so قبل از فعل کمکی می آید.

I was late for school and he was too.
I was late for school and so was he.
من برای مدرسه دیر کردم و او هم همینطور.

He speaks English and Tom does too.
He speaks English and so does Tom.
او انگلیسی صحبت می کند و تام هم همینطور.

I went to New York and Jay did too.
I went to New York and so did Jay.
من به نیویورک رفتم و جی هم همینطور.



ractice (1)

Shorten the following sentences by using a verb phrase with *too*.

با استفاده از عبارت فعلی با too جملات زیر را کوتاه کنید.

1. He wants to go there and she wants to go there.
   (He wants to go there and she does too.)
   ۱.او می خواهد به آنجا برود و او می خواهد به آنجا برود.
   (او میخواهد به آنجا برود و او هم همینطور.)
2. Liz left right after lunch and Bob left right after lunch.
3. She is going to the concert and I am going to the concert.
4. Kay will be here at ten o'clock and I will be here at ten o'clock.
5. My watch is fast and your watch is fast.
6. She wanted to go to a movie and I wanted to go to a movie.
7. She is making good progress and her brother is making good progress.
8. Evan has gone back to Europe and his wife has gone back to Europe.
9. Bert was arrested and his assistant was arrested.
10. He saw the accident and I saw the accident.
11. Beth liked the movie and I liked the movie.
12. Nan will be there and her sister will be there.
13. We go to the beach every weekend and they go to the beach every weekend.

14. Mark can speak French and she can speak French.
15. I have had lunch and Kay has had lunch.



He saw the accident and I did too.
He saw the accident and so did I.

۲.لیز درست بعد از ناهار رفت و باب ... . ۳.او قصد دارد به کنسرت برود و من... . ۴.کِی ساعت ده در اینجا خواهد بود و من ... . ۵.ساعت من جلو است و ساعت تو... . ۶.او می خواست به سینما برود و من... . ۷.او پیشرفت خوبی می کند و برادرش... . ۸.ایوان به اروپا بازگشته است و همسرش... . ۹.برت دستگیر شد و دستیارش ... . ۱۰.او تصادف را دید و من... . ۱۱.بث از فیلم خوشش آمد و من... . ۱۲.نَن در آنجا خواهد بود و خواهرش ... . ۱۳.ما تعطیلی آخر هر هفته را به کنار دریا می رویم و آنها ... . ۱۴.مارک می تواند فرانسه صحبت کند و او... . ۱۵.من ناهار خورده ام و کِی... .



Practice (2)

Shorten the sentences in Exercise (1) by using a verb phrase with *so*.

با استفاده از عبارت فعلی با so جملات تمرین (۱) را کوتاه کنید.

1. He wants to go there and she wants to go there.
   (He wants to go there and so does she.)

۱.او می خواهد به آنجا برود و او می خواهد به آنجا برود.
(او میخواهد به آنجا برود و او هم همینطور.)



Either, Neither

کاربرد either و neither

برای اجتناب از تکراردر دو جمله منفی که موقعیت مشابهی دارند از either و neither استفاده می کنیم. باید توجه داشت که either بعد از فعل کمکی منفی و neither قبل از فعل کمکی مثبت به کار می روند.

He doesn't sing and she doesn't sing. — او آواز نمی خواند و او آواز نمی خواند.

He doesn't sing and she doesn't either. — او آواز نمی خواند و او هم همینطور.
He doesn't sing and neither does she.

I didn't go to Boston and Hal didn't go to Boston. — من به بوستون نرفتم و هال به بوستون نرفت.

I didn't go to Boston and Hal didn't either. — من به بوستون نرفتم و هال هم همینطور.
I didn't go to Boston and neither did Hal.



Practice (1)

Shorten the following sentences (avoiding repetition) by using a verb phrase with *either*.

(برای جلوگیری از تکرار) با استفاده از عبارت فعلی با either جملات زیر را کوتاه کنید.

1. He doesn't want to go and she doesn't want to go.
   (He doesn't want to go and she doesn't either.)
   ۱.او نمی خواهد برود و او نمی خواهد برود. (او نمی خواهد برود و او هم همینطور.)
2. Grace didn't like the movie and I didn't like the movie.
3. She won't be here and her sister won't be here.
4. She hasn't ever been in Europe and I haven't ever been in Europe.
5. Lew hadn't seen the movie and I hadn't seen the movie.
6. He would never say such a thing and I would never say such a thing.
7. Margaret can't swim and I can't swim.
8. He doesn't know her well and I don't know her well.
9. Your watch isn't right and mine isn't right.
10. I don't like to dance and my wife doesn't like to dance.
11. Mr. Rogers wasn't at the meeting and Mr. Barker wasn't at the meeting.
12. I couldn't hear the speaker and my friend couldn't hear the speaker.

13. You won't enjoy that movie and your son won't enjoy that movie.
14. We don't have a television set and they don't have a television set.



Margaret can't swim and I can't either.
Margaret can't swim and neither can I.

۲.گریس از فیلم خوشش نیامد و من ... . ۳.او در اینجا نخواهد بود و خواهرش ... . ۴.او تا کنون در اروپا نبوده است و من ... . ۵.لو فیلم را ندیده بود و من ... . ۶.او هرگز چنین چیزی را نخواهد گفت و من ... . ۷.مارگارت نمی تواند شنا کند و من ... . ۸.او به خوبی او را نمی شناسد و من ... . ۹.ساعت تو درست نیست و مال من ... . ۱۰.من دوست ندارم برقصم و همسرم ... . ۱۱.آقای راجرز در جلسه نبود و آقای بارکر ... . ۱۲.من نتوانستم صدای گوینده را بشنوم و دوستم ... . ۱۳.تو از آن فیلم لذت نخواهی برد و پسرت ... . ۱۴.ما یک دستگاه تلویزیون نداریم و آنها ... .



Practice (2)

Shorten the sentences in Exercise (1) by using a verb phrase with *neither*.

جملات تمرین (۱) را با استفاده از عبارت فعلی با neither کوتاه کنید.

1. He doesn't want to go and she doesn't want to go.
   (He doesn't want to go and neither does she.)

۱.او نمی خواهد برود و او نمی خواهد برود. (او نمی خواهد برود و او هم همینطور.)



But + Auxiliary Verbs

کاربرد but بعلاوه افعال کمکی

برای اجتناب از تکرار در دو جمله که موقعیت متضادی را توصیف می کنند، از but بعلاوه فعل کمکی مناسب استفاده می کنیم.

باید توجه داشت که اگر جمله اصلی منفی باشد، فعل کمکی بعد از but مثبت می باشد.
و برعکس اگر جمله اصلی مثبت باشد، فعل کمکی بعد از but منفی می باشد.

He can't speak English. His wife can speak English.
He can't speak English, but his wife can.

او نمی تواند انگلیسی صحبت کند. همسرش می تواند انگلیسی صحبت کند.
او نمی تواند انگلیسی صحبت کند، اما همسرش می تواند.

She liked the movie. I didn't like the movie.
She liked the movie, but I didn't.

او از فیلم خوشش آمد. من از فیلم خوشم نیامد.
او از فیلم خوشش آمد ،اما من خوشم نیامد.



Practice (1)

Complete the following sentences by adding the necessary auxiliary verb.
با اضافه کردن فعل کمکی لازم جملات زیر را کامل کنید.

1. He wants to go there, but her sister ....
   (He wants to go there, but her sister *doesn't*.
   ۱.او می خواهد به آنجا برود، اما خواهرش نمی خواهد.)
2. I know how to swim, but Francis ....
3. She can speak French, but her husband ....
4. I'll be there, but Jimmy ....
5. They didn't like the movie, but we ....
6. Alex agrees with you, but I ....
7. George used to be the best student in the class, but now Ralph ....
8. At first I didn't like the new teacher, but now I ....
9. Henry won't be able to attend the meeting, but Alice ....
10. I have never been in Australia, but my wife ....
11. Ben has seen the movie, but I ....
12. He enjoys living in Florida, but his wife ....
13. She knows how to swim, but her friend ....
14. She is a serious student, but her sister ....
15. My husband likes to golf, but I ....



۲.من شنا کردن بلدم، اما فرانسیس ... . ۳.او می تواند فرانسوی صحبت کند اما شوهرش ... . ۴.من آنجا خواهم بود، اما جیمی ... . ۵.آنها از فیلم خوششان نیامد، اما ما ... . ۶.الکس با تو موافق است، اما من ... . ۷.جورج بهترین شاگرد کلاس بود، اما حالا رالف ... . ۸.در آغاز از معلم جدید خوشم نیامد، اما حالا من ... . ۹.هنری قادر نخواهد بود در جلسه شرکت کند، اما الیس ... . ۱۰.من هرگز در استرالیا نبوده ام، اما همسرم ... . ۱۱.بن فیلم را دیده است، اما من ... . ۱۲.او از زندگی در فلوریدا لذت می برد، اما همسرش ... . ۱۳.او می تواند شنا کند، اما دوستش ... . ۱۴.او دانش آموزی جدی است، اما خواهرش ... . ۱۵.شوهرم دوست دارد گلف بازی کند، اما من ... .



Practice (2)

Complete the following sentences with the necessary auxiliaries.

با اضافه کردن افعال کمکی لازم جملات زیر را کامل کنید.

1. Eunice isn't going to the party, but I ....
   (Eunice isn't going to the party, but I am.)
   ۱.(یونیس قصد ندارد به مهمانی برود، اما من قصد دارم.)
2. Michael will be there, but Michele ....
3. Alexandra will go and so .... her husband.
4. Winnie speaks Chinese and so .... Penny.
5. Patrick isn't going to the party and neither .... his brother.
6. You say you're not going to the party, but I'm sure you ....
7. Sandy has gone away for the summer and so .... Kevin.
8. Polly went to the movies last night and Carson .... too.
9. She isn't a good driver and he .... either.
10. He can't go, but I ....
11. I can't swim and she .... either.
12. She says she knows him well, but I don't think she ....
13. I knew Scotty wouldn't come, but I thought Karen ....
14. At first they thought they couldn't go, but now they think they ....
15. She won't drive at night, but I, ...







She isn't a good driver and he isn't either.

۲.مایکل در آنجا خواهد بود، اما میشل نخواهد بود. ۳.الکساندرا خواهد رفت و همینطور شوهرش. ۴.وینی چینی صحبت می کند و همینطور پنی. ۵.پاتریک قصد ندارد به مهمانی برود و همینطور برادرش. ۶.تو می گویی که قصد نداری به مهمانی بروی، اما من مطمئنم که قصد داری بروی. ۷.سندی برای تابستان به تعطیلی رفته است و همینطور کِوین. ۸.پُلی دیشب به سینما رفت و همینطور کارسُن. ۹.او راننده خوبی نیست و او هم همینطور. ۱۰.او نمی تواند برود، اما من می توانم. ۱۱.من نمی توانم شنا کنم و او هم همینطور. ۱۲.او می گوید که به خوبی او را می شناسد، اما من فکر نمی کنم که اینطور باشد. ۱۳.من می دانستم که اسکاتی نخواهد آمد، اما فکر می کردم کارن خواهد آمد. ۱۴.در آغاز آنها فکر می کردند که نمی توانستند بروند، اما حالا فکر می کنند می توانند. ۱۵.او شب رانندگی نخواهد کرد، اما من رانندگی خواهم کرد.



Negative Questions

جملات منفی سوالی

با اضافه کردن not به افعال کمکی و قرار دادن آنها قبل از فاعل، جملات منفی سوالی می سازیم.

حال ساده	Doesn't she attend the meeting? آیا او در جلسه حاضر نمی شود؟
حال استمراری	Isn't he attending the meeting? آیا او در حال حاضر شدن در جلسه نیست؟
گذشته استمراری	Wasn't he attending the meeting? آیا او در حال حاضر شدن در جلسه نبود؟
گذشته ساده	Didn't they attend the meeting? آیا آنها در جلسه حاضر نشدند؟
آینده ساده	Won't you attend the meeting? آیا تو در جلسه حاضر نخواهی شد؟
آینده استمراری	Won't we be attending the meeting? آیا ما درحال حاضر شدن در جلسه نخواهیم بود؟
آینده نزدیک	Isn't he going to attend the meeting tomorrow? آیا او قرار نیست فردا در جلسه شرکت کند؟
حال کامل	Hasn't she attended the meeting? آیا او در جلسه حاضر نشده است؟
حال کامل استمراری	Hasn't he been attending the meeting for two hours? آیا او به مدت دو ساعت در جلسه حضور نداشته است؟
گذشته کامل	Hadn't I attended the meeting? آیا من در جلسه حاضر نشده بودم؟
have to	Don't you have to attend the meeting? آیا شما مجبور نیستی در جلسه حضور داشته باشی؟
has to	Doesn't Peter have to attend the meeting? آیا پیتر مجبور نیست در جلسه حضور داشته باشد؟
had to	Didn't you have to attend the meeting? آیا تو مجبور نبودی که در جلسه شرکت کنی؟

She is here today. — او امروز اینجاست.
Isn't she here today? — آیا او امروز اینجا نیست؟
Why **isn't** she here today? — چرا او امروز اینجا نیست؟
Peter saw them. — پیتر آنها را دید.
Didn't Peter see them? — آیا پیتر آنها را ندید؟
Why **didn't** Peter see them? — چرا پیتر آنها را ندید؟



Practice (1)

Change the following sentences to negative questions. Use only contracted forms.

جملات زیر را به منفی سوالی تبدیل کنید. فقط از شکل های فشرده استفاده کنید.

1. Maurice didn't attend the meeting.
   (Didn't Maurice attend the meeting?)

   ۱.موریس در جلسه شرکت نکرد.
   (آیا موریس در جلسه شرکت نکرد؟)
2. Conrad isn't changing the oil in his car now.
3. Helen won't be here today.
4. She won't be here tomorrow either.
5. Andrea didn't take the TOEFL yesterday.
6. Colleen doesn't like to study in the morning.
7. We don't like to get up early.
8. They aren't going with us to the movie tonight.
9. Mr. Donahue didn't bring the food.
10. It isn't raining.
11. It wasn't raining this morning either.
12. It hasn't rained all week.
13. The Starskys aren't moving to Cleveland.



Doesn't Colleen like to study in the morning?

۲.کنراد اکنون مشغول تعویض روغن ماشینش نیست. ۳.هلن امروز در اینجا نخواهد بود. ۴.او فردا هم در اینجا نخواهد بود. ۵.آندره دیروز امتحان تافل نداد. ۶.کالین دوست ندارد صبح درس بخواند. ۷.ما دوست نداریم زود بیدار شویم. ۸.آنها قصد ندارند امشب با ما به سینما بروند. ۹.آقای دُناهو غذا را نیاورد. ۱۰.الان باران نمی بارد. ۱۱.امروز صبح هم باران نمی بارید. ۱۲.تمام هفته باران نباریده است. ۱۳.خانواده استارسکی قصد ندارند به کلیولند نقل مکان کنند.



Practice (2)

Change the sentences in Exercise (1) to questions beginning with *Why*.

جملات تمرین (۱) را با استفاده از why سوالی کنید.

1. Maurice didn't attend the meeting.
   (Why didn't Maurice attend the meeting?)

   ۱.موریس در جلسه شرکت نکرد.
   (چرا موریس در جلسه شرکت نکرد؟)



Subject Questions

کلمات پرسشی در مقام فاعل

در هنگام سوالی، بعضی از کلمات پرسشی نظیر what, who و یا which نقش فاعل را ایفاء می کنند. در چنین مواردی باید توجه داشته باشیم که بعد از آنها بلافاصله فعل جمله را بدون استفاده از افعال کمکی به کار می بریم.

توجه: کلمه which یعنی (کدام) به عنوان توصیف کننده اسم، همراه با اسم به کار می رود.

مانند: کدام پسر؟ **Which** boy?

مفعول + فعل + کلمه پرسشی در نقش فاعل	زمان
Who attends the meeting? چه کسی در جلسه شرکت می کند؟	حال ساده
Who is attending the meeting? چه کسی در حال شرکت کردن در جلسه است؟	حال استمراری
Who was attending the meeting? چه کسی داشت در جلسه شرکت می کرد؟	گذشته استمراری
Who attended the meeting? چه کسی در جلسه شرکت کرد؟	گذشته ساده
Who will attend the meeting? چه کسی در جلسه شرکت خواهد کرد؟	آینده ساده
Who will be attending the meeting? چه کسی در حال شرکت کردن در جلسه خواهد بود؟	آینده استمراری
Who is going to attend the meeting? چه کسی قصد دارد در جلسه شرکت کند؟	آینده نزدیک
Who has attended the meeting? چه کسی در جلسه شرکت کرده است؟	حال کامل
Who has been attending the meeting? چه کسی در حال شرکت کردن در جلسه بوده است؟	حال کامل استمراری
Who had attended the meeting? چه کسی در جلسه شرکت کرده بود؟	گذشته کامل
Who has to attend the meeting? چه کسی باید در جلسه شرکت کند؟	have to
Who had to attend the meeting? چه کسی باید در جلسه شرکت می کرد؟	had to



Practice

Change the following sentences to questions beginning with the question words in parentheses.

جملات زیر را با استفاده از کلمات پرسشی داخل پرانتز سوالی کنید.

1. Grace broke the dish. (Who)
   (Who broke the dish?)

   ۱. گریس ظرف را شکست.
   (چه کسی ظرف را شکست؟)
2. February comes before March. (Which month)
3. Coffee is one of the chief exports of Brazil. (What)
4. Lee drove the car. (Who)
5. His carelessness caused the accident. (What)
6. The red umbrella belongs to her. (Which umbrella)
7. The black notebook is hers. (Which notebook).
8. The Number 5 bus goes to the airport. (Which bus)
9. The Reillys live next door to them. (Who)
10. Mexico is south of the United States. (Which country)
11. She is the best student in the class. (Who)
12. Decreased demand causes a fall in prices. (What)
13. Bob has your book. (Who)
14. The Atlantic Ocean is east of the United States. (What ocean)
15. George won first prize in the contest. (Who)
16. This book is mine. (Which)
17. That woman is my mother. (Who)
18. Bernard is doing his homework now. (Who)



What caused the accident?

۲.فوریه قبل از ماه مارس می آید. ۳.قهوه یکی از مهم ترین صادرات برزیل است. ۴.لی ماشین را راند. ۵.بی دقتی او موجب تصادف شد. ۶.چتر قرمز به او تعلق دارد. ۷.دفتر مشکی مال اوست. ۸.اتوبوس شماره پنج به فرودگاه می رود. ۹.خانواده ریلی در همسایگی آنها زندگی می کنند. ۱۰.مکزیکو در جنوب ایالات متحده است. ۱۱.او بهترین شاگرد کلاس است. ۱۲.کاهش تقاضا باعث سقوط قیمت ها می شود. ۱۳.باب کتابت را دارد. ۱۴.اقیانوس اطلس در شرق ایالات متحده است. ۱۵.جورج برنده جایزه اول در مسابقه شد. ۱۶.این کتاب مال من است. ۱۷.آن زن مادرم است. ۱۸.برنارد اکنون در حال انجام تکلیفش است.



Must have, May have

کاربرد ...must have و ...may have

must have + p. p. برای نشان دادن احتمال قوی یا نتیجه گیری از شواهد و قرائن به کار می رود.

may have + p. p. برای نشان دادن احتمال انجام کاری در گذشته است.

p. p. = قسمت سوم فعل

Susan isn't here. She must have (must've) gone home.

سوزان اینجا نیست. به احتمال زیاد خونه رفته. (نتیجه گیری)

I haven't seen Mary today. She may have gone home.

من امروز مری را ندیده ام. شاید خونه رفته. (احتمال)



Practice (1)

Supply *must have* in the following sentences. Use both the full form and the contracted form. Use the past participle of the verb in parentheses. در جملات زیر با استفاده از قسمت سوم افعال داخل پرانتز شکل must have را بنویسید. از هر دو شکل عادی و فشرده افعال استفاده کنید.

1. I can't find my book. I .... (leave) it on the bus.
   (I can't find my book. I must have left it on the bus.
   I must've left it on the bus.)
   ۱.(من نمی توانم کتابم را پیدا کنم. به احتمال زیاد آن را در اتوبوس جا گذاشته ام.)
2. She .... (take) the magazine with her. It's not here.
3. They don't answer their telephone. They .... (go) away somewhere.
4. Roy .... (study) hard before his examination.
5. She speaks English fluently. She .... (study) a long time.
6. You .... (see) her; she walked in front of you.
7. The bank .... been .... (rob) by professionals; they left no clues.
8. He .... (come) by taxi.

۲.او باید مجله را با خود برده باشد. این اینجا نیست. ۳.آنها به تلفنشان جواب نمی دهند. آنها باید جایی رفته باشند. ۴.رُی به احتمال قوی قبل از امتحانش سخت درس خوانده است. ۵.او انگلیسی را روان صحبت می کند. او باید مدت طولانی مطالعه کرده باشد. ۶.تو باید او را دیده باشی؛ او از مقابل تو رد شد. ۷.بانک باید توسط حرفه ای ها سرقت شده باشد؛ آنها هیچ رد پایی باقی نگذاشتند. ۸.او باید با تاکسی آمده باشد.



Practice (2)

Supply *may have* in the following sentences.

در جملات زیر از may have استفاده کنید.

1. She .... (take) the book by mistake.
   (She may have taken the book by mistake.)
   ۱. (او ممکن است اشتباها کتاب را برده باشد.)
2. They .... (call) while you were out.
3. I .... (leave) my keys at home or I .... (lose) them somewhere. I'm not sure.
4. They .... (be) wealthy at one time, but I doubt it.
5. They now think that the jewels .... (steal) by one of the neighbors.
6. The storm .... (delay) the plane.

۲. احتمال دارد زمانی که شما بیرون بودید آنها زنگ زده باشند. ۳.من ممکن است کلید ها یم را در خانه جا گذاشته باشم یا اینکه آنها را در جایی گم کرده باشم. من مطمئن نیستم. ۴.آنها ممکن است زمانی پولدار بوده باشند، اما من شک دارم. ۵.آنها حالا فکر می کنند که ممکن است جواهرات توسط یکی از همسایه ها به سرقت رفته باشند. ۶.طوفان ممکن است باعث تاخیر هواپیما شده باشد.



Practice (3)

Using *must have*, complete each of these sentences in your own words.

با استفاده از کلمات خودتان و must have جملات را کامل کنید.

1. They don't answer their phone; they ________________ .
   (They don't answer their phone; they must have gone away on their vacation.)
   ۱. (آنها به تلفن شان جواب نمی دهند؛ آنها باید به تعطیلاتشان رفته باشند.)
2. I can't find my notebook; I ________________.
3. William got very good grades this semester; he ________________.
4. They seem to know a lot about Latin America; they ________________.
5. He speaks English very well; he ________________
6. My umbrella has suddenly disappeared; Felix ________________.
7. Daphne and Mark aren't playing volleyball anymore;
   they ________________.

8. Sam didn't attend the meeting last night; he ________________.
9. The streets are wet; it ________________.
10. The plan worked perfectly; they ________________.

۲.من نمی توانم دفترم را پیدا کنم؛ من ـــــ . ۳.ویلیام این ترم نمرات خیلی خوبی گرفت؛ او ـــــ . ۴.به نظر می رسد آنها چیزهای زیادی درباره آمریکای لاتین می دانند؛ آنها ـــــ . ۵.او انگلیسی را خیلی خوب صحبت می کند؛ او ـــــ . ۶.چتر من ناگهان ناپدید شده است؛ فلیکس ـــــ . ۷.دَفنه و مارک دیگر والیبال بازی نمی کنند؛ آنها ـــــ . ۸.سام دیشب در جلسه حاضر نشد؛ او ـــــ . ۹.خیابان ها خیس هستند؛ این ـــــ . ۱۰.نقشه کاملا موثر بود؛ آنها ـــــ.



Practice (4)

Answer each of the following questions using *may have*. Add *I'm not sure* or *I don't know for sure* at the end of your answer.

به هر یک از سوالات زیر با استفاده از may have پاسخ دهید. به آخر پاسختان I'm not sure یا I don't know for sure را اضافه کنید.

1. Did John bring his car to school today?
   (John may have brought his car to school today-I'm not sure.)
   ۱.آیا جان امروز ماشینش را به مدرسه آورد؟
   (جان ممکن است امروز ماشینش را به مدرسه آورده باشد – من مطمئن نیستم.)
2. Did Professor Wiley learn Spanish in South America?
3. Did Helen call while I was out?
4. Was Mr. Reese born in this country or Europe?
5. Did Mary and John have an argument?
6. Did he pass all his exams?
7. Did Grace go shopping this afternoon?
8. Were they married in Seattle?
9. Did it rain during the night?
10. Did the New York Yankees win the World Series last year?

Did Mary and John have an argument?
They may have had an argument- I'm not sure.



۲.آیا پروفسور ویلی در آمریکای لاتین اسپانیایی را یاد گرفت؟ ۳.آیا هلن موقعی که من بیرون بودم زنگ زد؟ ۴.آقای ریز در این کشور به دنیا آمد یا در اروپا؟ ۵.آیا مری و جان بحث کردند؟ ۶.آیا او در همه امتحاناتش قبول شد؟ ۷.آیا گریس امروز بعد از ظهر به خرید رفت؟ ۸.آیا آنها در سیاتل ازدواج کردند؟ ۹.آیا در طول شب باران بارید؟ ۱۰.آیا یانکی هایِ نیویورک پارسال برنده دوره بازی های جهانی شدند؟



Causative Case شکل سببی

جملات سببی جملاتی هستند که در آنها شخصی انجام کار را به شخصی دیگر واگذار می کند.

I often have my shoes shined. — من اغلب می دم کفشامو واکس بزنند.

همانطور که از جمله بالا متوجه می شویم، کننده کار (I) نیست بلکه شخص دیگری است.

جملات سببی دو گونه اند:

۱. جملات سببی مجهول

در این نوع جملات کننده کار ذکر نمی شود.

قسمت سوم فعل + مفعول غیر شخص + get/ have + فاعل

I got/ had my car repaired — من دادم ماشینمو تعمیر کردن.
She has/ gets her hair cut. — اون می ده موهاشو کوتاه کنن.

۲. جملات سببی معلوم

الف. با have یا make

در این نوع جملات کننده کار ذکرمی شود. و بعد از have یا make شکل ساده فعل به کار می رود.

مفعول غیر شخص + شکل ساده فعل + مفعول شخصی + have یا make + فاعل

I had that man repair my car. — من دادم اون مرد ماشینمو تعمیر کنه.
She has Mary cut her hair. — اون می ده مری موهاشو کوتاه کنه.

ب. با get

بعد از get مصدر با to به کار می رود.

مفعول غیر شخص + شکل ساده فعل + to + مفعول شخصی + get + فاعل

I got that man to repair my car. — من دادم اون مرد ماشینمو تعمیر کنه.
She gets Mary to cut her hair. — اون می ده مری موهاشو کوتاه کنه.



Practice (1)

Change these sentences to the causative form first with *have* and then with *get*.
این جملات را ابتدا با استفاده از have و سپس get به شکل سببی تبدیل کنید.

1. I cut my hair once a month.
   (I have my hair cut once a month. I get my hair cut once a month.)
   ۱.من ماهی یک بار موهایم را کوتاه می کنم. (من ماهی یکبار می دم موهامو کوتاه کنن.)
2. We'll change the oil in our car soon.
3. I should clean and wax the kitchen floor.
4. You typed those letters yesterday.
5. They checked the oxygen level in their fish tank.
6. Phil is going to dry-clean his winter coat.
7. Did she repair her typewriter?
8. I should repair the hole in my shoes.

۲.ما به زودی روغن ماشین مان را عوض خواهیم کرد. ۳.من باید کف آشپزخانه را تمیز کنم و واکس بزنم. ۴.تو دیروز آن نامه ها را تایپ کردی. ۵.آنها میزان اکسیژن مخزن ماهی ها را چک کردند. ۶.فیل قصد دارد کت زمستانی اش را خشک شویی کند. ۷.آیا او ماشین تحریرش را تعمیر کرد؟ ۸.من باید سوراخ کفش هایم را تعمیر کنم.



Practice (2)

Change the following sentences like the example.
مانند مثال جملات سببی مجهول را به سببی معلوم تبدیل کنید.

1. I had my radio repaired.
   (I had a repairman repair my radio OR I got a repairman to repair my radio.)
   ۱. من رادیویم را برای تعمیر دادم.
   (من رادیویم را برای تعمیر به یک تعمیرکار دادم.)
2. I got my watch fixed.
3. I had my coat washed.
4. She has her room cleaned.
5. we will have our house painted.
6. You should have your teeth cleaned.



You should have a dentist clean your teeth.
You should get a dentist to clean your teeth.

۲.من ساعتم را برای تعمیر دادم. ۳.من کتم را برای شستشو دادم. ۴.او می دهد اطاقش را تمیز کنند. ۵.ما خانه مان را خواهیم داد رنگ کنند. ۶.شما باید بدهید دندان هایتان را جرم گیری کنند.



Exclamations
شکل تعجبی

برای تاکید بر یک اسم از what یا what a استفاده می کنیم. در آخر جمله هم علامت تعجب (!) را قرار می دهیم.

What beauty! — چه قشنگ!
What a beautiful painting! — چه نقاشی قشنگی!

برای تاکید بر یک صفت یا قید در جمله، از how استفاده می کنیم. در آخر جمله هم علامت تعجب (!) را قرار می دهیم.

How fantastic! — چقدر جالب!
How well she swims! — چقدر خوب شنا می کنه!
How tall he is! — چه بلند قده!



Practice

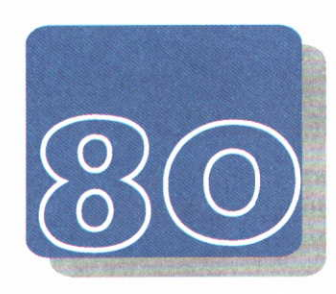
Change these sentences to exclamations. **این جملات را به شکل تعجبی دربیاورید**

1. David reads fast.
   (How fast David reads!)
   ۱.دیوید تند می خواند.
   (دَیوید چقدر تند می خواند!)
2. It's a beautiful day.
3. He is a good-looking boy.
4. Gail plays golf well.
5. They speak English fluently.
6. Pauline is tall.
7. It is hot today.
8. It is a hot day.
9. You have good taste in clothes.
10. That's a gorgeous car.
11. She is a lucky card player.
12. We're having beautiful weather now.
13. David looks very old.
14. It was an interesting movie.
15. The lake is very wide.
16. That was very strange behavior.

۲.روز قشنگیه. ۳.اون پسر خوش تیپیه. ۴.گیل خوب گلف بازی می کنه. ۵.آنها انگلیسی را به راحتی صحبت می کنند. ۶.پولین قد بلند است. ۷.امروز هوا گرم است. ۸.روز گرمی است. ۹.شما سلیقه خوبی در لباس دارید. ۱۰.اون ماشین شیکیه. ۱۱.او ورق باز خوش شانسی است. ۱۲.ما حالا هوای خوبی داریم. ۱۳.دیوید خیلی پیر به نظر می رسد. ۱۴.این فیلم جالبی بود. ۱۵.دریاچه خیلی عریض است. ۱۶.آن رفتار بسیار عجیبی بود.



How old David looks!



Emphasis
شکل تاکیدی

برای نشان دادن تاکید و یا بیان احساس قوی از do, does یا did بعلاوه شکل ساده فعل استفاده می کنیم.

She knows them. — اون اونارو میشناسه.
She does know them. — اون اونارو خوب میشناسه. (واقعا میشناسه)
I called you. — من بهت زنگ زدم.
I did call you. — من جدا بهت زنگ زدم.

برای تاکید بر افعال امر از do قبل از فعل استفاده می کنیم.

Sit down. — بنشینید.
Do sit down. — بشین. (با حالت عصبانیت یا تاکید)
Get out. — بفرمایید بیرون.
Do get out. — برو بیرون. (با حالت عصبانیت یا تاکید)



Practice

Make these sentences more emphatic by changing the italicized verb.
برای تاکیدِ بیشترِ این جملات، افعال ایتالیک را تغییر دهید.

1. She *lives* on a houseboat. I'm sure of it.
   (She does live on a houseboat. I'm sure of it.)
   ۱.او در یک خانه قایقی زندگی می کند. من به این موضوع اطمینان دارم.
   (او واقعا در یک خانه قایقی زندگی می کند. من به این موضوع اطمینان دارم.)
2. I *wrote* that letter. I am positive of it.
3. Ed *took* the book. He told me so.
4. But we *studied* that exercise.
5. You're mistaken. I *want* to learn English.
6. I *did* it yesterday.
7. *Call* me again sometime.
8. I maintain that she *lives* in West Virginia.
9. Sam didn't visit me, but he *called* me on the phone.
10. Columbus didn't reach the India, but he *reached* a new continent.
11. Maps were very poor then, but they *showed* that the earth was round.
12. Rick doesn't study hard, but he *attends* class regularly.

13. I didn't go away on my vacation, but I *had* a good rest.
14. *Bring* Sue with you the next time you come.
15. *Visit* us again sometime.
16. She really *seems* to enjoy her new guitar.

۲.من آن نامه را نوشتم.در این مورد مطمئنم. ۳.اد کتاب را برد. او اینطور به من گفت. ۴.اما ما آن تمرین را مطالعه کردیم. ۵.تو در اشتباهی. من می خواهم انگلیسی یاد بگیرم. ۶.من این کار را دیروز انجام دادم. ۷.دوباره وقت دیگر به من زنگ بزن. ۸.من فکر می کنم که او در ویرجینیای غربی زندگی می کند. ۹.سم با من ملاقات نکرد، اما تلفنی با من تماس گرفت. ۱۰. کلمب به هند نرسید، اما به یک قاره جدید رسید. ۱۱.در آن زمان نقشه ها خیلی ضعیف بودند، اما آنها نشان می دادند که زمین گرد است. ۱۲.ریک سخت درس نمی خواند، اما او به طور مرتب در کلاس حاضر می شود. ۱۳.من برای تعطیلاتم نرفتم، اما استراحت خوبی داشتم. ۱۴.بار دیگر که می آیی سو را با خودت بیاور. ۱۵.دوباره یک وقت دیگر به ما سر بزن. ۱۶.او واقعا به نظر می رسد از گیتار جدیدش لذت می برد.



*Sam didn't visit me, but he **did** call me on the phone.*



Position of Prepositions (1)

جای حروف اضافه در جملات (۱)



حروف اضافه را همواره در آخر جمله قرار دهید. حروف اضافه را هیچگاه در اول جمله قرار ندهید.

What are they looking at?	آنها دارند به چی نگاه می کنند؟
What country does he come from?	او اهل کدام کشور است؟

think about (of)	فکر کردن درباره
born in	بدنیا آمدن در
speak to (with)	صحبت کردن با
look for	گشتن به دنبال
belong to	تعلق داشتن به
use for	استفاده کردن برای
eat in (at)	خوردن در
buy in (at)	خریدن از
written by	نوشته شده توسط
go to	رفتن به
sell to	فروختن به
look at	نگاه کردن به
point to (at)	اشاره کردن به
come from	آمدن از، اهل ... بودن
smile at (about)	لبخند زدن به
borrow from	قرض گرفتن از
agree with	موافق بودن با
live on	زندگی کردن در (محله یا خیابان)
room with	هم اطاق بودن با

Practice (1)

Supply the necessary prepositions at the end of these sentences.

حروف اضافه لازم را در آخر این جملات به کار برید.

1. What are they talking .... ?
   (What are they talking about?)

۱. (آنها در باره چه چیزی صحبت می کنند؟)

2. What are you thinking .... ?
3. What country was he born .... ?
4. Whom (who) do you wish to speak .... ?
5. What kind of car are you looking .... ?
6. Whom (who) does this book belong .... ?
7. What are they going to use the money .... ?
8. Which restaurant do you want to eat .... ?
9. Which shop did she buy the dress .... ?
10. Whom (who) was the book written .... ?
11. Which hotel did he go .... ?
12. Whom (who) did they sell their house .... ?
13. Which magazine do you want to look .... ?
14. What is the guide pointing .... ?
15. Which room do you have your lesson .... ?
16. Where did all that dirt come .... ?
17. What are you smiling .... ?

۲.تو بـه چه چیزی فکر می کنی؟ ۳.او در چه کشـوری بـه دنیا آمد؟ ۴.تو میل داری بـا چه کسـی صحبـت کنی؟ ۵.تو داری دنبـال چه جور ماشـینی می گردی؟ ۶.این کتاب بـه چه کسـی تعلق دارد؟ ۷.آنها پول را بـرای چه کاری می خواهند مصرف کنند؟ ۸.تو می خواهی در کدام رستوران غذا بـخوری؟ ۹.او پیراهن را از کدام مغازه خرید؟ ۱۰.کتاب دربـاره چه کسی نوشته شـد؟ ۱۱.او بـه کدام هتل رفت؟ ۱۲.آنها خانه شـان را بـه چه کسـی فروختند؟ ۱۳.تو می خواهی کدام مجله را نگاه کنی؟ ۱۴.راهنما به چه چیزی اشاره می کند؟ ۱۵.کلاس درستان را در کدام اطاق برگزار می کنید؟ ۱۶.همه آن کثیفی از کجا آمد؟ ۱۷.تو به چه چیزی لبخند می زنی؟

Position of Prepositions (2)

جای حروف اضافه در جملات (۲)

الف : هرگاه ضمیر موصولی در جمله ای به کار رود که مفعول آن حرف اضافه است، حرف اضافه معمولا در آخر جمله ظاهر می شود.

This is the textbook which I was talking about.
(which: ضمیر موصولی — about: حرف اضافه)

این کتاب درسی است که من در موردش صحبت می کردم.

Mary was the accountant whom you spoke to.
ضمیر موصولی — حرف اضافه
مری حسابداری بود که شما با او صحبت کردید.

ب : در چنین ساختار هائی می توان ضمیر موصولی را حذف کرد.

This is the textbook I was talking about.
حرف اضافه
این کتاب درسی است که من در موردش صحبت می کردم.

Mary was the accountant you spoke to.
حرف اضافه
مری حسابداری بود که شما با او صحبت کردید.



Practice (2)

Change the preposition's position from before the relative pronoun to the end of the sentence or clause.

جای حروف اضافه را از قبل ضمیر موصولی به آخر جمله یا شبه جمله تغییر دهید.

1. This is the book about which everyone is talking.
   (This is the book which everyone is talking about.)
   ۱.(این کتابی است که همه درباره آن صحبت می کنند.)
2. The man to whom you were speaking is Dr. Evans.
3. This is the room in which they found the clue.
4. He is the kind of salesman from whom it is difficult to get away.
5. The person to whom you should speak is Miss Williams.
6. It is a subject on which we will never agree.
7. The thing about which they were arguing was really of little importance.
8. It is a place in which you feel at home.
9. It was Bob for whom we had to wait so long.
10. It was Liz from whom he borrowed the money.
11. The room in which we study is on the second floor.
12. This is the street on which they live.
13. I finally found the book for which I was looking.
14. The students with whom she studies are mainly from South America.
15. The fellow with whom I roomed was from Chicago.

۲.مردی که شما با او صحبت می کردید دکتر ایوانز است. ۳.این اطاقی است آنها سر نخ را در آن یافتند. ۴.او از آن دسته فروشندگانی است که فرار کردن از دست او مشکل است. ۵.شخصی که شما باید با او صحبت کنید خانم ویلیامز است. ۶.این موضوعی است که ما هرگز در آن مورد به توافق نخواهیم رسید. ۷.چیزی که آنها درباره آن بحث می کردند واقعا از اهمیت کمی برخوردار بود. ۸.این جایی است که شما در آن احساس راحتی می کنید. ۹.این باب بود که ما باید مدت ها منتظرش می ماندیم. ۱۰.این لیز بود که او از او پول قرض گرفت. ۱۱.اطاقی که ما در آن درس می خوانیم در طبقه دوم است. ۱۲.این خیابانی است که آنها در آن زندگی می کنند. ۱۳.من بالاخره کتابی را که دنبالش می گشتم پیدا کردم. ۱۴.دانشجویانی که او با آنها درس می خواند در اصل اهل آمریکای جنوبی هستند. ۱۵.شخصی که من با او هم اطاق شدم اهل شیکاگو بود.

Practice (3)

Change the position of the preposition and drop the relative pronoun in the sentences in Exercise 2.

در جملات تمرین ۲ جای حرف اضافه را تغییر داده و ضمیر موصولی را حذف کنید.

1. This is the book about which everyone is talking.
   (This is the book everyone is talking about.)

۱.(این کتابی است که همه در باره آن صحبت می کنند.)



This is the book everyone is talking about



Special Usage Notes (1)

نکات کاربردی ویژه (۱)

1.Advice/ Advise — ۱.پیشنهاد، نصیحت/ پیشنهاد کردن

advice اسم بوده و advise فعل می باشد.

The counselor advised me to take a writing course; I'll follow her advice.
مشاور به من پیشنهاد کرد که یک دوره نگارش را انتخاب کنم؛ من پیشنهاد او را خواهم پذیرفت.

2.As far as/ Until — ۲.تا، تا جاییکه، به اندازه/ تا زمانیکه

as far as اشاره به فاصله مکانی دارد، اما until اشاره به زمان دارد.

She walked as far as the corner and then turned back.
او تا سر نبش پیاده رفت و سپس بر گشت.

She said she could stay only until ten o'clock.
او گفت می توانست فقط تا ساعت ده بماند.

3.Beat/ Win — ۳.شکست دادن/ برنده شدن

beat به مفهوم شکست دادن یک تیم یا یک رقیب است. اما win به مفهوم برنده شدن است.

Tracey won the tennis match by beating Sandra in three sets.
تریسی در بازی تنیس با شکست دادن ساندرا در سه ست برنده شد.

4.Do/ Make — ۴.کامل کردن/ اجرا کردن

make و do با کلمات مختلف به عنوان اصطلاح عمل کرده و معانی متفاوت را می سازند.

This morning I made the bed and then made breakfast. Afterwards, I did the dishes.
من امروز صبح تختخواب را مرتب کردم و سپس صبحانه درست کردم. بعد از آن، ظرف ها را شستم.

I always do the housework before I do my exercises.
من همیشه قبل از انجام تمریناتم کار خانه را انجام می دهم.

I made a phone call, but I made a mistake when I dialed.
من یک مکالمه تلفنی انجام دادم، اما هنگام شماره گرفتن اشتباه کردم.

5.In/ Into — ۵.در داخل/ به داخل

in اشاره به موقعیتی در فضایی معین دارد؛ در حالیکه into اشاره به عملی به سمت نقطه ای معین دارد.

I made sure there was water in the pool before I dived into it.

من قبل از اینکه به داخل استخر شیرجه روم، اطمینان حاصل کردم که در داخل آن آب است.

6.Rob/ Steal — ۶.دستبرد زدن به کسی یا جایی/ دزدیدن چیزی

They robbed the bank and then stole a car to get away.

آنها بانک را زدند و سپس یک ماشین دزدیدند تا فرار کنند.

7.Pour/ Spill — ۷.ریختن عمدی/ ریختن غیر عمدی

As I was pouring my tea into my cup, I spilled some on the floor.

زمانی که داشتم چای را درون فنجانم می ریختم، مقداری را کف اطاق ریختم.

Practice (1)

Choose the word in parentheses which correctly complete each sentence.

کلمه داخل پرانتز را که کامل کننده درست هر جمله باشد، انتخاب کنید.

1. We rode the bus (as far as, until) the waterfront.
   (We rode the bus as far as the waterfront.)
   ۱. (ما تا ساحل با اتوبوس رفتیم.)
2. I hope I don't (do, make) a mistake on my final exam.
3. What do you (advice, advise) me to do?
4. Unknowingly, she walked right (in, into) their trap.
5. My sister usually (beats, wins) me when we play Ping-Pong.
6. James tripped and (poured, spilled) his soup.
7. Yesterday someone (robbed, stole) my briefcase.
8. This class lasts (as far as. until) 9:30.
9. Stephanie is always ready to give us her (advice, advise).
10. The bartender carefully (poured, spilled) the martini from the pitcher.
11. Did the thieves (rob, steal) your parents' home again?
12. The money was already (in, into) the drawer.
13. Did you (do, make) lasagna for dinner last night?
14. Who (does, makes) the dishes in your house, you or your brother?
15. I don't usually (beat, win) when I play chess, but I'm learning.
16. I (advice, advise) you to (pour, spill) some of the milk out of that bowl in order to avoid (pouring, spilling) it.

17. Who (robbed, stole) the calculator I left (in, into) my desk?
18. He rode with me (as far as, until) Lake Ontario.
19. Our team usually (beats, wins) theirs easily.



I hope I don`t make a mistake on my final exam.

۲.من امیدوارم که در امتحان پایان ترمم اشتباه نکنم. ۳.پیشنهاد می کنید من چه کار کنم؟ ۴.او بدون آگاهی مستقیما در دام آنها افتاد. ۵.خواهرم معمولا زمانی که ما پینگ پنگ بازی می کنیم مرا شکست می دهد. ۶.جیمز سکندری خورد و سوپش را ریخت. ۷.دیروز یک نفر کیفم را دزدید. ۸.این کلاس تا ساعت ۹:۳۰ ادامه دارد. ۹.استیفانی همیشه آماده است ما را نصیحت کند. ۱۰.متصدی بار مارتینی را با دقت از پارچ ریخت. ۱۱.آیا دزدان دوباره به خانه پدر و مادرت دستبرد زدند؟ ۱۲.پول قبلا در کشو بود. ۱۳.آیا دیشب برای شام لازانیا درست کردی؟ ۱۴.چه کسی در خانه تان غذا درست می کند، شما یا برادرتان؟ ۱۵.من معمولا هنگام بازی شطرنج برنده نمی شوم، اما من در حال یادگرفتن هستم. ۱۶.من پیشنهاد می کنم که شما مقداری از شیر داخل کاسه را بیرون بریزید تا از ریختن آن اجتناب کنید. ۱۷.چه کسی ماشین حسابی را که من در میزم جا گذاشتم دزدید؟ ۱۸.اوتا لِیک اُنتاریو با من آمد. ۱۹.تیم ما معمولا به آسانی تیم آنها را شکست می دهد.

Special Usage Notes (2)

نکات کاربردی ویژه (۲)

1.Beside/ Besides — ۱.در کنار/ علاوه بر

Besides me, three others went on the trip. I sat beside Bart on the bus.

علاوه بر من، سه نفر دیگر به سفر رفتند. من در اتوبوس در کنار بارت نشستم.

2.Few/ less — ۲.تعداد خیلی کم/ مقدار خیلی کم

few فقط با اسم های قابل شمارش استفاده می شود.

less فقط با اسم های غیر قابل شمارش به کار برده می شود.

few books — تعداد خیلی کمی کتاب
few pencils — تعداد خیلی کمی مداد
less time — وقت خیلی کم
less sugar — مقدار خیلی کمی شکر

3.Few/A few Little/A little — ۳.تعداد خیلی کم/ تعدادی مقدار خیلی کم/ مقداری

few و less معنی منفی دارند و بر عدم وجود تعداد و یا مقدار چیزی یا کسی دلالت دارند a few و a little بر وجود چیزی یا کسی دلالت دارند و معادل some هستند.

He has many enemies and few friends.
او دشمنان بسیار و دوستان خیلی کمی دارد. (تقریبا دوستی ندارد.)

He is not completely alone. He still has a few friends.
او کاملا تنها نیست. او هنوز چند دوست دارد.

He has a lot of money. I have little money.
او مقدار زیادی پول دارد. من پول خیلی کمی دارم. (تقریبا پولی ندارم.)

I have some money. He has a little money too.
من مقداری پول دارم. او هم مقداری پول دارد.

4.Forget/Leave — ۴.فراموش کردن/ جا گذاشتن چیزی در جایی

I have forgotten to bring my book. I left it at home.
من فراموش کرده‌ام کتابم را بیاورم. من آن را در خانه جا گذاشتم.

5.No/ Not

no صفت است و برای توصیف اسم به کار می رود و معادل not any می باشد.
not قید است و برای توصیف فعل به کار می رود.
not قبل از much, many, any, enough و همچنین حروف اضافه یا اعدادی که برای توصیف اسم به کار برده می شوند استفاده می شود.

She has no money and does not know their language.
او پولی ندارد و زبان آنها را نمی فهمد.

Not many people came; there were probably not even 50 there.
مردم زیادی نیامدند، احتمالا حتی ۵۰ نفر در آنجا نبودند.

6.Too/ Very — ۶.خیلی

very به معنی مقدار یا تعداد زیاد است. اما too مفهوم بیشتر یا کمتر از آنچه که مورد نیازمان می باشد، را می دهد. too معنی منفی دارد.

This book is very big, but it will go into my pocket.
این کتاب خیلی بزرگ است، اما به داخل جیبم می رود.

This book is too big to go into my pocket.
این کتاب آنقدر بزرگ است که به داخل جیبم نمی رود.

7.Used to/To be used to ۷.قبلا/ عادت داشتن

used to به معنی سابقا نشان دهنده انجام عملی در گذشته است که حالا صورت نمی پذیرد. to be used to به معنی عادت داشتن است. بعد از used to فعل به صورت ساده، و پس از to be used to فعل به صورت ing به کار می رود.

John used to study with Miss Smith. جان سابقا با خانم اسمیث درس می خواند.

John is used to studying with Miss Smith and therefore doesn't wish to change his teacher.

جان عادت دارد که با خانم اسمیث درس بخواند و بنابراین دلش نمی خواهد که معلمش را عوض کند.

(برای یادآوری کاربرد used to به فصل ۵۶ رجوع کنید.)



Practice (2)

Choose the word in parentheses which correctly completes each sentence. کلمه داخل پرانتز را که کامل کننده درست هر جمله باشد، انتخاب کنید.

1. Victor spends (few, little) time on his English.
   (Victor spends little time on his English.)
   ۱. (ویکتور وقت بسیار کمی را صرف زبان انگلیسی اش می کند.)
2. I (am used to, used to) riding on the subway; I don't mind it.
3. This soup is (too, very) hot to eat.
4. This is a (too, very) heavy chair, but I think I can move it.
5. Now that we have five children, we have (few, less) room than before.
6. Four girls (beside, besides) Sally left for camp on the bus.
7. Connie sits (beside, besides) me in my chemistry class.
8. I (left, forgot) my coat at school today.
9. There are (no, not) Eskimos in our class.
10. There are (no, not) many Eskimos in our class.
11. There is (no, not) enough support for our program; thus, we do (no, not) have the money to remain open.
12. Steve is so silly that he often (leaves, forgets) his own name.
13. That family has (few, little) money, but they still have (few, a few) acres of land which they can farm.
14. I (used, am used) to smoke cigarettes, but I stopped.
15. She made (few, little) mistakes on her test.
16. We (used to, are used to) this room and prefer not to change.
17. If people can't trust you, you will have (few, a few) friends.
18. This bulb is (too, very) big to go into the socket.



She made few mistakes on her test.

۲.من عادت دارم مترو سوار شوم؛ من در این مورد مشکلی ندارم. ۳.این سوپ برای خوردن خیلی داغ است. ۴.این صندلی بسیار سنگین است، اما من فکر می کنم بتوانم آن را حرکت دهم. ۵.حالا که ما پنج فرزند داریم، کمتر از قبل جا داریم. ۶.چهار دختر بعلاوه سلی با اتوبوس عازم اردوگاه شدند. ۷.کانی در کلاس شیمی کنار من می نشیند. ۸.من امروز کتم را در مدرسه جا گذاشتم. ۹.هیچ اسکیمویی در کلاس ما نیست. ۱۰.تعداد زیادی اسکیمو در کلاس ما وجود ندارد. ۱۱. برای برنامه ما پشتیبان به اندازه کافی وجود ندارد.؛ بنابراین، ما برای ادامه کار پولی نداریم. ۱۲.استیو به قدری کودن است که اغلب نام خودش را فراموش می کند. ۱۳.آن خانواده پول خیلی کمی دارند، اما آنها هنوز چند جریب زمین دارند که بتوانند کشاورزی کنند. ۱۴.من قبلا سیگار می کشیدم، اما ترک کردم. ۱۵.او در امتحانش خیلی کم اشتباه کرد. ۱۶.ما به این اطاق عادت داریم و ترجیح می دهیم آن را عوض نکنیم. ۱۷.اگر مردم نتوانند به شما اعتماد کنند، شما دوستان خیلی کمی خواهید داشت. ۱۸.این حباب برای این که در سرپیچ جا بگیرد خیلی بزرگ است.

Special Usage Notes (3)

نکات کاربردی ویژه (۳)

1.Borrow/Lend — ۱.قرض گرفتن/ قرض دادن

Lend me your pen, please; I only want to borrow it for a minute.

لطفا خودکارت را به من قرض بده، من فقط برای یک دقیقه می خواهم آن را قرض بگیرم.

2.Despite/ In spite of — ۲.علیرغم

کاربرد هر دو کلمه یکی است.

He came despite the rain.
He came in spite of the rain.

او علیرغم بارش باران آمد.

He came despite the fact that it was raining.
He came in spite of the fact that it was raining.

او علیرغم این واقعیت که باران می بارید آمد.

3.Speak/ Talk
۳.صحبت کردن/گفتگو کردن

speak با زبان های مختلف، هنگام سلام و احوالپرسی، و در موقعیت های رسمی استفاده می شود. talk در هنگام مکالمات و اغلب با to بعلاوه مفعول استفاده می شود.

Jane speaks Portuguese; she'll speak to our group tonight.
جین پرتقالی صحبت می کند؛ او امشب با گروه ما صحبت خواهد کرد.

Don't talk during the film. If you want to talk to me, wait until it's over.
در طول نمایش فیلم صحبت نکن. اگر می خواهی با من صحبت کنی، صبر کن تا فیلم تمام شود.

4.Teach/ Learn
۴.درس دادن/ یاد گرفتن

I learned French last year; now I'll teach it to you.
من پارسال زبان فرانسه را یاد گرفتم؛ حالا این (زبان)را به تو یاد خواهم داد.

5.Infinitive without To
۵.مصدر بدون to

بعد از افعالی نظیر feel, see, let, hear و make مصدر بدون to به کار می رود.

He let me borrow his bicycle.
او به من اجازه داد دوچرخه اش را قرض بگیرم.

She made us wait an hour.
او ما را وادار کرد یک ساعت منتظر بمانیم.

6.Negative Openings
۶.شروع منفی

در زبان انگلیسی اگر جمله ای با کلمات منفی مانند never, hardly, not, nowhere و غیره شروع شود، قبل از فاعل از افعال کمکی استفاده می کنیم.

I have never heard such music.
Never have I heard such music.
من هرگز چنین موسیقی را نشنیده ام.

I see her nowhere.
Nowhere do I see her.
من او را هیچ جائی نمی بینم.

7.Singular and Plural Forms in Measurements
۷.شکل های مفرد و جمع در اندازه گیری

زمانی که کلمات foot, dollar, year و غیره به عنوان صفت استفاده می شوند، آنها را به صورت مفرد به کار می بریم.

He signed a five-year contract.
او یک قرارداد پنج ساله را امضاء کرد.

اما اگر این کلمات به تنهایی به عنوان اسم استفاده شوند، شکل جمع آنها را به کار می بریم.

This contract runs for five years.
این قرارداد به مدت پنج سال اجرا می شود.

Practice (3)

Choose the word in parentheses which correctly completes each sentence.

کلمه داخل پرانتز را که کامل کننده درست هر جمله باشد انتخاب کنید.

1. The painters are using a twenty (feet, foot) ladder to climb up that building.
   (The painters are using a twenty-foot ladder to climb up that building.)
   ۱. (نقاشان برای بالا رفتن از آن ساختمان از یک نردبان بیست فوتی استفاده می کنند.)
2. I want to (borrow, lend) your car for an hour. Will you please (borrow, lend) it to me?
3. What languages do you (speak, talk)?
4. Let's (speak, talk) about this homework assignment, it's difficult.
5. Who (taught, learned) you how to ice-skate?
6. We went for a walk (despite, despite the fact) that the weather was bad.
7. Never (I have seen, have I seen) Justin so angry.
8. Amanda is going to (teach, learn) me how to play tennis.
9. What have you (learned, taught) from your teacher this year?
10. I saw the thief (to take, take) the money.
11. Not once (the speaker mentioned, did the speaker mention) the subject of foreign aid.
12. The doctor made us (wait, to wait) two hours in her office.
13. Nowhere (you could find, could you find) a more generous person.
14. Kareem is a seven (feet, foot) tall basketball player. When he was fifteen years old he was already six (feet, foot) tall.
15. (In spite of, In spite of the fact) that he was ill, Gerald attended each session of the conference.
16. I haven't heard them (make, to make) a sound for hours.
17. How long did Professor Morgan (talk, speak) at the dinner last night?
18. My sister never has enough money; she is always (lending, borrowing) some from me until her next paycheck.
19. We sang (despite, despite the fact) the cold.

۲.من می خواهم برای یک ساعت ماشینتان را قرض بگیرم. میشه لطفا این را به من قرض بدهید؟ ۳.شما به چه زبان هائی صحبت می کنید؟ ۴.بیایید درباره تکلیف مدرسه صحبت کنیم؛ این مشکل است. ۵.چه کسی اسکیت روی یخ را به شما یاد داد؟ ۶.ما علی رغم این واقعیت که هوا بد بود برای پیاده روی رفتیم. ۷.من هرگز جاستین را اینقدر عصبانی ندیده ام. ۸.آماندا قصد دارد تنیس بازی کردن را به من یاد بدهد. ۹.تو امسال از معلمت چه یاد گرفته ای؟ ۱۰.من دزد را دیدم که پول را برداشت. ۱۱.سخنران اصلا موضوع کمک خارجی را ذکر نکرد. ۱۲.دکتر وادارمان کرد که دو ساعت در مطبش منتظر بمانیم. ۱۳.شما نمی توانید در هیچ جا سخاوتمندتر از این فرد را پیدا کنید. ۱۴.کریم یک بسکتبالیست با هفت فوت قد است. قبلا زمانی که او پانزده ساله بود شش فوت قد داشت. ۱۵.علیرغم این حقیقت که جرالد بیمار بود، او در همه جلسات کنفرانس شرکت کرد. ۱۶.من ساعت هاست که نشنیده ام آنها صدایی ایجاد کنند. ۱۷.دیشب هنگام شام پرفسور مورگان چه مدتی صحبت کرد؟ ۱۸.خواهرم هیچ وقت پول کافی ندارد؛ او همیشه تا دریافت حقوق بعدی اش از من مقداری پول قرض می گیرد. ۱۹.ما علیرغم سرما آواز خواندیم.



Irregular verbs

سه قسمت مهم ترین افعال بی قاعده

حال ساده (شکل ساده)		گذشته ساده		اسم مفعول (قسمت سوم فعل)		
arise	اِرایز	arose	اِرُز	arisen	اِریزِن	برخاسته، بلند شده
awake	اِویک	awoke	اِوُک	awakened	اِویکِند	بیدار شده، بیدار کرده
bear	بِ(ر)	bore	بُ(ر)	born	بُ(ر)ن	تحمل کرده، متولد شده
beat	بیت	beat	بیت	beaten	بیتِن	زده
become	بیکام	became	بیکِیم	become	بیکام	شده
begin	بیگین	began	بیگَن	begun	بیگان	شروع کرده
bend	بِند	bent	بِنت	bent	بِنت	خم شده
bet	بِت	bet	بِت	bet	بِت	شرط بسته
bind	بایند	bound	بَوند	bound	بَوند	گره زده، مجبور کرده
bite	بایت	bit	بیت	bitten	بیتِن	گاز گرفته
bleed	بْلید	bled	بْلِد	bled	بْلِد	خون آمده
blow	بْلُو	blew	بْلو	blown	بْلُون	وزیده
break	بْرِیک	broke	بْرُک	broken	بْرُکِن	شکسته
bring	بْرینگ	brought	بْرات	brought	بْرات	آورده
build	بیلد	built	بِلت	built	بِلت	ساخته
burst	بِ(ر)ست	burst	بِ(ر)ست	burst	بِ(ر)ست	ترکیده
cast	کَست	cast	کَست	cast	کَست	انداخته
catch	کَچ	caught	کات	caught	کات	گرفته
choose	چوز	chose	چُوز	chosen	چُوزِن	انتخاب کرده
cling	کلینگ	clung	کْلانگ	clung	کْلانگ	چنگ زده
come	کام	came	کِیم	come	کام	آمده
cost	کاست	cost	کاست	cost	کاست	ارزیده
creep	کْریپ	crept	کْرِپت	crept	کْرِپت	خزیده
cut	کات	cut	کات	cut	کات	بریده
dare	دِ(ر)	dared	دِ(ر)د	dared	دِ(ر)د	جرات کرده
deal	دیل	dealt	دِلت	dealt	دِلت	معامله کرده
dig	دیگ	dug	داگ	dug	داگ	کنده
do	دو	did	دید	done	دان	انجام داده
draw	دْرا	drew	دْرو	drawn	دْران	رسم کرده
dream	دْریم	dreamt	دْرِمت	dreamt	دْرِمت	خواب دیده
drink	دْرینک	drank	دْرَنک	drunk	دْرانک	نوشیده
drive	دْرایو	drove	دْرُو	driven	دْریوِن	رانندگی کرده

حال ساده (شکل ساده)		گذشته ساده		اسم مفعول (قسمت سوم فعل)		
eat	ایت	ate	اِیت	eaten	ایتِن	خورده
fall	فال	fell	فِل	fallen	فالِن	افتاده
feed	فید	fed	فِد	fed	فِد	خورانده
feel	فیل	felt	فِلت	felt	فِلت	احساس کرده
fight	فایت	fought	فات	fought	فات	جنگیده
find	فایند	found	فَوند	found	فَوند	پیدا کرده
fling	فْلینگ	flung	فْلانگ	flung	فْلانگ	محکم پرتاب کرده
fly	فْلای	flew	فْلو	flown	فْلون	پرواز کرده
forget	فَ(ر)گِت	forgot	فَ(ر)گات	forgotten	فَ(ر)گاتِن	فراموش کرده
forgive	فَ(ر)گیو	forgave	فَ(ر)گِیو	forgiven	فَ(ر)گِوِن	بخشیده
freeze	فْریز	froze	فْرُز	frozen	فْرُزِن	یخ زده
get	گِت	got	گات	gotten(got)	گاتِن (گات)	رسیده، شده
give	گیوْ	gave	گِیوْ	given	گیوِن	داده
go	گُو	went	وِنت	gone	گان	رفته
grind	گْرایند	ground	گْرَوند	ground	گْرَوند	آسیاب کرده
grow	گْرُو	grew	گْرو	grown	گْرُون	رشد کرده
hang	هَنگ	hung	هانگ	hung	هانگ	آویزان کرده
have	هَوْ	had	هَد	had	هَد	داشته، خورده
hear	هی یِ(ر)	heard	هِ(ر)د	heard	هِ(ر)د	شنیده
hide	هاید	hid	هِد	hidden	هِدِن	پنهان کرده
hit	هِت	hit	هِت	hit	هِت	زده
hold	هُلد	held	هِلد	held	هِلد	نگه داشته، برگزار کرده
hurt	هِ(ر)ت	hurt	هِ(ر)ت	hurt	هِ(ر)ت	صدمه زده
keep	کیپ	kept	کِپت	kept	کِپت	نگه داشته
know	نُو	knew	نو، نیو	known	نُون	شناخته ، دانسته
lay	لِی	laid	لِید	laid	لِید	گذاشته
lead	لید	led	لِد	led	لِد	هدایت کرده
leave	لیوْ	left	لِفت	left	لِفت	رفته
lend	لِند	lent	لِنت	lent	لِنت	قرض داده
let	لِت	let	لِت	let	لِت	اجازه داده
lie	لای	lay	لِی	lain	لِین	دراز کشیده
light	لایت	lit (lighted)	لِت (لایتِد)	lit (lighted)	لِت (لایتِد)	روشن کرده
lose	لوز	lost	لاست	lost	لاست	گم کرده
make	مِیک	made	مِید	made	مِید	درست کرده، شده
mean	مین	meant	مِنت	meant	مِنت	منظور داشته، معنی داشته
meet	میت	met	مِت	met	مِت	ملاقات کرده

حال ساده (شکل ساده)		گذشته ساده		اسم مفعول (قسمت سوم فعل)		
owe	آو	owed	اُود	owed	اُود	بدهکار بوده
pay	پی	paid	پید	paid	پید	پرداخته
quit	کُ اِت	quit	کُ اِت	quit	کُ اِت	ترک کرده
read	رید	read	رِد	read	رِد	خوانده
ride	راید	rode	رُد	ridden	رِدِن	سوارشده
ring	رینگ	rang	رَنگ	rung	رانگ	زنگ زده
rise	رایز	rose	رُز	risen	رِزِن	بلند شده
run	ران	ran	رَن	run	ران	دویده
see	سی	saw	سا	seen	سین	دیده
seek	سیک	sought	سات	sought	سات	جستجو کرده
sell	سِل	sold	سُلد	sold	سُلد	فروخته
send	سِند	sent	سِنت	sent	سِنت	فرستاده
shake	شیک	shook	شُک	shaken	شیکِن	لرزیده / لرزانده
shave	شیو	shaved	شیوْد	shaved	شیوْد	تراشیده
shine	شاین	shone	شان	shone	شان	درخشیده
shoot	شوت	shot	شات	shot	شات	شلیک کرده
show	شُو	showed	شُوْد	showed/ shown	شُوْد/ شُوْن	نشان داده
shrink	شْرینک	shrank	شْرَنک	shrunk	شْرانک	چروک شده
shut	شات	shut	شات	shut	شات	بسته
sing	سینگ	sang	سَنگ	sung	سانگ	آواز خوانده
sink	سینک	sank	سَنک	sunk	سانک	غرق شده
sit	سیت	sat	سَت	sat	سَت	نشسته
set	سِت	set	سِت	set	سِت	چیده، غروب کرده
sleep	سْلیپ	slept	سْلِپت	slept	سْلِپت	خوابیده
slide	سْلاید	slid	سْلِد	slid	سْلِد	سریده، سرانده
slit	سْلِت	slit	سْلِت	slit	سْلِت	شکافته
speak	سْپیک	spoke	سْپُک	spoken	سْپُکِن	صحبت کرده
speed	سْپید	sped	سْپِد	sped	سْپِد	سرعت گرفته
spend	سْپِند	spent	سْپِنت	spent	سْپِنت	گذرانده
spin	سْپین	spun	سْپان	spun	سْپان	چرخیده
split	سْپلِت	split	سْپْلِت	split	سْپْلِت	شکافته
spread	سْپْرِد	spread	سْپْرِد	spread	سْپْرِد	گسترش یافته
spring	سْپْرینگ	sprang	سْپْرَنگ	sprung	سْپْرانگ	پریده، جهیده
stand	سْتَند	stood	سْتُد	stood	سْتُد	ایستاده
steal	سْتیل	stole	سْتُل	stolen	سْتُلِن	دزدیده
stick	سْتِک	stuck	سْتاک	stuck	سْتاک	چسبیده
sting	سْتینگ	stung	سْتانگ	stung	سْتانگ	نیش زده
strike	سْترایک	struck	سْتْراک	struck	سْتْراک	ضربه زده

حال ساده (شکل ساده)		گذشته ساده		اسم مفعول (قسمت سوم فعل)		
string	سْترینگ	strung	سْترانگ	strung	سْترانگ	رشته کرده
swear	سْوِ(ر)	swore	سْوُ(ر)	sworn	سْوُ(ر)ن	قسم خورده، فحش داده
sweep	سوئیپ	swept	سوِپت	swept	سوِپت	جارو کرده
swim	سوئیم	swam	سْوَم	swum	سْوام	شنا کرده
swing	سوئینگ	swung	سْوانگ	swung	سْوانگ	تاب خورده
take	تِیک	took	تُک	taken	تِیکِن	برده
teach	تیچ	taught	تات	taught	تات	یاد داده
tear	تِ(ر)	tore	تُ(ر)	torn	تُ(ر)ن	پاره کرده
tell	تِل	told	تُلد	told	تُلد	گفته
think	ثینک	thought	ثات	thought	ثات	فکر کرده
throw	ثرُ	threw	ثرو	thrown	ثرُون	انداخته
understand	آندِستَند	understood	آندِستُد	understood	آندِستُد	فهمیده
wake	وِیک	woke	وُک	woke	وُک	بیدار شده
wear	وِ(ر)	wore	وُ(ر)	worn	وُ(ر)ن	پوشیده
weave	ویو	wove	واو	woven	واوِن	بافته
wed	وِد	wed/ wedded	وِد/ وِدِد	wed/ wedded	وِد/ وِدِد	ازدواج کرده
weep	ویپ	wept	وِپت	wept	وِپت	گریه کرده
wet	وِت	wet/ wetted	وِت/ وِتِد	wet/ wetted	وِت/ وِتِد	خیس شده
win	وین	won	وان	won	وان	برنده شده
wind	وایند	wound	وَوند	wound	وَوند	پیچانده
wring	رینگ	wrung	رانگ	wrung	رانگ	فشرده شده
write	رایت	wrote	رُوت	written	رِتِن	نوشته



نمونه صرف افعال
(در زمان های مختلف)

توجه: برای یاد آوری بیشتر زمان ها به فصل های مربوطه مراجعه کنید.

فعل بی قاعده بودن (to be)

زمان حال ساده

I	am	we	are
you	are	you	are
he, she, it	is	they	are

زمان گذشته ساده

I	was	we	were
you	were	you	were
he, she, it	was	they	were

زمان آینده ساده

I	will be	we	will be
you	will be	you	will be
he, she, it	will be	they	will be

زمان حال کامل

I	have been	we	have been
you	have been	you	have been
he, she, it	has been	they	have been

زمان گذشته کامل

I	had been	we	had been
you	had been	you	had been
he, she, it	had been	they	had been

زمان آینده کامل

I	will have been	we	will have been
you	will have been	you	will have been
he, she, it	will have been	they	will have been

فعل با قاعده کار کردن (to work)

زمان حال ساده

I	work	we	work
you	work	you	work
he, she, it	works	they	work

زمان گذشته ساده

I	worked	we	worked
you	worked	you	worked
he, she, it	worked	they	worked

زمان آینده ساده

I	will work	we	will work
you	will work	you	will work
he, she, it	will work	they	will work

زمان حال کامل

I	have worked	we	have worked
you	have worked	you	have worked
he, she, it	has worked	they	have worked

زمان گذشته کامل

I	had worked	we	had worked
you	had worked	you	had worked
he, she, it	had worked	they	had worked

زمان آینده کامل

I	will have worked	we	will have worked
you	will have worked	you	will have worked
he, she, it	will have worked	they	will have worked

فعل با قاعده کار کردن (to work)

شکل استمراری

زمان حال استمراری

I	am working	we	are working
you	are working	you	are working
he, she, it	is working	they	are working

زمان گذشته استمراری

I	was working	we	were working
you	were working	you	were working
he, she, it	was working	they	were working

زمان آینده استمراری

I	will be working	we	will be working
you	will be working	you	will be working
he, she, it	will be working	they	will be working

زمان حال کامل استمراری

I	have been working	we	have been working
you	have been working	you	have been working
he, she, it	has been working	they	have been working

زمان گذشته کامل استمراری

I	had been working	we	had been working
you	had been working	you	had been working
he, she, it	had been working	they	had been working

زمان آینده کامل استمراری

I	will have been working	we	will have been working
you	will have been working	you	will have been working
he, she, it	will have been working	they	will have been working

فعل بی قاعده دیدن (to see)

شکل مجهول

زمان حال ساده

I	am seen	we	are seen
you	are seen	you	are seen
he, she, it	is seen	they	are seen

زمان گذشته ساده

I	was seen	we	were seen
you	were seen	you	were seen
he, she, it	was seen	they	were seen

زمان آینده ساده

I	will be seen	we	will be seen
you	will be seen	you	will be seen
he, she, it	will be seen	they	will be seen

زمان حال کامل

I	have been seen	we	have been seen
you	have been seen	you	have been seen
he, she, it	has been seen	they	have been seen

زمان گذشته کامل

I	had been seen	we	had been seen
you	had been seen	you	had been seen
he, she, it	had been seen	they	had been seen

زمان آینده کامل

I	will have been seen	we	will have been seen
you	will have been seen	you	will have been seen
he	will have been seen	they	will have been seen